



فرہنگِ ضویٰ

سال یازدہم، شماره چہل و سوم، پاییز ۱۴۰۲



رژیم و مکتبہ فرہنگ، بنو و ارتباطات
وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی



وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی



بنیاد فرہنگ و ارشاد اسلامی

فصلنامه علمی فرهنگ رضوی

سال یازدهم، شماره چهل و سوم، پاییز ۱۴۰۲

هیئت تحریریه:

سید محمد رضا احمدی طباطبائی

دانشیار همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

حسن بشیر

استاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

یحیی بوذری نژاد

دانشیار دانشگاه تهران

جلال درخشه

استاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

عبدالرضا سیف

استاد دانشگاه تهران

فرشاد شریعت

استاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

سید علیرضا واسعی

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمد هادی همایون

استاد همکار بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

ویراستار:

نعمت الله پناهی، محمد علی ندائی

ترجمه چکیده ها:

محمد رضا آرام

طراح و صفحه آرا:

فهیمه ناجی

صاحب امتیاز:

بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

مدیر مسئول: مرتضی سعیدی زاده

سر دبیر: جلال درخشه

مدیر اجرایی: محمد علی ندائی



نشانی:

مشهد مقدس، بلوار شهید کامیاب، شهید کامیاب

۳۴، پلاک ۳، بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام

رضا (علیه السلام)، دفتر نشریه. تلفن: ۳۲۲۸۳۰۴۴ - ۹

پایگاه اینترنتی فصلنامه و سامانه دریافت مقالات:

www.farhangerazavi.ir

بر اساس نامه شماره ۳/۱۸/۲۰۲۰۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ دفتر سیاست گذاری و برنامه ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه فرهنگ رضوی از شماره اول دارای اعتبار علمی - پژوهشی است.

بر اساس آیین نامه جدید نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که تمام نشریات مشمول این آیین نامه با عنوان «نشریه علمی» شناخته می شود، از این پس عنوان علمی - پژوهشی از فصلنامه فرهنگ رضوی حذف و تنها عنوان علمی درج می شود.

فصلنامه علمی فرهنگ رضوی در پایگاه های علوم استنادی جهان اسلام (ISC)، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags) و پایگاه اطلاعات نشریات کشور (magiran) نمایه می شود.

◀ درباره مجله

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا (علیه السلام) را می‌پذیرد.



◀ راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۲۰۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.

- یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله درج شود.

- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار، منبع و صفحه موردنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آنها در پایین همان صفحه درج شود. - نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شود.

- مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.

- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.

- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.

- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.

- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی درباره معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا (علیه السلام)) باشد.

- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آن‌هاست.



اشتراک

هزینه اشتراک سالیانه فصلنامه مبلغ ۲۴۰۰۰۰ ریال است.
متقاضیان محترم می توانند این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۱۲۵۵۸۰۱۴۰۰۴ بانک ملی
به نام بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام) واریز کنند و فیش آن را همراه با نشانی
پستی خود به ایمیل فصلنامه یا به نشانی بنیاد بفرستند.



مقاله اول

شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی

۹ با رویکرد فراترکیب و دلفی فازی

حامد دهقانان، مهدی غفوری فرد

مقاله دوم

الگوی همبستگی اجتماعی در کلام امام رضا (علیه السلام)

۵۵ بر اساس نظریه داده‌بنیاد

مرضیه محصص، محمد صدیقی اسکی

مقاله سوم

تشرف دولتمردان مسلمان خارجی به حرم رضوی

۸۳ و گرایش‌های صوفیانه ایشان

علیرضا ابراهیم، رضا تقی‌زاده نائینی

مقاله چهارم

کاربست نظریه کنش‌های گفتار درگفتمان خداشناسی

۱۰۹ امام رضا (علیه السلام)

علی اکبر نورسیده، علی باقری

مقاله پنجم

واکاوی سیاست‌های آستان قدس رضوی در حوزه گردشگری مذهبی و زیارت؛

از وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب ۱۳۷

اعظم بقایی، حسین مهربانی فر

مقاله ششم

بررسی ویژگی‌های فنی و محتوایی قصیده حُر عاملی

در مدح امام رضا (علیه السلام) ۱۶۹

حیدر محلاتی

مقاله هفتم

مطالعه تحلیلی نقاشی صحن عتیق امام رضا (علیه السلام) اثر محمود خان ملک الشعرا

نقاش دوره قاجار (۱۲۲۸-۱۳۱۱ ق/ ۱۸۱۱-۱۸۹۳ م) ۱۹۳

الهه پنجه‌باشی

چکیده‌های انگلیسی

..... ۲۲۱ English Abstracts



شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های

حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی

با رویکرد فراترکیب و دلفی فازی^۱

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۹

حامد دهقانان^۲، مهدی غفوری فرد^۳

چکیده

منابع انسانی در هر سازمانی مهم‌ترین سرمایه آن محسوب می‌شوند. در آستان قدس رضوی که هدف اصلی آن خدمت به زائران بارگاه علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است، این سرمایه از اهمیتی دوچندان برخوردار است. یکی از پدیده‌های نوظهور که سلامت کارکنان و به تبع آن خدمت‌رسانی آن‌ها را با مخاطره مواجه می‌سازد، رفتار حضورگرایی است. این رفتار زمانی بروز می‌کند که کارمند تصمیم می‌گیرد با شرایط بیماری و ضعف سلامت در محل خدمت حاضر شود. در این پژوهش که از نظر هدف، کاربردی و به روش کیفی انجام شده است، در ابتدا با روش فراترکیب و تحلیل محتوا کلیه مولفه‌های محرک حضورگرایی شناسایی و سپس با روش دلفی فازی و دریافت نظرات خبرگان منابع انسانی آستان قدس رضوی، مهم‌ترین مولفه‌ها انتخاب و رتبه‌بندی شد. نتایج نشان داد که مهم‌ترین عوامل موثر بر حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی را می‌توان در قالب ۳ بعد، ۱۳ مقوله محوری و ۴۴ مولفه طبقه‌بندی کرد. این مقوله‌های محوری در بعد رفتاری شامل فرهنگ سازمانی، وضعیت سلامت فرد، نگرش و ادراک کارمند درباره پیامدهای غیبت یا حضورگرایی، ارتباطات و تعاملات سازمانی، ویژگی‌های فردی، شخصیت فرد، نگرش‌های شغلی و سازمانی، در بعد ساختاری شامل ویژگی‌ها و رویه‌های سازمانی، ویژگی‌های شغل، مدیریت منابع انسانی سازمان و در بعد زمینه‌ای شامل عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل اقتصادی جامعه و قانون‌گذاری و زیرساخت است.

کلیدواژه‌ها: حضورگرایی، آستان قدس رضوی، سلامت منابع انسانی، فراترکیب، دلفی فازی.

۱. این مقاله از رساله دکترا استخراج شده است.

۲. دانشیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): dehghanan@atu.ac.ir

۳. دانش آموخته دکترای گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران: mahdi.fard@gmail.com

۱. مقدمه

غیبت کارکنان از دیرباز دغدغه سازمان‌ها و یکی از پدیده‌های مورد مطالعه در حوزه مدیریت منابع انسانی و روان‌شناسی کار و روان‌شناسی سازمانی بوده است (knani, 2022). محققان مطالعات گسترده‌ای در زمینه غیبت انجام داده‌اند؛ اما حضورگرایی یعنی حضور در محل کار هنگام بیماری به‌تازگی به‌عنوان عامل اصلی تأثیرگذار بر عملکرد سازمانی مورد توجه قرار گرفته است. بر خلاف غیبت، حضورگرایی چندان به رسمیت شناخته نشده و اندازه‌گیری و شناسایی آن دشوارتر است (Miraglia & Johns, 2016; Lohaus & Habermann, 2019). اگرچه بخش قابل توجهی از کاهش بهره‌وری سازمان‌ها به دلیل غیبت کارکنان است، اما بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که حضورگرایی بیش از غیبت، منجر به کاهش بهره‌وری می‌شود (Evans-Lacko & Knapp, 2016; Lohaus & Habermann, 2019).

مطالعات در کشورهای مختلف و در میان بخش‌ها و گروه‌های شغلی گوناگون نشان می‌دهد که کاهش بهره‌وری ناشی از حضورگرایی از ۳۰ درصد تا بیش از ۹۰ درصد متغیر است (Sciberras et al., 2022; Lohaus & Habermann, 2019). در واقع، در سطح سازمانی، حضورگرایی هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم را افزایش می‌دهد و باعث کاهش بهره‌وری و کاهش عملکرد کلی می‌شود (Miraglia & Johns, 2016). همچنین در سطح فردی، بر سلامت جسمی و روانی کارکنان تأثیر منفی می‌گذارد و منجر به ارائه خدمات ضعیف به مشتریان و نیز باعث سرایت عاطفی و جسمی می‌شود (Miraglia & Johns, 2016; 2013; Lu et al).

صنعت خدمات میزبانی (مهمان‌نوازی) و گردشگری دارای محیط عملیاتی مبتنی بر خدمات است که به میزان قابل توجهی از تعاملات مشتری و کارمند (رو در رو یا گفت و شنود) از طریق چندین نقطه تماس در کل فرایند ارائه خدمات، بهره می‌برد (2019). کارکنان در معرض انبوهی از خواسته‌ها و انتظارات متناقض از سوی مشتریان و مدیران قرار دارند. در شرایطی که کیفیت خدمات ارائه شده به رفاه کارکنان بستگی دارد (Arslaner & Boylu, 2017)، بروز حضورگرایی باعث کاهش بهره‌وری و افزایش

مشکلات سلامت جسمی و روانی بین آن‌ها می‌شود. همه این موارد در نهایت منجر به ارائه خدمات با کیفیت پایین می‌شود. اگرچه بسیاری از سازمان‌های ارائه دهنده خدمات میزبانی (مهمان‌نوازی) و گردشگری، برنامه‌ها و ابتکاراتی را برای سلامتی کارکنان خود فراهم ساخته‌اند، اما مطالعات اخیر نشان داد که کارکنان نمی‌توانند زمان کافی برای شرکت در این برنامه‌های سلامت داشته باشند (Zhang et al., 2020). نوبت کاری شلوغ، نبود امکان تغییر نوبت کاری، برنامه‌های متراکم و فشرده و ساعات کاری طولانی از جمله دلایلی بود که کارمندان به آن اشاره کردند (knani, 2022).

به‌رغم شیوع و تأثیرات حضورگرایی، ادبیات مربوط به این موضوع در بخش خدمات میزبانی (مهمان‌نوازی) و گردشگری بسیار محدود است؛ بنابراین هدف این پژوهش نیز شناسایی و اولویت‌بندی مولفه‌های حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی به‌عنوان سازمانی بزرگ در حوزه خدمات میزبانی است.

۱-۱. بیان مسئله و ضرورت پژوهش

آستان قدس رضوی یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های داخل کشور در حوزه ارائه خدمات میزبانی (مهمان‌نوازی) است و سالانه پذیرای میلیون‌ها زائر (داخلی و بین‌المللی) و مجاوری است که به حرم مطهر رضوی و سایر اماکن وابسته به آن مراجعه می‌کنند. فراوانی زائر و تنوع آن‌ها طبیعتاً تقاضای خدمات مختلف و گوناگونی را ایجاد کرده که ارائه این خدمات همواره مستلزم به‌کارگیری تعداد زیادی از کارکنان بوده است. برخی از این کارکنان به‌صورت استخدام و برخی به‌صورت داوطلبانه در قالب خادم یا خادمیار به ارائه خدمات مختلف در آستان قدس رضوی مشغول هستند.

آستان قدس رضوی به‌عنوان متولی حرم مطهر رضوی و موقوفات حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) همواره خدمت با کیفیت به زائران و مجاوران مشهد مقدس را به‌عنوان محوری‌ترین هدف خود مطرح کرده است. در بخشی از بیانیه چشم‌انداز این مجموعه آمده است که «آستان قدس رضوی پویاترین، کارآمدترین، هم‌افزاترین و اثرگذارترین نهاد

اسلامی، شایسته‌ترین خادم برای بیشترین زائر اهل بیت (علیهم‌السلام) ...^۱ است. اما همان‌طور که اشاره شد آستان قدس رضوی مجموعه‌ای خدمت‌محور است و ارائه این خدمات و به‌خصوص کیفیت آن‌ها به‌طور مستقیم به وضعیت منابع انسانی و کارکنان این مجموعه وابسته است. لذا توجه به رفاه و سلامت کارکنان امری ضروری است.

اگر نگاهی به سیره امام رضا (علیه‌السلام) بیندازیم، ایشان در سیره عملی خویش همواره مراقبت از کارکنان و خدمت‌گزاران را مورد توجه قرار داده‌اند (مجدزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۲). در اصل ۹-۷ سیاست‌های محوری آستان قدس رضوی نیز «ارتقای کیفیت زندگی کاری و روابط کار و بهبود رفاهیات کارکنان» مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر این، در سال‌های اخیر در ستاد مرکزی و سایر بخش‌های آن، حوزه سرمایه‌انسانی به‌صورت مستقل در ساختارهای سازمانی ایجاد شده است.

با توجه به نکات فوق، اگرچه توجه به سرمایه‌انسانی جزو اولویت‌های جدی آستان قدس رضوی است؛ اما با توجه به اینکه حضورگرایی پدیده‌ای نوظهور جهانی (Webster et al., 2019) و رفتاری عمدتاً ناملموس است (Allemann, 2019)، شیوع آن به‌رغم همه تدابیر صورت گرفته، بین کارکنان این مجموعه شایع است؛ بنابراین لازم است برای کاهش بروز این رفتار که به‌صورت جدی بر سلامت کارکنان و به تبع آن ارائه خدمت به زائران بارگاه رضوی اثر می‌گذارد، اقدامات موثرتری صورت گیرد؛ اما پیش از هر اقدامی باید عوامل و مولفه‌های موثر بر حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی شناسایی و اولویت‌بندی شود. هدف این پژوهش نیز پرداختن به این مسئله است. شایان ذکر است پژوهش‌های داخلی در زمینه حضورگرایی، بسیار محدود و انگشت‌شمار هستند.

۱-۲. مبانی نظری

حضورگرایی اکنون مسئله رایج در بسیاری از سازمان‌هاست (بلالی شهواری و کشته‌گر،

۱. برگرفته از سایت www.policy.razavi.ir

۱۳۹۵). بسیاری از کارکنان در محل کار حاضر می‌شوند، اما احساس مساعدی ندارند. آن‌ها با کمردرد، آرتروز، حساسیت و دیگر شرایطی که می‌تواند عملکرد و بهره‌وری را مخدوش کند، کار می‌کنند. برخی کارکنان با بیماری آنفلوآنزا و سرماخوردگی سرکار حاضر می‌شوند و این وضعیت باعث می‌شود که آن‌ها کمتر از حد طبیعی به وظایف خود عمل کنند؛ علاوه بر این، کارکنان دارای بیماری واگیردار ممکن است دیگران را آلوده کنند که طبیعتاً به غیبت بیشتر از کار یا رفتار حضورگرایی کمک می‌کند (محمداسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

برخلاف غیبت از محل کار، در سازمان‌ها و محیط‌های کاری، حضورگرایی به‌طور رسمی ثبت نشده و لذا تعیین وضعیت آن، عوامل مؤثر و هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آن بسیار دشوارتر است و صرفاً می‌توان با انجام مطالعات موردی شیوع این پدیده رفتاری را مشخص کرد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۹).

در سال‌های اخیر، پژوهش درباره پدیده حضورگرایی بین محققان حوزه سلامت، روان‌شناسی و اپیدمیولوژیست‌های شغلی در سراسر جهان توسعه پیدا کرده است. از آنجا که به‌تازگی حضورگرایی به‌عنوان پدیده‌ای جهانی معرفی شده، مطالعه درباره آن، شناخت عوامل مؤثر و همچنین پیامدهای آن ارزشمند است. با اینکه رواج این پدیده در ایالات متحده، کانادا، بریتانیا، هلند، دانمارک، سوئد، تایوان، کره جنوبی، عربستان سعودی و کشورهای دیگر بررسی شده؛ اما در ایران مطالعه جامعی انجام نشده است (همان).

با توجه به تعریف و مطالعه حضورگرایی، ۲ رویکرد اصلی برای درک این مفهوم بر ادبیات حاکم بوده است (al, 2016; Miraglia & Johns, 2019; Lohaus & Habermann, 2017; Baeriswyl et al). اولین رویکرد که در ادبیات طب کار رایج است، به کاهش بهره‌وری به دلیل چالش‌های سلامت افراد یا حضور در محل کار هنگام بیماری مربوط می‌شود. بیشتر تحقیقات درباره این رویکرد درباره تأثیرات بیماری بر کاهش بهره‌وری متمرکز است؛ بنابراین در این رویکرد حضورگرایی به‌عنوان عامل کاهش بهره‌وری به دلیل ضعف سلامت یک کارمند که قادر به رسیدن به سطح عملکرد مورد انتظار نیست، تعریف می‌شود (Knani, 2022).

در رویکرد دوم، حضورگرایی به عنوان حضور در محل کار هنگام بیماری تعریف می شود. این رویکرد بر علل یا محرک های حضورگرایی متمرکز است (Knani, 2022). با وجود اصطلاحات و رویکردهای مختلف (Baeriswyl et al., 2017) امروزه محققان توافق دارند که حضورگرایی «پدیده ای است که در آن افراد به رغم ناخوشی و بیماری که مستلزم استراحت و غیبت از محل کار می شود، در مشاغل خود حاضر می شوند» (Lu et al., 2022).

رویکرد اول بیشتر توسط محققان آمریکایی و رویکرد دوم عمدتاً توسط پژوهشگران اروپایی دنبال می شود (موذن جمشیدی و باقرزاده خداهشهری، ۱۴۰۰).

از آنجا که برای مدیریت یا کاهش رفتار حضورگرایی، ابتدا باید علل آن را شناسایی کرد (Mori, 2021)، رویکرد دوم می تواند مطلوب تر و پرفایده تر باشد. این پژوهش با تمرکز بر رویکرد دوم (محرک های حضورگرایی) انجام شده است.

مطالعات قبلی چندین محرک و عامل تعیین کننده حضورگرایی از جمله عوامل سازمانی مانند کمبود کارکنان، حمایت سازمانی کم، سیاست های غیبت سخت گیرانه و عوامل مرتبط با کار مانند حجم کار و فشار زمان و همچنین عوامل فردی مانند تعهد عاطفی و مشکلات مالی را نشان داده اند (bae, 2021).

تحقیقات نشان داده است که حضورگرایی بین کارکنان مسن، زنان و افرادی که دارای شخصیت های وجدان گرا هستند رواج بیشتری دارد. حضورگرایی تحت تأثیر چگونگی درک فرد از سلامت و با تأثیرات اجتماعی فرهنگی بر ادراک بیماری نقش خواهد داشت. ویژگی های کاری که احتمال پدیده حضورگرایی را افزایش می دهد شامل نبود امنیت شغلی، دسترسی نداشتن به مرخصی استعلاجی، فرصت های شغلی محدود و استخدام موقت است (موذن جمشیدی و باقرزاده خداهشهری، ۱۴۰۰).

برخی پژوهشگران حضورگرایی را با متغیرهای مرتبط با کار (یعنی عوامل مرتبط با شغل) و متغیرهای غیر مرتبط با کار (به عنوان مثال وضعیت سلامت) مرتبط می دانند (2016, Miraglia & Johns). برای عوامل غیر مرتبط با کار، اغلب ویژگی های شخصیتی و فردی

به‌عنوان عوامل موثر بر حضورگرایی بررسی شده است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از: خودشناسی و خوش‌بینی (Siu et al., 2020)، نگرانی فرد از شیوع بیماری (Morken et al., 2012). با توجه به عوامل مرتبط با کار، حضورگرایی با موضوعاتی نظیر «کنترل شغلی و آزادی عمل»، «تقاضاهای شغلی» (Ruhle & Schmoll, 2021)، مدیریت منابع انسانی (Maddox-Daines, 2021) توضیح داده شده است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

به‌طور کلی، پدیده حضورگرایی به‌رغم اهمیت زیاد آن، در ایران هنوز به‌صورت جدی مورد توجه پژوهشگران به‌ویژه متخصصان رفتار سازمانی و منابع انسانی قرار نگرفته و تاکنون صرفاً چهار پژوهش در این خصوص انجام و منتشر شده است که در ادامه و پیش از تحقیقات خارجی به بررسی این چند پژوهش داخلی می‌پردازیم.

قصایبان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با استفاده از روش توصیفی همبستگی به بررسی تاثیر استرس شغلی، خستگی و تعلل بر عدم انجام کار کارکنان حاضر در کار (حضورگرایی) با نقش تعدیل‌گری هوش معنوی پرداخته است. در این تحقیق که جامعه آماری آن شامل ۲۸۷ نفر از کارکنان مشاغل دفتری شهرداری ساری بود، نتایج نشان داد خستگی، استرس و تعلل بر حضورگرایی تاثیرگذار است (قصایبان، ۱۳۹۵).

کیان (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی تاثیر عوامل موثر بر حضورگرایی در بانک کارآفرین در یک نمونه ۳۱۳ نفری پرداخت. نتایج نشان داد که وضعیت سلامت و میزان استرس، ویژگی‌های شخصیتی، هوش عاطفی، تعهد، امنیت شغلی، حجم کاری و فرهنگ حضور و غیاب به‌عنوان محرک‌های پیشین عمل می‌نماید (کیان، ۱۳۹۵).

محمداسماعیلی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با به‌کارگیری روش کیفی (داده بنیاد) و با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته با ۱۴ نفر از کارکنان بیمارستان نمازی شهر

شیراز به بررسی پیامدهای حضورگرایی پرداختند. بر اساس نتایج این پژوهش پیامدهای حضورگرایی در ۳ سطح فرد، سازمان و جامعه، شناسایی و طبقه بندی شد (محمداسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵).

موذن جمشیدی و باقرزاده خداهشهری (۱۴۰۰) در مطالعه خود با استفاده از روش داده بنیاد و انجام ۳۰ مصاحبه با کارکنان و مدیران شرکت‌های خصوصی در شهر صنعتی رشت، به طراحی الگوی حضور غیرموجه کارکنان سازمان‌ها پرداختند. نتایج پژوهش مشتمل بر شناسایی عوامل علی در دو سطح سازمانی (مانند ناامنی شغلی) و فردی (مانند وظیفه شناسی)، شرایط زمینه‌ای در سه سطح (مرتبط با کار، مرتبط با سازمان و مرتبط با محیط)، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای حضور غیرموجه بود (موذن جمشیدی و باقرزاده خداهشهری، ۱۴۰۰).

یوسف و همکاران (۲۰۲۱) به روش مرور نظام‌مند به بررسی ۲۲ مقاله منتخب پرداخته و از این طریق عوامل موثر بر حضورگرایی را در سه سازه قرار داده‌اند: ۱. نگرش (پیامدهای خوب و بد کار در هنگام بیماری مانند مفید بودن کار برای سلامت)، ۲. هنجارهای ذهنی (هنجارهای توصیفی و دستوری درباره کار هنگام بیماری مانند مشروعیت و قابل پذیرش بودن بیماری) و ۳. کنترل ادراک شده (تسهیل‌کننده‌ها و موانع کار هنگام بیماری مانند نوع کار و اشتغال) (Yusoff et al., 2021).

رول و سوس (۲۰۲۰) برای به دست آوردن بینشی از درک فردی از فرهنگ حضور، ۲۸ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با افراد سازمان‌های مختلف انجام دادند. آن‌ها با استفاده از رویکرد دو مرحله‌ای توانستند برداشت شرکت‌کنندگان از مطلوبیت غیبت و حضورگرایی را در سه الگو از فرهنگ حضور مشخص کنند: فرهنگ سلامت محور، فرهنگ مبتنی بر تصمیم‌گیری فردی کارمند و فرهنگ حضور محور (Ruhle and Süß, 2020).

وبستر و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیق خود پس از مرور ۲۳ مطالعه مقطعی و یک مطالعه آینده پژوهی دلایل ارائه شده برای حضورگرایی را به سه موضوع اصلی تقسیم کردند: ۱. عوامل سازمانی شامل سیاست سازمانی، فرهنگ حضورگرایی و اقدامات انضباطی

۲. ویژگی‌های شغلی شامل فقدان پوشش، حرفه‌ای بودن، تقاضای شغل و ۳. دلایل شخصی شامل فشار به همکاران، اخلاق کاری قوی، آستانه غیبت بیماری، نگرانی‌های مالی (Webster et al., 2019).

مک‌گریگور و همکاران سال ۲۰۱۸ در یک فراتحلیل و بررسی ۱۱۶ مقاله منتخب به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل موثر بر حضورگرایی کارکنان عبارت است از: سلامت جسمانی (بیماری دوره‌ای جسمانی نظیر آنفلوانزا)، سلامت روانی (بیماری دوره‌ای روانی نظیر استرس و اضطراب)، عوامل مرتبط با محیط کار (تقاضای کاری زیاد یا حمایت کم سرپرست)، عوامل خارج محیط کار (تعارض زیاد کار-خانواده یا عدم حمایت از منابع خارجی مانند پزشک خانواده)، عوامل شخصی (ویژگی‌های شخصیتی مانند عدم وظیفه‌شناسی و روان‌رنجور خویی بالا)، خودکارآمدی پایین و استرس مالی بالا، بیماری مزمنی که فرد در فرایند درمان آن قرار دارد و از قبل تشخیص داده شده است (McGregor et al., 2018).

آدیس و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه خودشان از دریچه تئوری حفاظت از منابع موضوع حضورگرایی را بررسی کردند. این پژوهش نشان داد انتقال ناگهانی از حالت‌های کار حضوری به آنلاین در طول همه‌گیری کووید ۱۹ (به‌عنوان یک بحران اجتماعی) باعث تشدید کار، حضورگرایی آنلاین، ناامنی شغلی و سازگاری ضعیف با روش‌های جدید کار از خانه شد. این عوامل استرس‌زایی می‌توانند منابع اجتماعی و شخصی حیاتی را از بین ببرند و در نتیجه بر سطوح مشارکت کاری کارکنان تأثیر منفی بگذارند (Adisa et al., 2020).

کین من در سال ۲۰۱۹ در پژوهش خود که به‌شیوه مرور روایتی انجام شده بود، به این نتیجه رسید که طیفی از عوامل زمینه‌ای و فردی منجر به حضورگرایی می‌شوند. از جمله عوامل زمینه‌ای می‌توان به امکان جایگزینی، تقاضاهای زیاد کاری، نوع اشتغال و فشار زمان اشاره کرد. از طرف دیگر برخی عوامل فردی نیز عبارت است از: شدت درد و نوع بیماری، وظیفه‌شناسی، امنیت شغلی، تعهد و وفاداری به همکاران و تعهد شغلی و سازمانی (Kinman, 2019).

محمدی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان پرستار بدون پرستار به موضوع حضورگرایی در بین پرستاران پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که تجربه عوامل زیر منجر به حضورگرایی در پرستاران می‌شود: قدرت محدود، بی‌عدالتی، حضور اجباری، امکانات ساختاری ناکافی، هویت حرفه‌ای آسیب‌دیده، قطع ارتباط مدیر و پرستار، دانش ناکافی، عوارض سلامت جسمی و روانی، استرس شغلی، فرسودگی شغلی، چندوظیفه‌ای بودن و اختلال در ارتباطات (Mohammadi et al., 2021).

سال ۲۰۱۹ لوه‌اوس و هابرم‌ن، ادبیات علل و پیامدهای حضورگرایی را بررسی و سه دسته از علل را شناسایی کردند: متغیرهای مربوط به فرد، متغیرهای مرتبط با کار و متغیرهای سازمانی. بر این اساس، متغیرهای مرتبط با فرد شامل سلامت، فرسودگی عاطفی، استرس تجربه‌شده، خوش‌بینی، افسردگی، تعهد عاطفی، تعارض خانوادگی و کاری، دلبستگی کاری، رضایت شغلی، مشکلات مالی، خودکارآمدی و ... است. متغیرهای سازمانی شامل تجدید ساختار سازمان یا کوچک‌سازی، سیاست غیبت سخت‌گیرانه، کمبود کارکنان، حمایت سازمانی، آزار و اذیت، عدالت سازمانی، تبعیض، ناامنی شغلی، سیاست مرخصی استعلاجی با حقوق، سیستم پاداش و اقدامات مرتبط با سلامت. متغیرهای مرتبط با کار شامل تقاضاهای کلی شغل، تقاضاهای نقش، تعارضات کار و خانواده، حمایت مدیر، شغل جایگزین، کیفیت رهبری، سهولت جایگزینی، آزادی عمل و نوع کار یا حرفه است (Lohaus & Habermann, 2019).

اگر به‌طور اختصاصی به بررسی موضوع حضورگرایی در بخش خدمات میزبانی (مهمان‌نوازی) و گردشگری بپردازیم، با ادبیات محدودی مواجه می‌شویم؛ جایی که این پدیده در مقایسه با غیبت کمتر بررسی شده و نسبتاً ناشناخته باقی مانده است (2020). (Ariza-Montes et al., 2017; Arslaner & Boylu, 2017; Teo et al., 2020; Zhang et al). با این حال، بسیاری از ویژگی‌های محیط‌های کاری معمولی و شرایط حاکم بر مشاغل مختلف، می‌توانند محرک‌های حضورگرایی در بخش خدمات میزبانی (مهمان‌نوازی) و گردشگری باشند.

تاکنون هیچ مطالعه داخلی با محوریت حضورگرایی در بخش خدمات میزبانی (مهمان‌نوازی) و گردشگری وجود ندارد و صرفاً ۳ مقاله معتبر خارجی در این زمینه شناسایی شد. در مطالعه اول، ارسلانر و بویلو (۲۰۱۷) آثار تعارض کار-خانواده، تعارض خانواده-کار، و حمایت سازمانی ادراک شده بر حضورگرایی را بررسی کردند. این مطالعه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده در میان ۴۰۲ کارمند هتل‌های ۵ ستاره ترکیه، هیچ اثر معناداری از حمایت سازمانی ادراک شده بر حضورگرایی را مشخص نکرد، اما آثار مثبت و معنی‌دار تعارض کار-خانواده و تعارض خانواده-کار بر حضورگرایی را نشان داد (Arslaner & Boylu, 2017).

در مطالعه دوم آرخونا-فونتس و همکاران (۲۰۱۹) از داده‌های پرسش‌نامه «شرایط کار اروپا» برای بررسی عوامل فردی، سازمانی و سلامت جسمی روانی موثر بر حضورگرایی در صنعت مهمان‌نوازی استفاده کردند. این مطالعه نشان داد که عوامل شخصی (به‌عنوان مثال، جنسیت، سن، سطح تحصیلات و وضعیت تاهل) هیچ تأثیری بر حضورگرایی ندارند؛ اما عوامل سازمانی (به‌عنوان مثال، ناامنی شغلی، بی‌ثباتی شغلی، رسیدگی به مشتریان عصبانی، تضادهای کار و خانواده) و عوامل سلامت (به‌عنوان مثال، خطرات سلامتی یا ایمنی، بیماری یا مشکل سلامتی، کمردرد و خستگی کلی) بر وقوع حضورگرایی تأثیر می‌گذارند (Arjona-Fuentes et al., 2019).

در مطالعه سوم کنانی (۲۰۲۲)، با بررسی داده‌های آنلاین ۱۳۹۴ کارمند در بخش هتلداری و گردشگری، انگیزه‌های حضورگرایی را در دو دسته عوامل مرتبط با کار و غیرمرتبط با کار شناسایی کردند. نتایج نشان می‌دهد که برای عوامل مرتبط با کار، حضورگرایی به طور مثبت با تقاضای شغل، افسردگی مرتبط با کار، اضطراب و خشم مرتبط است، اما با آزادی عمل و حمایت اجتماعی (سرپرست و همکار)، ادراک حقوق، ادراک ارتقا و رضایت شغلی رابطه منفی دارد. با توجه به نگرش‌های فردی، مشارکت کاری باعث کاهش حضورگرایی می‌شود در حالی که رفتار شهروندی سازمانی بر حضورگرایی تأثیری ندارد. ضمناً قوانین و مقررات و اندازه و نوع سازمان نیز بر حضورگرایی کارکنان تأثیرگذار است (Knani, 2022).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بررسی ادبیات و پیشینه مطالعات حضورگرایی فارغ

از اینکه چه صنعتی را تحلیل کرده‌اند، نشان می‌دهد که اولاً با توجه به جدید بودن این موضوع، انسجام و یکپارچگی کافی در نتایج حاصل از مطالعات مربوط به محرک‌های این رفتار وجود نداشته و حتی در برخی موارد نتایج متناقض نیز ارائه شده است. ثانیاً طبقه‌بندی‌های ارائه شده درباره علل حضورگرایی خیلی کلی هستند. ثالثاً ادبیات حضورگرایی در سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات میزبانی و گردشگری بسیار محدود است. به علاوه اینکه غالب این مطالعات در خصوص خدمات هتلداری است و به هیچ وجه با خدمات متنوع و گسترده‌آستان قدس رضوی برای زائران قابل مقایسه نیست. لذا در این پژوهش تصمیم بر آن شد که اولاً تمامی مطالعاتی که در زمینه عوامل محرک رفتار حضورگرایی (بدون در نظر گرفتن نوع صنعت یا سازمان بررسی شده) منتشر شده‌اند با استفاده از روش فراترکیب تحلیل شده و پس از شناسایی و دسته‌بندی عوامل موثر بر حضورگرایی کارکنان، این عوامل از منظر خبرگان منابع انسانی آستان قدس رضوی نیز بررسی و علل اصلی آن در این سازمان بزرگ مشخص شود که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

۱-۴. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و بر اساس شیوه گردآوری داده‌ها در دسته مطالعات توصیفی پیمایشی قرار می‌گیرد. جامعه آماری در بخش اول پژوهش کلیه تحقیقات علمی مرتبط با موضوع پژوهش است که مرتبط‌ترین آن‌ها با استفاده از رویکرد فراترکیب انتخاب گردیدند که نوعی مرور سیستماتیک است. در بخش دوم پژوهش نیز که از روش دلفی فازی استفاده شده، جامعه آماری شامل کلیه کارشناسان و مدیران منابع انسانی آستان قدس رضوی است که نمونه مد نظر به شیوه هدفمند از این جامعه آماری انتخاب شد. در ادامه به فرایند انجام شده در این دو بخش می‌پردازیم.

۲. فراترکیب مطالعات حضورگرایی

همان‌طور که در بخش پیشینه پژوهش توضیح داده شد برای رسیدن به انسجام و

یکپارچه‌سازی نتایج حاصل از مطالعات مرتبط با محرک‌های حضورگرایی در این پژوهش از روش فراترکیب بر اساس الگوی ۷ مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو به شرح زیر استفاده شد (Sandelowski & Barroso, 2007).

۱-۲. مرحله اول: تنظیم سوالات تحقیق

فراترکیب با سوال درباره شناسایی ماهیت موضوع پژوهش که هدف اصلی اجرای تحلیل است، شروع می‌شود. پس از آن با مشخص کردن دامنه پژوهش در قالب جامعه مورد مطالعه، از محدوده زمانی و چگونگی سنجش سوال می‌شود و قبل از شروع مراحل بعدی، چارچوب کلی آن را مشخص می‌کند. بر این اساس، سوالات مربوط به این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱. سوالات پژوهش در بخش فراترکیب

شاخص‌ها	پرسش‌های پژوهش
(What) چه چیزی	با توجه به مطالعه ادبیات، وضعیت یافته‌های ادبیات نظری پیشین درباره محرک‌های حضورگرایی کارکنان چگونه است؟
(Who) جامعه مورد مطالعه	جامعه مورد مطالعه برای دستیابی به عوامل موثر بر حضورگرایی کارکنان کدام است؟
(When) محدوده زمانی	موارد فوق در چه دوره زمانی بررسی و جست‌وجو شوند؟
(How) چگونه	چه روشی برای فراهم کردن مطالعات استفاده می‌شود؟

بر اساس سوالات فوق معیارهای پذیرش و عدم پذیرش مقالات به شرح جدول ۲ مشخص شد.

جدول ۲. معیارهای پذیرش و عدم پذیرش مطالعات بخش فراترکیب

شاخص	معیارهای پذیرش	معیارهای عدم پذیرش
محدوده جغرافیایی مطالعات	همه کشورها	---
زبان نگارش مطالعات	انگلیسی یا فارسی	غیر از انگلیسی و فارسی
زمان انتشار مطالعات	۱۹۹۱ تا ژوئیه ۲۰۲۲	خارج از بازه زمانی مذکور
روش مطالعات	مطالعات کیفی و آمیخته (کیفی و کمی)	مطالعات کمی
جامعه مورد مطالعه	پژوهش‌های انسانی منتشر شده در زمینه حضورگرایی کارکنان در مجلات معتبر بین‌المللی و دارای دآوری دقیق	مطالعاتی که دارای شاخص‌های اشاره شده نباشند و از کیفیت لازم برخوردار نباشند یا تکراری باشند
حوزه موضوعی	مدیریت، روان‌شناسی، طب کار و سایر حوزه‌های مرتبط	سایر موارد
دسترسی به مطالعات	دارای متن کامل	دسترسی نداشتن به متن کامل

علت اینکه تاریخ شروع جست‌وجو سال ۱۹۹۱ انتخاب شد، این بود که کریستنسن در سال ۱۹۹۱ برای اولین بار به موضوع حضور کارکنان در محل کار با حالت بیماری یا ضعف سلامت اشاره کرده است (Kristensen, 1991).

۲-۲. مرحله دوم: مرور نظام‌مند ادبیات حضورگرایی

در این پژوهش با توجه به موضوع پژوهش (حضورگرایی کارکنان)، ۱۱ پایگاه الکترونیکی معتبر بین‌المللی و ۷ پایگاه الکترونیک داخلی به شرح جدول ۳ برای جست‌وجوی مطالعات با استفاده از کلیدواژه‌های تعیین شده انتخاب گردید.

جدول ۳. پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شده برای جست‌وجوی مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش

پایگاه‌های داده داخلی	پایگاه‌های داده خارجی
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)	Scopus
پایگاه اطلاعات علمی ایران - ایرانداک (گنج)	Science Direct (Elsevier)
بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)	Web of science (Clarivate)
بانک اطلاعاتی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	Emerald
پایگاه مجلات تخصصی نور (نورمگز)	ProQuest
بانک اطلاعاتی راهنمای مقالات علوم پزشکی ایران (ایران مدکس)	PubMed
	EBSCOhost
	Springer
	Wiley
	Taylor & Francis
	SAGE

در این پژوهش شرط اصلی جست‌وجوها، وجود کلمات کلیدی در عنوان، چکیده و کلمات کلیدی مقالات بر اساس استراتژی جست‌وجوی خاص هر پایگاه داده با استفاده از قواعد بولین (Boolean) بود. در زیر، نمونه استراتژی استفاده شده در پژوهش حاضر به منظور جست‌وجو در پایگاه اطلاعاتی SCOPUS و PubMed ارائه شده است:

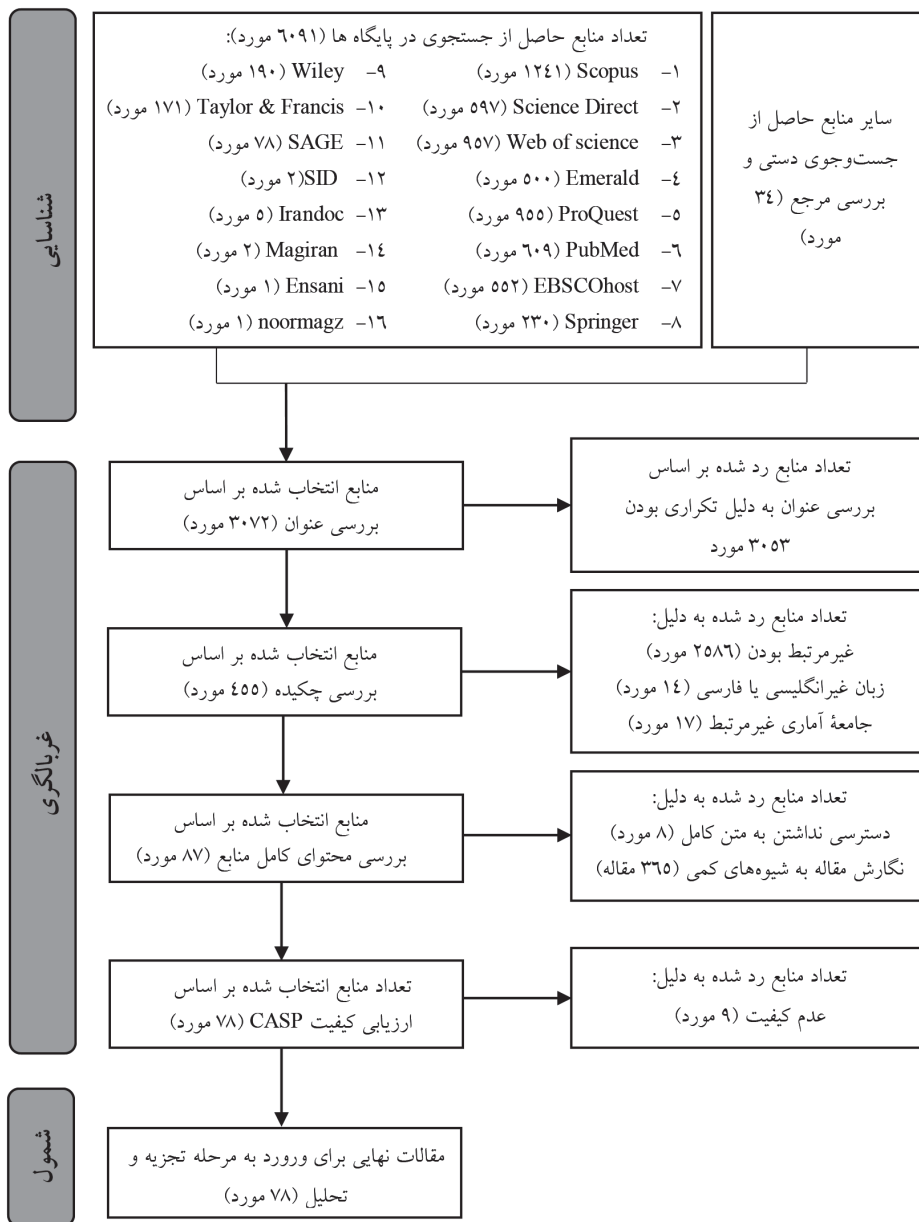
(Presenteeism OR «employee attendance» OR «Workplace attendance» OR «Working while ill») AND (pattern OR framework OR model OR causes OR sources OR predictors OR factors OR antecedents OR exposures OR reasons OR motivators OR resources)

تمامی نتایج حاصل از جست‌وجوی نظام‌مند مقالات که ۶۰۹۱ فقره بودند، برای مدیریت مطالعات و انجام فرایند فراترکیب وارد نرم افزار Mendeley شدند. علاوه بر مقالات حاصل از جست‌وجوی نظام‌مند، تعداد ۳۴ مقاله نیز علاوه بر موارد فوق با بررسی ادبیات خاکستری حاصل از جست‌وجوی دستی و همچنین مرجع به مقالات افزوده و وارد نرم‌افزار مندلی شد. لذا مجموع کل مقالات حاصل از جست‌وجو به ۶۱۲۵ فقره رسید.

۲-۳. مرحله سوم: غربالگری و انتخاب متون مناسب

در این مرحله برای انتخاب متون مد نظر در پایگاه‌های داده‌ها، مقالاتی که معیارهای شمول را داشتند وارد فرایند فراترکیب شدند و در ۴ گام از نظر عنوان پژوهش، چکیده پژوهش، محتوای پژوهش و در نهایت کیفیت روش‌شناختی پژوهش با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی انتقادی (CASP) بررسی شدند. در نهایت تعداد ۷۸ مقاله انتخاب شد که نتایج حاصل از مراحل غربالگری در قالب نمودار پریزما (PRISMA) در شکل ۱ نشان داده شده است.

شکل ۱. فرایند انتخاب منابع برای تحلیل (نمودار پریزما)



۲-۴. مرحله چهارم: استخراج اطلاعات متون

در این مرحله، برای استخراج اطلاعات مناسب، به‌طور پیوسته مقالات انتخاب شده مورد مطالعه قرار گرفته و در این راستا کلیه مفاهیمی که منعکس کننده عوامل موثر بر حضورگرایی کارکنان بودند، استخراج و در جدولی برای تجزیه و تحلیل در مرحله بعد یادداشت شد. در مجموع با بررسی محتوای کامل ۷۸ مقاله انتخاب شده، ۷۸۹ کد یا مفهوم پایه شناسایی شد. تعدادی از مقالات و کدهای استخراج شده به‌عنوان نمونه در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نمونه کدهای استخراج شده از برخی مقالات منتخب

کد	نویسنده	سال	کدهای استخراج شده
۴۵	Løvseth & Gjørver	۲۰۱۸	نبود امکان جایگزینی، فرهنگ حرفه‌ای، مراقبت کافی از فرزندان خود، مسئولیت همراهی مدیران در ساختار سازمانی، تعهدات کاری، سلامت شخصی
۶۳	Siu et al	۲۰۲۰	تعارض کار- خانواده، ناامنی شغلی، حجم کاری بالا، محدودیت‌های سازمانی، تعارضات بین فردی
۷۱	Mohammadi et al	۲۰۲۱	اختلال در ارتباطات، استرس شغلی، امکانات ساختاری ناکافی، بی‌عدالتی، حضور اجباری، دانش ناکافی (مثلاً انتقال به یک بخش جدید و ترس از بروز اشتباه به دلیل ناآشنایی موجب استرس می‌شود)، عوارض سلامت جسمی و روانی، فرسودگی شغلی، قدرت محدود، قطع ارتباط مدیر و پرستار، هویت حرفه‌ای آسیب دیده، مشغولیت به زندگی (نگرانی درباره فرزندان)، داشتن وظایف متعدد در شغل
۷۷	Pasfield et al	۲۰۲۲	نبود حمایت توسط مدیران، احساس گناه برای گرفتن مرخصی استعلاجی به دلیل افزایش فشار به همکاران، نبود امکان جایگزینی

۲-۵. مرحله پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

در مرحله ترکیب یافته‌های پژوهش، می‌توان از روش‌هایی که برای تحلیل متون استفاده

می‌شود استفاده کرد. در این تحقیق، از تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است. ابزار استفاده شده در تحلیل محتوا، کدگذاری است و یکی از بهترین و پرکاربردترین انواع کدگذاری، کدگذاری باز است که در این مرحله از پژوهش از این ابزار برای کدگذاری یافته‌ها استفاده شده است. خلاصه نتایج این مرحله در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: فراوانی مولفه‌ها و مقوله‌های محوری در ابعاد سه‌گانه

ابعاد	رفتاری	محیطی	ساختاری	مجموع
فراوانی مولفه‌ها	۳۹	۱۰	۱۱	۶۰
فراوانی مقوله‌های محوری	۷	۳	۳	۱۳

۲-۶. مرحله ششم: کنترل کیفیت اطلاعات

در روش فراترکیب، محقق از روش‌های مختلفی برای حفظ کیفیت در مطالعه خود استفاده می‌کند. در این پژوهش، نیز اقدامات زیر برای کنترل کیفیت مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است:

- ارائه توضیحات و توصیف روشن و بدون ابهام در سراسر پژوهش

- استفاده از هر دو راهبرد جست‌وجوی الکترونیک و دستی

- کنترل کیفیت مطالعات کیفی با استفاده از تکنیک CASP

- استفاده از رویکردهای مناسب برای تلفیق مطالعات اصلی در زمان مناسب

علاوه بر موارد فوق برای اطمینان از پایایی مفاهیم استخراجی از پژوهش‌های منتخب و دسته‌بندی آن‌ها، از مقایسه نظر پژوهشگر با خبرگان استفاده شد. به این منظور فهرست کدهای استخراجی در اختیار دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه قرار گرفت

تا نسبت به دسته‌بندی این کدها در قالب مولفه‌ها و مقوله‌های محوری اقدام نمایند. سپس ضریب توافق کاپای مولفه‌ها و مقوله‌های محوری ارائه شده توسط دو پژوهشگر با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ محاسبه شد. بر این اساس ضریب توافق کاپای مولفه‌ها ۰/۸۵ و ضریب توافق کاپای مقوله‌های محوری ۰/۸۸ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی نتایج است.

۲-۷. مرحله هفتم: ارائه یافته‌ها

در این مرحله از روش فراترکیب، یافته‌های حاصل از مراحل قبل ارائه می‌شود. بر اساس این یافته‌ها، ۶۰ عامل کلیدی (مولفه) از سنتز ۷۸ مقاله به روش نظام‌مند، شناسایی شدند. این ۶۰ مولفه نیز به ۱۳ مقوله محوری و ۳ بعد دسته‌بندی شد که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

الف. عوامل موثر بر حضورگرایی در بعد رفتاری

در این بخش مولفه‌ها و مقوله‌های محوری شناسایی شده در بعد رفتاری (محتوایی) در جدول ۶ طبقه‌بندی و معرفی شده است. مولفه‌های رفتاری یا محتوایی به موضوع رفتار کارکنان و روابط انسانی در سازمان می‌پردازند که با هنجارهای رفتاری، ارتباطات غیررسمی و الگوهای خاصی به هم پیوسته‌اند و محتوای اصلی سازمان را تشکیل می‌دهند و در واقع، عوامل زنده سازمان محسوب می‌شوند (میرزایی اهرنجانی و مقیمی، ۱۳۸۲).

جدول ۶. مقوله‌های محوری و مولفه‌های حضورگرایی در بعد رفتاری

ردیف	مقوله محوری	مولفه
۱	فرهنگ سازمانی	حمایت همکاران
۲		مشروعیت (قابل پذیرش بودن) بیماری و غیبت
۳		فرهنگ کار تیمی
۴		فرهنگ حضور

خستگی	وضعیت سلامت فرد	۵
فرسودگی شغلی		۶
استرس و عوامل استرس‌زا		۷
افسردگی		۸
شدت درد و نوع بیماری (مزمن، حاد یا دوره‌ای)		۹
نگرانی از افزایش فشار بر دیگران و احساس گناه	نگرش و ادراک کارمند از پیامدهای غیبت یا حضورگرایی	۱۰
نگرانی از قضاوت شدن (انگ خوردن)		۱۱
نگرانی از شیوع بیماری بین دیگران		۱۲
نگرانی‌های شغلی		۱۳
کنترل و درمان بیماری		۱۴
روابط بین فردی در محیط کار	ارتباطات و تعاملات سازمانی	۱۵
سبک رهبری مدیران		۱۶
حمایت مدیران		۱۷
سبک زندگی	ویژگی‌های فردی	۱۸
ویژگی‌های جمعیت شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات، تاهل و...)		۱۹
وضعیت مالی فرد		۲۰
تعارض کار - خانواده	شخصیت فرد	۲۱
خودشناسی		۲۲
روان رنجورخویی بالا		۲۳
مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی		۲۴
اخلاق کاری		۲۵
خوش بینی		۲۶
اعتماد به نفس		۲۷
خودکارآمدی		۲۸
شجاعت و قاطعیت		۲۹
جاه طلبی		۳۰

رضایت شغلی	نگرش شغلی و سازمانی	۳۱
عدالت		۳۲
امنیت شغلی		۳۳
دلبستگی کاری		۳۴
هویت حرفه‌ای و سازمانی		۳۵
تعهد و وفاداری به همکاران		۳۶
وفاداری به سازمان		۳۷
تعهد شغلی و سازمانی		۳۸
نگرش مثبت به کار		۳۹

الف. عوامل موثر بر حضورگرایی در بعد محیطی

در این بخش مولفه‌ها و مقوله‌های محوری شناسایی شده در بعد محیطی در جدول ۷ طبقه‌بندی و معرفی شده است. مولفه‌های محیطی یا زمینه‌ای تمام شرایط و عوامل محیطی و برون‌سازمانی است که بر سازمان احاطه دارند و سیستم‌های اصلی یا ابر سیستم‌های سازمان از قبیل مشتریان یا ارباب رجوع، دولت، بازار و سایر سیستم‌های محیطی سازمان را تشکیل می‌دهند (همان).

جدول ۷. مقوله‌های محوری و مولفه‌های حضورگرایی در بعد محیطی

مؤلفه	مقوله محوری	ردیف
خانواده	عوامل فرهنگی و اجتماعی	۱
وظایف و مسئولیت‌های غیرکاری		۲
ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی جامعه		۳
ارتباط با مشتریان یا ارباب رجوعان (مشتری‌گرایی)		۴
بحران‌های اجتماعی		۵

نوع اشتغال	عوامل اقتصادی جامعه	۶
بازار کار		۷
وضعیت اقتصادی جامعه		۸
سیاست‌ها و قوانین حکومتی	قانون‌گذاری و زیرساخت	۹
تامین زیرساخت‌ها		۱۰

ب. عوامل موثر بر حضورگرایی در بعد ساختاری

در این بخش مولفه‌ها و مقوله‌های محوری شناسایی شده در بعد ساختاری مطابق جدول ۸ طبقه‌بندی و معرفی شده است. مولفه‌های ساختاری همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان است که با نظم، قاعده و ترتیب خاصی به هم پیوسته و چارچوب، قالب، پوسته، بدنه یا هیکل فیزیکی و مادی سازمان را تشکیل می‌دهند (میرزایی اهرنجانی و مقیمی، ۱۳۸۲).

جدول ۸. مقوله‌های محوری و مولفه‌های حضورگرایی در بعد ساختاری

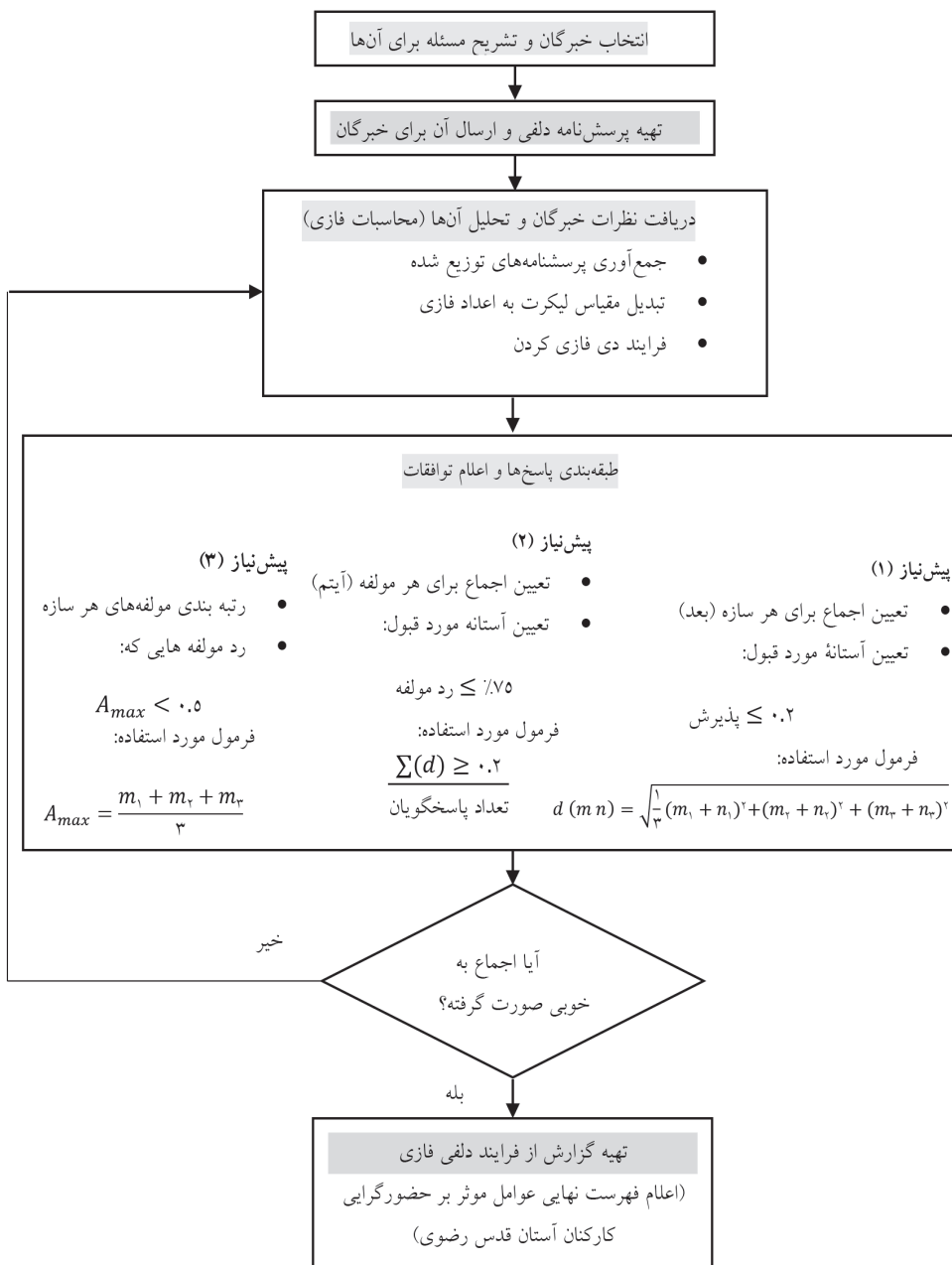
مؤلفه	مقوله محوری	ردیف
قوانین و مقررات سازمان	ویژگی و رویه‌های سازمانی	۱
سیاست‌های و خطی‌های سازمانی		۲
اندازه و نوع سازمان		۳
ویژگی‌های فیزیکی محیط کار		۴
حمایت سازمانی		۵
کنترل شغلی و آزادی عمل	ویژگی شغل	۶
دورکاری		۷
تقاضاهای شغلی		۸
عدم آمادگی مدیریت منابع انسانی	مدیریت منابع انسانی سازمان	۹
امکان جایگزینی (تامین نیرو)		۱۰
نظام جبران خدمت و پاداش		۱۱

۲-۸. فرایند دلفی فازی

در این پژوهش به منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی، از روش دلفی استفاده شد. روش دلفی فازی برگرفته از روش دلفی سنتی و تئوری مجموعه فازی است و ابهاماتی را که در نظرات خبرگان وجود دارد برطرف می‌کند (همایون‌فر و همکاران، ۱۳۹۷). دلیل اصلی استفاده از دلفی فازی این است که این اطمینان را می‌دهد که هیچ سوءتعبیری از عقاید و نظرات متخصصان نشود؛ زیرا این روش فازی بودن تمام فرایند دلفی را در نظر می‌گیرد؛ بنابراین، به دلیل افزایش اثربخشی و کارایی پرسش‌نامه می‌توان فاکتورهای ارزیابی بی‌طرفانه‌تری از طریق تحلیل‌های آماری تعیین کرد (همان).

مطابق شکل ۲ اولین مرحله از فرایند دلفی فازی انتخاب خبرگان است. در این پژوهش با توجه به اینکه هدف شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی است، ۲۱ نفر از کارشناسان و مدیران منابع انسانی این مجموعه که دارای ۳ شرط: ۱- سابقه حداقل ۵ ساله در حوزه منابع انسانی ۲- سابقه حداقل ۵ سال خدمت در آستان قدس رضوی ۳- حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی، بودند به عنوان خبرگان انتخاب شدند. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان در جدول ۹ ارائه شده است. در دومین گام فرایند دلفی فازی، پرسش‌نامه‌ای که سوالات آن بر اساس مولفه‌های شناسایی شده در مرحله فراترکیب تهیه شده بود برای خبرگان ارسال شد تا بر اساس طیف لیکرت با انتخاب یکی از گزینه‌های «خیلی زیاد: ۵»، «زیاد: ۴»، «متوسط: ۳» «کم: ۲» و «خیلی کم: ۱» نظر خود را درباره اهمیت هر یک از مولفه‌ها اعلام کنند. ضمناً در این پرسش‌نامه هر یک از پاسخ‌دهندگان این امکان را داشت تا مولفه‌هایی را با نظر خود به صورت مکتوب در پرسش‌نامه قید کند.

شکل ۲. فرایند دلفی فازی



جدول ۹. اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان (خبرگان)

درصد	فراوانی	اطلاعات پاسخ دهندگان	
۹/۵	۲	زن	جنسیت
۹۰/۵	۱۹	مرد	
۵۲/۵	۱۱	بین ۵ تا ۹ سال	سابقه فعالیت در حوزه منابع انسانی
۴۷	۹	بین ۱۰ تا ۱۹ سال	
۰/۵	۱	بین ۲۰ تا ۲۹ سال	
۱۴/۵	۳	کمتر از ۳۰ سال	سن
۳۳	۷	بین ۳۱ تا ۳۹ سال	
۴۳	۹	بین ۴۰ تا ۴۹ سال	
۹/۵	۲	بین ۵۰ تا ۵۹ سال	
۵۲	۱۱	بین ۵ تا ۹ سال	سابقه خدمت در آستان قدس رضوی
۲۴	۵	بین ۱۰ تا ۱۹ سال	
۲۴	۵	بین ۲۰ تا ۲۹ سال	
۱۹	۴	کارشناس	سطح سازمانی
۲۸/۵	۶	کارشناس مسئول	
۳۳	۷	رئیس اداره	
۱۹	۴	مدیر	
۸۱	۱۷	کارشناسی	سطح تحصیلات
۱۴/۵	۳	کارشناسی ارشد	
۰/۵	۱	دکتری	

در دور اول ارسال پرسش نامه که به صورت فیزیکی و مکتوب انجام شد همه ۲۱ نفر پرسش نامه ها را تکمیل و عودت دادند. در پرسش نامه های تکمیل شده دریافتی هیچ مولفه جدیدی از سوی پاسخ دهندگان اضافه نشده بود که این موضوع نشان دهنده جامع و کامل بودن مولفه های شناسایی شده در فراترکیب مطالعات پیشین است. پرسش نامه

دور دوم به صورت آنلاین ارسال شد و همه ۲۱ خبره دور اول، به سوالات آن پاسخ دادند. در گام سوم از فرایند دلفی فازی می‌باید پاسخ‌های دریافت شده از پنل خبرگان با استفاده از داده‌های جدول ۱۰، از نمرات لیکرت به اعداد فازی متناظر با هر نمره لیکرت تبدیل شوند. هر پاسخ دریافت شده‌ای، سه مقدار برای بررسی دارد یعنی، کمترین مقدار n_1 ، منطقی‌ترین مقدار n_2 و بیشترین مقدار n_3 . به عنوان مثال در صورتی که پاسخ یکی از پاسخ‌گویان به یک مؤلفه زیاد (۴ در مقیاس لیکرت) باشد، این نمره به کمترین، منطقی‌ترین و بیشترین مقدار فازی به ترتیب $0/5$ ، $0/75$ و ۱ تبدیل می‌شود (Manakandan et al., 2017).

جدول ۱۰. افراز بندی متغیرهای کلامی و اعداد فازی معادل

متوسط اعداد فازی	اعداد فازی متناظر با نمره لیکرت			نمره لیکرت	متغیر کلامی
	n_1	n_2	n_3		
$0/08$	$0/0$	$0/0$	$0/25$	۱	خیلی کم
$0/25$	$0/0$	$0/25$	$0/5$	۲	کم
$0/5$	$0/25$	$0/5$	$0/75$	۳	متوسط
$0/75$	$0/5$	$0/75$	۱	۴	زیاد
$0/92$	$0/75$	۱	۱	۵	خیلی زیاد

منبع: فقیهی و همکاران (۱۳۹۷)

اقدام دیگر در این مرحله فازی زدایی یا غیرفازی کردن اعداد است. فرایند غیرفازی کردن به منظور استفاده از نتایج حاصله در فرایند رتبه‌بندی هر مولفه برای تعیین سطح اهمیت آن است. این فرایند رتبه‌بندی برای تعیین بودن یا نبودن مولفه‌های به کار می‌رود (Manakandan et al., 2017). به این منظور لازم بود اعداد فازی به اعداد قطعی تبدیل شوند. با استفاده از فرمول زیر اعداد فازی به اعداد قطعی تبدیل شدند. میانگین نمره‌های فازی هر مولفه برای فرایند غیرفازی کردن با m_1 ، m_2

m_3 ، نشان داده می‌شوند.

$$A_{\max} = \frac{m_1 + m_2 + m_3}{3}$$

بر اساس نکات فوق مقادیر فازی زدایی شده در دور اول و دوم دلفی فازی به شرح جدول ۱۱ است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود اختلاف بین میانگین نمرات فازی زدایی شده در دور اول و دوم برای همه مولفه‌های کمتر از $0/2$ (کمتر از ۲۰ درصد) است. بر این اساس اجماع لازم بین خبرگان صورت پذیرفته و فرایند دلفی فازی به پایان رسیده است (همایون‌فر و همکاران، ۱۳۹۷).

جدول ۱۱. میانگین فازی زدایی شده هر مولفه و اختلاف دور اول و دوم

اختلاف دور اول و دوم	میانگین نمرات فازی زدایی شده هر مولفه		مولفه	ردیف
	دور دوم	دور اول		
۵٪	۰/۵۷۵	۰/۵۲۸	حمایت همکاران	۱
۳٪	۰/۵۶۰	۰/۵۲۸	مشروعیت (قابل پذیرش بودن) بیماری و غیبت	۲
۷٪	۰/۵۵۲	۰/۴۸۰	فرهنگ کار تیمی	۳
۹٪	۰/۶۹۸	۰/۶۰۷	فرهنگ حضور	۴
۱٪	۰/۶۴۷	۰/۶۳۵	خستگی	۵
۶٪	۰/۷۲۲	۰/۶۵۹	فرسودگی شغلی	۶
۳٪	۰/۶۹۸	۰/۶۷۱	استرس و عوامل استرس‌زا	۷
۶٪	۰/۶۰۷	۰/۵۵۲	افسردگی	۸
۱۱٪	۰/۶۳۱	۰/۵۲۴	شدت درد و نوع بیماری (مزمن، حاد یا دوره‌ای)	۹
۸٪	۰/۵۲۴	۰/۴۴۸	نگرانی از افزایش فشار بر دیگران و احساس گناه	۱۰
۶٪	۰/۶۶۳	۰/۵۹۹	نگرانی از قضاوت شدن (انگ خوردن)	۱۱
۱٪	۰/۵۴۴	۰/۵۵۲	نگرانی از شیوع بیماری بین دیگران	۱۲
۴٪	۰/۷۸۶	۰/۷۵۰	نگرانی‌های شغلی	۱۳
۰٪	۰/۴۸۸	۰/۴۸۸	کنترل و درمان بیماری	۱۴

۱۵	روابط بین فردی در محیط کار	۰/۵۹۹	۰/۵۹۱	٪۱
۱۶	سبک رهبری مدیران	۰/۶۸۳	۰/۷۲۶	٪۴
۱۷	حمایت مدیران	۰/۶۶۷	۰/۷۱۸	٪۵
۱۸	سبک زندگی	۰/۷۱۴	۰/۶۹۰	٪۲
۱۹	ویژگی‌های جمعیت شناختی (جنسیت، سن، تحصیلات، تاهل و...)	۰/۶۰۷	۰/۶۵۱	٪۴
۲۰	وضعیت مالی فرد	۰/۷۵۴	۰/۸۰۶	٪۵
۲۱	تعارض کار - خانواده	۰/۶۷۹	۰/۶۷۱	٪۱
۲۲	خودشناسی	۰/۶۰۷	۰/۶۷۱	٪۶
۲۳	روان‌رنجور خوبی بالا	۰/۶۵۹	۰/۷۲۲	٪۶
۲۴	مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی	۰/۷۷۰	۰/۷۷۸	٪۱
۲۵	اخلاق کاری	۰/۶۲۳	۰/۷۳۴	٪۱۱
۲۶	خوش بینی	۰/۵۱۶	۰/۶۸۳	٪۱۷
۲۷	اعتماد به نفس	۰/۵۴۸	۰/۵۴۴	٪۰
۲۸	خودکارآمدی	۰/۵۸۳	۰/۶۵۱	٪۷
۲۹	شجاعت و قاطعیت	۰/۶۱۱	۰/۶۳۵	٪۲
۳۰	جاه طلبی	۰/۵۵۲	۰/۵۹۹	٪۵
۳۱	رضایت شغلی	۰/۵۶۰	۰/۵۸۳	٪۲
۳۲	عدالت	۰/۶۱۱	۰/۶۷۹	٪۷
۳۳	امنیت شغلی	۰/۷۳۴	۰/۷۷۰	٪۴
۳۴	دلبستگی کاری	۰/۵۹۹	۰/۶۴۷	٪۵
۳۵	هویت حرفه‌ای و سازمانی	۰/۵۵۲	۰/۶۶۷	٪۱۲
۳۶	تعهد و وفاداری به همکاران	۰/۵۷۱	۰/۶۵۵	٪۸
۳۷	وفاداری به سازمان	۰/۶۵۵	۰/۶۳۱	٪۲
۳۸	تعهد شغلی و سازمانی	۰/۶۷۹	۰/۶۷۵	٪۰
۳۹	نگرش مثبت به کار	۰/۶۲۳	۰/۶۳۱	٪۱
۴۰	خانواده	۰/۶۹۴	۰/۷۰۲	٪۱
۴۱	وظایف و مسئولیت‌های غیرکاری	۰/۶۰۷	۰/۵۹۵	٪۱

۴۲	ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی جامعه	۰/۵۹۵	۰/۶۴۷	۵٪
۴۳	ارتباط با مشتریان یا ارباب رجوعان (مشتري گرايي)	۰/۵۶۳	۰/۶۱۵	۵٪
۴۴	بحران‌های اجتماعی	۰/۶۳۱	۰/۷۴۲	۱۱٪
۴۵	نوع اشتغال	۰/۷۳۰	۰/۶۹۰	۴٪
۴۶	بازار کار	۰/۷۷۸	۰/۷۳۸	۴٪
۴۷	وضعیت اقتصادی جامعه	۰/۸۲۱	۰/۸۲۵	۰٪
۴۸	سیاست‌ها و قوانین حکومتی	۰/۷۷۰	۰/۷۷۸	۱٪
۴۹	تامین زیرساخت‌ها	۰/۵۸۳	۰/۶۸۳	۱۰٪
۵۰	قوانین و مقررات سازمان	۰/۷۹۴	۰/۸۲۵	۳٪
۵۱	سیاست‌های و خطی‌های سازمانی	۰/۷۵۴	۰/۷۳۸	۲٪
۵۲	اندازه و نوع سازمان	۰/۶۲۷	۰/۷۰۶	۸٪
۵۳	ویژگی‌های فیزیکی محیط کار	۰/۶۲۷	۰/۶۵۱	۲٪
۵۴	حمایت سازمانی	۰/۷۱۰	۰/۶۸۷	۲٪
۵۵	کنترل شغلی و آزادی عمل	۰/۶۷۵	۰/۶۸۷	۱٪
۵۶	دورکاری	۰/۶۰۳	۰/۵۸۷	۲٪
۵۷	تقاضاهای شغلی	۰/۷۹۰	۰/۷۳۰	۶٪
۵۸	عدم آمادگی مدیریت منابع انسانی	۰/۶۰۷	۰/۶۹۸	۹٪
۵۹	امکان جایگزینی (تامین نیرو)	۰/۶۲۳	۰/۶۸۳	۶٪
۶۰	نظام جبران خدمت و پاداش	۰/۶۲۷	۰/۶۱۹	۱٪

در مرحله چهارم از فرایند دلفی فازی برای تعیین قابلیت پذیرش سازه‌ها (مقوله‌های محوری) و مولفه‌ها و ترتیب آن‌ها و در واقع رسیدن به اجماع نظر متخصصان سه پیش‌نیاز به شرح زیر تکمیل می‌شود (Manakandan et al., 2017):

الف. تعیین مقدار آستانه‌ای مقوله‌های محوری و مولفه‌ها ($d \leq 0.2$)

مقدار آستانه‌ای (d) برای هر مولفه با محاسبه اختلاف بین متوسط عدد فازی هر مولفه و عدد فازی پاسخگو و با استفاده از فرمول زیر به دست می‌آید:

$$d(m, n) = \sqrt{\frac{1}{3} (m_1 - n_1)^2 + (m_2 - n_2)^2 + (m_3 - n_3)^2}$$

مقدار آستانه‌ای برای پذیرش مولفه‌ها این است که (d) کوچک‌تر یا مساوی ۰/۲ باشد. هنگامی که مقدار فوق به دست آمد، مقدار آستانه‌ای هر سازه (مقوله محوری) با استفاده از فرمول زیر به دست می‌آید:

$$\frac{\text{مجموع متوسط مقدار آستانه ای (d) هر مولفه}}{\text{کل پاسخگویان} \times \text{کل مولفه های هر سازه}}$$

بر پایه این مقدار، قابلیت پذیرش سازه (مقوله محوری) تعیین می‌شود، به گونه‌ای که اگر مقدار آستانه‌ای کمتر یا مساوی ۰/۲ باشد، سازه (مقوله محوری) پذیرفته می‌شود.

ب. توافق متخصصان بر آیت‌های (مولفه‌های) ارزیابی شده (۰/۷۵ $\geq$ توافق متخصصان)

میزان توافق متخصصان از نسبت تعداد (d) های کوچک‌تر یا مساوی ۰/۲ به کل تعداد متخصصان به دست می‌آید که بایستی این نسبت بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۷۵ باشد. مولفه‌هایی با توافق کمتر از آن کنار گذاشته می‌شوند.

ج. تعیین آیت‌های (مولفه‌های) مورد پذیرش و رتبه هر کدام

رتبه یک مولفه در سازه (مقوله محوری) مشابه بعد از فرایند غیرفازی‌سازی تعیین می‌شود. این رتبه با محاسبه $A_{\max}$ یعنی میانگین نمره فازی هر آیت به دست می‌آید و چنانچه رقم آن از ۰/۵ کمتر باشد آن آیت حذف می‌شود و آیت‌های با نمره بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۵ در رتبه‌بندی نهایی قرار می‌گیرد.

با توجه به توضیحات فوق محاسبات مربوط به تعیین مقدار آستانه‌ای، درصد توافق متخصصان و وضعیت پذیرش و رتبه مولفه‌ها به شرح جدول ۱۲ ارائه شده است.

جدول ۱۲. رتبه بندی و وضعیت پذیرش یا عدم پذیرش مولفه‌ها

رتبه در مقوله	وضعیت نهایی مولفه	میلگین فازی	درصد توافق خبرگان	میلگین آستانه (d)	مولفه	مقوله محوری
---	رد	۰/۵۷۵	%۶۲	۰/۲	حمایت همکاران	فرهنگ سازمانی
۲	پذیرش	۰/۵۶۰	%۸۱	۰/۲	مشروعیت (قابل پذیرش بودن) بیماری و غیبت	
---	رد	۰/۵۵۲	%۶۲	۰/۲	فرهنگ کار تیمی	
۱	پذیرش	۰/۶۹۸	%۱۰۰	۰/۱	فرهنگ حضور	
---	رد	۰/۶۴۷	%۷۱	۰/۲	خستگی	وضعیت سلامت فرد
۱	پذیرش	۰/۷۲۲	%۹۰	۰/۲	فرسودگی شغلی	
۲	پذیرش	۰/۶۹۸	%۹۰	۰/۲	استرس و عوامل استرس‌زا	
۴	پذیرش	۰/۶۰۷	%۷۶	۰/۲	افسردگی	
۳	پذیرش	۰/۶۳۱	%۹۰	۰/۱	شدت درد و نوع بیماری (مزمّن، حاد یا دوره ای)	
۳	پذیرش	۰/۵۲۴	%۸۱	۰/۱	نگرانی از افزایش فشار بر دیگران	نگرش و ادراک کارمند نسبت به پیامدهای غیبت یا حضورگرایی
---	رد	۰/۶۶۳	%۶۷	۰/۲	وا احساس گناه	
۲	پذیرش	۰/۵۴۴	%۷۶	۰/۲	نگرانی از قضاوت شدن (انگ خوردن)	
۱	پذیرش	۰/۷۸۶	%۸۶	۰/۱	نگرانی از شیوع بیماری بین دیگران	
---	رد	۰/۴۸۸	%۷۱	۰/۲	نگرانی‌های شغلی	
۳	پذیرش	۰/۵۹۱	%۷۶	۰/۲	کنترل و درمان بیماری	ارتباطات و تعاملات سازمانی
۱	پذیرش	۰/۷۲۶	%۱۰۰	۰/۱	روابط بین فردی در محیط کار	
۲	پذیرش	۰/۷۱۸	%۸۶	۰/۲	سبک رهبری مدیران	

ویژگی‌های فردی	حمایت مدیران	۰/۲	%۹۵	۰/۶۹۰	پذیرش	۲
	سبک زندگی	۰/۲	%۶۷	۰/۶۵۱	رد	---
	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	۰/۱	%۹۰	۰/۸۰۶	پذیرش	۱
	وضعیت مالی فرد	۰/۱	%۸۱	۰/۶۷۱	پذیرش	۳
شخصیت فرد	تعارض کار - خانواده	۰/۱	%۹۰	۰/۶۷۱	پذیرش	۵
	خودشناسی	۰/۲	%۹۰	۰/۷۲۲	پذیرش	۳
	روان رنجور خویی بالا	۰/۱	%۸۶	۰/۷۷۸	پذیرش	۱
	مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی	۰/۱	%۱۰۰	۰/۷۳۴	پذیرش	۲
	اخلاق کاری	۰/۲	%۹۰	۰/۶۸۳	پذیرش	۴
	خوش بینی	۰/۲	%۶۷	۰/۵۴۴	رد	---
	اعتماد به نفس	۰/۲	%۶۲	۰/۶۵۱	رد	---
	خودکارآمدی	۰/۲	%۷۱	۰/۶۳۵	رد	---
	شجاعت و قاطعیت	۰/۳	%۴۳	۰/۵۹۹	رد	---
	جاه‌طلبی	۰/۲	%۵۷	۰/۵۸۳	رد	---
نگرش‌های شغلی و سازمانی	رضایت شغلی	۰/۲	%۵۲	۰/۶۷۹	رد	---
	عدالت	۰/۲	%۸۶	۰/۷۷۰	پذیرش	۱
	امنیت شغلی	۰/۲	%۷۱	۰/۶۴۷	رد	---
	دلبستگی کاری	۰/۲	%۷۱	۰/۶۶۷	رد	---
	هویت حرفه‌ای و سازمانی	۰/۲	%۷۶	۰/۶۵۵	پذیرش	۳
	تعهد و وفاداری به همکاران	۰/۲	%۷۶	۰/۶۳۱	پذیرش	۴
	وفاداری به سازمان	۰/۲	%۸۱	۰/۶۷۵	پذیرش	۲
	تعهد شغلی و سازمانی	۰/۱	%۱۰۰	۰/۶۳۱	پذیرش	۴

عوامل فرهنگی و اجتماعی	نگرش مثبت به کار	۰٫۲	٪۹۵	۰٫۷۰۲	پذیرش	۲
	خانواده	۰٫۲	٪۸۶	۰٫۵۹۵	پذیرش	۵
	وظایف و مسئولیت‌های غیرکاری	۰٫۲	٪۷۶	۰٫۶۴۷	پذیرش	۳
	ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی جامعه	۰٫۲	٪۸۶	۰٫۶۱۵	پذیرش	۴
	ارتباط با مشتریان یا ارباب رجوعان	۰٫۲	٪۹۵	۰٫۷۴۲	پذیرش	۱
عوامل اقتصادی جامعه	بحران‌های اجتماعی	۰٫۱	٪۹۰	۰٫۶۹۰	پذیرش	۳
	نوع اشتغال	۰٫۲	٪۸۶	۰٫۷۳۸	پذیرش	۲
	بازار کار	۰٫۱	٪۹۵	۰٫۸۲۵	پذیرش	۱
قانون گذاری و زیرساخت	وضعیت اقتصادی جامعه	۰٫۱	٪۹۵	۰٫۷۷۸	پذیرش	۱
	سیاست‌ها و قوانین حکومتی	۰٫۱	٪۹۰	۰٫۶۸۳	پذیرش	۲
ویژگی‌ها و رویه‌های سازمانی	تامین زیرساخت‌ها	۰٫۱	٪۹۵	۰٫۸۲۵	پذیرش	۱
	قوانین و مقررات سازمان	۰٫۱	٪۹۵	۰٫۷۳۸	پذیرش	۲
	سیاست‌های و خطی‌های سازمانی	۰٫۲	٪۹۵	۰٫۷۰۶	پذیرش	۳
	اندازه و نوع سازمان	۰٫۱	٪۸۶	۰٫۶۵۱	پذیرش	۵
	ویژگی‌های فیزیکی محیط کار	۰٫۲	٪۹۵	۰٫۶۸۷	پذیرش	۴
ویژگی شغل	حمایت سازمانی	۰٫۲	٪۹۰	۰٫۶۸۷	پذیرش	۲
	کنترل شغلی و آزادی عمل	۰٫۲	٪۶۷	۰٫۵۸۷	رد	---
	دورکاری	۰٫۲	٪۱۰۰	۰٫۷۳۰	پذیرش	۱
مدیریت منابع انسانی سازمان	تقاضاهای شغلی	۰٫۱	٪۱۰۰	۰٫۶۹۸	پذیرش	۱
	عدم آمادگی مدیریت منابع انسانی	۰٫۲	٪۸۱	۰٫۶۸۳	پذیرش	۲
	امکان جایگزینی (تامین نیرو)	۰٫۲	٪۷۱	۰٫۶۱۹	رد	---
	نظام جبران خدمت و پاداش					

با توجه به محاسبات انجام شده مقدار آستانه‌ای، درصد توافق متخصصان و وضعیت پذیرش و رتبه مقوله‌های محوری نیز به شرح جدول ۱۳ است.

جدول ۱۳. رتبه‌بندی و وضعیت پذیرش یا عدم پذیرش مقوله‌های محوری

رتبه در بعد	وضعیت نهایی مقوله	میلگین فازی	درصد توافق خبرگان	میلگین آستانه‌ای (d)	مقوله محوری	بعد
۷	پذیرش	۰/۵۹۶	٪۷۶	۰/۰۰۸	فرهنگ سازمانی	رفتاری
۴	پذیرش	۰/۶۶۱	٪۸۴	۰/۰۰۱	وضعیت سلامت فرد	
۶	پذیرش	۰/۶۲۰	٪۷۶	۰/۰۰۱	نگرش و ادراک کارمند نسبت به پیامدهای غیبت یا حضورگرایی	
۲	پذیرش	۰/۶۷۹	٪۸۷	۰/۰۰۳	ارتباطات و تعاملات سازمانی	
۱	پذیرش	۰/۷۰۴	٪۸۳	۰/۰۰۲	ویژگی‌های فردی	
۳	پذیرش	۰/۶۶۸	٪۷۸	۰/۰۰۱	شخصیت فرد	
۵	پذیرش	۰/۶۶۰	٪۷۵	۰/۰۰۱	نگرش شغلی و سازمانی	
۳	پذیرش	۰/۶۶۰	٪۸۸	۰/۰۰۱	عوامل فرهنگی و اجتماعی	محیطی
۱	پذیرش	۰/۷۵۱	٪۹۰	۰/۰۰۱	عوامل اقتصادی جامعه	
۲	پذیرش	۰/۷۳۰	٪۹۳	۰/۰۰۲	قانون‌گذاری و زیرساخت	
۱	پذیرش	۰/۷۲۱	٪۹۳	۰/۰۰۰	ویژگی‌ها و رویه‌های سازمانی	ساختاری
۲	پذیرش	۰/۶۶۸	٪۸۶	۰/۰۰۳	ویژگی شغل	
۳	پذیرش	۰/۶۶۷	٪۸۴	۰/۰۰۳	مدیریت منابع انسانی سازمان	

پنجمین و آخرین مرحله دلفی فازی ارائه گزارش یافته‌هاست. همان‌طور که در جدول ۱۲ ملاحظه می‌شود یکی از مولفه‌ها یعنی مولفه جاه‌طلبی به دلیل میانگین آستانه‌ای (d) بزرگ‌تر از ۰/۲ رد شد. علاوه بر این، ۱۳ مولفه دیگر به دلیل درصد توافق کمتر از ۷۵ درصد تایید نشدند این مولفه‌ها عبارتند از: حمایت همکاران، فرهنگ کار تیمی، خستگی، نگرانی از قضاوت شدن (انگ خوردن)، کنترل و درمان بیماری، ویژگی‌های

جمعیت‌شناختی، اعتماد به نفس، خودکارآمدی، شجاعت و قاطعیت، جاه‌طلبی، رضایت شغلی، عدالت، دلبستگی کاری، هویت حرفه‌ای و سازمانی، دورکاری، نظام جبران خدمت و پاداش. به عبارت دیگر، خبرگان (کارشناسان و مدیران منابع انسانی آستان قدس رضوی) معتقدند عوامل مذکور تأثیری بر حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی ندارد. در نقطه مقابل ۴۴ عامل باقی‌مانده جزو عوامل موثر بر حضورگرایی است.

از طرف دیگر، جدول ۱۳ نشان می‌دهد تمامی مقوله‌های محوری مورد تایید خبرگان قرار گرفته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد در بعد رفتاری، ویژگی‌های فردی، در بعد محیطی عوامل اقتصادی جامعه و در بعد ساختاری، ویژگی‌ها و رویه‌های سازمانی به‌عنوان مهم‌ترین و اولویت‌دارترین عوامل موثر بر حضورگرایی انتخاب شده‌اند.

شایان ذکر است با توجه به پذیرش همه ۱۳ مقوله محوری، به تبع آن وجود هر سه بعد رفتاری، ساختاری و محیطی نیز مورد تایید خبرگان قرار گرفته است. از طرفی بعد محیطی با میانگین ۷۰۲/۰، بعد ساختاری با میانگین ۶۹۲/۰ و بعد رفتاری با میانگین ۶۵۴/۰ به ترتیب رتبه اول تا سوم ابعاد را به خود اختصاص دادند.

۳. نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی محرک‌های موثر بر حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی بود. با توجه به اینکه در یافته‌های پژوهشگران قبلی تنها به گوشه‌ای از این عوامل اشاره شده بود و انسجام مناسبی در آن‌ها وجود نداشت و از طرفی پژوهش جامعی در صنعت خدمات میزبانی و گردشگری انجام نشده بود، تلاش شد با سنتز پژوهی (فرا ترکیب) مطالعات پیشین، به تفسیر جدیدی از عوامل موثر بر حضورگرایی دست پیدا کنیم و سپس با استفاده از نظرات خبرگان به بومی‌سازی این عوامل در آستان قدس رضوی بپردازیم.

نتایج پژوهش در بخش فرا ترکیب حاکی از وجود ۶۰ مولفه، ۱۳ مقوله محوری و ۳ بعد موثر

بر حضورگرایی (به‌صورت عام و بدون توجه به نوع صنعت یا سازمان) بود که در بخش دلفی فازی پژوهشگران با ۴۴ مولفه، ۱۳ مقوله محوری و ۳ بعد موثر بر حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی موافقت کردند.

همان‌طور که در اغلب الگوی‌های رفتاری از پدیده‌های سازمانی، فرهنگ سازمانی نقشی مهم ایفا می‌کند، در این پژوهش نیز در بعد اول یعنی بعد رفتاری، فرهنگ سازمانی به‌عنوان یکی از مقوله‌های محوری معرفی شد. رول و سوس (۲۰۲۰) در مطالعه خود به‌صورت مبسوط به نقش فرهنگ سازمانی در بروز رفتار حضورگرایی پرداخته‌اند. از طرف دیگر یوسف و همکاران (۲۰۲۱) مشروعیت (قابل پذیرش بودن) بیماری و وبستر و همکاران (۲۰۱۹)، فرهنگ حضور را به‌عنوان مولفه‌های فرهنگ سازمانی بر حضورگرایی موثر دانسته‌اند همان‌طور که در نتایج نهایی این پژوهش نیز به آن‌ها اشاره شده است.

طبق نتایج ارائه شده، حضورگرایی به‌طور مستقیم با برخی از وضعیت‌های سلامتی مرتبط است، همان‌طور که قصابیان (۱۳۹۵) به استرس، محمدی و همکاران (۲۰۲۱) به فرسودگی شغلی، استرس و افسردگی و کین من (۲۰۱۹) به شدت درد و نوع بیماری به‌عنوان شرایط سلامت فرد اشاره داشته‌اند. لذا پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور همسوست.

در بسیاری از تحقیقات، نگرش‌ها و ادراکات کارمند نسبت به پیامدهای غیبت یا حضورگرایی را مشابه نتایج این پژوهش بر بروز حضورگرایی موثر دانسته‌اند. به‌عنوان نمونه، مولفه‌های نگرانی از افزایش فشار بر دیگران و احساس گناه، نگرانی از شیوع بیماری، نگرانی‌های شغلی در پژوهش‌های وبستر و همکاران (۲۰۱۹)، مورکن و همکاران (۲۰۱۲)، رول و سوس (۲۰۲۰)، مورد تأکید قرار گرفته است.

مقوله محوری ارتباطات و تعاملات سازمانی در نتایج ارائه شده این پژوهش از سه مولفه روابط بین فردی در محیط کار، سبک رهبری مدیران و حمایت مدیران تشکیل شده است که این مولفه‌ها در پژوهش مک‌گریگور و همکاران (۲۰۱۸) نیز به چشم می‌خورد.

ویژگی‌های فردی جزو مقوله‌هایی هستند که در بسیاری از پژوهش‌های حضورگرایی مطرح شده‌اند. لوهاس و هابرم (۲۰۱۹) به مولفه سبک زندگی فردی و وضعیت مالی و ارسال و بویلو (۲۰۱۷) به تعارض کار - خانواده به عنوان محرک‌های حضورگرایی پرداخته‌اند، همان‌طور که در این پژوهش نیز این چهار مولفه جزو نتایج نهایی است.

مقوله محوری شخصیت یکی از فراگیرترین محرک‌های حضورگرایی است و مولفه‌های مختلفی را در خود جای داده است. در این پژوهش به ۵ مولفه شخصیت اشاره شده است که در تحقیق مؤذن جمشیدی و باقرزاده خدشهری (۱۴۰۰) به وظیفه‌شناسی، در پژوهش سی‌یو و همکاران (۲۰۲۰) نیز به دو مورد از آن‌ها یعنی خودشناسی و خوش‌بینی و در نهایت مطالعات مک‌گریگور و همکاران (۲۰۱۸) و وبستر و همکاران (۲۰۱۹) به روان‌رنجورخویی و اخلاق کاری اشاره کرده‌اند.

نگرش‌های شغلی و سازمانی که در واقع دیدگاه‌های قضاوت‌گرایانه افراد است نیز جزو موثرترین عوامل حضورگرایی محسوب می‌شود که ۵ مولفه آن علاوه بر این پژوهش در سایر مطالعات نیز شناسایی شده‌اند. در این خصوص کیان (۱۳۹۵) و کین من در پژوهش‌هایی به مولفه‌های امنیت شغلی، تعهد و وفاداری به همکاران و تعهد شغلی و سازمانی توجه کرده‌اند. علاوه بر این رول و سوس (۲۰۲۰) و یوسف و همکاران (۲۰۲۱) به ترتیب به وفاداری به سازمان و نگرش مثبت نسبت به کار پرداخته‌اند. که نتایج این پژوهش‌ها با مطالعه حاضر همسوست.

در نتایج نهایی این پژوهش، عوامل فرهنگی و اجتماعی جامعه، اولین مقوله محوری در بعد محیطی است که پنج مولفه را در برمی‌گیرد. در بررسی ادبیات تحقیق مشخص شد که یوسف و همکاران (۲۰۲۱) به دو مولفه خانواده و ارتباط با مشتریان یا ارباب رجوعان (مشتری‌گرایی) اشاره کرده‌اند. محمدی و همکاران (۲۰۲۱) به مولفه دوم یعنی وظایف و مسئولیت‌های غیرکاری، لوهاس و هابرم (۲۰۱۹) به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اجتماعی جامعه و آدیس و همکاران (۲۰۲۰) به مولفه پنجم یعنی بحران‌های اجتماعی تاکید داشته‌اند.

عوامل اقتصادی جامعه شامل مولفه‌های نوع اشتغال، بازار کار و وضعیت اقتصادی جامعه که احتمالاً بنیانی‌ترین مولفه‌های موثر بر حضورگرایی است در مطالعات یوسف و همکاران (۲۰۲۱) و لوهائوس و هابرم (۲۰۱۹) مشابه این پژوهش بررسی و تایید شده است.

آخرین مقوله محوری بعد محیطی، قانون‌گذاری و زیرساخت است که دارای دو مولفه سیاست‌ها و قوانین حکومتی و تامین زیرساخت‌ها است و در پژوهش لوهائوس و هابرم (۲۰۱۹) به این دو مولفه توجه شده است و از این منظر نیز این پژوهش با پژوهش مذکور همسوست.

در سومین بعد از نتایج پژوهش، به عوامل ساختاری اشاره شده است. در این بعد، ویژگی‌ها و رویه‌های سازمانی مقوله‌ای است که از پنج مولفه تشکیل شده است. در پیشینه ادبیات حضورگرایی، کنانی (۲۰۲۲) به دو مقوله قوانین و مقررات و اندازه و نوع سازمان پرداخته‌اند. یوسف و همکاران (۲۰۲۱) نیز به سه مولفه ویژگی‌های فیزیکی محیط کار، سیاست‌ها و خطی‌مشی‌های سازمانی و حمایت سازمانی توجه کرده‌اند که نتایج هر دو مطالعه با نتایج پژوهش حاضر همسوست.

ویژگی‌های شغل مقوله‌ای است که دو مولفه مهم «کنترل شغلی و آزادی عمل» و «تقاضاهای شغلی» را در این پژوهش پوشش می‌دهد که رول و اشمول (۲۰۲۱) در پژوهش خود به هر دو مورد اشاره کرده‌اند.

مدیریت منابع انسانی به‌عنوان آخرین مقوله محوری بعد ساختاری، شامل دو مولفه می‌شود. اولین مولفه، عدم آمادگی مدیریت منابع انسانی است که در تحقیق مدوکس-دینز (۲۰۲۱) مورد تاکید قرار گرفته و مولفه بعدی امکان جایگزینی (تامین نیرو) است که در مطالعه کین من (۲۰۱۹) مانند پژوهش حاضر، به‌عنوان عوامل موثر بر حضورگرایی شناسایی شده‌اند.

به‌طور کلی مقایسه نتایج این پژوهش درباره مولفه‌های مذکور، با سایر پژوهش‌های انجام شده آن بود که در بیشتر مطالعات مربوط به عوامل موثر بر حضورگرایی به ابعاد

رفتاری، محیطی و ساختاری و همچنین ۱۳ مقوله محوری موجود در نتایج این پژوهش، اشاره شده است. البته باید گفت این پژوهش به دلیل جامعیت بیشتر و طبقه‌بندی دقیق‌تر و مناسب‌تر مولفه‌ها از سایر پژوهش‌های انجام شده تاکنون متمایز است.

با توجه به نتایج فوق چنانچه بخواهیم بر مبنای عوامل و محرک‌های اولویت‌دار، برخی راهکارهای مدیریتی را برای کنترل پدیده حضورگرایی ارائه دهیم می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

در بعد محیطی که نسبت به دو بعد دیگر دارای اولویت اول است، مقوله عوامل اقتصادی دارای رتبه اول بوده و در این مقوله، مولفه وضعیت اقتصادی جامعه مهم‌ترین عامل حضورگرایی کارکنان در آستان قدس رضوی است. به عبارت دیگر اگر وضعیت اقتصادی جامعه از شاخص‌های اقتصادی نظیر تورم نامساعد باشد، میزان قدرت خرید کاهش یافته و ممکن است برخی کارکنان برای جبران این موضوع درگیر رفتار حضورگرایی شوند؛ بنابراین یکی از راه‌های مدیریت این رفتار در آستان قدس رضوی، رسیدگی مناسب به معیشت کارکنان و اتخاذ تدابیر لازم برای این موضوع است.

در بعد رفتاری که در اولویت دوم ابعاد قرار دارد، نتیجه‌ای جالب و مشابه بعد محیطی به دست آمد. در این بعد مقوله محوری ویژگی‌های رفتاری فرد بالاترین اهمیت را دارد. از طرفی مولفه وضعیت مالی فرد از سایر مولفه‌های این مقوله اولویت بالاتری را کسب کرده است. به عبارت دیگر چنانچه درآمد فرد کفاف هزینه‌های زندگی وی را نکند، احتمال بروز رفتار حضورگرایی افزایش پیدا می‌کند. در این زمینه هم مهم‌ترین راهکار توجه به شرایطی معیشتی کارکنان در آستان قدس رضوی است. در اینجا ذکر این نکته لازم است که چنانچه شرایط اقتصادی جامعه نامساعد باشد، وضعیت مالی نامناسب می‌تواند میزان احتمال بروز رفتار حضورگرایی را تشدید نماید.

در بعد سوم یعنی بعد ساختاری، مقوله ویژگی‌ها و رویه‌های سازمانی از بالاترین اولویت و مولفه قوانین و مقررات سازمان ذیل این مقوله دارای بیشترین اهمیت است. این مولفه برخلاف دو مولفه مورد بررسی در ابعاد قبلی، مستقیم متوجه سازمان است. اگر سازمان

در تنظیم مقررات و تدوین آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها دقت لازم را نداشته باشد منجر به بروز پیامدهای نامطلوب نظیر حضورگرایی کارکنان خواهد شد. قوانین و مقررات سازمان نباید به نحوی باشد که صرفاً منافع سازمان تأمین گردد بلکه باید به رکن اساسی آن یعنی سرمایه انسانی توجه کافی شود. قوانین حضور و غیاب جزو مهم‌ترین سندهای قانونی یک سازمان هستند که تأثیر بسیار زیادی بر حضورگرایی کارکنان دارند. با توجه به این توضیحات در آستان قدس رضوی نیز ضروری است به منظور کاهش رفتار حضورگرایی علاوه بر بازنگری در قوانین و مقررات، از راهکارهای نوین در این زمینه نظیر بخشنامه‌های ساعات کاری انعطاف‌پذیر بهره گرفته شود.

از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به سه مورد اشاره کرد: اول اینکه با توجه به گردآوری داده‌های پژوهش در ایام همه‌گیری کووید ۱۹ (ویروس کرونا)، امکان مراجعه به دانشگاه و تعامل با استادان با سختی همراه بوده است. دومین مورد دسترسی نداشتن به فایل کامل برخی از مقالات بود که برای حل این مشکل برای نویسندگان آن‌ها ایمیل ارسال و از این طریق تعدادی از مقالات دریافت شد. سومین محدودیت این است که عوامل استخراج شده و الگوی به‌دست آمده در این پژوهش ممکن است در زمان‌های مختلف با توجه به پیچیدگی‌های محیطی و شدت تغییرات، دچار تغییر شود.

در خاتمه بحث باید گفت که این پژوهش مطالعه نوآورانه‌ای است که برای اولین بار به‌طور جامع در خصوص محرک‌های رفتار حضورگرایی به شیوه ترکیبی فراترکیب و دلفی فازی انجام گرفته است و پژوهش‌های بعدی می‌توانند در خصوص دو حوزه موضوعی زیر متمرکز شوند. اولین حوزه، رصد دقیق پیامدهای پدیده حضورگرایی و دومین حوزه موضوعی، چگونگی مدیریت و راهکارهای پیشگیری از بروز این پدیده است.

منابع و مآخذ

- اکبری، جعفر؛ ابوالقاسمیان، محمود؛ غفاری، امیر؛ مقدس، فریدون؛ موعودی، محمدامین؛ رحیمی کمال، شقایق؛ جوزکنعانی، معصومه. (۱۴۰۰). «مطالعه پدیده پرزنتیسم و کاهش بهره‌وری در بین کارکنان شرکت انتقال گاز ایران». *اِگِونومی*. سال ۹. شماره ۱. صص: ۳۳-۴۷.
- بلالی شهواری، سجاد؛ کشته‌گر، عبدالعلی. (۱۳۹۵). «پرزنتیسم به عنوان یک پدیده جهانی و چگونگی مدیریت آن». *دومین کنفرانس بین‌المللی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد*. تهران. ایران.
- فقیهی، ابوالحسن؛ قلی‌پور، آرین؛ ابویی اردکان، محمد؛ قالیباف اصل، حسن؛ اسدی، اصغر. (۱۳۹۶). «اعتباریابی ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگ ریسک: کاربرد دلفی فازی». *پژوهش‌های مدیریت عمومی*. دوره ۱۱. شماره ۴۲. صص: ۵ تا ۳۲.
- قصایان، فائزه. (۱۳۹۵). «تاثیر استرس شغلی، خستگی و تعلل بر عدم انجام کار کارکنان حاضر در کار (حضورگرایی) با نقش تعدیل‌گری هوش معنوی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- کیان، حدیث (۱۳۹۵) «بررسی تاثیر عوامل موثر بر حضورگرایی در بانک کارآفرین». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- مجدزاده، منور؛ هویدا، رضا؛ رئیس، عباس؛ کاوه، کیوان. (۱۳۹۳). «نظریه رهبری خدمتگزار با تکیه بر سیره امام رضا (علیه السلام)». *بصیرت و تربیت اسلامی*. سال یازدهم. شماره ۳۰. صص: ۱۳۸-۱۶۰.
- محمداسماعیلی، ندا؛ قانلی، شهداد؛ یوسفی امیری، مظاهر؛ قلی‌پور، آرین. (۱۳۹۵). «پدیده پرزنتیسم: بررسی پیامدها و راهکارهای مقابله با آن». *چشم‌انداز مدیریت دولتی*. شماره ۲۵. صص: ۶۷-۹۳.
- میرزایی اهرنجانی، حسن؛ مقیمی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). «ارائه الگوی مطلوب سازمانی برای سازمان‌های غیردولتی ایران با استفاده از رویکرد کارآفرینی». *دانش مدیریت*. شماره ۶۲. پاییز ۸۲. صص: ۱۰۱ تا ۱۳۸.
- مؤذن جمشیدی، میرهادی؛ باقرزاده خداشهری، راضیه. (۱۴۰۰). «طراحی الگوی حضور غیرموجه منابع انسانی سازمان‌ها با استفاده از نظریه داده بنیاد». *مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)*. دوره ۳۰. شماره ۱۰۰. صص: ۱۳۷-۱۶۲.
- همایون فر، مهدی؛ گودرزد چگینی، مهرداد؛ دانشور، امیر. (۱۳۹۷). «اولویت‌بندی تامین کنندگان زنجیره تامین سبز با استفاده از رویکرد ترکیبی MCDM فازی». *تحقیق در عملیات و کاربردهای آن*. ۱۵ (۲). صص: ۶۱-۴۱.

منابع لاتین

- Adisa, T.A., Ogbonnaya, C. and Adekoya, O.D. (2021), «Remote working and employee engagement: a qualitative study of British workers during the pandemic», *Information Technology & People*, Vol. ahead-of-print No.
- Allemann A, Siebenhüner K, Hämmig O, (2019), Predictors of Presenteeism Among Hospital Employees-A Cross-Sectional Questionnaire-Based Study in Switzerland. *J Occup Environ Med*; 1010-1004:(12)61.
- Ariza-Montes, A., Arjona-Fuentes, J. M., Law, R., & Han, H. (2017). Incidence

- of workplace bullying among hospitality employees. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 1132–1116, (4)29.
- Arjona-Fuentes, J. M., Ariza-Montes, A., Han, H., & Law, R. (2019). Silent threat of presenteeism in the hospitality industry: Examining individual, organizational and physical/mental health factors. *International Journal of Hospitality Management*, 82, 198–191.
- Arslaner, E., & Boylu, Y. (2017). Perceived organizational support, work-family/family-work conflict and presenteeism in hotel industry. *Tourism Review*, 183–171, (2)72.
- Bae, Y. H., (2021), Exploratory Analysis of Related Factors with Absenteeism and Presenteeism on Workers: Using the Fourth Korea Working Condition Survey. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 18, 11214.
- Baeriswyl, S., Krause, A., Elfering, A., & Berset, M. (2017). How workload and coworker support relate to emotional exhaustion: The mediating role of sickness presenteeism. *International Journal of Stress Management*, 24(5)73–52, (1).
- Evans-Lacko, S., & Knapp, M. (2016). Global patterns of workplace productivity for people with depression: Absenteeism and presenteeism costs across eight diverse countries. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, Vol. 1537-1525, (11)51.
- Knani, M., (2022), What motivates tourism and hospitality employees to practice presenteeism? *Journal of Hospitality and Tourism Management*, Volume 52, September 2022, Pages 207-198.
- Kinman, G. (2019). Sickness presenteeism at work: prevalence, costs and management. *British Medical Bulletin*, 78–69, (1)129.
- Kristensen, T.S. (1991). Sickness absence and work strain among Danish slaughterhouse workers: an analysis of absence from work regarded as coping behaviour. *Social Science and Medicine*, 27-15, (1)32.
- Lohaus, D., & Habermann, W. (2019). Presenteeism: A review and research directions. *Human Resource Management Review*, 58–43, (1)29.
- Løvseth, L. T., & Giaever, F. (2018). Physician Parents Attending Work Despite Own Sick Children: A Qualitative Study on Caregiver Presenteeism Among Norwegian Hospital Physicians. *Health Services Insights*, 11.
- Lu L, Cooper CL. (2022), Sickness Presenteeism as a Link between Long Working Hours and Employees' Outcomes: Intrinsic and Extrinsic Motivators as Resources. *Int J Environ Res Public Health*. 2179:(4)19;15.
- Lu, L., Cooper, C., & Yen Lin, H. (2013). A cross-cultural examination of presenteeism and supervisory support. *Career Development International*, 456–440, (5)18.
- Morken T, Haukenes I, & Magnussen LH. Attending work or not when sick – what

- makes the decision? A qualitative study among car mechanics. *BMC Public Health*. 7-1 :(813)12 ,2012.
- Maddox-Daines, K. L. (2021). Delivering well-being through the coronavirus pandemic: the role of human resources (HR) in managing a healthy workforce. *Personnel Review*.
 - McGregor, A., Sharma, R., Magee, C., Caputi, P., & Iverson, D. (2018). Explaining variations in the findings of presenteeism research: a meta- analytic investigation into the moderating effects of construct operationalizations and chronic health. *Journal of Occupational Health Psychology*. 601–584 ,(4)23.
 - Mohammadi, M. M., Nayeri, N. D., Varaei, S., & Rasti, A. (2021). The nurse without a nurse: the antecedents of presenteeism in nursing. *BMC Nursing*, 11-1 ,(1)20.
 - Mori K, Nagata M, Nagata T. (2021), Work-Related Factors Affecting the Occurrence of Presenteeism - Recent Research Trends and Future Directions. *J UOEH*. 73-61:(1)43;2021.
 - Miraglia, M., & Johns, G. (2016). Going to work ill: A meta-analysis of the correlates of presenteeism and a dual-path model. *Journal of Occupational Health Psychology*, 283–261 ,(3) 21.
 - Mohammadi, M. M., Nayeri, N. D., Varaei, S., & Rasti, A. (2021). The nurse without a nurse: the antecedents of presenteeism in nursing. *BMC Nursing*, 1)20).
 - Manakandan, S. K., Rosnah I., Mohd Ridhuan J., & Priya R. (2017). Pesticide applicators questionnaire content validation: A fuzzy Delphi method. *Med J Malaysia*, 235-228 ,(4)72.
 - Pasfield, K., Gottlieb, T., Tartari, E., Ward, M. P., & Quain, A. (2022). Sickness presenteeism associated with influenza-like illness in veterinarians working in New South Wales: Results of a state-wide survey. *Australian Veterinary Journal*, ,(6)100 253–243.
 - Ruhle, S. A., & Schmoll, R. (2021). COVID19-, Telecommuting, and (Virtual) Sickness Presenteeism: Working from Home While Ill During a Pandemic. *Frontiers in Psychology*, 12.
 - Ruhle, S.A., Süß, S. (2020), Presenteeism and Absenteeism at Work—an Analysis of Archetypes of Sickness Attendance Cultures. *J Bus Psychol*, 255–241 ,35.
 - Sciberras M, Karmiris K, Nascimento C, Tabone T, Nikolaou P, Theodoropoulou A, Mula A, et al, (2022), Mental Health, Work Presenteeism, and Exercise in Inflammatory Bowel Disease. *J Crohns Colitis*. 1201-1197:(8)16;30.
 - Sandelowski, Margeret & Barroso, Julie. (2007). Handbook for synthesizing qualitative research. New York and London: Springer.

- Siu, O. L., Cooper, C. L., Roll, L. C., & Lo, C. (2020). Occupational stress and its economic cost in Hong Kong: The role of positive emotions. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 22-1, (22)17.
- Stamolampros, P., Korfiatis, N., Chalvatzis, K., & Buhalis, D. (2019). Job satisfaction and employee turnover determinants in high contact services: Insights from Employees' Online reviews. *Tourism Management*, 147-130, 75.
- Teo, S. T., Bentley, T., & Nguyen, D. (2020). Psychosocial work environment, work engagement, and employee commitment: A moderated, mediation model. *International Journal of Hospitality Management*, 88, Article 102415.
- Tveten, K.M., & Morken, T. (2016). Decision-making in job attendance within health care- a qualitative study. *Occupational Medicine*, 251-247, (3)66.
- Webster, R.K., Liu, R., Karimullina, K. et al, (2019), A systematic review of infectious illness Presenteeism: prevalence, reasons and risk factors. *BMC Public Health*, ,19 799.
- Yusoff, H. M., Sobri, H. N. M., & Sundaram, V. (2021). Factors Influencing Intention to Work while Ill: A Systematic Review. *American Journal of Health Behavior*, ,(6)45 1030-1016.
- Zhang, T. C., Torres, E., & Jahromi, M. F. (2020). Well on the way: An exploratory study on occupational health in hospitality. *International Journal of Hospitality Management*, 87, Article 102382.



الگوی همبستگی اجتماعی در کلام امام رضا (علیه السلام) بر اساس نظریه داده بنیاد

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۳۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۴
مرضیه محصص^۱، محمد صدیقی اسکی^۲

چکیده

در عصر حاضر پالایش جوامع بشری از چندگانگی و فروکاستن از نزاع‌های ویرانگر و ستیزه‌گری، کانون توجه بسیاری از اندیشوران با رویکردهای متنوع قرار گرفته و تلاش‌های صلح‌خواهانه و آشتی‌جویانه در جست‌وجوی راهبردهای مؤثر برای تحقق همبستگی اجتماعی هستند. هدف اساسی این پژوهش، تبیین مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی از رهگذر یافتن متغیرهای مؤثر، زمینه‌ای، بازدارنده و پیامدها در قالب الگویی نظام‌مند است. این پژوهش بر اساس نوع هدف، بنیادی و به لحاظ روش کیفی و دارای رویکرد استقرایی است. بدین منظور با بهره‌گیری از نظریه داده بنیاد، پس از فراوری مجموعه روایات امام رضا (علیه السلام)، مقوله‌های اخلاقی کلان و خُرد مدل، استخراج شده و الگوی همبستگی اجتماعی ارائه می‌شود. یافته‌های پژوهش گویای آن است که تحقق همبستگی اجتماعی مستلزم توجه به مقوله‌های متعددی است. در این زمینه، اخلاق‌مداری، دوستی، خویش‌داری، بخشایشگری، همزیستی مسالمت‌آمیز و تأمین امنیت، مهم‌ترین متغیرهای مؤثر، فروتنی، یاری‌رسانی به دیگران، مداراجویی و مسئولیت‌پذیری مهم‌ترین مقوله‌های زمینه‌ساز هستند. متغیرهای بازدارنده در این الگو عبارتند از: تعامل غیرضابطه‌مند، اشاعه فساد، اختلاف‌آفرینی و گسست‌های خانوادگی. پیامد اصلی همبستگی اجتماعی نیز ارتقای منزلت و قدرت‌یابی اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، همبستگی اجتماعی، نظریه داده بنیاد.

۱. استادیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): M_mohases@sbu.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران: Sadighiaski_12@yahoo.com

۱. مقدمه

همبستگی اجتماعی توافق بر سر مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهاست که حاصل آن ایجاد حس عاطفی بوده و این انرژی عاطفی است که می‌تواند اساس یک زندگی مثبت را شکل دهد یا احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه ایجاد کند که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به طور کلی و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آن‌ها باشد. از این منظر، همبستگی پدیده‌ای است که بر پایه آن در سطح یک گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به طور متقابل به یکدیگر نیازمند هستند. از آنجا که مشارکت عمومی افراد جامعه نقش بسزایی در رشد و تعالی نظام اجتماعی دارد، یکی از موضوعات مورد توجه اندیشمندان مسلمان، بحث همبستگی اجتماعی است.

نکته حائز اهمیت آنکه همبستگی اجتماعی یکی از ملزومات جامعه امروز ماست؛ زیرا همبستگی اجتماعی در تثبیت و پایداری هر نظامی اهمیت دارد. در نظام‌های سیاسی با پشتوانه مردمی که وفاق و انسجام اجتماعی بالاست، مردم حامی واقعی نظام هستند؛ زیرا آنان نظام را متعلق به خود می‌دانند و در مشکلات و بحران‌ها به کمک نظام می‌شتابند. از این رو، نظام کارآمد و باثبات است. این امر لازمه هر نظام مردمی و پویاست. همبستگی اجتماعی موجب افزایش روحیه تعاون و همکاری می‌شود و با همدلی و وفاق روحیه دشمن‌ستیزی و دشمن‌زدایی نیز تقویت شده؛ در نتیجه امنیت و استقلال و عزت را در پی خواهد داشت.

همبستگی اجتماعی با توجه به نظام اجتماعی شکل می‌گیرد. هرگاه نظام اجتماعی بیرونی باشد، غیرطبیعی و تصنعی است ولی اگر نظام اجتماعی درونی باشد، طبیعی است. بهترین نظم اجتماعی آن است که متکی به درون است و از موهبت اعتماد دو طرفه، تعهد درونی و ثبات بهره‌مند است و افراد از روی احساس تکلیف و وظایف خود را انجام می‌دهند. تدوین الگوی همبستگی اجتماعی بر اساس روایات امام رضا (علیه السلام) به گونه‌ای نظام‌مند و مبتنی بر روش داده‌بنیاد، یکی از ضرورت‌های معاصر به شمار می‌آید و تاکنون

کاویده نشده است.

با توجه به اینکه رشد و تعالی هر نظام اجتماعی در گروه همبستگی اجتماعی افراد آن جامعه است، هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به مولفه‌های تحقق همبستگی اجتماعی در جامعه اسلامی است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر آن است که الگوی تحقق همبستگی اجتماعی بر اساس روایات امام رضا (علیه السلام) و مبتنی بر روش تحقیق داده‌بنیاد چیست؟

۲. مفهوم‌شناسی همبستگی اجتماعی

«همبستگی» واژه‌ای است که نوعی هماهنگی همراه با نظم را به ذهن متبادر می‌کند. لغت‌نامه دهخدا در تعریف همبستگی، به یگانه‌شدن، یکتایی و یگانگی اشاره کرده است (دهخدا، ۱۳۶۹: ۳۲). واژه همبستگی به لحاظ مفهومی، احساس مسئولیت متقابل، بین چند نفر یا چند گروه است که از اراده و آگاهی برخوردار باشند. در واقع این مفهوم، دربردارنده معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه یک وظیفه یا الزام متقابل است؛ همچنین معنای مثبتی از آن برمی‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا یا موجودات در یک کل یک مجموعه را می‌رساند. از منظر جامعه‌شناسی، همبستگی، پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه، یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگرند.

همبستگی اجتماعی در لغت به معنای؛ تطبیق، تناسب، توازن، هماهنگی، سازگاری، اتحاد و یکپارچگی در بین اعضای جامعه است و در اصطلاح به معنای آن است که گروه، وحدت خود را حفظ کرده و با عناصر وحدت بخش خود تطابق و هم‌نوایی داشته باشد (روشه، ۱۳۷۸: ۱۸۴). همچنین همبستگی اجتماعی بر تعامل بسیار و ارتباط متقابل اجتماعی و میزان اعتماد افراد جامعه نسبت به یکدیگر دلالت دارد. می‌توان همبستگی اجتماعی را به احساس یکپارچگی افراد جامعه، روابط دوستانه و محبت‌آمیز، میزان روابط

اجتماعی و تعامل‌های گروهی بر اساس ارزش‌های مشترك و منسجم تعریف کرد.

همبستگی معمولاً مفهومی را می‌رساند که بر پایه آن، اعضای يك جامعه به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. در واقع، همبستگی اجتماعی، نوعی احساس ارتباط، گرایش و تعامل با دیگران است و منظور از آن، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۷۸).

همبستگی اجتماعی اشاره‌ای به این فرایند است که در آن نظام اجتماعی به یگانگی فرهنگی (در این مورد به معنای تناسب الگوهای هنجاری با یکدیگر است) دست پیدا می‌کند. اگر تناسب هنجاری را به یگانگی هنجاری تعبیر کنیم عبارت است از مفصل‌بندی الگوهای هنجاری با فرایندهای انگیزشی به نحوی که موجب هم‌نوایی شود (گولد و کولب ۱۳۹۲: ۸۱۳). گیدنز همبستگی را توافق درباره ارزش‌های اجتماعی بنیادی توسط اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۷۸۵).

در واقع، همبستگی اجتماعی مفهومی اجتماعی است که تفاوت‌های فرهنگی را در روابط انسان‌ها در نظر می‌گیرد و خواهان سامان‌دهی مشابهِت‌ها و تمایزها در جامعه است. پیش‌فرض آن هم این است که انسان‌ها خواسته‌ها و نیازهای مختلفی دارند و در عین اینکه به ذائقه و نیاز آن‌ها توجه می‌شود به تفاوت آن‌ها با دیگران نیز توجه می‌شود. همبستگی اجتماعی در این معنا، در واقع احساس پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای جامعه نسبت به یکدیگر دارند.

گرچه عناصر تشکیل دهنده همبستگی اجتماعی رابطه جدانشدنی با یکدیگر دارند، مع الوصف از لحاظ تحلیلی می‌توان این عناصر را به‌طور جداگانه این چنین برشمرد: نوعی توافق اجتماعی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی، تعامل، احساس است. اگر بخواهیم این عناصر را که کم‌وبیش به‌صورت ضمنی در تعاریف ذکر شده وجود دارد در تعریف خود وارد کنیم، می‌توان گفت: همبستگی اجتماعی عبارت است از توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد که در یک میدان تعاملی اجتماعی که خود موجد انرژی عاطفی است به وجود می‌آید. انرژی عاطفی هم‌زمان نتیجه و موجد (علت و

معلول) توافق اجتماعی است.

زمانی سخن از همبستگی اجتماعی به میان می‌آید که ارتباط افراد و جامعه براساس باورها، ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و قوانین مشترک شکل گیرد (روشه، ۱۳۷۸: ۱۸۴)؛ بنابراین همبستگی اجتماعی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خود تطابق و هم‌نوایی داشته باشد. همبستگی احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و حائز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه‌ی یک وظیفه یا الزام متقابل است و نیز معنای مثبتی از آن برمی‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا یا موجودات در یک کل ساخت‌یافته را می‌رساند.

۲-۱. روش داده‌بنیاد

این پژوهش با رویکرد کیفی به دنبال پاسخگویی به مسئله پژوهش است. پژوهش کیفی، مجموعه‌ای از فنون تفسیری است که به دنبال توصیف، رمزگشایی، ترجمه و درک معانی و پدیده‌های محیط اجتماعی است (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸: ۵۲). رویکرد کیفی، نگاه‌ها و مکتب‌های متفاوتی را شامل می‌شود که نظریه «داده‌بنیاد» یکی از آن‌هاست (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۷)؛ همان‌گونه که از نام این نظریه برمی‌آید، نظریه در طول تحقیق رشد می‌کند و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها حاصل می‌شود. وقتی نظریه‌های موجود به مشکل مد نظر نمی‌پردازند، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد یک نظریه تولید می‌کند و از آنجا که این نظریه در داده‌ها «بنیان» دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریات موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد، در عمل واقعاً کارآمد است، افراد موجود در یک محیط را در نظر گرفته و احساسات آن‌ها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که واقعاً در فرایند یافت می‌شود، نشان دهد (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۷). از آنجا که هدف این پژوهش، خلق و پرورش یک نظریه و الگو به منظور تبیین نظریه همبستگی اجتماعی بر

اساس مفاهیم منتج شده از داده‌هایی مبتنی بر روایات امام رضا (علیه السلام) بود، روش داده‌بنیاد به‌عنوان روش پژوهش برای این مطالعه انتخاب شده است.

این راهبرد پژوهشی نوعی روش‌شناسی عمومی^۱ برای تدوین تئوری‌هایی است که ریشه در داده‌های گردآوری و تحلیل‌شده به صورت نظام‌مند دارد و هدف غایی آن، ارائه تبیین‌های جامع تئوریک^۲ درباره پدیده‌ای خاص است (همان: ۵۸). بنیان‌گذاران این روش معتقدند تحقیق هرگز از یک نظریه شروع نمی‌شود که بعد آن را اثبات کنند، بلکه از یک حوزه مطالعاتی شروع می‌شود و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط است، خود را نشان دهد (Strauss, 1987: 34). روند شکل‌گیری تئوری در این استراتژی، حرکت از جزء به کل است و بر سه عنصر مفهوم^۳، مقوله^۴ و قضیه^۵ یا آنچه از ابتدا فرضیه نامیده می‌شود، استوار است. «مفاهیم» واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل هستند؛ زیرا از تصویر ذهنی و مفهوم‌سازی داده‌ها نظریه شکل می‌گیرد، نه به‌تنهایی از خود داده‌های واقعی (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۶۰). برخی مفاهیم نسبت به مفاهیم دیگر تجریدی‌تر هستند؛ به‌گونه‌ای که چند مفهوم را در خود جای داده‌اند. این نوع مفاهیم را «مقوله» گویند. مقوله، طبقه‌ای از مفاهیم است. مقایسه داده‌ها برای دریافت شباهت‌ها و تفاوت‌ها به منظور مفهوم‌سازی و نیز مقایسه مفهوم برای شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها برای مقوله‌بندی، فرایندی مداوم است که از آن به «روش مقایسه مستمر» یاد می‌شود. این کار تا مرحله اشباع، یعنی جایی که دیگر اضافه کردن داده‌های جدید، مفهوم یا ارتباط جدیدی را اضافه نکند، ادامه یافته و نتیجه کار به صورت الگوی مربوط به موضوع تحقیق ارائه می‌شود. سومین عنصر نظریه داده‌بنیاد «قضیه» است که متناظر با سومین سطح تئوری است؛ چراکه در قضیه، روابط مفهومی میان مقوله‌ها که نوعی مفاهیم‌اند و یک مقوله با مفاهیم آن بیان می‌شود.

1. General methodology
2. Theoretical comprehensive explanations
3. Concept
4. Category
5. Proposition

در این روش، ابتدا نکات کلیدی داده‌ها احصا و برای هر نکته یک کد معین می‌شود و سپس با مقایسه کدها، چند کد که اشاره به یک جنبه مشترک پدیده مورد بررسی دارند، عنوان یک مفهوم به خود می‌گیرند. آن‌گاه چند مفهوم یک مقوله و چند مقوله در قالب نظریه متجلی می‌شوند. در هر سه مرحله، کدگذاری تا جایی ادامه پیدا می‌کند و اشباع نظری شکل می‌گیرد. در اجرای این مرحله، گزاره‌های کلیدی از مجموعه روایات رضوی (داده) احصا و در قالب جدول نمونه مفهوم‌سازی شد.

«کدگذاری محوری»، فرایند ربط‌دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است و علت تسمیه آن، کدگذاری حول محور یک مقوله است. در این مرحله از نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، داده‌ها در فرایندی مستمر با هم مقایسه می‌شوند تا پیوند بعد از کدگذاری باز بین مقوله‌ها مشخص شود (همان: ۵۹)؛ سپس یک مقوله از مرحله کدگذاری باز انتخاب شده و در مرکز فرایند در حال بررسی (به-عنوان پدیده مرکزی) قرار می‌گیرد و دیگر مقوله‌ها به آن ربط داده می‌شود. این مقوله‌ها عبارتند از: شرایط علی^۱ (مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری اثرگذار است)، شرایط زمینه‌ای^۲ (مقتضیات یا عوامل زمینه‌ای که بر تحقق راهبردها اثرگذار است)، مقوله محوری^۳ (صورت ذهنی حاصل از پدیده‌ای که اساس فرایند است)، شرایط مداخله‌گر^۴ (موانع یا شرایط زمینه‌ای که برای تحقق راهبردها ممانعت ایجاد می‌کنند)، راهبردها^۵ (کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شوند)، و پیامدها^۶ (خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها). این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود و روابط بین مقوله‌ها را مشخص می‌کند (Creswell, 2005:399).

فرایند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با دیگر مقوله‌ها، ارزش‌گذاری روابط

1. Causal Conditions
2. Context Conditions
3. Core Category or Phenomenon
4. Intervening Conditions
5. Strategies
6. Consequences

آن‌ها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تأیید و توسعه بیشتری دارند «کدگذاری انتخابی» نام دارد. در این مرحله، نظریه‌پرداز یک نظریه را از روابط بین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری به نگارش درمی‌آورد. به دیگر بیان، کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب کرده، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط داده، آن روابط را اثبات کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌کند. کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۴: ۶۰). درخور ذکر است در این پژوهش تنها روایاتی از امام رضا (علیه السلام) که منحصرافرمایش ایشان است، مبنای مطالعه قرار گرفته است.

۲-۲. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش هر یک از ابعاد الگوی نظام‌مند بر اساس مقوله‌ها و کدهای محوری بررسی و در جدول ۱ درج شده است:

جدول ۱

متن	منبع	مفاهیم	مؤلفه‌ها	مقوله‌ها
اگر کسی سنگی را هم دوست داشته باشد، خداوند او را با آن سنگ محشور می‌کند.	ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۳۰۰: ۱	پیوندماندگار دوستان	دوستی	متغیرهای مؤثر
دوستی یک روزه، قرابت است و دوستی یک ماهه، صله و پیوند است و دوستی یک ساله، رحم است که نمی‌توان آن را قطع کرد و هر که قطع کند، خدا از او می‌برد و پیوند خود را با او قطع می‌کند، دوستی ۲۰ ساله، در حکم خویشاوندی است.	مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۱۷۵	پیوندماندگار دوستان		
محبت به مردم و اظهار دوستی به آنان نیمی از عقل است.	ابن شعبه، ۱۳۷۶ ق، ۵۲۰: ۱۴۰۳ ق، ج ۳۳۵: ۷۸	پیوندماندگار دوستان		

متغیرهای مؤثر	دوستی	پیوند ماندگار دوستان	عطاردی، ۱۳۹۷ق: ۴۸۵	کسی که در راه خدا برای خود برادری برگزیند، خان ای در بهشت برای خود انتخاب کرده است.
		پیوند ماندگار دوستان	عطاردی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۵	نخستین اثر عقل و خرد بعد از ایمان به خداوند، محبت و احسان و لطف و دوستی با مردم است، همچنین نیکی و رسانیدن خیرات به نیکوکاران و بدکاران.
	اخلاق مداری	خوشرویی با مردم	نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۴۱	هر که به روی برادر مؤمن خود لبخند بزند، خداوند برایش ثوابی خواهد نوشت و هر که خداوند برایش ثوابی بنویسد، او را عذاب نخواهد داد.
		اخلاق شایسته با خویشان	ابن شعبه، ۱۳۷۶ق: ۱۹۷	خداوند به سه چیز امر فرموده که مقرون به سه چیز دیگر است: به نماز و زکات پس آن که نماز گزارد و زکات ندهد، نمازش پذیرفته نیست و به شکر او و پدر و مادر پس کسی از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، خدای را سپاس ننهاده است و به تقوای خدا و صله رحم پس آن که صله رحم نکند، از خداوند عزوجل تقوا نکرده است.
		قدردانی از دیگران	ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲۷: ۱	کسی که از مردم خدمتگزار تشکر نکند از خداوند متعال تشکر نکرده است.
		سختاومندی	مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱	انسان سختاومند از غذای دیگران می خورد تا از غذای او بخورند، ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی خورد تا از غذای او نخورند
		نیکی به خویشاوندان	ابن بابویه، ۱۳۷۸ق ج ۲: ۳۷	در ترازوی عمل چیزی سنگین تر از خلق نیکی نیست.

متغیرهای موثر	اخلاق‌مداری	راستگویی	عطاردی، ۱۳۹۷ق: ۴۵۸	احمد بن عامر طائی از حضرت رضا (علیه السلام) از پدرانش از علی ع روایت کرده که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس با مردم در حین معامله ستم نکند و در محاورات با آن‌ها دروغ نگوید و در وعده‌ها خلف نداشته باشد این چنین کسی در مردانگی کامل و در عدالت مسلم است، در این صورت برادری او لازم شده و غیبت وی حرام است.
		نیکی به خویشاوندان	ابن شعبه، ۱۳۷۶ق: ۱۹۷	صله رحم کن گرچه با جرعه‌ای آب باد. و برترین چیزی که بدان صله رحم می‌شود خودداری از آزار و اذیت به ارحام است.
		نیکی به خویشاوندان	سبزواری، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۳۹۵:	صله رحم و حسن خلق ایمان را زیاد می‌کند.
	بخشایشگری	گذشت از خطاهای دیگران	کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۰۸: ۲	هرگز دو گروه با هم رویاروی نشوند، مگر اینکه باگذشت‌ترین آن‌ها پیروز شد.
		گذشت از خطاهای دیگران	کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۰۸: ۲	ما خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارث تمام خوبی‌ها و کمالات انبیای گذشته هستیم، ما عفو و گذشت را از آل یعقوب و شکر و سپاسگزاری از آل داود و صبر و بردباری را از آل ایوب به ارث برده ایم.
	کنترل خویشتن	فروبردن خشم	ابن شعبه، ۱۳۷۶ق: ۴۶۹	آنان هرگاه نیکی کنند، خوشحال شوند و هرگاه بدی کنند، آمرزش خواهند و هرگاه عطا شوند، شکر گزارند و هرگاه بلا بینند، صبر کنند و هرگاه خشم کنند، درگذرند.
	مهرورزی	محبت بانیت کسب رضای الهی	سبزواری، ۱۴۱۴ق: ۳۲۳	هر یک از دو برادر دینی، هیئتی شبیه هیئت آن دیگری دارد و آنان به آن هیئت شناخته می‌شوند، تا آنکه به خانه خدا برده شوند و خداوند می‌فرماید به جایگاه کرامت من خوش آمدید، ای بندگان و آفریدگان و مهمانان من و ای کسانی که برای من به یکدیگر مهر می‌ورزید.

متغیرهای مؤثر	همزیستی مسالمت‌آمیز	احترام به حقوق انسانی مخالفان	شیعی سبزواری، ۱۳۷۸ ۲۹۶:	حلال نیست کشتن احدی از کفار در دار التقیه، مگر قاتل یا یاغی و این وقتی است که تو بر جان خودت یا گرفتن اموال مردم از مخالفان و غیر آن‌ها نترسی.» و اما کفاری که در حمایت اسلام هستند، خون‌شان محترم است و شرایط آن‌ها محفوظ است و موقعیت‌شان درست مانند موقعیت مسلمانان است. کافر این امنیت را وقتی از دست می‌دهد که کشنده شخص محترمی باشد یا در برابر حاکم شرعی مملکت متمرد باشد.
		احترام به حقوق قانونی مخالفان	عطاردی، ۱۳۹۷ق: ۷۰۰	زکریا بن آدم گوید: از حضرت رضا (علیه السلام) پرسیدم گروهی از دشمنان با مسلمانان صلح کردند و سپس نقض عهد نمودند و علت نقض عهد هم این بود که با آن‌ها به عدالت رفتار نشد، آیا جایز است از آن‌ها برده گرفته شود، فرمود: اگر اشخاصی باشند که عداوت آنان محرز شده خرید و فروش برده آن‌ها مانعی ندارد.
	تأمین امنیت	صیانت از خطرات مالی و جانی	سبزواری، ۱۴۱۴ق: ۲۷	پس اگر کسی بگوید که چرا خداوند بندگان را امر و نهی فرموده، پاسخ او این است که بقا و دوام و صلاح و امنیت‌شان وابسته به امر و نهی و جلوگیری و بازداشتن از فساد و چپاول اموال است.» امام (علیه السلام) اشاره کرده است که علت در تکالیف شرعیه از واجبات و محرمات آن برای بقای انسان و استمرار وجود اوست و در آن صلاح او و برای حفظ امنیت و مصالح و سعادت اوست، و در ترك آن بدبختی و هلاکت اوست.

متغیرهای موثر	تامین امنیت	صیانت از خطرات جانی	سبزواری، ۱۴۱۴ق، ج ۲ ۸۵ :	خداوند قتل نفس را حرام کرده است برای اینکه اگر حلال کرده بود بشری باقی نمی ماند، و همگی در کمترین اختلاف به جان یکدیگر افتاده و نابود می شدند، و تدبیر او نادرست و فاسد بود. « جرم قتل عمد از خطرناک ترین جرم هاست و به امنیت خلل سخت وارد می کند و اسلام آن را حرام کرده و برای کیفر جانی سخت گرفته و قول خدا متعال است که می فرماید: وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي
		صیانت از خطرات مالی و جانی	عطاردی، ۱۳۹۷ق : ۴۴۴	هر کس به روزی کم قناعت نکند و همواره درصد از دیاد اموال و ثروت برآید، باید همواره در کار هم بیشتر فعالیت داشته باشد و هر کس به روزی کم قانع باشد در کارها هم کمتر فعالیت خواهد کرد.
		تحقق امنیت روانی	عطاردی، ۱۳۹۷ق : ۴۴۵	هر کس صبح کند در حالی که بدنش سالم باشد و امنیت داشته و قوت روزش فراهم باشد مانند این است که همه دنیا را دارد.
متغیرهای زمینه ای	برقراری ارتباط اجتماعی	آگاهی یابی از عیوب	مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷ ۲۰۸:	در زندگی روزانه خود، بخشی را برای معاشرت و مذاکره با افراد آگاه و مورد اعتماد قرار دهید و از وجود افرادی که باطن های سالم و روحیه خیر خواهانه دارند، بخوایید شما را به عیوبتان آگاه و معایب و اشتباهاتتان را تذکر دهند.
	هوشیاری	عقل ورزی و دوری از نادانی	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ۱۱:	دوست هر کسی، عقل اوست و دشمن هر کس، نادانی اوست.
	فروتنی	سلام کردن به کم بر خورداران	ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۵۲: ۲	کسی که مسلمان فقیری را ملاقات کند و متفاوت از سلامش به ثروتمند، به او سلام کند، روز قیامت، خداوند را در حالی که از او خشمگین است، ملاقات می کند.

متغیرهای زمینه‌ای	فروتنی	رعایت حال ناتوانان	مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ق: ۱۰۲	یکی از خادمان امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: هرگاه یکی از ما مشغول صرف غذا بود امام رضا (علیه السلام) او را به کاری نمی‌فرستادند و به کار نمی‌گرفتند تا از غذا خوردن فارغ شود.
		همنشینی با فقیران	عطاردی، ۱۳۹۷، ق: ۶۷	امام رضا (علیه السلام) در سفر به خراسان، سفره‌ای را برای خودشان پهن کردند و غلامان خود را بر سر سفره خود نشاندند. راوی گفت: فدایت شوم چرا آن‌ها را جدا نمی‌کنی؟ فرمودند: خداوند یکی و پدر و مادر یکی و مکافات با اعمال هر کسی.
	یاری‌رسانی به دیگران	کمک مالی به نیازمندان	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ق: ۲۰	شش چیز از نشانه‌های مروت است که سه مورد آن در وطن و سه مورد، مربوط به سفر است. چیزهایی که از نشانه‌های مروت در وطن است عبارتند از: تلاوت کتاب خدا، آباد کردن مساجد و دستگیری برادران ایمانی در راه خدا. مواردی که مربوط به سفر است عبارتند از: بخشیدن از زاد و توشه سفر به دیگران، خوش اخلاقی در سفر و مزاح و شوخی کردن در غیر معصیت الهی.
		توجه به نیازهای مردم	فقه الرضا (علیه السلام)، ۱۴۰۶، ق: ۳۶	کسی که شب را به صبح آورد، در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نوزیده باشد، از مسلمانان به شمار نمی‌آید.
		اقدام عملی برای رفع گرفتاری مردم	کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ق: ۲۰۰	کسی که گره از کار مؤمنی بگشاید و شادش کند، خداوند هم در روز قیامت، کار بسته او را می‌گشاید.
	مداراجویی	همکاری برای تحقق اهداف خداپسندانه	مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ق: ۱۲۰	خدایا عهده‌ی جز از طرف تو و فرمانروایی جز از جانب تو نیست مرا توفیق ده برای انجام وظایف دینی و احیای سنت پیامبر، تونگهبان و یاری کننده هستی.
		نیک رفتاری در مقابل بدی دیگران	ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ق: ۳۵	پس از ایمان به خداوند مهربانی کردن با مردم و نیکی کردن به خوب و بد آن‌ها بیانگر خردمندی و دوراندیشی است.

متغیرهای زمینه‌ای	مسئولیت پذیری	حمایت از نیازمندان	ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۸	خداوند توانمند را مکلف ساخته تا برای اداره امور بیماران زمین گیر و دیگر مبتلایان قیام کنند.
		حمایت از نیازمندان	بحرانی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۵	زمانی که در مدینه بودم در کوچه‌ها رفت و آمد می کردم به مردم مدینه و دیگران که درخواست کمک می کردند، کمک می کردم.
		مهمان نوازی	مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹: ۱۰۲	ما قومی هستیم که از مهمان خود کار نمی کشیم.
		مهمان نوازی	حرعاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۲: ۲۲۶	از حقوق میهمان آن است که او را تا حریم درب منزلت مشایعت کنی.
		امر به معروف و نهی از منکر	سبزواری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۳۰۴	امر به معروف و نهی از منکر دو ستون از ستون های اسلام اند که منتهی به تثبیت جامعه ای پسندیده می شد که معرف آداب بشری است و بر هر مسلمانی واجب است که وظیفه اش را نسبت به دین و مملکتش انجام دهد. پس او باید به دیگران دستور دهد که خوبی کنند و فقها در رساله های خود ذکر کرده اند.
		امر به معروف و نهی از منکر	سبزواری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۲۹	شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه خدا بدترین شما را بر شما مسلط خواهد کرد، آن گاه بهترین شما دعا خواهند کرد ولی به آن ها جواب داده نخواهد شد.
متغیرهای بازدارنده	تعامل غیرضابطه مند	بی توجهی به مرزهای ارتباطی	عطاردی، ۱۴۰۶ق: ۳۰۵	انس گرفتن با دیگران (یا انس گرفتن حساب نشده و بدون کنترل با مردم) شخصیت آدمی را از بین می برد.
		بی توجهی به ویژگی های اخلاقی افراد	عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۹۱	همنشینی با بدکاران و اشرار موجب بدبینی به نیکان و درستکاران است.

متغیرهای بازدارنده	اشاعه فساد	ارتکاب رفتارهای حرام	کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۰۵	خداوند شراب را حرام کرده، برای آنکه منشأ فساد اجتماعی است، عقل را از درک حقایق باز می‌دارد، حیا را از روی شرابخوار می‌برد و در مواجهه با مردم، شرم نمی‌کند و با این همه، باعث بیماری نهانی در اعضای داخلی بدن می‌شود.
	اشاعه فساد	ارتکاب رفتارهای حرام	نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۶۷	همنشین شراب‌خور مباش و به او سلام مکن.
	اختلاف و تفرقه	مجادله کلامی	عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۸۵	بدون تردید خداوند مشاجره لفظی (قیل و قال) را (بدون آنکه آدمی را به نتیجه مطلوب رساند) دشمن دارد.
	گسست‌های خانوادگی	طلاق	سبزواری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۹۷	طلاق منجر به سست شدن پایه‌های اجتماع انسانی و گسترش تنفر و دشمنی در میان مردم می‌شود.
پیامدها	ارتقای منزلت اجتماعی	قدرت‌یابی	مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵: ۵۳	از تشمت و تفرقه و جدایی بپرهیزید؛ زیرا موجب هدر رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما می‌شود.

۳. تحلیل و نتیجه‌گیری

یافته‌ها از رهگذر بررسی روایات امام رضا (علیه السلام) حاکی از آن است که ایشان به مقوله‌های متعددی در راستای تحقق همبستگی اجتماعی اشاره داشته‌اند. اینک به تحلیل هر یک از مقوله‌ها پرداخته می‌شود:

۳-۱. شرایط مؤثر

متغیرهای مؤثر به عنوان مبدأ و نقطه شروع الگو، شرایطی را به وجود می‌آورند که باعث ایجاد و توسعه پدیده محوری می‌شوند. در منظومه روایات امام رضا (علیه السلام)، عوامل متعددی

که در شکل‌گیری مفهوم همبستگی اجتماعی به‌عنوان عاملی اثرگذار محسوب می‌شود، بیان شده است.

یکی از اصلی‌ترین مقوله‌های موثر در تحقق همبستگی اجتماعی، اخلاق محوری است. نظام اخلاقی و ارزشی اسلامی، یک نظام فراگیر، عام و گسترده است که در آن تمامی اجزا و عناصر با یکدیگر، ارتباط و انسجام مفهومی دارند و هدفی واحد را جست‌وجو می‌کنند. منظور از اخلاق، رفتار عادت شده، خُلق و خو (الزبیدی، ۱۹۹۴، ج ۶: ۳۳۷)، صفات نفسانی پایدار (ابن مسکویه، ۱۴۲۲ق: ۵۱) یا الگوی رفتار ارتباطی مبتنی بر رعایت حقوق طرف مقابل (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۲۲) است و بیانگر اصول ارزشی حاکم بر روابط اجتماعی انسان است. اخلاق اسلامی به تمامی جوانب زندگی انسانی اعم از دینی، دنیوی و فردی و اجتماعی اهتمام دارد. تجلیات این نظام اخلاقی در یکایک روایات امام رضا (علیه السلام) هویدا است.

یکی دیگر از مقوله‌های اثرگذار، توجه به تعاملات دوستانه است. دوستی دربردارنده مفهوم یاری‌رسانی و خیرخواهی است و یکی از توصیه‌های مهم در آموزه‌های امام رضا (علیه السلام) برای تعالی فردی و اجتماعی به شمار می‌آید. وجود حس دوستی در جامعه، دل‌های افراد را به هم نزدیک می‌نماید و در پی آن مفاهیمی همچون وفاق، انسجام و همبستگی اجتماعی معنا می‌یابد. امام رضا (علیه السلام) در روایات متعددی همگان را به برقراری پیوندهای دوستانه توصیه کرده‌اند و ثمرات دنیوی و اخروی متنوعی همچون اثرگذاری بر هویت فردی و اجتماعی، پشتیبانی فکری و زمینه‌سازی برای خیررسانی برای آن برشمرده‌اند.

مقوله دیگر در مجموعه مقوله‌های موثر بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی، بخشایشگری در تعاملات میان فردی است. از منظر محققان، بخشایش نوعی ویژگی درون فردی است که فرد بخشنده، برای نشان دادن واکنشی مثبت و جامعه‌پسندانه در برابر خطاهای انسانی و محیطی انجام می‌دهد (Maltby, 2007: 555) و طی آن میل به انتقام از خطاکار کاهش می‌یابد و به افزایش سلامت روان و التیام آزدگی که لازمه رشد ارتباطی، عاطفی، معنوی و جسمانی انسان است، می‌انجامد و از این جهت در پایداری زندگی اجتماعی

و کاهش بسیاری از اختلافات و تنش‌های میان مردم نقش بسزا دارد. آرامش روان افراد جامعه در تحقق همبستگی اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کند. در مقابل، حس انتقام افق زندگی را تیره‌وتر می‌کند و انسجام و پایداری زندگی اجتماعی را به خطر می‌اندازد. این حس غالباً همراه حس خشم است. اگر در برابر هر بدرفتاری، روش مقابله به مثل انتخاب شود و این چنین حس انتقام افراد تسکین یابد، به‌طور کلی زندگی صرف نزاع و کشمکش با دیگران می‌شود. بخشایش بجا و با شرایط لازم باعث رفع بسیاری از مشکلات جامعه و کاهش تنش‌ها و چالش‌ها و سبب صلح و آشتی و در نتیجه همبستگی اجتماعی می‌شود. در زندگی کمتر کسی یافت می‌شود که حقی از او ضایع نشده باشد یا دیگران حرمت او را نشکسته باشند. با وجود این، چنانچه فردی مرتکب خطایی شد، در صورت امکان باید از لغزش وی چشم‌پوشی شود؛ زیرا چشم‌پوشی از خطاهای دیگران، نمونه‌ای از اخلاق نیک است. بخشایشگری باعث سلامت روانی و جسمانی، آرامش و آسایش، برکت و افزایش روزی، همچنین تبدیل دشمنی‌ها به محبت و دوستی می‌شود.

خویش‌داری را نیز می‌توان عاملی دانست که موجب دگرگونی در الگوهای رفتار اجتماعی می‌گردد. خودکنترلی نقش موثری در بازدارندگی نسبت به ارتکاب رفتارهای انحرافی و تفرقه‌افکن ایفا می‌نماید. خودکنترلی توانایی پیروی از درخواست‌های معقول، تعدیل رفتارها مطابق با موقعیت و به تاخیر انداختن خواسته‌ها در چارچوب‌های پذیرفته شده اجتماعی، بدون مداخله و هدایت مستقیم فرد دیگری است. به عبارت دیگر خودکنترلی، کنترل رفتار، عمل و اندیشه خود توسط خویش‌داری است و منبعث از بلوغ ذهنی و ارتقای انسان به مراحل برین است (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۷۱۷). این ویژگی، افراد را بدون نظارت عامل خارجی و تهدید و تطمیع و اجبار به سمت انجام وظایف سوق می‌دهد (الوانی، ۱۳۸۰: ۶۷) و در روایات امام رضا (علیه السلام) بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

محققان این توانایی را یکی از ویژگی‌های شخصیت بالنده می‌دانند (شعاری نژاد، ۱۳۸۵: ۴۲۵) و اصطلاح خویش‌داری را در موقعیت‌هایی به کار می‌برند که افراد در آن به رفتارهایی مشغول می‌شوند که بر کشش‌های بسیار نیرومند فائق آیند و تمایلات خویش را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که مستلزم متوقف کردن هدفی برای رسیدن به هدفی با

سودمندی طولانی مدت‌تر است. روان‌شناسان معتقدند اعتقادات مذهبی همچون منبعی درونی می‌توانند در خودمهارگری‌ها بسیار مفید باشند. از این منظر باورهای مذهبی سبب به تعویق انداختن لذت‌جویی، کاهش رفتارهای مجرمانه و کسب میزان بالایی از خویشتن‌داری می‌شود (Kivetz, 2006: 572-587).

از رهگذر بررسی سیرهٔ امام رضا (علیه السلام)، می‌توان ادعان داشت که صلح‌جویی و همزیستی مسالمت‌آمیز نیز به‌عنوان یکی از راهبردهای برون رفت از هرج و مرج و تفرقه در اجتماع پیگیری شده است. صلح بر از بین بردن نفرت میان مردم دلالت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۸۹). استقرار صلح به‌عنوان یکی از عوامل مهم تحقق همبستگی اجتماعی، منوط به کاستن از انواع رویه‌های خشونت‌آمیز است. در این زمینه، توجه به برخی ارزش‌های اخلاقی و ریشه‌های فرهنگی، پیش‌شرط حفظ صلح به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر، توجه به ضرورت همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه همچون نیروی محافظی است که نظم و آرامش عمومی را تضمین می‌کند و شرط مقدماتی برای فعالیت‌های اجتماعی است. این ویژگی به معنای منفعل بودن نیست، بلکه رابطه‌ای است اخلاقی که انسان با هم‌نوع خود به‌عنوان انسان برقرار می‌سازد و در جوامعی که متشکل از گرایش‌های فکری و رفتاری گوناگون هستند، به‌مثابه عاملی مهم در تحقق همبستگی اجتماعی به‌شمار می‌آید.

تأمین امنیت اجتماعی، مقولهٔ موثر دیگری است که با مفهوم همبستگی اجتماعی، پیوند وثیقی دارد. در توضیح این مقوله در‌خور ذکر است، وجود امنیت اجتماعی، پیش‌شرط تداوم حیات جامعه است. صاحب‌نظران حوزهٔ امنیت‌پژوهی، امنیت را نوعی اطمینان خاطر گروه‌ها از حفظ موجودیت و هویت خود قلمداد کرده و به دو گفتمان سلبی و ایجابی اشاره داشته‌اند. امنیت در گفتمان سلبی، مقوله‌ای تأسیسی است و در مقابل بی‌نظمی و آشفتگی مطرح می‌شود و با افزایش قدرت دولت و نیروهای انتظامی، محقق می‌گردد. در گفتمان ایجابی، مفهوم امنیت بسیار وسعت یافته و دارای دلالت‌های عمده‌تر فرهنگی و هویتی است و از این منظر امنیت اجتماعی بسیار به مفهوم «هویت»، نزدیک شده و به دنبال تبیین چرایی و چگونگی توانایی پاسداری از تعلقات و پیوندهای

مشترک میان اعضای گروه‌های اجتماعی است. در این گفتمان، هویتی که در تعاملات و مناسبات اجتماعی ساخته می‌شود بسیار مهم‌تر از فردیت است و ابزار امنیت‌سازی در این مفهوم، عمل اجتماعی بر مبنای اخلاق، ارزش‌ها و فضیلت‌هاست. به عبارت دیگر امنیت اجتماعی، ناظر بر امنیت هستی‌شناسانه گروه‌ها در جامعه است، به نحوی که استمرار حیات دیگر گروه‌ها مورد تهدید قرار نگیرد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۴). امنیت اجتماعی از این منظر به احساس داشتن اجتماعی مشترک اطلاق می‌شود و ناامنی اجتماعی زمانی حادث می‌شود که شکاف یا ناهمخوانی در موازین و هنجارهای پیونددهنده فرد با دیگران احساس گردد.

امام رضا (علیه السلام) به ابعاد مختلف امنیت در اجتماع توجه داشته‌اند و ضمن اشاره به عوامل تهدیدکننده هویت جامعه که بقای آن را تضعیف می‌سازد و نگرانی و آسیب‌های روانی را متوجه افراد می‌نماید. در واقع، مخاطبان را به عوامل اثرگذار در تحقق همبستگی اجتماعی رهنمون ساخته‌اند.

۲-۳. شرایط زمینه‌ساز

در مسیر حرکت به سمت الگوی همبستگی اجتماعی، عوامل زیادی می‌توانند سرعت حرکت را کاهش یا افزایش دهند. عواملی که باعث تحرک بیشتر و هموارکننده این مسیرند، باید شناسایی شوند تا در جهت تقویت و جلوگیری از کاستن آن‌ها اقدام کرد. این عوامل بر اساس روایات امام رضا (علیه السلام) عبارتند از:

برقراری ارتباطات اجتماعی یکی از عوامل زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی به‌شمار می‌آید. اساساً در منظومه روایات امام رضا (علیه السلام)، جامعه حاصل تعامل متقابل انسان‌هاست و از يك سو بسیاری از دستورها و برنامه‌های اسلامی، به‌صورت فردی محقق نمی‌شود و تنها در سایه اجتماع انسان‌ها تحقق می‌یابد. از سوی دیگر بعضی از اهداف و کارکردهای احکام به‌طور خاص متوجه جامعه است. از این قبیل می‌توان به پرداخت صدقات، زکات، امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. همچنین گروهی از دستورهای اخلاقی از جمله

بخشش به مردم، مدارا با مردم، وحدت و پرهیز از اختلاف، یا تأسیس نظام اجتماعی و سیاسی، بهره‌گیری از آرای اهل نظر، مشورت و ... جهت‌گیری اجتماعی دارند. نظام اجتماعی اسلام با توجه به جهان‌بینی مورد پذیرش اسلامی طراحی شده و با همان نظام اخلاقی، سیاسی و حقوقی هماهنگ است. از این منظر، انسان موجودی اجتماعی است و برای رسیدن به سعادت حقیقی به زندگی در جامعه و تعامل با هم‌نوعان خود نیاز دارد. در این دیدگاه، هر یک از اجزای انسانی جامعه، تشکیل‌دهنده عضو مخصوص از حیات اجتماعی است که ارزش آن فقط بستگی به این دارد که چه مقدار و چگونه از موجودیت و سرمایه خویش با آگاهی و اختیار در قوام حیات اجتماعی شرکت می‌جوید (جعفری، ۱۳۸۶: ۴۴۴) و افراد در به کارگیری حقوق مشروع خویش نیز مقید به رعایت مصالح عمومی هستند.

نکته شایان توجه آنکه توسعه مناسبات اجتماعی در روایات امام رضا (علیه السلام) مشروط به تأثیرگذاری مثبت روابط بوده است؛ زیرا همنشینی دارای اثرگذاری ایجابی و سلبی است. هر چند شرایط پیرامونی علت تامه در اکتساب صفات خوب و بد نیست، اما تأثیر آن را به عنوان عامل مهم زمینه‌ساز نمی‌توان انکار کرد. لذا این امر مستلزم هوشیاری و اندیشه‌ورزی در کارآمدی تعاملات اجتماعی است. از این رو، ایشان ضمن توصیه این رویه به جوامع انسانی، تأکید داشته‌اند که شایسته نیست که بر یکدیگر فخر و مباهات داشته باشند. در فرازی دیگر مشاهده می‌شود که حضرت مخاطبان را به رعایت حال ناتوانان، همنشینی با فقیران و نفی رسوخ اندیشه‌های متکبرانه فراخوانده‌اند.

یکی دیگر از مقوله‌های مهم در زمینه‌سازی همبستگی اجتماعی، یاری‌رسانی به دیگران است. مقتضای محبت و دلبستگی به خداوند، نیکی و محبت به انسان‌هاست و مهرگستری و غنی‌ساختن روابط اجتماعی به مثابه یکی از بنیان‌های اخلاقی دینی آرامش‌آفرین است. همیاری اجتماعی نشئت یافته از همدلی، احساس عاطفی تعلق میان عاملان اجتماعی است. از منظر مفسران «انسان مفلطح به کمال است و کمال مجبول به اجتماع و نیز اجتماع مرهون حب و تالیف قلوب است. به سخن دیگر، انسان خواهان کمال است و حصول کمال در گرو اجتماع اشخاص و حقیقت اجتماع وابسته به حب و قرب باطنی افراد

است و چون انسان طالب کمال است به این تالیف نیاز دارد. این محبت قلوب در میان افراد اجتماع، هر چه گسترده‌تر باشد، رشد و شکوفایی آن سریع‌تر خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۷۴). از این منظر، وعده استقرار در جوار رحمت حق و سعادت آشکار به کسانی داده شده است که پس از آراستگی به ایمان، به عمل صالح و همدلانه می‌پردازند. در این دیدگاه همدلی، مهم‌ترین نعمت اجتماعی پس از توحید و عدل محسوب می‌شود (آل عمران، ۱۰۳) انسان حی متأله است و اصالت او به روح ملکوتی وی و هسته مرکزی اتحاد، عزم قلبی اوست و این هسته با هیچ عامل مادی رام نخواهد شد (انفال، ۶۳). لذا می‌توان اذعان داشت فقدان روحیه یاری‌رسانی به سایر اعضای جامعه، منجر به سلب روح جمعی مشترک می‌شود. تعمیق پیوندها بر اساس یاری‌رسانی‌های همدلانه، گسترش فرهنگ اعتماد در جامعه را به دنبال دارد و در شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و ایجاد انسجام در جامعه، ضروری است و به‌منزله مؤلفه‌ای پویا و درون‌زاد در کنش‌های عمومی تاثیرگذار است.

مقوله دیگر که در روایات امام رضا (علیه السلام) مورد توجه قرار گرفته، مداراجویی است. مدارا به رفتار معقول، سنجیده، ملایم، مهربانانه و خردمندانه‌ای گفته می‌شود که برای رسیدن به اهدافی بلندمدت انجام می‌گیرد. مدارا و احترام به دیگران، عاملی است که همبستگی اجتماعی را ممکن می‌سازد. تکریم انسان و شخصیت‌بخشی به اعضای جامعه، ارزشی اسلامی به شمار می‌آید (اسراء، ۷۰؛ آل عمران، ۷۵) و هتک حرمت دیگران زمینه‌ساز از بین رفتن الفت اجتماعی می‌شود. مدارا، ملایمت و سازگاری نشان دادن و کشف زمینه‌های مشترک با دیگران و احترام گذاشتن به افراد غیرمشابه است.

در اهمیت پرداختن به مقوله مدارا می‌توان گفت که اخلاق مدارا موجب رشد روحیه نقادی شده و تمام روابط کلامی و ارتباطی تغییر می‌دهد. روح تعاون، کار جمعی، وحدت، مسئولیت اجتماعی و امکان گفت‌وگو میان افراد گروه و جامعه فراهم می‌شود و امکان تحول و دگرگونی با توجه به الزامات و نیازهای جامعه شکل می‌گیرد و همه افراد جامعه برای کسب تجربیات تازه و گسترش نوآوری و همبستگی اجتماعی آماده می‌شوند. فضای جامعه، عقلانی و قابل اعتماد جلوه می‌کند و باعث امنیت اجتماعی و فردی و روابط

معنادار در جامعه می‌شود. اعتماد و حسن نظر در کلیه روابط اجتماعی و فردی افزایش می‌یابد و افراد جامعه احساس با هم بودن می‌کنند. از سوی دیگر، فقدان مدارا می‌تواند روحیه انزواطلبی، تک‌روی و گریز از کار جمعی را در جامعه تقویت کند.

مدارا یکی از اصول مهم اخلاق اجتماعی و ابزاری کارساز برای ایجاد صمیمت با دیگران است. مدارا پیشگی در جامعه، تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی را به دنبال دارد و از رهگذر ارتقای آگاهی اجتماعی، برقراری گفت‌وگوی موثر و برخورداری از شبکه اجتماعی متنوع حاصل می‌گردد.

در ساختار آموزه‌های امام رضا (علیه السلام)، هر انسان نسبت به اعمال کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان خود مسؤول معرفی می‌شود. همچنین با احساس تعهد نسبت به دیگران زمینه‌ساز تحقق همبستگی اجتماعی انسان می‌شود.

در نگاه اندیشوران جامعه‌پژوه، تعهد اجتماعی عاملی است که باعث می‌شود افراد در موقعیت‌های مختلف به گونه‌ای رفتار نمایند که مطابق ارزش‌های انسانی و اجتماعی صحیح تلقی شود. این امر با تنظیم روابط اعضای جامعه، موجب افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش احساس امنیت همگانی و کاهش ناهماهنگی شناختی و در نهایت ثبات هویتی اعضای جامعه می‌شود. در مقابل عدم پابندی به تعهدات اجتماعی باعث سیطره فردگرایی خودخواهانه خواهد شد (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۳۳). توجه به تعهدات اجتماعی در میان کنشگران یک جامعه، یکی از ویژگی‌های اصلی جامعه بهنجار است و بهزیستی روان‌شناختی افراد را موجب خواهد شد. نظم اجتماعی که مبتنی بر هماهنگی تمام اجزای جامعه است، زمانی محقق خواهد شد که افراد به عنوان اعضای یک جامعه، وظایف و مسئولیت‌های خود را بشناسند و انجام دهند. در غیر این صورت، نظام اجتماعی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌گردد و مسبب آشفتگی‌ها و از هم گسیختگی‌های اجتماعی خواهد شد.

به هر ترتیب این فرایند، اعضای جامعه را از وضعیت انفعالی و غیرمسئولانه به سمت اعضای توانمند، متعهد و فعال سوق می‌دهد، ولی تحقق این مهم به عنوان یکی از

ضرورت‌های جامعه جدید، منوط به ارتقای دانشی و بینشی افراد و فهم ضرورت تشریک مساعی در حوزه‌های خرد و کلان اجتماعی است.

۳-۳. شرایط بازدارنده

در مقابل عوامل تسهیل‌کننده تحقق همبستگی اجتماعی، عواملی وجود دارند که مانع شکل‌گیری همبستگی اجتماعی محسوب می‌شود. جایگاه اخلاق در تکوین و تقویت همبستگی اجتماعی، بحثی ریشه‌دار و گسترده است. امروزه تغییرات و دگرگونی‌های پدید آمده در جوامع، چالش‌های متعددی را پدید آورده و به تبع آن کنش‌های نامطلوبی در سپهر اجتماعی ایجاد کرده است. با عنایت به اینکه اخلاق، یکی از ابزارهای بنیادین وفاق آفرین به شمار می‌آید، بدون تردید بازاندیشی در اخلاقیات، ثمرات حائز اهمیتی همچون همگرایی، ایجاد احساس مسئولیت در قبال مسائل اجتماعی، ایفای بهینه نقش‌های محول در ساختارهای اجتماعی و تلاش برای بهبود روابط با اعضای جامعه را در پی خواهد داشت.

مطابق روایات امام رضا (علیه السلام) پیروی از خواسته‌های نفسانی سبب پراکندگی و جدایی امت اسلامی می‌شود و به آحاد مردم و نهادها لطمه وارد می‌سازد. ارتکاب رفتارهای حرام، مجادله کلامی و بی‌میلی به انجام تعهدات از جمله مصادیقی است که ثمره آن اختلاف، انشعاب و تندروی و از هم گسیختگی اجتماعی است. بی‌توجهی به مرزهای ارتباطی، کم‌توجهی به مسئولیت‌های اجتماعی در نبود خودسازی انسان خلاصه می‌شود. هویت هر انسانی حدود و ثغوری دارد؛ بنابراین تعرض به آن را بر نمی‌تابد و در صدد مقابله بر می‌آید و بدین ترتیب موجب شعله‌ور شدن آتش کینه و مانع همبستگی است. جامعه از هم گسیخته نیز نمی‌تواند مأمن و مأوایی برای سعادت بشر باشد. از این منظر انحراف فکری و رفتاری مردم از مسیر حق، فرهنگ ناسالمی را در اجتماع رواج می‌دهد و در صورت تداوم این رویه، مردم حتی در بدیهی‌ترین امور دچار اختلاف می‌شوند و این ناسازگاری‌ها و سرگردانی‌ها خطری جدی برای وفاق و همبستگی اجتماعی محسوب می‌شود. این

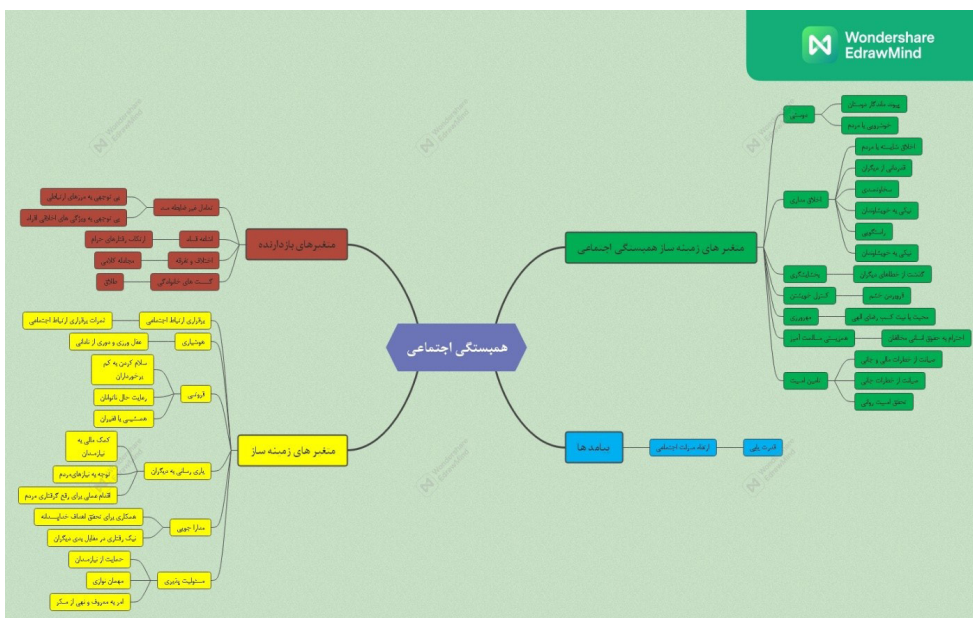
خطرات در نهاد خانواده نیز نتایج مشابهی را بر جای می‌گذارد.

خانواده پیوند عمیق و پایدار چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند خانواده معنایی ندارد این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد؛ بنابراین برای کارایی خانواده لازم است بر روابط اعضای خانواده تاکید شود و این موضوع از جمله مهم‌ترین مسائل در سلامت و رشد فرد و همچنین پویایی و توسعه همه‌جانبه در جامعه است. سلامت هر جامعه، در گرو سلامت خانواده و سلامت خانواده در گرو مجموعه‌ای از روابط و تعاملاتی است که بین افراد یک خانواده وجود دارد. خانواده عموماً به‌منزله مکانی که افراد آنجا را پناهگاه خود تلقی می‌کنند، در نظر گرفته می‌شود. جایی است که آرامش و سکون و هماهنگی باید بر آن حکم‌فرما باشد و به سبب روابط صمیمی، محبت‌آمیز و توأم با عواطف، بهترین مکان برای زندگی و رشد همه‌جانبه و شکوفایی است. این هدف مهم از رهگذر رفتارهای دوستانه و تلاش هر یک برای رفع نیازهای دیگری برآورده می‌گردد. ناگفته هویداست تمامی عواملی که میزان آرامش خانواده و در نتیجه، پیوستگی عاطفی زن و مرد را کاهش می‌دهد، از آنجا که مخالف با هدف خانواده است، مطلوب الهی نیست و از زاویه دیگر بر کیفیت همبستگی اجتماعی نیز اثرگذار است.

۳-۴. پیامدها

پیامدها، خروجی حاصل از استخدام راهبردهاست. در کلام امام رضا (علیه السلام)، توسعه همبستگی اجتماعی، چنانچه در مدار ارزش‌های الهی قرار داشته باشد، رویکردی سعادت‌محور و قدرت‌آفرین دارد. به عبارت دیگر، در جامعه انسانی تا هنگامی که واحدها و افراد در جامعه هر کدام به سمتی حرکت کنند و تنها برای خود و اهداف خود بکوشند، قدرت و منزلتی در ابعاد کلان شکل نمی‌گیرد، بلکه قدرت جامعه بر ساخته نوعی هماهنگی میان اجزای متکثری است که هدفی یکتا دارند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند؛ بنابراین همبستگی اجتماعی، هسته آغازین نیل به قدرت است و در مقابل، گسستگی اجتماعی، قدرت زداست و عزت و هیبت یک جامعه را نابود می‌کند. بر این اساس باور به

مؤلفه‌های تحقق همبستگی اجتماعی، افراد را برای رویارویی با مشکلات گوناگون آماده می‌سازد و این نیرو در افزایش توانمندی آحاد جامعه، تاثیر شگرفی بر جای می‌نهد.



منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). *عیون أخبار الرضا*. تهران: جهان.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۷۶ق). *تحف العقول عن آل الرسول*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
- ابن مسکویه، ابوعلی. (۱۴۲۲ق). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*. قم: بیدار.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۰). *امنیت*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
- الوانی، مهدی. (۱۳۸۰). *مدیریت عمومی*. چاپ بیست و ششم. تهران: نشر نی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۱ق). *حلیة الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم/ اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۸۶). *حکمت اصول سیاسی اسلام*. مشهد: به نشر.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). *جامعه در قرآن*. قم: اسراء.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی نظم*. چاپ ۳. تهران: نشر نی.
- دانایی فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). «استراتژی های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد». *اندیشه مدیریت*. سال اول. شماره ۲. صص: ۶۹-۹۷.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۹). *لغت نامه*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. لبنان: دارالعلم.
- روشه، گی. (۱۳۷۸). *تحولات اجتماعی جامعه شناسی*. ترجمه منصور وثوقی. قم: کتابخانه عمومی.
- الزبیدی، محمد مرتضی. (۱۹۹۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. تحقیق علی شیری. بیروت: دارالفکر.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۶). *دایره المعارف علوم/ اجتماعی*. تهران: کیهان.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۵). *نگاهی نوبه روان شناسی انسان سالم*. تهران: اطلاعات.
- سبزواری، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *جامع الأخبار أو معارج اليقين فی اصول الدین*. تحقیق علاء آل جعفر. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- شیعی سبزواری، حسن بن حسین. (۱۳۷۸). *راحة الأرواح*. تهران: اهل قلم.
- عطاردی قوچانی، عزیز الله. (۱۴۰۶ق). *مسند الإمام الرضا ابی الحسن علی ابن موسی (علیه السلام)*. بیروت: دار الصفوة.
- _____ . (۱۳۹۷ق). *اخبار و آثار حضرت امام رضا (علیه السلام) (ترجمه)*. تهران: کتابخانه صدر.
- فقه الرضا. (۱۴۰۶ق). (منسوب به امام رضا (علیه السلام)). قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *اصول الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- گولد، جولیوس و کولب، ویلیام. (۱۳۹۲). *فرهنگ علوم/ اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام. چاپ سوم. تهران: مازیار.
- گیدز، آنتونی. (۱۳۸۳). *سیاست، جامعه شناسی و نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۹). *درآمدی بر اخلاق حرفه ای*. تهران: سرآمد.

- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- لیندلف، تامس و تیلور، برایان. (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: همشهری.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل. قم: انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.

منابع لاتین

- Kivetz, R., & Yuhang.z. (2006). «Determinants of Justification and self control». Journal of Experimental Psychology: General 587-572 :135.
- Macaskill, A. (2005). Defining forgiveness: Christian clergy and general population perspectives, Journal of Personality, 1269-1237, 5.
- Maltby,J.,Macaskill, A and Gillet,R.(2007). *“The cognitive nature of forgiveness: using cognitive stratagies of Primary appraisal strategies of Primary appraisal and coping to describe the process of forgiving”*. Journal of clinical Psychology, -555, (6) 63 556.
- Strauss, Anselm L. (1987). Qualitative Analysis for Social Scientists, Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Creswell, J. W. (2005). Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research, (2nd edition), Boston: Pearson Publication.



تشریف دولتمردان مسلمان خارجی به حرم رضوی و گرایش‌های صوفیانه ایشان

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۹

علیرضا ابراهیم^۱، رضا تقی‌زاده نائینی^۲

چکیده

بازدید از اماکن مذهبی یکی از برنامه‌های رایج در سفرهای دیپلمات‌ها و مقامات کشورهای مسلمان به هنگام حضور در دیگر ممالک اسلامی است. آرامگاه امام هشتم شیعیان در شهر مشهد مقدس که مهم‌ترین زیارتگاه ایران به شمار می‌رود، در سده اخیر پذیرای ده‌ها تن از دولتمردان اهل سنت بوده است. این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، در پی یافتن علل تشریف مقامات مذکور به حرم رضوی است. یافته‌ها نشان می‌دهد گرایش‌های صوفیانه بعضی از دولتمردان مسلمان، یکی از علل تشریف آن‌ها به آستان مطهر امام هشتم (علیه السلام) بوده است. بعضی سیاستمداران مسلمان، همچون ظاهرشاه، ابوالکلام آزاد، عمران خان، عبدالله واد، بی نظیر بوتو و... از کشورهای افغانستان، هند، پاکستان، سنگال و... به هنگام حضور در ایران، با انگیزه زیارت امام رضا (علیه السلام) عازم مشهد شده‌اند. این افراد در وطن خویش به حمایت از صوفیه یا وابستگی به طریقه‌هایی چون سهروردیه، قادریه، نقشبندیه، چشتیه و مریدییه شهرت داشتند و گزارش‌های متعددی از تشریف ایشان به زیارتگاه‌های صوفیه وجود دارد. با این وصف، به نظر می‌رسد که مقامات سیاسی مذکور حسب باور یا نظر به احترام و جایگاه امام رضا (علیه السلام) در سلسله‌های صوفیه، نسبت به زیارت مزار وی اقدام کرده باشند. در این زمینه می‌توان انتظار داشت که زیارتگاه حضرت بتواند به عنوان نقطه اتکایی در بهبود و تقویت روابط سیاسی و فرهنگی مثمر باشد.

کلیدواژه‌ها: زیارت، علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، خراسان، آستان قدس رضوی، صوفیه، دولتمردان مسلمان، روابط خارجی.

۱. استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): alirezaebrahim90@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران: rtaqizade81@gmail.com

۱. مقدمه

مرقد مطهر حضرت امام رضا (علیه السلام) در مشهد جدای از اینکه همواره مورد توجه شیعیان بوده، از سوی مسلمان اهل سنت نیز در خور احترام بوده و به زیارت ایشان اهتمام داشته‌اند. در طی قرون گذشته همواره اقشار مختلفی از علما و بزرگان اهل سنت در این مکان مقدس حاضر شده و به ساحت مقدس امام رضا (علیه السلام) ادای احترام کرده‌اند (ن.ک: جعفریان، ۱۳۷۸). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که در سده اخیر، افزون بر ۷۰ شخصیت بلندپایه مسلمان، در قالب پادشاه، رئیس جمهور، نخست وزیر، فرماندهان بلندپایه نظامی و ... به مشهد آمده‌اند تا مزار امام رضا (علیه السلام) را زیارت کنند و هدایا و نذوراتی را نیز تقدیم آستان قدس کرده‌اند. عمده این اشخاص از اهل سنت بوده‌اند و در مجموع، از ۲۲ کشور اسلامی (اندونزی در شرق آسیا تا سنگال در غرب آفریقا) به ایران آمدند (ن.ک: تقی‌زاده نائینی، ۱۴۰۲). این تحقیق با مطالعه موردی در باب تعدادی از افراد فوق، مدعی است که گرایش‌های صوفیانه و علاقه‌مندی به میراث عرفانی در ایشان، علتی قابل توجه برای انتخاب مشهد به عنوان مقصد گردش‌های دیپلماتیک بوده است. بررسی‌های صورت گرفته در این نوشتار، موید وابستگی مقامات مذکور به سلسله‌های صوفیانه و یا علاقه آنان به زیارت قبور اولیا و توسل به ایشان است. گرچه هیچ‌گاه نمی‌توان اهداف سیاسی را در سفرهای زیارتی انکار کرد، اما التزام دولتمردان مطرح در این مقاله به زیارت اماکن صوفیه در ممالک خویش، می‌تواند دلیلی بر اولویت سفری زیارتی برای ایشان در بیرون از مرزها باشد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون در موضوع تشرف دولتمردان مسلمان خارجی دارای گرایش‌های صوفیانه به حرم امام رضا (علیه السلام) و زیارت مزار ایشان تحقیق مستقلی صورت نگرفته و بیشتر به صورت تک بعدی بررسی شده است؛ به طوری که صرفاً از لحاظ جایگاه رسمی به عنوان یک مقام بلندپایه در بعضی از منابع و اسناد تاریخی اشاراتی شده است. در ادامه برخی از آن‌ها ذکر می‌شود:

عتیقی تبریزی (۱۳۹۲) در کتاب مجالس به غازان خان ایلخانی اشاره کرده که دارای تمایلات صوفیانه بوده و به زیارت امام رضاع هم مشرف شده است. جعفریان (۱۳۷۸) از سلطان محمود غزنوی (د ۴۲۱ق) یاد می‌کند که پدرش سبگتکین به دلیلی نامعلوم به تخریب مرقد امام رضا (علیه السلام) پرداخت و پسرش محمود، به دلیل خوابی که دید، از نو آن را تجدید کرد. در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و همچنین کتابخانه آستان قدس رضوی اسنادی در موضوع حضور مقامات بلندپایه مسلمان در حرم امام رضا (علیه السلام) نمایه شده ولی اشاره‌ای به تمایلات صوفیانه ایشان در آنجا نشده است. در مطبوعات دوره پهلوی گزارش‌هایی از سفر سران کشورهای اسلامی مانند هند، پاکستان، افغانستان، اردن، عراق و ... به مشهد و زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) درج شده است. همچنین با رشد و گسترش فضای مجازی اخبار حضور سیاستمداران خارجی بلندپایه در حرم امام رضا (علیه السلام) در آرشیو خبرگزاری‌ها در فضای مجازی قابل دسترس است. در این پژوهش با بررسی دقیق منابع مذکور توانستیم به اطلاعات ۸ شخصیت مهم جهان اسلام دست پیدا کنیم که یا رسماً صوفی بودند یا اینکه تمایلات صوفیانه در آن‌ها وجود داشته است.

۲. جایگاه امام رضا (علیه السلام) در میان اولیای تصوف

تلقی حاکمان مسلمان از مقام امام رضا (علیه السلام) تاحدی نیز مرهون جایگاه واقعی حضرت نزد صوفیه بوده است. نظام تعلیم و تربیت در تصوف اقتضا می‌نماید که هر مریدی از هدایت یک مرشد بهره‌مند شود تا خود به مقام ارشاد برسد. او از آن پس، اجازه دارد که مریدانی را هدایت نماید و مقام ارشاد را بدان‌ها انتقال دهد. این ارتباط تربیتی در درازنای تاریخ تصوف، برای هر طریقه یک زنجیره یا به اصطلاح «سلسله ارشاد» را تولید نموده است که همچون شجره‌نامه‌ای خانوادگی، نسل‌های مشایخ را تا به ابتدا در بردارد. این زنجیره در واقع تبارنامه طریقه‌ها محسوب می‌شود و مایه اعتبار شیوخ است. گویا که ایشان، خود را وارث مقام معنوی اعضای سلسله می‌دانند و خویش را جانشین بلافصل مشایخ متقدم می‌پندارند.

با این وصف، در خور ذکر است که بیشتر طریقه‌های صوفیه اعتقاد و اصرار دارند که سلسله ارشاد مشایخ آن‌ها با واسطه به امام رضا (علیه السلام) و از آنجا با واسطه به امام علی (علیه السلام) و در نهایت، به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌رسد. این سلسله معمولاً به نام «معروفیه» شناخته می‌شود که حسب قدمت و اعتبارش با عنوان «أم السلاسل» نیز شهرت دارد. عنوان معروفیه در این فقره مأخوذ از معروف کرخی است که گویا در مقطعی خادم یا سقای امام رضا (علیه السلام) بوده و از ایشان اجازه ارشاد یافته است (پازوکی، ۱۳۷۹: ۶۱).

سلسله معروفیه در هر کدام از طریقه‌های متقدم و بزرگ جهان اسلام، به گونه‌ای توسعه یافته است. برای مثال صوفیان قادریه، شجره ارشاد بنیان‌گذار این طریقه، یعنی شیخ عبدالقادر گیلانی (د ۵۶۱ ق) را با واسطه‌های مختلف و نسل اندر نسل، به معروف کرخی و سپس امام رضا (علیه السلام) می‌رسانند (دهیبی زعبی، ۱۴۲۸ ق: ۱۸۰).

طریقه سهروردیه نیز سلسله ارشاد شیخ شهاب الدین سهروردی (د ۶۳۲ ق) را به واسطه عمویش، شیخ ابونجیب سهروردی (د ۵۶۳ ق) تا شیخ جنید بغدادی (د ۲۹۷ ق) و از او تا معروف کرخی و امام رضا (علیه السلام) رسانده است (علی‌جولا و طباطبائی، ۱۳۹۶: ۱۳۸-۱۳۹). این ارتباط در سلسله صوفیان چشتیه هم ملاحظه می‌شود و ایشان برای بنیان‌گذار طریقت خویش، یعنی خواجه معین الدین حسن سجزی (د ۶۳۳ ق) چنین اتصالی را قائل هستند (آریا، ۱۳۶۵: ۷۵) البته از معدود استثنائات این قاعده، باید به طریقه نقشبندیه اشاره کرد که به وسیله خواجه بهاء الدین محمد نقشبند بخاری (د ۷۹۱ ق) بنا شد و زنجیره مشایخ او به دو وجه مطرح است؛ چنان‌که در برخی منابع، سلسله ارشاد او را بدون واسطه امام رضا (علیه السلام) به ابوبکر می‌رسانند و در مآخذی دیگر، وی را منتسب به سلسله معروفیه و امام رضا (علیه السلام) می‌دانند (خانی، ۲۰۰۲: ۱۰؛ روحانی، ۱۳۸۵: ۲۴۵).

افزون بر این ارتباط سببی، نوعی قرابت نسبی نیز میان امام رضا (علیه السلام) با بعضی از مشایخ تصوف وجود دارد که پیوندهای صوفیه با حضرت را مستحکم‌تر ساخته است. برای مثال، مشهور است که شیخ عبدالقادر گیلانی از سادات حسنی بوده (ابن رجب، ۱۴۲۵ ق، ج ۲: ۱۸۹) یا زنجیره سیادت خواجه بهاء الدین نقشبند بخاری به امام جعفر صادق (علیه السلام)

می‌رسد (لاهوری، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۶۲).

صوفیه بر این باور هستند که این دو رشته اتصال سببی و نسبی، موجب انتقال علوم لدنی است که پیشتر از سوی خداوند به پیامبر اسلام ارزانی شده و سپس به‌طور شفاهی و به واسطه سلسله اولیای طریقه، تا زمان حال انتقال یافته است (پازوکی، ۱۳۷۹: ۶۲). مصادیق این علوم را می‌توان در ادعیه یا عبارت حکمت‌آمیزی ملاحظه کرد که صوفیان «ام السلاسل معروفیه»، همانند: جنید بغدادی و ذوالنون مصری، از ائمه متقدم شیعه یا امام رضا علیهم السلام نقل کرده‌اند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۹). آشکار است که این انتقال صرفاً جنبه «اویسی» نداشته و چه بسا ناظر بر ارتباط تاریخی میان مشایخ مذکور با ائمه شیعه است (ابراهیم، ۱۳۹۶: ۹-۲۷). بر همین اساس، اولیای تشیع نزد بعضی طریقه‌ها (مانند: قادریه و رفاعیه) تا به امروز چندان اعتبار دارند که نام یکایک آن‌ها به احترام برده می‌شود (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰-۳۱).

۲-۱. صوفیان و حاکمان مشهور و سنت زیارت ائمه شیعه

نظر به اینکه آیات قرآن و احادیث، به‌صراحت و مکرر مقوله زیارت قبور اولیا را تجویز کرده‌اند، این رسم از ابتدا به‌عنوان سنتی نبوی توسعه یافت. بر همین اساس، چه بسا بعضی مخالفان، زیارت قبور را سنتی استحسانی می‌پنداشتند که حتی مبنای نبوی نیز ندارد. با وجود این، بقای سنت زیارت در تاریخ اسلام، همواره مرهون باور راسخ و التزام صوفیه به زیارت قبور مشایخ بوده است. بنا بر جایگاه خاصی که ائمه شیعه در هرَم اولیا و عرفا دارند، حرَم ایشان نیز در تاریخ تصوف به‌عنوان زیارتگاه مورد توجه صوفیان بوده است. برای نمونه، ابن مازه بخاری حنفی (د ۵۶۶ ق) کتابی با عنوان لطائف الاذکار للحُصَّار والسُّقَّار تالیف کرد که کهن‌ترین متن فارسی مستقل در موضوع زیارت است و ذیل آن، زیارتگاه‌های معتبر اسلامی را گزارش کرد. ابن مازه در این اثر به معرفی مزارات مهم اولیای شیعه در عراق پرداخته و ایشان را بسیار ستوده است (ابن مازه، ۱۳۹۵: ۱۵۶-۱۵۷). ابوسالم عبدالله بن محمد عیّاشی (م ۱۰۹۰ ق) فقیه، محدث و صوفی شاذلی مغربی،

مؤلف سفرنامه‌ای به نام «ماء الموائد» یا «الرحله العیاشیه» است که تاریخ شروع سفر حج وی سال ۱۰۷۰ ق بوده است. در مکه وارد طریقت نقشبندیه شده (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱: ۳۳۵-۳۳۶)، از امام جعفر صادق (علیه السلام) به عنوان یکی از اقطاب نقشبندیه یاد می‌کند (همان: ۳۳۹). به هنگام زیارت بقیع در مدینه به گنبد بزرگی اشاره می‌کند که مشهد عباس، مشهد حسن بن علی، مشهد زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و عده زیادی از اهل بیت (علیهم السلام) است. همچنین درباره مشاهد بستگان پیامبر و مزارات اصحاب و ... مطالبی را ذکر می‌کند (همان: ۳۷۶-۳۸۲). ابو عبدالله محمد بن احمد مشهور به السراج و ملقب به ابن ملیح از اهالی مراکش، سفر حج خود را در حدود سال‌های ۱۰۴۰ - ۱۰۴۲ قمری به سرپرستی شخصی صوفی از مراکش آغاز و گزارش آن را در کتاب انس الساری و السارب من اقطار المغارب الی منتهی الآمال و المآرب سید الاعاجم و الاعارب مکتوب کرده است. ابن ملیح به زیارت قبور اهل بیت (علیهم السلام) در بقیع مشرف شده، ضمن بیان پاره‌ای از فضیلت‌های حسنین (علیهم السلام)، امام محمد باقر (علیه السلام) را از اولیای خدا و مدوّن حقایق صوفیه معرفی می‌کند (ابن ملیح، ۱۹۶۸ م: ۱۱۰). همچنین به بیان جایگاه علمی و معنوی امام صادق (علیه السلام) پرداخته (همان: ۱۱۱) و به نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می‌کند (همان، ۱۱۰).

همچنین، شیخ ابوالعباس احمد الرفاعی، بنیان‌گذار طریقه رفاعیه نیز سال ۶۷۸ قمری مرقد امام علی (علیه السلام) را زیارت کرد و قصیده‌ای را سرود که چند بیت از آن، هنوز بر یکی از نماهای حرم علوی مکتوب است (فرطوسی، ۱۳۹۳: ۳۲۷-۳۲۸). این ارادت در کلام صوفیانی که به زیارت امام رضا (علیه السلام) نائل شدند نیز نمایان است؛ آن چنان که مولانا خالد شهرزوری (۱۹۳ ق) از مشایخ کُرد طریقه نقشبندیه در خلال عزیمت به هند، مدتی مهمان بارگاه حضرت بود و قصیده‌ای مفصل را در توصیف حرم رضوی و توسل به آستان ائمه (علیهم السلام) سرود (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۷: ۷۸).

شخصیت امام رضا (علیه السلام) چنان برجسته است که مزار وی از ابتدا مرکز توجه حاکمان بوده است و به آن حساس بوده‌اند. بنا بر مستندات تاریخی، مامون خلیفه عباسی (ح ۲۱۸-۱۷۰ ق) تا چند روز بعد از شهادت حضرت، بر مزار وی خیمه زد و اعتکاف کرد (یعقوبی،

۱۴۲۳ ق، ج ۲: ۳۱۸) دور از انتظار نیست که رفت و آمد مستمر زائران شیعی به خراسان، مرقد حضرت را همواره در کانون نظارت حاکمان این منطقه قرار می‌داد و بعضی از ایشان چه بسا شخصاً از آنجا بازدید می‌کردند؛ چنان‌که آلب ارسلان سلجوقی (ح ۴۶۵-۴۵۵ ق) پس از فتح خوارزم، به زیارت بارگاه حضرت رفت (خواندمیر، ۱۳۵۳، ج ۲: ۴۸۹). همچنین، ملک شاه (ح ۴۸۵-۴۶۵ ق) هنگام عبور از توس، مزار حضرت را زیارت کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۲ ق، ج ۱۰: ۲۱۱).

موارد فوق را شاید بتوان در راستای حفظ توازن در قلمرو سیاسی ارزیابی کرد و خالی از ارادت به اولیا دانست؛ اما مواردی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد برخی حکام با تعلق خاطر به اولیا برای زیارت اقدام کرده‌اند. برای نمونه، ملک‌شاه سلجوقی (ح ۴۸۵-۴۶۵ ق) و وزیرش، نظام الملک طوسی علاوه بر زیارت امام رضا (علیه السلام)، برای دیدار از عتبات، به عراق رفتند و فرمان بازسازی مناره بارگاه امام حسین (علیه السلام) را صادر کردند. ایشان همچنین از مزار صوفی نامبردار، معروف کرخی (د ۲۰۰ ق) نیز دیدار کردند که گویا در آن زمان نزد شیعیان دارای اعتبار و احترام بوده است (همان: ۱۵۹).^۱ نمونه دیگر، غازان خان (ح ۶۹۴-۷۰۳ ق) نخستین سلطان مسلمان ایلخانی است که حتی پیش از تشرف به اسلام، از فرط علاقه به تعالیم صوفیه، نوبتی به زیارت مرقد امام رضا (علیه السلام) و تربت صوفیانی چون: بایزید بسطامی، ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن خرقانی و دیگر اولیای خراسان رفته بود (عتیقی تبریزی، ۱۳۹۲: ۴۶).

تبیین رویکرد حاکمان مذکور به این امر وابسته است که ایشان احتمالاً امام رضا (علیه السلام) را بیشتر به عنوان یکی از اولیای تصوف در نظر می‌گرفتند تا یک شخصیت برجسته در تاریخ سیاسی شیعه. البته شیعیان چه بسا پذیرای این ذهنیت نباشند، اما دلایل و شواهدی وجود دارد که ناظر بیرونی را به این امر متقاعد می‌سازد؛ برای مثال، اغلب مناسکی که زائران به طور سنتی در بارگاه حضرت به انجام می‌رسانند، با آدابی مطابقت دارد که در زیارتگاه صوفیان مشهور اجرا می‌شود؛ چنان‌که سنت‌هایی مانند: اذن دخول،

۱. برای مطالعه بیشتر درباره مناسبات سلجوقیان و شیعیان، ن. ک: مرادی نسب و ایزانلو، ۱۳۹۵: ۱۰۹.

طواف، تبرک، توسل، نذر، دخیل بستن، استغاثه، اطعام جمعی و... از قرن‌ها پیش تا به امروز در بیشتر زیارتگاه‌های صوفیه در سراسر جهان اسلام رواج دارد (ن.ک: صداقت، ۱۳۹۱؛ عدلی، ۱۳۹۲: ۱۰۳؛ عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱: ۱۹۳). بازخورد این امور از سوی آستان حضرت که در قالب روانمودن حاجات، شفای امراض، نشاط معنوی و... بروز می‌نماید نیز با آنچه در زیارتگاه‌های صوفیه روی داده، مطابقت دارد.

۲-۲. مقامات بلندپایهٔ مسلمان و زیارت امام رضا (علیه السلام)

نظر به توسعهٔ امکانات بایگانی در سدهٔ گذشته، بسیاری از رویدادهای مربوط به آستان قدس رضوی ثبت و ضبط شده است. از این رهگذر، تشرف مقامات بلندپایهٔ خارجی که از کشورهای مسلمان به حرم آمده‌اند نیز مرقوم گردیده است. تحقیق اولیهٔ نگارندگان این مقاله نشان می‌دهد که دست کم ۱۰ درصد از زائران مذکور دارای گرایش‌های عرفانی و وابستگی‌های طریقتی بوده‌اند. این افراد به‌ترتیب تاریخی عبارتند از:

۲-۲-۱. سِرِ حسن سهروردی

حسن سهروردی (د ۱۹۴۶م) سیاستمدار بنگالی که مستشار وزارت هند در دولت انگلیس بود (حداد، ۱۳۶۳ق: ۲۸۱). خانواده وی از نوادگان شیخ شهاب الدین سهروردی به شمار می‌رفتند و از ایران به هند مهاجرت کرده بودند (نک: ثنایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۶-۲۳۷، ۲۴۰؛ چوهدری، ۱۳۷۹: ۶۸). پدرش، عبیدالله شهابی صدیقی میدنی‌پوری (د ۱۳۰۳ق) از شخصیت‌های تاثیرگذار بنگال و اجدادش جزو شیوخ سهروردیه^۱ در بنگال بودند (شمیم خان، ۱۳۷۷: ۱۷۰-۱۷۲) و لذا او در محیطی صوفیانه پرورش یافت. وزارت دربار ایران سفر او را به استاندار خراسان اطلاع داد (ساکماق، شماره ثبت ۹۴۵۳۹) و سهروردی در روز دوشنبه ۳ آبان ماه ۱۳۲۲ به مشهد وارد شد (همان، شماره ثبت ۲/۹۴۵۳۹). چندی

۱. طریقه سهروردیه منسوب به شهاب الدین عمر بن عبدالله سهروردی (د ۶۳۲ق) است که در تصوف طریقه‌ای معتدل محسوب می‌شود. در هند توسط بهاء الدین ذکریا معروف به بهاء الحق مولتانی (د ۶۶۱ق) نشر یافت که خود از خلفای شیخ شهاب الدین سهروردی بود (زرین کوب، ۱۳۹۲: ۸۱).

بعد، وزارت کشور نیز طی نامه‌ای به استانداری، خواستار تمهیدات مناسب برای پذیرایی از نامبرده شد (همان، شماره ثبت ۹۴۵۳۹/۴). همچنین در سندی متعلق به آستان قدس رضوی، به پذیرایی از سهروردی در عمارت دارالتولیه اشاره شده است (همان، شماره ثبت ۹۴۵۳۹/۶). در مقابل، وزارت دربار نیز طی نامه‌ای، اظهار امتنان خود را از خدمات آستان در این سفر اعلام کرد (همان، شماره ثبت ۹۴۵۳۹/۱).

توجه به این نکته ضروری است که بعضی مشایخ برجسته تاریخ سهروردیه، همچون سیدجلال الدین بخاری مشهور به «مخدوم جهانیان» (د ۷۸۵ ق) آشکارا در آثار خویش از اهل بیت پیامبر دفاع کرده و در ادوار بعدی، چه بسا برخی خانقاه‌های آن‌ها رسماً مذهب اثنا عشری را به عنوان مذهب خویش اعلام کردند (رضوی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۵۲). با این وصف، دور از ذهن نیست که حضور سرهنگ حسن سهروردی در بارگاه امام رضا (علیه السلام)، بنا بر زمینه وی از آموزه‌های سهروردیه بوده باشد.

۲-۲-۲. محمد ظاهر شاه

محمد ظاهر شاه از خویشاوندان خاندان گیلانی بود که رهبری طریقت قادریه در افغانستان را بر عهده داشتند (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۸۰). او با همین وجهه، حمایت طریقه‌های صوفیه و احزاب میانه‌رو، همچون جبهه ملی نجات را جلب کرد و در سال ۱۳۱۲ شمسی در افغانستان به قدرت رسید. مراسم رسمی انتساب او با بستن دستار پادشاهی از سوی یکی از مشایخ طریقه نقشبندی، موسوم به فضل عمر مجددی و ملقب به نورالمشایخ صورت گرفت (همان: ۱۸۱). ظاهرشاه در ۶ فروردین ۱۳۲۹ برای یک دیدار رسمی از ایران به منظور گسترش پیوندها و همکاری‌های دو کشور وارد تهران شد. پادشاه افغانستان در این سفر به بازدید از تأسیسات نظامی و کارخانه‌های تولید سلاح ... پرداخت (ساکما، شماره مدرک ۲۶۸۳۴۵۲). وی از تهران رهسپار مشهد و سپس از همانجا راهی افغانستان شد (همان، شناسه سند ۲۹۰/۲۹۸۹). اسناد آستان قدس رضوی هم به زیارت او و اهدای ۵۰۰ دلار به حرم اشاره کرده است (ساکماق، شماره بازیابی ۱۱۵۹۵۳).

گزارش افرادی که از قصر او دیدار کردند حکایت از آن دارد که ظاهرشاه مقید و ملتزم به تصوف بوده و مراسم ذکر را در آنجا برگزار می کرده است (موسوی، مصاحبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۶). از این رو، می توان تصور کرد که تعلقات طریقتی وی، انگیزه ای برای حضور در آستان قدس بوده و او به رغم وابستگی رسمی به مذهب سنی حنفی، شخصا زیارت حضرت را انتخاب کرده است.

۲-۲-۳. ابوالکلام آزاد

محمی الدین ابوالکلام آزاد (۱۸۸۸-۱۹۵۸ م) به عنوان متفکر، شاعر و نویسنده مشهور هندی در سال ۱۹۴۷ میلادی به مقام وزارت فرهنگ این کشور منسوب شد. پدرش از مشایخ تصوف بود و از جانب مادر نیز نسبتش به مولانا منورالدین (د ۱۲۷۴ ق) شاگرد شاه عبدالعزیز دهلوی ملقب به چراغ دهلی (د ۱۲۳۹ ق) می رسید (مشایخ فریدنی، ۱۳۶۷: ۱۹). خود وی نیز افزون بر سرودن اشعاری صوفیانه، از ذائقه ای عرفانی بهرمند بود و مطالبی را در دفاع از تصوف به نگارش درآورد (همان: ۲۱؛ اسفندیار، ۱۳۹۰: ۹-۱۰). او به عنوان وزیر فرهنگ هند در سال ۱۳۳۰ به ایران سفر کرد (ساکما، شناسه سند ۹۹۸۹۰/۲۴۰) و در این سفر با نخست وزیر وقت ایران، دکتر محمد مصدق، و آیت الله کاشانی دیدار کرد. دانشگاه تهران به پاس خدمات فرهنگی و علمی و تلاش های او در جهت شناساندن زبان و فرهنگ ایران در هندوستان، درجه دکترای افتخاری در رشته زبان و ادبیات فارسی به وی عطا کرد (روزنامه کیهان، شماره ۲۴۶۸، ۲۵ تیر ۱۳۳۰: ۷). ابوالکلام آزاد روز پنجشنبه ۲۰ تیر ماه به عنوان مهمان در مجلس شورای ملی حاضر شد و در ادامه به مشهد رفت (ساکماق، شماره بازیابی ۳۳۸۵۴). او به همراه هیئتی از دیپلمات ها به حرم رضوی مشرف شد و در آنجا به دعا و نیایش پرداخت (همان، شماره بازیابی ۳۳۸۵۴).

افزون بر بستر اندیشه های صوفیانه ای که ابوالکلام آزاد در آن پرورش یافت، در بعضی منابع درباره تاثیرپذیری مستقیم او از تفکرات شیخ احمد سرهندی (د ۱۳۱۶ ق)، به عنوان

شیخ نامبردار نقشبندیه^۱ یاد کرده‌اند (عالم زاده، ۱۳۶۹). این امر می‌تواند نشانگر تعلقات وی به طریقه مذکور و البته توجیه‌گر حضور او در حرم امام رضا (علیه‌السلام) باشد.

۲-۲-۴. بی‌نظیر بوتو

بی‌نظیر بوتو (د ۲۰۰۷م) یکی از فعالان سیاسی پاکستان بود که سال ۱۹۸۸ میلادی به مقام نخست‌وزیری رسید. پدرش، ذوالفقار علی بوتو (د ۱۹۷۹م)، رهبری مردمی و رئیس وقت اجلاس سازمان همکاری اسلامی (۱۹۷۴م) به‌شمار می‌رفت و آشکارا گرایش‌های صوفیانه داشت؛ چنان‌که در حاشیه همان اجلاس، ملک فیصل (پادشاه عربستان) را برای زیارت به آرامگاه صوفی مشهور طریقه سهروردیه، لعل شهباز قلندر (د ۶۷۳ق) برد (2019, shah). بی‌نظیر بوتو نیز همانند پدرش متمایل به صوفیه بود. او در مصاحبه‌ای با روزنامه گاردین (۲۰۰۲م) به‌صراحت اعتقاد خود را به تصوف اعلام کرد و این امر را مایه برکت دوران زمامداری خویش دانست (McCarthy, 2002).

بی‌نظیر بوتو در ۲۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۹ در رأس یک هیئت عالی‌رتبه سیاسی، اقتصادی و نظامی به ایران سفر کرد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۶۹). او با حضور در حرم مطهر رضوی به نماز و زیارت مشغول شد و همچنین، با تولیت آستان قدس رضوی به‌گفت‌وگو پرداخت (ساکماق، شماره ثبت ۹۸۴۶). در این زیارت، قائم مقام آستان قدس رضوی نیز بسته متبرکی را به ایشان اهدا کرد (همان، شماره بازبایی ۳۰۳۱۵). قابل ذکر است که بوتو به‌واقع شخصیتی بود که نمی‌توان در انگیزه توسل او جهت زیارت تردید کرد؛ زیرا گزارش‌هایی متعدد از تشریف وی به مزار عرفا وجود دارد. برای نمونه، او چندین بار رسماً به درگاه خواجه معین الدین چشتی (د ۶۳۳ق) رفت تا برای بازگشت به قدرت و یا آزادی آصف علی زرداری از زندان دعا کند (Zee, 2001; News, 2012; NDTV). همچنین در دسامبر ۲۰۰۷ برای ادای احترام به لعل شهباز

۱. نقشبندیه از مشهورترین طریقت‌های تصوف در جهان اسلام هستند که خواجه بهاء الدین محمد بخاری (م ۷۹۲ق) معروف به نقشبند، مؤسس این طریقت است. طریقه او دنباله طریقه خواجگان در منطقه ترکستان بوده است (زرین کوب، ۱۳۹۲: ۸۲). این طریقه شاخه‌هایی در چین، ترکستان، قازان، هند، ایران، ترکیه، افغانستان و جاوه دارد (مشکور، ۱۳۷۵: ۳۱۸).

قلندر^۱ و دعا در حرم او، سه ساعت از کراچی به سهوان سفر کرد (Khushik, 2007).

۲-۲-۵. عبدالله واد

عبدالله واد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ میلادی در مقام رئیس جمهور کشور سنگال مشغول به فعالیت بود. این کشور اسلام خود را مرهون جنبش‌های تبلیغی طریقه‌هایی مانند تیجانیه^۲ و قادریه در جنوب صحرای آفریقا است. عبدالله واد نیز خود را وابسته به شاخهٔ مریدییه از طریقهٔ قادریه می‌دانست (Thurston, 2012) که به لحاظ جمعیتی، حدود ۳۰ درصد مردم مسلمان این کشور را تشکیل می‌دهند (خبرگزاری ایکنا، ۱۳۹۰). شیخ احمدو بامبا (۱۳۴۷ق) به عنوان بنیانگذار این شاخه، خود یکی از مبارزان علیه استعمار فرانسه بود و مزارش در نزدیکی شهر طوبی، هنوز زیارتگاه مریدییه به شمار می‌رود. عبدالله واد نیز با اذن و حمایت مشایخ همین شاخه بر مسند ریاست جمهوری تکیه داشت و حتی پیش از سفرهای خارجی، با آنها مشورت می‌کرد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴).

او در شامگاه ۲۱ فروردین سال ۱۳۸۷ به منظور زیارت بارگاه امام رضا (علیه السلام) و دیدار با مقامات بلندپایهٔ ایران، وارد مشهد شد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۸۷). نکتهٔ قابل توجهی که دربارهٔ وابستگی مریدییه باید در نظر داشت این است که قرابت‌هایی خاص میان باورها و مناسک این شاخه از طریقهٔ قادریه با تشیع وجود دارد. برای نمونه، ایشان گاهی اذکاری را استفاده می‌کنند که مروی از ائمهٔ شیعیه است (شاهدی، ۱۳۹۷: ۲۶۲). همچنین، در آثار مکتوب مشایخ مریدییه همانند دیوان احمدو بامبا، ابیاتی با مضمون محبت اهل بیت (علیهم السلام) (قصیده الرائیه) به چشم می‌خورد (بامبا، ۱۹۷۷: ۱۱۰). پیش از این «جیبوکا» وزیر امور خارجه اسبق سنگال در سال ۱۳۷۰ به منظور زیارت مرقد امام رضا (علیه السلام) و بازدید آثار تاریخی فرهنگی مشهد به این شهر سفر کرده بود (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۷۰).

۱. «عثمان مروندی» معروف به «لعل شهزاد قلندر» از صوفیان ایرانی و مؤسسان طریقه قلندریه در «سند» است که شاخه‌ای از طریقه «سلامتی» به شمار می‌آید (ن.ک: صافی، ۱۳۸۷).

۲. این طریقه منسوب به فردی الجزایری به نام ابوالعباس احمد بن محمد مختار تیجانی (د ۱۲۳۰ق)، که خود یکی از خلیفه‌های طریقه خلوتیه بود در سال ۱۲۸۸ق/۱۸۷۱م تشکیل داد و در آفریقا به خصوص آفریقای جنوب صحرا پیروان زیادی دارد (لاجوردی، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

۲-۲-۶. سیدیوسف رضا گیلانی

سیدیوسف رضا گیلانی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ میلادی منصب نخست وزیری پاکستان را عهده‌دار بود. او جزو خاندان گیلانی به‌شمار می‌رود که چند سده پیش از شمال ایران به هند مهاجرت کردند. پدر وی، مخدوم سید علمدار حسین گیلانی، از بزرگان طریقه قادریه^۱ در پاکستان محسوب می‌شد و لذا سیدیوسف رضا در خانواده‌ای صوفی مشرب پرورش یافت (نواوی وقت، ۲۰۱۷م). انتساب نسبی و سببی سید علمدار حسین به بنیان گذار طریقه قادریه، یعنی شیخ عبدالقادر گیلانی، موجب اعتباری فراوان بود و او را تا آستانه مقام قطبیت قادریه در پاکستان پیش برد؛ البته سید علمدار حسین به سبب پیشینه فعالیت‌های سیاسی، شخصاً از پذیرش این منصب خودداری کرد (نواوی وقت؛ سیدیوسف رضا گیلانی، ۲۰۱۱م).

سیدیوسف رضا گیلانی هنگامی که به مقام نخست وزیری نائل شد، با سیاست‌گذاری‌های خود در تثبیت جایگاه صوفیه کوشش کرد؛ برای نمونه کرسی مطالعات تصوف را در دانشگاه بهاء الدین زکریا مولتانسی تاسیس کرد و نام موسی پاک شهید را بر آن نهاد (نواوی وقت، ۲۰۱۷م). قابل ذکر است که سید ابوالحسن جمال الدین، متخلص به موسی پاک شهید (۱۰۱۰ق) از اجداد خاندان گیلانی به‌شمار می‌رود (لاهوری، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۱۲) که مراسم عرس^۲ وی سالانه از ۱۸ تا ۲۰ شعبان در شهر مولتان برگزار می‌شود (نواوی وقت، ۲۰۱۷م).

سیدیوسف رضا گیلانی ۲۳ شهریور ۱۳۹۰ به همراه وزیر امور خارجه، سر وزیر ایالت بلوچستان، وزیر محلی سابق و تعدادی از مقامات پاکستان وارد مشهد شد (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰) و با حضور در بارگاه امام رضا (علیه‌السلام) به زیارت و اقامه نماز پرداخت (خبرگزاری ایرنا،

۱. از قدیم‌ترین طریقت‌ها منسوب به عبدالقادر گیلانی (م ۵۶۱ق) که از پیروان احمد بن حنبل بود. صوفیان قادری تا حد زیادی اهل تسامح و تساهل بوده‌اند (زرین کوب، ۱۳۹۲: ۸۰).
 ۲. یکی از مهم‌ترین آیین‌های صوفیان شبه قاره برگزاری مراسم عرس پوده است که معمولاً در کنار آرامگاه اقطاب صوفیه و اغلب مصادف با سالگرد وفات مشایخ بزرگ برگزار می‌شود و معمولاً با سماع و قوالی همراه است (آریا، ۱۳۸۲: ۹۴). البته گفتنی است این مراسم در ۱۷ دسامبر هر سال که مولانا به آرامگاه ابدی اش سفر کرد نیز برگزار می‌شود که شمار زیادی از دولتمردان، هنرمندان، دانشمندان و دوستداران مولانا از کشورهای مختلف جهان شرکت می‌کنند (TRT, 2022).

۱۳۹۰). انجام این زیارت از دو نظر قابل توجه است؛ نخست این که به نقل از برخی منابع محلی، سیدیوسف رضا تا پیش از رسیدن به قدرت، سجاده نشین درگاه موسی پاک شهید بوده و همواره بخشی از اوقات خود را در یک زیارتگاه سپری می کرده است (حق، ۲۰۱۷م). دیگر این که او با وجود انتساب به مذهب حنفی، آشکارا خود و خاندانش را دوستدار اهل بیت (علیهم السلام) معرفی کرده است؛ به گونه ای که در مراسم مربوط به حضرت زهرا (علیها السلام) در روز سوم رمضان^۱، به همراه پدر و برادران اقدام به طبخ و توزیع غذای نذری می کرده اند (گیلانی، ۲۰۲۱م).

۲-۷-۲. عمران خان

عمران خان در سال ۲۰۱۸م به مقام نخست وزیر پاکستان رسید و یکشنبه ۲۱ فرودین (۱۰ آوریل) توسط پارلمان پاکستان از این سمت برکنار شد (DW, 2022). بنا به اظهارات خود وی، آشنایی اش با آموزه های صوفیانه از سه دهه پیش آغاز شد و او در این مدت با مطالعه آثار عرفانی، گرایش هایی به تصوف داشته است. اخبار مطبوعات پاکستان نشانگر آن است که عمران خان سال هاست به طور منظم از شهر پاک پتن و مزار اولیای طریقه چشتیه^۲ دیدار کرده و بدان ها توسل جسته است (Butt, 2018). همچنین، وی اذعان داشته که ملاقات و ارتباط با بانوی عارفه مشهور، بشری بی بی، تحولی مهم در زندگی او ایجاد کرد و تصوف را محور زندگی معنوی وی قرار داد. البته این ارتباط، مدتی بعد به ازدواج منتهی شد (The Express Tribune, 2018) و پیوستگی عمران خان به تصوف را تثبیت کرد. بشری عمران، مرکز تحقیقات شیخ ابوالحسن شاذلی را برای ترویج تصوف، علم و فناوری افتتاح کرد. این مرکز علاوه بر فراهم آوردن بستری برای مطالعات بین دینی و گفت و گوی بین ادیان در سطح ملی و بین المللی، در حوزه فلسفه اسلامی، تصوف و سنت های عرفانی نیز تحقیق می کند (The News, 2021). عمران خان در سال

۱. به قولی شهادت حضرت صدیقه طاهره زهرا (علیها السلام) در این روز است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲: ۱۶۷؛ ج ۴۳: ۱۸۹ - ۲۱۴).
 ۲. کهن ترین طریقه صوفیه در هند که به معین الدین حسن سجزی (د ۶۳۳ق) منسوب است، امیر خسرو دهلوی و خواجه حسن دهلوی دو شاعر معروف هند به این سلسله انتساب داشته اند (آریا، ۱۳۸۲: ۴۲).

۲۰۱۹ میلادی دانشگاه القادر را به نام شیخ عبدالقادر گیلانی و در شهر سوهاوا (ایالت پنجاب) تاسیس کرد تا این نهاد را مهد علم و معنویت قرار دهد. دانشمندان اسلامی بین المللی از جمله سیدحسین نصر و حمزه یوسف به عنوان عضوی از هیئت امنای دانشگاه در نظر گرفته شدند (The News, 2021; wakeel, 2021).

عمران خان در نخستین سفر خود به ایران، روز یکشنبه اول اردیبهشت ۱۳۹۸ پس از ورود به مشهد، بلافاصله به زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) مشرف شد. در این زیارت که استاندار خراسان رضوی و مسئولان محلی وی را همراهی می‌کردند، عمران خان در گوشه‌ای از حرم به اقامه نماز پرداخت و سپس با تولیت آستان قدس رضوی دیدار و گفت‌وگو کرد (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸). در خور ذکر است که او در همان سال و به دعوت رسمی رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه به این کشور سفر کرد و از آرامگاه و موزه مولانا در قونیه بازدید کرد. او پس از مراسم زیارت، در گفت‌وگو با خبرنگاران، خود را به عنوان یکی از «پیروان تصوف» معرفی کرد که آثار مولانا را مطالعه نموده است (خبرگزاری آنا تولی، ۲۰۱۹).

۲-۲-۸. شاه محمود قریشی

مخدوم شاه محمود قریشی یکی از سیاستمداران متنفذ در پاکستان به‌شمار می‌رود که از خاندان مشهور و بزرگ قریشی برآمد و مدتی سجاده‌نشین بارگاه حضرت بهاءالدین زکریای مولتانی معروف به شاه رکن عالم بود (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۸). پدر وی محمد سجاد حسین قریشی نیز سجاده‌نشین درگاه شاه رکن عالم بود که سبک‌هایی نوین را در مراسم مذهبی بنیان نهاد که به‌سرعت فراگیر شد و ترویج آموزه‌های سهروردیه، اعتباری فراوان برای وی به بار آورد (تسبیحی، ۱۳۵۱: ۷۹۹). شاه محمود بارها با همان کسوت صوفیانه در انظار عمومی حاضر شد و مادامی که عهده‌دار اداره درگاه سهروردیه بود، هر ساله شخصا مراسم عرس بهاء الدین را با حضور مهمانانی از دیگر کشورهای اسلامی برگزار می‌کرد (اسلام تایمز، ۲۰۱۶م)؛ اما پس از چندی، به دلیل

فعالیت‌های سیاسی، از راهبری طریقه و سجاده‌نشینی کناره گرفت. او دنباله‌روی جد خویش، مخدوم مرید حسین قریشی که از رهبران برجسته معنوی و سیاسی شبه قاره به شمار می‌رفت (قادری، ۲۰۲۰)، به یکی از اندیشمندان سیاسی مطرح مبدل شد و مقام وزارت امور خارجه پاکستان را کسب کرد. وی در ۲۲ دی ۱۳۹۸ با سفر به ایران، ابتدا وارد مشهد شد و به زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) رفت. در مصاحبه با خبرنگاران، این زیارت را مایه افتخار خویش خواند (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸).

۲-۳. پیامدها

پرسشی مهم که می‌توان در پایان این تحقیق مطرح کرد این است که حضور دولتمردان خارجی مسلمان به‌ویژه پیروان صوفیه در بارگاه امام رضا (علیه السلام) چه نتایج و پیامدهایی را در پی داشته و منافع آن برای هر دو طرف چیست؟ در پاسخ باید گفت که حضور دولتمردان خارجی مسلمان در مراکز و مجامع شیعی فقهی نفسه امری پسندیده و مفید محسوب می‌شود و نتایج سودمندی را در پی دارد اما تمایلات و انگیزه‌های صوفیانه این افراد، نتایج و پیامدهای بیشتری را متصور می‌سازد که می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

الف. آستان قدس رضوی هر سال میزبان میلیون‌ها زائر است که پیش‌بینی می‌شود شهر مشهد میزبان ۴۰ میلیون زائر در سال ۱۴۰۴ خواهد بود (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹). اغلب آن‌ها به انگیزه بهره‌مندی از مواهب معنوی امام رضا (علیه السلام) وارد مشهد می‌شوند. چنانچه بخواهیم این میزان از افزایش تعداد زائران را توجیه کنیم، یکی از عوامل آن، تبلیغات زائران قبلی و انتقال تجربه زیارت از سوی آن‌ها به افرادی است که تاکنون مشرف نشده‌اند. با توجه به جایگاهی که مقامات خارجی دارند، انعکاس سفر آن‌ها به مشهد، موجب جذب زائران جدید و بهره‌مندی دیگر مسلمانان به‌ویژه پیروان صوفیه از مواهب حضرت خواهد بود. در خور ذکر است که امروزه بنا بر آمار، جمعیت صوفیان مسلمان تا ۸۰۰ میلیون نفر تخمین زده شده است (افتخاری، ۱۳۹۹).

ب. وقوع جنگ‌ها و آشوب‌های پی در پی خاورمیانه در دوران معاصر که نمونه بارز آن ظهور گروه‌های تکفیری به خصوص داعش است، این منطقه را به یکی از مناطق ملتهب جهان اسلام تبدیل کرده است. بخشی از این اوضاع مرهون «واگرایی» کشورهای اسلامی از یکدیگر است که مسیر را برای حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در اینجا گشوده است. آستان قدس رضوی به ظاهر در سیاست‌گذاری روابط خارجی ایران هیچ‌گونه مداخلیتی ندارد، اما مشابه بعضی موارد ذکر شده که دولتمردی خارجی به خواست و تاکید خودش از این نهاد بازدید می‌کند، آستان قدس به‌عنوان ابزاری در سیاست خارجی تبدیل می‌شود و می‌تواند نقشی مثبت و سازنده را در پیشبرد روابط و «همگرایی» کشورهای منطقه ایفا نماید. مثال قابل توجه در این زمینه، اظهارات شاه محمود قریشی است که تصوف خویش را عامل برقراری صلح و توقف سیاست‌های ستیزه‌جویانه معرفی کرده است (The Express Tribune, 2014).

پ. با وجود اختلافات عمیق و ریشه‌دار تاریخی میان تشیع و اهل سنت و آسیب‌هایی که از این رهگذر متوجه هر دو طیف مسلمان شده است، امروزه لزوم رسیدن به سازوکاری برای ایجاد «تقریب مذاهب»، تبدیل به گفتمانی رایج شده است. نظر به این که شباهت‌های اعتقادی و آیینی فراوانی میان تشیع و تصوف وجود دارد صوفیه نزدیک‌ترین ضلع از جهان اهل سنت به شیعه محسوب می‌شوند که در مقابله با گسترش تفکرات سلفی و ضد شیعی نقشی موثری ایفا کرده است؛ به‌گونه‌ای که عالمان صوفی اهل سنت، آثاری در رد افکار و اندیشه وهابیه تالیف کرده‌اند. یکی از شخصیت‌های بارز آن‌ها احمد بن زینی دحلان (م ۱۳۰۴ ق) عالم شافعی مذهب اهل مکه است (زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۱: ۱۳۰) که در تصوف بر طریقت آل باعلوی بود (کتانی، ج ۱، ۱۹۸۲ م: ۳۹۰) و کتاب‌های فتنه الوهابیین و الدرر السنیّه فی الردّ علی الوهابیّه را در رد بر وهابیت نوشت (ن. ک: حیدری آذر، ۱۳۹۷).

بدیهی است که حضور مقامات بلندپایه اسلامی به‌خصوص وابستگان صوفیه می‌تواند به درک بهتر ایشان از فضای جامعه امروزی شیعی یاری رساند و در برابر، آستان قدس نیز وسیله‌ای برای ایجاد فهمی صحیح‌تر از اهل سنت در محیط شیعی باشد. از آنجا که هم مقامات مذکور و هم آستان قدس رضوی در حیطه خود دارای مخاطب وسیع هستند، تاثیر

این درک متقابل می‌تواند بسیار سریع و عمیق باشد.

ت. همان‌گونه که ملاحظه شد، بعضی از مقامات خارجی در ممالک خویش متولی اداره مراکز زیارتی بوده یا هستند. لذا حضور آن‌ها در آستان قدس می‌تواند مسیر را برای همکاری‌های «بین‌زیارتگاهی» و تبادل تجارب سازنده هموار کند.

ث. افزون بر بارگاه امام رضا (علیه السلام)، زیارتگاه‌های فراوانی از صوفیان نامدار جهان اسلام در ایران مانند بایزید بسطامی، ابوالحسن خرقانی، علاءالدوله سمنانی، عبدالرحمن جامی، امام محمد غزالی و... وجود دارد که به دلایلی تاکنون مغفول مانده‌اند. این اماکن اغلب و در مرتبه‌ای پایین‌تر از آستان قدس، دارای ظرفیت‌های فوق هستند. لذا امید است که آستان قدس به‌عنوان مدخلی برای ورود شخصیت‌های برجسته خارجی، بتواند ایشان را به سوی دیگر اماکن زیارتی رهنمون سازد. مثال بارز این امر، سیدیوسف رضا گیلانی بود که به‌جز بارگاه امام رضا (علیه السلام)، رهسپار لاهیجان شد و از بقعه منتسب به شیخ زاهد گیلانی (۷۰۰ق) نیز دیدار نمود (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۰).

ج. حضور مقامات خارجی در ایران، ابزاری ساده در جهت معرفی فرهنگ ایرانی به دیگران است. تصوف و آثار متنوع آن که در قالب نوشتار، معماری، هنر و... بر جای مانده نیز جزئی جدایی‌ناپذیر از این فرهنگ است که می‌تواند از طریق سفرایی مانند دولتمردان خارجی انتقال یابد. در این مقوله نیز می‌توان به عمران خان اشاره کرد که افزون بر زیارت مزار مولانا در ترکیه، شخصاً مطالعه و ملاحظه بعضی آثار مکتوب و بصری تصوف ترکیه را به جوانان کشورش توصیه کرد (تاشچی، ۲۰۲۰).

چ. موضوع توسعه فعالیت‌های فرهنگی نیز از موارد قابل طرح است. با توجه به وجود کتابخانه عظیم آستان قدس که گنجینه گران‌سنگی از آثار اسلامی را در خود جا داده است، در کنار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، بستری مناسب برای اجرای طرح‌های تحقیقاتی، مبادله دانشجو، انتشار و توزیع کتاب و... فراهم می‌کند.

۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن ارائه گزارشی از سفرهای زیارتی تعدادی از سیاستمداران مسلمان کشورهای هند، پاکستان، سنگال و افغانستان به مشهد، با جست‌وجو و تحقیق دربارهٔ این افراد توانستیم به این موضوع واقف شویم این افراد دارای گرایش‌ها و وابستگی‌های طریقتی به جریان‌های صوفیه در کشور متبوع خود هستند. این افراد یا رسماً وابسته به یکی از طریقت‌های صوفیه مانند سهروردیه، قادریه، نقشبندیه، چشتیه و مریدیه هستند یا این‌که دلبستگی عمیقی به آن‌ها دارند و خود را به احترام و تکریم بزرگان طریقت‌های مورد اشاره مقید می‌دانند. زیارت آرامگاه بزرگان دین و مشایخ تصوف از سنت‌های رایج در میان اهل عرفان و تصوف بوده است و افراد یادشده در این تحقیق سابقه حضور در آرامگاه‌های مشایخ تصوف و زیارت این اماکن را در کارنامه خود دارند. بررسی‌های ما دربارهٔ سابقه تشریف صوفیه به زیارتگاه‌های مهم شیعه با تمرکز بر کتاب لطائف الاذکار ابن‌مازه در قرن ۶ قمری، نشان می‌دهد زیارت ائمه شیعه بین صوفیه امری رایج بوده است. همچنین بین شاهان و سلاطین گذشته به غازان نخستین سلطان مسلمان ایلخانی اشاره شد که از فرط عشق و علاقه به تعالیم صوفیه علاوه بر زیارت بزرگان تصوف به زیارت حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) نیز می‌رفته است.

اما همان‌گونه که بیان شد پرسش ما دربارهٔ علت تشریف صوفیه به حرم امام رضا (علیه السلام) است. مهم‌ترین دلیل و توجیه ما دربارهٔ این مسئله، قرار گرفتن شماری از ائمه معصومین (علیهم السلام) از جمله حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در سلسله نسب‌های طریقتی است. تقریباً همه سلسله‌های صوفیه اصرار دارند که رشته اجازه آن‌ها به حضرت علی (علیه السلام) می‌رسد. این انتساب به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم صورت می‌گیرد. سلسله معروفیه که به‌عنوان ام‌السلاسل تصوف است به واسطه شیخ معروف کرخی به امام رضا (علیه السلام) می‌رسد و از ایشان به حضرت علی (علیه السلام) منتهی می‌شود یا مستقیم به آن حضرت می‌رسد، مثل سلسله کمیلیه و فقط در این میان سلسله نقشبندیه مستثنی است که رشته اجازه خود را از طریق ابوبکر نیز به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد. به این طریق که سلسله اجازه خود را

به بایزید بسطامی و از او به امام صادق (علیه السلام) و از او به قاسم بن محمد بن ابی بکر و از او به سلمان فارسی و از او به ابوبکر و بالاخره به پیامبر می‌رساند. قرار گرفتن ائمه در این سلسله نسب‌های طریقتی و انتساب آن‌ها به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) موجب شده است که همواره مورد تکریم و احترام طریقت‌های صوفیه قرار گرفته و تربت پاک و مقدس آن‌ها مکانی برای زیارت و نیایش و کسب فیض واقع شود.

برای این حضور پررنگ دولتمردان صوفی مشرب در بارگاه امام رضا (علیه السلام) می‌تواند نتایج سودمند و منافع سیاسی و فرهنگی برای هر دو طرف متصور بود. در اینجا است که آستان قدس رضوی به عنوان ابزاری قدرتمند می‌تواند نقشی مثبت و سازنده را در پیشبرد روابط و همگرایی کشورهای منطقه ایفا نماید. چنانچه به اختصار بخواهیم منافع این حضور را در جنبه سیاسی و اجتماعی آن برشماریم، می‌توان به وحدت و همگرایی اسلامی و مقابله با بنیادگرایی اسلامی اشاره کرد.

نکته دیگر اینکه به لحاظ علاقه‌مندی این اشخاص به مناسک زیارتی حضور آن‌ها در آستان قدس می‌تواند مسیر را برای گسترش روابط در موضوع گردشگری زیارتی و تسهیل امر زیارت و تبادل تجارب سازنده هموار کند.

منابع و مآخذ

- آریا، غلامعلی. (۱۳۶۵). *طریقه چشتیه در هند و پاکستان و خدمات پیروان این طریقه به فرهنگ اسلامی و ایرانی*. تهران: زوار.
- ابراهیم، علیرضا. (۱۳۹۶). «ذوالنون مصری و تعالیم ائمه شیعه». *ادیان و عرفان*. سال ۵۰. شماره ۱. صص: ۹-۲۷.
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۴۰۲ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دارصادر.
- ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد. (۱۴۲۵ق). *ذیل طبقات الحنابلہ*. ریاض: مکتبه العبیکان.
- ابن‌مازہ، محمد بن عمر. (۱۳۹۵). *لطایف الاذکار للحضار و السفار فی المناسک والآداب*. تصحیح و حواشی از رسول جعفریان. تهران: علم.
- ابن ملیح، محمد بن احمد. (۱۹۶۸م). *أنس الساری و السارب من أقطار المغارب إلى منتهی الآمال و المآرب سید الأعاجم و الأعراب*. تحقیق محمد الفاسی. فاس: مطبعه جامعه محمد الخامس.
- اسفندیار، محمود رضا. (۱۳۹۰). «مدار در اندیشه رام موهن روی و ابو الکلام آزاد». *پژوهشنامه ادیان*. شماره ۹. صص: ۱-۱۲.
- بامبا، احمدو. (۱۹۷۷). *دیوان سعادات المریدین فی امداح خیر المرسلین*. طوبی (سنگال): Daaray Kaamil.
- پازوکی، شهرام. (۱۳۷۹). «تصوف علوی: گفتاری در باب انتساب سلاسل صوفیه به حضرت علی (علیه السلام)». *اندیشه دینی*. شماره ۵ و ۶. صص: ۵۹-۷۴.
- تسبیحی، محمد حسین. (۱۳۵۱). «دیدار از کتابخانه‌های پاکستان». *وحید*. شماره ۱۰۶. صص: ۷۹۵-۸۰۴.
- تقی‌زاده نائینی، رضا. (۱۴۰۲). *سفرهای زیارتی دولتمردان مسلمان به مشهد مقدس*. تهران: مشعر.
- ثنائی، حمیدرضا؛ زارع حسینی، فاطمه؛ مجتهدی، مهدی. (۱۳۹۸). «خاندان شهروردی، خاندان تصوف و علم در سرزمین‌های اسلامی». *عرفان اسلامی*. ۱۵ (۵۹). صص: ۲۲۳-۲۴۶.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۸). «شماری از زائران سنی امام رضا (علیه السلام) تا قرن ششم». *زائر*. ش ۵۵ و ۵۶. صص: ۶۹-۷۵.
- چوهدری، شاهد. (۱۳۷۹). «سیر تصوف و عرفان از ایران به شبه قاره و سهم عارفان تبریزی در آن (شیخ جلال الدین تبریزی)». *زبان و ادب فارسی*. شماره ۱۷۷. صص: ۶۱-۱۰۲.
- حداد، جورج. (۱۳۶۳). «المجله الاسیویه» *المجمع اللغة العربیة بدمشق*. المجلد التاسع عشر. *المجمع اللغة العربیة*. العدد ۵ و ۶. صص: ۲۸۰-۲۸۱.
- حسینی، یحیی. (۱۳۸۴). «تصوف در افغانستان». *طلوع*. شماره ۱۶. صص: ۱۷۵-۱۸۶.
- حیدری‌آذر، مجید. (۱۳۹۷). «عالمان منتقد سلفیه؛ احمد بن زینی دحلان». *سراج منیر*. شماره ۳۰. صص: ۱۵۵-۱۶۲.
- خانی، عبدالمجید. (۲۰۰۲م). *الحقائق الوردیة فی حقائق أجلاء النقشبندیة*. اربیل: دارناراس للطباعة و النشر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۵۵). *تاریخ حبیب‌السیر*. تهران: خیام.
- دهیبی زعبی، عبدالمجید بن طه. (۱۴۲۸ق). *اتحاف الاکابر فی سیره و مناقب الامام محیی‌الدین عبدالقادر الجیلانی الحسینی الحسینی و بعض مشاهیر ذریته ولی الفضل و المآثر*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رضوی، اطهر عباس. (۱۳۸۰). *تاریخ تصوف در هند*. ترجمه منصور معتمدی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- روحانی، کمال. (۱۳۸۵). *تاریخ جامع تصوف در کردستان*. نقد و بررسی طریقت قادری به ضمیمه تاریخ عرفان از آغاز تا کنون. تهران: نشر سامرند.

- زرکلی، خیر الدین. (۱۹۸۹م). الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین. بیروت: دار العلم للملایین.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۲). ارزش میراث صوفیه. تهران: امیرکبیر.
- شاهدی، سیدمحمد. (۱۳۹۷). تصوف در غرب آفریقا و تاثیر پذیری از مکتب اهل بیت (علیهم السلام). قم: ذوی القربی
- شمیم خان، محمد. (۱۳۷۳). «احوال و آثار مولانا عبیدالله عبیدی سهروردی (۱۲۵۰ ه / ۱۸۳۵ م تا ۱۳۰۲ ه / ۱۸۸۵ م)». نامه پارسی. شماره ۹. صص: ۱۷۰-۱۷۵.
- صافی، قاسم. (۱۳۸۷). «مقام لعل شهباز قلندر عارف و سخنور فارسی در سند». پژوهش های ادب عرفانی (گوهر گویا). (۱)۲. صص: ۳۹-۶۰.
- صداقت، مجتبی. (۱۳۹۱). «شایستگی زیارت اهل قبور، عقیده مشترک عارفان و صوفیان تشیع و تسنن». هفت آسمان. ۱۴(۵۴). صص: ۹۳-۱۱۲.
- عالم زاده، هادی. (۱۳۶۹). «آزاد، ابوالکلام». در دایره المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. (ج ۱: ۳۰۷).
- تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- عتیقی تبریزی، جلال الدین بن قطب الدین. (۱۳۹۳). مجالس. تهران: میراث مکتوب.
- عدلی، محمدرضا. (۱۳۹۲). «علل گسترش جماعت های اولیه صوفیان و شکل گیری خانقاه ها». ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی. ۹(۳۰). صص: ۹۳-۱۱۳.
- عظیمی، کیومرث؛ چلونگر، محمد علی؛ منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۹۳). «طریقت های صوفیه، عامل همگرایی کردها به تشیع در کردستان از سال ۹۰۷ تا ۱۴۰۰ ق». پژوهش های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان). شماره ۲۴. صص: ۱۷-۴۲.
- علی جولای، الهام؛ طباطبایی، محمد منصور. (۱۳۹۶). «سلاسل صوفیه از منظر صاحب رشحات الغیبیه فی تحقیق طریق الصوفیه». زبان و ادب فارسی (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز). دوره ۷۰. شماره ۲۳۵. صص: ۱۲۳-۱۵۱.
- عیاشی، ابوسالم. (۲۰۰۶م). الرحله العیاشیه. حققها و قدم لها سعید الفاضلی و سلیمان القرشی. ابوظبی: دارالسویدی للنشر و التوزیع.
- فرطوسی، صلاح مهدی. (۱۳۹۳). تاریخچه آستان مطهر امام علی (علیه السلام). تهران: نشر مشعر
- کتانی، عبدالحی. (۱۹۸۲م). فهرس الفهارس والأثبت و معجم المعاجم و المشیخات و المسلسلات. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
- لاجوردی، فاطمه. (۱۳۹۶). تصوف: خاستگاه، تاریخ و موضوعات وابسته (مجموعه مقالات). تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- لاهوری، غلام سرور. (۱۴۱۰-۱۴۱۴ ق). خزینة الاصفیاء. لاهور: مکتبه نبویه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- مدرسی چهاردهی، مرتضی. (۱۳۴۷). «قصیده خالد نقشبندی در وصف امام هشتم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و هنر». نامه آستان قدس. شماره ۳۷. صص: ۷۷-۸۴.
- مرادی نسب، حسین؛ ایزانلو، محمد امین. (۱۳۹۵). «کاربست همگرایی شیعیان امامی با سلجوقیان». تاریخ اسلام درآینه پژوهش. شماره ۴۰. صص: ۱۰۱-۱۲۰.
- مشایخ فریدنی، محمد حسین. (۱۳۶۷). «نظری به زندگی و کارنامه مولانا ابوالکلام آزاد». کیهان فرهنگی. شماره ۵۳. صص: ۲۲-۱۹.

۱- مشکور، محمد جواد. (۱۳۷۵). فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۲- نصیری، محمد؛ رجبی، محمدرضا؛ نوروزی، اصغر. (۱۳۹۴). «بررسی تاریخی چگونگی ورود و تأثیر تعلیم معنوی اهل بیت (علیهم السلام) در تصوف و عرفان اسلامی». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. سال ششم. شماره ۲۰. صص: ۹۹-۱۳۰.
۳- یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۴۲۳ق). تاریخ الیعقوبی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

افـتخاری، فرید. (۱۳۹۹). «تصوف جریانی به شدت متکثر: صوفی داعشی هم داریم!». دین آنلاین ۶/۶/۱۳۹۹. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲.

تاشچی، محمدناظم. (۲۰۲۰). « عمران خان: به علاقه‌مندان به عرفان، سریال یونس امره؛ سفر عشق را توصیه می‌کنم ». خبرگزاری انا توله. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰.

mrn-khn-tmshy-sryl-trkhy-ywns-/·۲/۱۲/۲۰۲۰/https://www.trt.net.tr/persian/mntqh
۱۵۳۷۹۶۸-mrh-sfr-shq-r-bh-lghmndn-rfn-twsyh-khrd

۰ تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰

۱۳۹۴.۱۲۲.۰۱۳۲۸/<https://www.farsnews.ir/news> ۰

تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

۰۰۵۲۷/https://www.mehrnews.com/news

«- یازدید عمر ان خان از موزه و آرامگاه مولانادر قونیه» (۲۰۱۹). خبرگزاری آناتولی. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰.

A'/DΛ'/ /ΛY'/ΛC'/DΛ'/DB'/DA'/AΛ'/BΛ'/AA'/DΛ'/https://www.aa.com.tr/fa'/DΛ o
-ΛΓ'/DΛ'/AΛ'/DΛ'/BΛ'/DΛ'/ΛO'/DΛ'/BΛ'/AF'-/DΛ'/ΛC'/DΛ'/AF'/DB'/DΛ'/BΛ'/DΛ'/AΛ'/Λ
-ΛΛ'/DΛ'-/ΛY'/DΛ'/BΛ'/DΛ'/ΛΛ'/DΛ'/ΛO'/DΛ'-BΛ'/DΛ'/AΛ'/DΛ'-/ΛΓ'/DΛ'/AΛ'/AE'/DΛ'/DΛ'/
A'/DΛ'/ΛE'/DΛ'/ΛΛ'/DΛ'/ΛO'/DΛ'-/ΛY'/DΛ'/AΛ'/DA'/AF'/DΛ'/ΛO'/DΛ'/AΛ'/DΛ'/BΛ'/DΛ'/AΛ'/DΛ'/
١٣٥٥٣٤٩/ΛY'/ΛC'/DΛ'/DB'/ΛΓ'/DΛ'/ΛΛ'/DΛ'/ΛY'/DΛ'-BΛ'/AF'/DΛ'/DΛ'-/AΛ'/DΛ'/ΛΓ'/DΛ'/Λ

«بودجه زیارت برای پایتخت معنوی ایران / ورود ۴۰ میلیون زائر در افق ۱۴۰۱». (۱۳۸۹). خبرگزاری مهر. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲.

۱۲۲۶۷۱۰./https://www.mehrnews.com/news ۰

– «توصیه نخست وزیر پاکستان عمران خان به خواندن کتاب ترکی چهل قانون عشق» (۲۰۲۰). پاکستان/ینفو pakistaninfo.pak. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۰۵/۱۰.

[illegible]

- «پارلمان پاکستان عمران خان را از نخست‌وزیری برکنار کرد». (۱۴۰۱). خبرگزاری دویچه وله فارسی. تاریخ مشاهده:

- سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۴۰۲ فصلنامه علمی فرهنگ رضوی

- .Ndtv .۲۰۱۲ .۲۰۰۵ President Zardari and Benazir Bhutto's Ajmer visit in-
:form ,۲۰۲۲ ,۰۱ Retrieved Aug
https://www.ndtv.com/photos/news/president-zardari-and-benazir-bhuttos-ajmer- o
۱۶۶۰۹۷-photo#۱۲۷۳۱-۲۰۰۵-visit-in
Saudi Royals who have visited Pakistan till date. Thenews .(۲۰۱۹) Shah, S-
:from ,۲۰۲۲ ,۰۱ Retrieved Aug o
saudi-royals-who-have-visited--۴۳۲۰۶۹/https://www.thenews.com.pk/print o
pakistan-till-date
Christian .۲۰۱۲ .Senegalese politicians court leaders of age-old Muslim sect ,(۲۰۱۲) Thurston, A-
science monitor
:from ,۲۰۲۲ ,۰۱ Retrieved Aug o
Senegalese-/۰۱۲۵/۲۰۱۲/https://www.csmonitor.com/World/Africa/Africa-Monitor o
politicians-court-leaders-of-age-old-Muslim-sect
- The Express Tribune .۲۰۱۴ .Thick blood: Shah Mehmood Qureshi rubbishes brother's challenge-
:from ,۲۰۲۲ ,۰۱ Retrieved Aug o
thick-blood-shah-mehmood-qureshi-/۷۹۹۹۰۲/https://tribune.com.pk/story o
rubbishes-brothers-challenge
Aajnews .۲۰۲۱ .Al-Qadir varsity to be made hub of Islamic research: PM Imran .(۲۰۲۱) Wakeel, N-
:from ,۲۰۲۲ ,۰۱ Retrieved Aug o
۳۰۲۵۴۷۸۹/https://www.aaj.tv/news o



کاربست نظریه کنش‌های گفتار

مقاله پژوهشی

درگفتمان خدانشناسی امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۵

علی اکبر نورسیده^۱، علی باقری^۲

چکیده

نظریه کنش گفتاری یکی از مؤلفه‌های کاربردشناسی زبان با شعار کنش‌گرایی پاره‌گفتارهای زبانی پا به عرصه زبان‌شناسی کاربردی گذاشت. به نظر آستین سخن گفتن به یک زبان خاص، کنش قاعده‌مند در یک بافت مشخص را به همراه دارد، به طوری که در پی ارتباط کلامی، تغییراتی در رفتار و افکار کاربران زبان متجلی می‌شود. از این جهت کاربردشناسی این نظریه در حوزه پدیده‌های گفتمانی ناشی از ارتباط زبانی، موجب فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر متون به‌ویژه متون دینی می‌شود. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد کاربردشناسی زبان بر اساس الگوی جان سرل در کنش گفتار، گفتمان خدانشناسی امام رضا (علیه السلام) را بررسی کرده است. از این‌رو، ابتدا تعاریفی از نظریه کنش گفتار با آرای آستین و سرل ذکر کرده سپس به تحلیل پاره‌گفتارهای امام (علیه السلام) در باب خدانشناسی پرداخته است. دستاوردهای این پژوهش بیانگر این است که امام رضا (علیه السلام) در گفتمان خود در باب خدانشناسی به انتخاب ساختار گفتار و پاره‌گفتارها و گزینش گزاره‌ها و کاربردها و کاربست واژگان و عبارت‌ها به شرایط شنونده توجه داشته است که این امر نقش بارزی در جهت‌دهی کنش‌های گفتار ایفا می‌کند. از طرفی کنش گفتار اظهاری بیشترین بسامد را بین دیگر کنش‌های گفتار مثل ترغیبی و عاطفی دارد که این امر نشانگر این است که حضرت رضا (علیه السلام) شنوندگان خود را ناآگاه یافته و در صدد آگاهی بخشی آن‌ها در قالب تفسیر و تشریح برآمده است. هر چند فعل مضمون در سخن کنش‌های اظهاری نوعی ترغیب مخاطب را نیز به همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، خدانشناسی، کاربردشناسی زبان، نظریه کنش گفتار، جان سرل.

noresideh@semnan.ac.ir

bagheri@semnan.ac.ir

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول):

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران:

۱- مقدمه

کاربردشناسی یکی از نظریه‌های مهم و مطرح در زمینه تحلیل گفتمان به‌شمار می‌آید. این نظریه که ضد گرایش‌های ساختارگرایی ظهور کرد، با علومی نظیر صرف و نحو، بلاغت، جامعه‌شناسی و ... سروکار دارد. کاربردشناسی زبان، معنا را در بافت بررسی و تحلیل می‌کند، به‌طوری که بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره گفته‌هایشان سروکار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند، به همین خاطر ماهیت زبان بر اساس کاربردشناسی در تعامل‌های زبانی مفهوم و معنا پیدا می‌کند. از جمله موضوعات کاربردشناسی که تعامل زبانی در آن نمود واضح‌تری دارد، نظریه کنش‌های گفتار است. این نظریه زبان و کاربرد آن را فقط سخن نمی‌داند بلکه نظریه پردازان در این حوزه معتقدند: هر سخنی با تغییراتی که در جهان خارج ایجاد می‌کند، کنش و اجرایی را در پی دارد، به همین خاطر نظریه کنش گفتار، متن را فرای واژگان، لغت، نحو... بررسی می‌کند؛ از این‌رو، این نظریه می‌تواند افق تازه و جدیدی را برای تحلیل متون دینی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر در نظر نگرفتن بافت گفتمانی و اجتماعی بوده‌اند، ایجاد کند.

گفتمان دینی در خلال فرمایش‌های امامان معصوم علیهم‌السلام همیشه منبعی غنی از نظر زبانی و بلاغی در جهان اسلام به‌شمار می‌آید به‌طوری که بلاغت‌پژوهان قدیم و جدید از کنار آن به راحتی نگذشته و دیدگاه‌های خود را بر روی آن‌ها پیاده کرده‌اند. از جمله بلاغت‌پژوهان قدیم می‌توان به عبدالقاهر جرجانی و نظریه نظم او اشاره کرد که برای اثبات نظم آیات قرآن از علم نحو و بلاغت بهره جست و از معاصران می‌توان به عبدالله صولۀ در کتاب «الحجاج فی القرآن من خلال أهمّ خصائصه الأسلوبیه» اشاره کرد. در این بین، گفتمان امام رضا علیه‌السلام گنجینه‌ای بزرگ از علوم و معارف الهی است که در آن، جلوه‌هایی از فضیلت و عظمت آن حضرت، تجلی پیدا کرده است؛ گرچه برای هرکس رسیدن به قله اندیشه‌های کم نظیر امام علیه‌السلام فراهم نیست ولی بایسته است که هر کس در حد فهم و توانایی خود، آن‌ها را بررسی نماید تا از اندیشه‌های ایشان بهره‌مند شود.

حضرت رضا (علیه السلام) در فرمایش‌های خود به موضوعات زیادی پرداخته که برخی از آن‌ها عبارتند از: خداشناسی، صفات خدا، نبوت، قیامت، طبیعت، شریعت، سنت، قرآن، انسان، فقرا، ثروتمندان، جهاد، اخلاق، عقل، علم، دنیا و ... که در جای خود سخن به میان آورده است. در این بین خداشناسی یکی از مهم‌ترین ابواب گفتمان امام رضا (علیه السلام) به‌شمار می‌آید. مسئله خداشناسی در ادیان الهی به‌ویژه در دین اسلام، از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. به‌طوری‌که در آموزه‌های دینی و متون مقدس دین اسلام شرط پذیرش عبادات در گرو استحکام عقیده به این اصل مهم اعتقادی است. امام رضا (علیه السلام) در این باب به استدلال بر وجود خداوند، توحید و وحدانیت او، صفات و افعال خداوند و ... می‌پردازد که آن زمان مورد توجه بسیاری از دانشمندان، فلاسفه و حکما بوده است.

این مقاله می‌کوشد گفتمان خداشناسی امام رضا (علیه السلام) را از منظر تازه‌ای بررسی کند. کنش‌های گفتاری که در ذیل کاربردشناسی زبان قرار می‌گیرد یکی از نظریه‌های جدید در حوزه زبان‌شناسی نوین محسوب می‌شود. این نظریه توان اجرایی و تأثیری پاره‌گفتارها را در یک بافت مشخص در جهت برقراری یک ارتباط موفق در نظر می‌گیرد. در این میان این سوالات به ذهن می‌رسد که:

۱. امام رضا (علیه السلام) برای تأثیرگذاری کنش‌های گفتمان خود چه رویکردی را اتخاذ می‌کند؟

۲. میزان کاربست هر یک از کنش‌های موجود در گفتمان امام رضا (علیه السلام) چگونه ارزیابی می‌شود؟

این پژوهش برای رسیدن به پاسخی جامع و علمی از روش توصیفی تحلیلی استفاده می‌کند و سعی دارد تا بر اساس دسته‌بندی جان سرل در نظریه کنش‌های گفتار به تحلیل واکاوی فرمایش‌های امام (علیه السلام) بپردازد. لذا اهمیت و ضرورت این پژوهش یکی در مسئله خداشناسی است که سرآمد معرفت‌ها و بحث محوری و اساسی در مسائل ایمانی اسلامی است؛ به‌طوری‌که همه دانشمندان اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و دیگر آنکه نظریه کنش‌گفتاری، گفتمان امام رضا (علیه السلام) را از صرف اخباری‌گری خارج و به آن، سمت و سوی کنش‌گرایی و تأثیرگذاری می‌بخشد. بدین ترتیب در ابتدا به مبانی نظری یعنی نظریه کنش‌گفتاری و شاخص‌های آن پرداخته، سپس با تکیه بر الگوی سرل در همین

نظریه به تحلیل پاره گفتارهای امام رضا (علیه السلام) در باب خداشناسی می‌پردازد. شایان ذکر است، استخراج فرمایش‌های امام (علیه السلام) بر مبنای کتاب عیون اخبار الرضا انجام گرفته است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

در سیره امام رضا (علیه السلام)، اقوال و روایت‌های ایشان پژوهش‌های زیادی به انجام رسیده است که اولاً بیشتر آن‌ها سنخیتی به این موضوع و روش پژوهش حاضر ندارد، ثانیاً ذکر حتی برخی از آن‌ها از حوصله این پژوهش خارج است. این پژوهش از دو بخش کاربردشناسی کنش گفتاری و گفتمان خداشناسی امام رضا (علیه السلام) تشکیل می‌شود. در زمینه بخش اول، کنش گفتار در گفتمان خداشناسی امام رضا (علیه السلام) هیچ موضوعی در این باب یافت نشد؛ اما در بخش دوم پژوهش‌هایی به شکل توصیفی انجام شده است. با این حال در ادامه برخی از نزدیک‌ترین و مرتبط‌ترین پژوهش‌های انجام شده، در کنار نمونه‌هایی از تحلیل کنش گفتار در حوزه متون دینی ذکر می‌شود:

- قانع (۱۳۹۳) در مقاله «خداشناسی در روایات امام رضا (علیه السلام)» با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، به چند روایت از امام رضا (علیه السلام) و نیز معصومان (علیهم السلام) دیگر استناد می‌کند که در آن، عالم آل محمد (علیه السلام) کج‌فهمی برخی فرقه‌های اسلامی از توحید را اصلاح کرده‌اند. از دستاوردهای آن، ارتباط معاد و نبوت با خداشناسی است و نیز اینکه برای شناخت خداوند، آگاهی و درک صفات او ضروری است. در حقیقت این تحقیق به صورت توصیفی به انجام رسیده و از نکات زبان‌شناسی گفتمان امام رضا (علیه السلام) غافل بوده است.

- دسترنج و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «کار بست نظریه کنش گفتاری جان سرل در خوانش خطبه غراء» بر اساس نظریه کنش گفتاری جان سرل، به واکاوی خطبه غراء می‌پردازد تا ساختار این خطبه را با شاکله‌های زبانی و کنش‌های انجام شده بررسی کند. پژوهش مزبور روشن ساخت که از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه، کنش گفتاری اظهار، ترغیبی و عاطفی در خطبه غراء نمود دارد. البته باید گفت بافت خطبه نشان

می‌دهد فعل مضمون در سخن در سایه استعاره‌های و سخن موزون به کار گرفته شده، کنش‌های ترغیبی و عاطفی را سبب شده است.

- نورسیده و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «القصديّة في رسائل الإمام عليّ (عليه السلام) إلى معاوية في ضوء الأفعال الكلاميّة» به بررسی نامه‌های امام علی (علیه السلام) به معاویه می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که کنش‌های گفتاری امام (علیه السلام) بیشتر به منظور جهت‌دهی و تغییر رویکرد عقیدتی و شخصیتی معاویه است.

- ایشانی و نعمتی قزوینی (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل خطبه حضرت زینب (علیها السلام) در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتار سرل» با تکیه بر نظریه کنش گفتار سرل، خطبه حضرت زینب (علیها السلام) را در کوفه بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی به ترتیب بیشترین کاربرد را در این خطبه داشته و در مقابل کنش‌های اعلامی و تعهدی به هیچ وجه به کار نرفته است. تطابق بافت موقعیتی خطبه با انواع کنش‌های به کار رفته در متن و بسامد آن‌ها، نشانه قدرت بالای مخاطب‌شناسی و درک عمیق آن حضرت از بافت موقعیتی است.

- توکلی سعد آباد (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل کنش گفتاری چهارده سوره مدنی قرآن کریم بر پایه نظریه سرل» بر اساس الگوی سرل در نظریه کنش گفتار ۱۴ سوره از سوره‌های مدنی قرآن کریم را مورد واکاوی قرار می‌دهد و در پایان به این نتیجه می‌رسد که بسامد کنش اظهاری بر دیگر کنش‌ها فزونی دارد؛ هرچند فعل مضمون در سخن بیشتر کنش‌های ترغیبی است.

این مقاله با رویکرد زبان‌شناسی نوین می‌کوشد کنش‌های گفتاری امام رضا (علیه السلام) در امر خداشناسی را استخراج و کنش‌های ضمنی آن را نشان دهد. بدین ترتیب تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های مذکور بدین شرح است: اول اینکه نگاه زبان‌شناسی نوین را در گفتمان امام رضا (علیه السلام) مد نظر دارد که این رویکرد در فرمایش امام کمتر بدان توجه شده و در امر خداشناسی این رویکرد مغفول مانده است. دوم اینکه روش این پژوهش از صرف توصیفی بودن و نگاه همه‌جانبه آن به بیرون از متن خارج شده و بافت متنی گفتمان

امام علیه السلام توجه بیشتری دارد و در آخر کنش و تغییراتی را که امام علیه السلام در امر خداشناسی به مخاطب اعمال می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهد. قابل ذکر است فرمایش‌های حضرت رضا علیه السلام با رویکرد ادبی نیز به تفصیل قابل بررسی است که متأسفانه در حدود این پژوهش نمی‌گنجد و می‌طلبید در مجال دیگری به این بخش نیز پرداخته شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱. نظریه کنش‌های گفتار

کاربردشناسی زبان، معنا را از دیدگاه کاربران زبان با تکیه بر مفاهیم از قبیل معنی استلزامی، بافت، ارتباط و عملی که در پس آن‌ها اتفاق می‌افتد، مطالعه می‌کند. یکی از مباحث مهم آن، نظریه کنش گفتاری است. در این نظریه، مفهوم کنش گرایشی در مقابل صدق گرایشی قرار می‌گیرد. در صدق گرایشی معنا دارای پاره گفتارها و جملات، صرفاً به دو گروه صادق و کاذب تقسیم می‌شود (صانعی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۶)؛ اما کنش گرایشی به معنای اجرای فعل یا عملی در جهان واقع است. فان دایک معتقد است «کنش به معنای اجرا و عمل است و کنش گرایشی به معنای تولید لفظ در یک بافت مشخص که عمل یا اجرایی را در پی داشته باشد و باعث تغییر و تحول در جهان واقع شود (فان دایک، ۱۹۹۹: ۲۲۸). بر این اساس، کاربرد زبان توسط انسان، ناگزیر عمل و اجرایی را به دنبال دارد که با تأثیر گذاشتن بر مخاطب خود، تغییر یا تحولی در رفتار یا عقاید او ایجاد می‌شود.

در حقیقت آستین با رد نظریه قدیمی در باب صدق گرایشی پدیده‌های زبانی مدعی شد که زبان فعالیت و عمل قابل اجراست. بر اساس این دیدگاه، سنگ بنای این نظریه این است که تشکیل یک گفتمان به گذر آن از مرحله گفته به اجرا منوط می‌شود؛ بنابراین گفتمان‌ها دو مرحله هستند: مرحله اول گفته و دوم اجرا. اختلاف گفتمان‌ها در هدف اجرایی و کنشی آن‌هاست، به همین جهت آستین ساختار کنش گفتار و زیر بنای یک گفته را متشکل از سه قسمت می‌داند:

کنش بیانی: متشکل از واحدهای زبانی صوت، کلمه، تراکیب و جملات هستند که به وسیله گوینده با نظم نحوی سالم و دلالت مشخص ارائه می‌شود. این کنش به مجرد تلفظ گفته تشکیل می‌شود. کنش منظوری: همان کاری که در پس کنش بیانی به صورت معنای اضافی انجام می‌شود. این کنش با نیت و هدف گوینده به صورت ضمنی بیان می‌شود، به طوری که به آن کنش غیر بیانی گفته می‌شود. کنش تأثیری: نتیجه‌ای که بر اثر گفتار تولید شده بر مخاطب پدید می‌آید (الشهری: ۲۰۰۵: ۱۵۵-۱۵۶؛ اجعیط، ۲۰۱۲: ۶۷).

این نظریه را آستین مطرح و سرل با اصلاحات و اضافاتی ثبت و ضبط کرد. در واقع کنش گفتار نزد سرل متشکل از همان کنش‌های سه‌گانه مذکور نزد آستین است؛ اما او به این گروه سه کنشی، کنش دیگری با عنوان کنش قضیه‌ای (قضوی) اضافه می‌کند. نسبت این کنش، به اصطلاح قضیه در فلسفه و منطق برمی‌گردد، به اعتبار اینکه در یک قضیه احتمال صدق و کذب می‌رود. از این رو «قضیه» و در کنار آن فعل قضیه‌ای با ارجاع و احاله اقتران می‌یابد به طوری که به مجرد تلفظ آن، به موضوعی یا نشانه خارجی ارجاع داده می‌شود (متوکل، ۱۹۸۶: ۱۰۹). برخی آن را این گونه تعریف کرده‌اند: «فعل قضیه‌ای زیر مجموعه فعل کنش بیانی است (کنش صوتی، نحوی، معنایی و قضیه‌ای) که توسط سرل به دو نوع محمولی و موضوعی تقسیم می‌شود» (الادواری، ۲۰۱۱: ۹۲). علاوه بر این، سرل شروطی را برای تعیین کنش منظوری اضافه می‌کند که تفاوت الگوی وی در کنش‌های گفتار را با الگوی آستین مشخص می‌کند.

از جمله مهم‌ترین شرط‌ها، شرط قصدمندی است. این شرط از اجزا کنش پس بیانی (منظوری) به شمار می‌آید، به طوری که اجرای صحیح کنش منظوری به آن بستگی دارد؛ یعنی ارتباط کلامی بین فرستنده با ارسال متن و گیرنده با دریافت و فهم آن، بر اساس این شرط صورت می‌پذیرد. در حقیقت جان سرل معتقد است: توفیق و اجرای کنش پس بیانی و تأثیرگذاری آن بستگی به فهم قصد مشخص فرستنده دارد (سرل، ۱۳۸۷: ۱۰۲). دیگر تفاوت نظریه جان سرل با نظریه آستین در شرط قراردادی است که با شناخت‌های مشترک و شایع بین فرستنده و گیرنده ارتباط دارد و روابط بین آن‌ها را تنظیم

می‌کند تا کنش منظوری یا پس بیانی و تأثیر آن با توفیق اجرا شود به اعتبار این که از نظر سرل هر عمل و اجرایی مبتنی بر مشترکاتی بین فرستنده و گیرنده است که از منظور فرستنده پرده برمی‌دارد (برینگر، ۲۰۰۵: ۱۱۱). این دو شرط تفاوت الگوی سرل و آستین را مشخص می‌کند؛ اما در آخر باید نظریه کنش‌های گفتار نزد آن دو، گفتمان را متوجه اجرا و تأثیر می‌کند و با یکدیگر اختلاف ریشه‌ای ندارند.

برای تبیین کنش‌های چهارگانه مذکور نزد آستین و سرل ذکر یک مثال لازم می‌آید. امام رضا (علیه السلام) در باب خداشناسی می‌فرماید: «أَخْبِرْنَا عَنِ اللَّهِ تَعَالَى أَيْنَ كَانَ؟ كَيْفَ كَانَ؟ وَعَلَىٰ أَيْ شَيْءٍ كَانَ اعْتِمَادُهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَيْفَ الْكَيْفَ فَهُوَ بَلَا كَيْفَ، وَأَيْنَ الْأَيْنَ فَهُوَ بَلَا أَيْنَ، وَكَانَ اعْتِمَادُهُ عَلَى قُدْرَتِهِ، فَقَالُوا: نَشْهَدُ أَنَّكَ عَالِمٌ؛ مَا رَأَىٰ خَدَاوَنَدٌ مَطْلَعِ كُنْ كَمَا وَجْهٌ مِثْلُهُ؟ وَبِهِ جَوَابٌ تَكِيهٌ زَدَهُ حَضْرَتٌ فَرَمُودَنَدُ: خَدَاوَنَدٌ، خُودُش بِي جَوْنُكِي مَعْنَى دَاد، پَس خُودُش بِدُونِ جَوْنُكِي اسْتِ وَخُودُش بِه مَكَانِيَّتْ، مَكَانِ دَادَه اسْتِ، پَس خُودُش بِدُونِ مَكَانِ اسْتِ وَبِهِ قُدْرَتِ خُودُش تَكِيهٌ زَدَه اسْتِ. آن‌ها گفتند: شهادت می‌دهیم که شما دانا هستید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۸). شرح این مثال در جدول ذیل می‌آید:

جدول ۱: توضیح ساختار کنش گفتار

کنش بیانی	قصد	کنش قضیه‌ای	کنش پس بیانی	کنش تأثیری
فنشاهد أَنَّكَ عَالِمٌ	اعتراف پرسشگران در پی اثبات علم خداوند توسط امام رضا (علیه السلام)	ضمیر «نحن» در فعل مضارع «نشهد» به پرسش‌گران و نیز ضمیر «ك» در «أَنَّكَ» به امام رضا (علیه السلام) در بیرون متن بر می‌گردد.	وصف و تقریر موضع پرسشگران در قبال امام رضا (علیه السلام) و اعتراف به قدرت در باب برهان آوری و علم او به ذات احدیت خداوند	تعامل با آن‌ها به شکل مثبت و ایجابی و قبول آن‌ها در گرویدن به اسلام

از محتوای این جدول برمی‌آید که کنش بیانی همان پاره گفتاری است که با رعایت قواعد نحوی دستوری بیان شده است. این پاره گفتار توسط گوینده مشخص (پرسشگران) ارسال شده و توسط شنونده مشخص (امام رضا (علیه السلام)) دریافت می‌شود که همراه قصد

و هدفی است، زیرا خالی بودن آن از قصد و هدف مشخص، به معنای آن است که این کنش بیانی یا پاره گفتار بی معنی و پوچ است. قصد گوینده در کاربرد زبان نشان دهنده وجود کنش قصدی -گفتمان قصد محور- و انتخاب استراتژی مناسب جهت ارسال آن می‌باشد (پالمر، ۱۹۹۷: ۲۴). بنابراین تحلیل هر گفتمانی مبتنی بر کنش‌های قصدی گوینده بوده و معانی عناصر زبانی بر پایه قصد او پایه‌ریزی می‌شود. کنش قضیه‌ای دارای نشانه‌هایی است که آن‌ها را به بافت بیرونی متن ارجاع می‌دهد. برای مثل ضمائر موجود در این کنش ارجاعات برون متنی دارند که هریک تبیین و مشخص گردید. البته گاهی ممکن است از ارجاعات برون متنی زمانی و یا مکانی باشند. در کنش پس بیانی (منظوری) ممکن است منظور و هدفی که در آن نهفته است با هدف و غرض کنش بیانی یکسان باشند و ممکن است منظور با قصد و هدف کنش بیانی متفاوت باشد. سرل اعتقاد دارد هرگاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه مستقیم وجود داشت کنش گفتار مستقیم و هر گاه بین آن دو رابطه مستقیم وجود نداشت کنش گفتاری غیر مستقیم نام می‌گیرد (یول، ۱۳۸۵: ۷۶). در مثال یاد شده به نظر قصد کنش بیانی (ساختار) با قصد کنش پس بیانی (کارکرد) رابطه مستقیم دارند، به بیان ساده‌تر، توان کنش بیانی پرسش‌گران، وصف و تقریر از موضع خود در قبال حضرت است که این نیز از توان پس بیانی برداشت می‌شود. و اما در مورد کنش تأثیری باید گفت: به نظر می‌رسد در ابتدا گویندگان در مقابل امام رضا (علیه السلام) موضعی متعارض گرفته بودند سپس بعد از شنیدن استدلالات ایشان از موضع خود برگشته و به برهان‌آوری حضرت اعتراف کردند. این تغییر موضوع موجب تحقق تعامل مثبت بین پرسشگران و امام رضا (علیه السلام) شده است که در نتیجه ارتباط کلامی آن‌ها با اقناع این گروه، با موفقیت خاتمه یافت؛ بنابراین پاره گفتار تولیدی در این بخش دارای کارکرد بوده و بر گیرنده پیام، تأثیر گذاشته است.

۲-۲. عناصر مؤثر در نظریه کنش گفتار

پایه‌های اساسی که کنش گفتار به عنوان یک نظریه ارتباطی، به آن‌ها توجه می‌کند تا یک گفتمان موفق تولید شود، قصد گوینده و شرایط حاکم بر آن گفتمان است. در

حقیقت گوینده گفتماتی را آغاز نمی‌کند مگر در آن قصدی نهفته باشد. از طرفی دیگر آن قصد از جانب شنونده دریافت نمی‌شود مگر اینکه بافت و شرایط بیرونی گفتمان مورد توجه باشد.

الف. قصدمندی

همان‌طور که در قسمت پیشین اشاره شد یکی از شروط اصلی سرل در باب توان کنش‌گفتار، شرط قصد گوینده است. قصد در لغت از ریشه قَصَدَ به معنای نیت، هدف و غرض است و نیز به معنای استقامة الطريق (هموار کردن راه) یا أصابة المعنى فى اللفظ (تحمیل معنی در لفظ) آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۵۵). و در اصطلاح: سوق گرفتن ذهن به سمت سوی یک موضوع و فکر کردن درباره آن است (وهبه و المهندس، ۲۰۱۰: ۲۸۸). قصدمندی در فلسفه عقل توسط هوسرل مطرح شد و آن را اساس نظریه پدیدارشناسی خود گذاشت. او معتقد بود قصدمندی یک فرایند پویا و محرک است که هدف آن همیشه اتصال ذات به موضوع است (سلامه، ۲۰۰۲: ۱۱۴). در واقع، هوسرل برای رفع اختلاف‌ها بر سر دوگانگی ذات و موضوع، قاعده قصدمندی را مطرح می‌کند. این قاعده به کمک سرل در نظریه کنش‌گفتار مطرح شد. سرل قصدمندی را شرط اساسی به منظور ایجاد ارتباط کلامی می‌داند؛ چراکه او معتقد است؛ تعیین توان کنش‌گفتار در یک ارتباط کلامی بدون قصد فرستنده متن امکان‌پذیر نیست (الصبیحی، ۲۰۰۸: ۱۵۲).

بر این اساس می‌توان گفت معیار قصدمندی بین متن یا یک جمله و هدف گوینده تناسب ایجاد می‌کند تا کنش‌گفتار با غرض گوینده یکسان شود. در واقع، قصد بین کاربردشناسی زبان و معناشناسی تمایز ایجاد می‌کند. نیز کمک می‌کند تا دریافت‌کننده راحت‌تر به غرض گوینده دست یابد.

ب. بافت

از آنجا که تعبیر و تفسیر بیان، تنها بر اساس ویژگی‌های واژه‌ها و مستقل از بافت

و بازیابی مفاهیم ضمنی و توانش غیر بیانی بدون توجه به بافت در بسیاری از موارد امکان‌پذیر نیست، لذا بافت در ارتباط کلامی یا در کاربرد زبان در ارتباط از اهمیت بالایی برخوردار است به طوری که بافت منبع سرخ‌هایی است که به شنونده کمک می‌کنند تا به قصد گوینده پی ببرند. «تبیین و توجیه کارگفت‌ها باید با توجه به بافت یا بستر گفته صورت گیرد» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۳۸). بافت بر دو نوع است؛ بافت درونی که متشکل از عناصر زبانی و پدیدآور ساختار شکلی متن است و بافت بیرونی شرایط بیرون متنی که باعث ایجاد یک متن می‌شود اعم از مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... کوک معتقد است که در بررسی‌های زبانی دو نگرش وجود دارد. این دو نگرش عبارتند از: نگرش بافتی و نگرش صورت‌گرا. نگرش صورت‌گرا به حقایق درون زبانی اشاره دارد و نگرش بافتی حقایق بیرون زبانی، منظور از حقایق درون زبانی مشخصه‌های صوری است که از آثار ثبت شده بر روی صفحه کاغذ یا آواهای شنیده شده توسط اندام‌های شنوایی در ذهن شکل می‌گیرد. حقایق بیرون زبانی به مشخصه‌هایی اشاره دارد که در خارج از ساختار فیزیکی زبان یعنی در جهان یا ذهن مشارکین در یک فعالیت زبانی وجود دارد (کوک، ۱۳۸۸: ۶-۷).

۳-۲. کنش‌های گفتاری و گفتمان خداشناسانه امام رضا (علیه السلام)

گفتمان خداشناسی از مهم‌ترین گفتمان‌ها در جامعه اسلامی است؛ چرا که دیدگاه کلی و اصلی دین اسلام با محور خداشناسی تبیین می‌شود. خداشناسی یا علم الهیات (theology) به مطالعه و شناخت خداوند می‌پردازد. در هر دوره‌ای از تاریخ مفاد و مسائل خداشناسی با دوره‌ای دیگر متفاوت بوده است. به طور مثال پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خدا و موجودیت آن یک مسئله بدیهی بود. اگرچه می‌توان اساس این خداشناسی را قرآن دانست اما پرسش‌هایی درباره افعال و اسما و صفات خداوند، مطرح نبود. در ابتدا مسلمانان خدا را مانند انسان تصور می‌کردند و به آیاتی که برای خداوند اعضای بدن عنوان می‌شد، استناد می‌جستند (بحر العلوم، ۱۳۹۶: ۷۹). در روزگار امام رضا (علیه السلام) نیز این موضوع اهمیت زیادی داشت. روزگاری که بحث‌های فلسفی در باب خداشناسی رنگ و

بوی علمی به خود گرفت و از طرف دیگر بحث و مناظره در محافل سیاسی زمینه‌ای شد تا امام علیه السلام فرمایش‌های خویش را در این باب به منصفه ظهور برساند.

در اینجا پاره‌گفتارهای امام رضا علیه السلام با محوریت خداشناسی و کنش‌های به کار گرفته شده، در سایه کنش‌های گفتاری بررسی و تحلیل می‌شود. بدین صورت که تقسیم‌بندی‌های سرل به عنوان سرلوحه کار قرار می‌گیرد.

سرل هسته اصلی نظریه کنش گفتار را کنش منظوری و توان موجود در آن می‌داند؛ زیرا این کنش «عنصری مهم در جهت تبیین دلالت‌های الفاظ و عبارات به شمار می‌آید. در واقع، با کشف توان کنش منظوری یک جمله، ساختار دلالتی یک عبارت به دست می‌آید» (بوجادی، ۲۰۱۲: ۷۹). از این رو، کنش‌های گفتار از نظر سرل به پنج گروه تقسیم می‌شود که به «پنج گانه سرل» معروف شده است.

۲-۳-۱. کنش گفتاری اظهاری

در این کنش گوینده با اظهار کردن، نفی کردن، توصیف کردن، تأیید یا ردن کردن و... به توصیف جهان خارج از دیدگاه خود می‌پردازد و جهان خارج را بر اساس باور خود به تصویر می‌کشد. در حقیقت این کنش گفتاری نشان دهنده باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری‌اند که گوینده از طریق آن‌ها دنیا را آن چنان که هست یا آن چنان که باور دارد، نشان می‌دهد (یول، ۱۳۸۵: ۷۴). شرط صدق در کنش گفتاری اظهاری از شرایطی است که گوینده بدان ملتزم است یعنی آوردن جهان خارج در کلمات آن گونه که هست یا آن گونه که باور دارد.

در فرمایش‌های حضرت این کنش این گونه متجلی می‌شود، «يَقُولُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ درباره خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: او تیزبین، آگاه، شنوا، بینا، یکتا و

بی‌همتاست که نه فرزند دارد نه خود فرزند کسی است و نه هیچ شبیهی دارد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۱۷). در این پاره گفتار حضرت به مدح و ستایش خداوند متعال می‌پردازد. کنش گفتاری اظهاری این پاره گفتار بیان عقیده امام رضا (علیه السلام) درباره خداوند است که در قالب توصیف و تشریح اوصاف خداوند و به صورت گوناگون و متوالی ذکر شده است. تنوع در ذکر صفات خداوند از قبیل (لطیف، خبیر، صمد) در توصیفی بودن کنش به کار گرفته شده دامن می‌زند، به دیگر سخن، از آن جایی که اوصاف ذکر شده مخصوص خداوند هستند نه غیر از او، چگونگی و حتی چرایی حمد خداوند از سوی حضرت را بیان می‌دارند. از طرفی دیگر، متوالی آمدن صفات خداوند نوعی تأکید به همراه دارد. سامرایی اعتقاد دارد: «توالی صفات برای موصوف واحد، تأکید، تقریر و معنا افزایی را به دنبال دارد» (السامرائی، ۱۴۲۳ ق، ج ۳: ۱۷۴). در حقیقت، امام رضا (علیه السلام) کنش گفتاری اظهاری را در کلام خود با تأکید همراه می‌کند، بدین صورت حضرت عقیده و ادعای خویش را در موضوع خدانشناسی و وحدانیت اظهار، سپس آن‌ها را اثبات می‌کند. البته باید گفت: تحمید و ستایش خداوند در ذیل کنش عاطفی هم قابل بحث است که با ذکر نمونه‌هایی در بخش کنش عاطفی این امر بیشتر تبیین خواهد شد.

با توجه به این که محور پاره گفتار مذکور مدح و ستایش خداوند است و در حقیقت کنش گفتاری اظهاری آن مقید به (حمد الله) است، حضرت در پی آن است تا نشان دهد که آن صفات مختص خداوند هستند به همین خاطر بعد ذکر چندین صفت، از واژه «الذی» استفاده می‌کند که نقش صفت در پاره گفتار مزبور را دارد. این امر بعد از اظهار عقیده و بیان ادعا، نوعی کنش تبیین و تفسیر را به دنبال دارد. در واقع، حضرت با ذکر کنش گفتاری «الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً أحد» قصد دارد وحدانیت خداوند را اثبات کند که در پی آن یگانه بودن خداوند در صفات مذکور اثبات می‌شود. به بیان ساده‌تر، حضرت بعد ذکر اوصاف (لطیف، خبیر، صمد) این فرض را برای شنونده در نظر می‌گیرد که صفات مذکور می‌تواند برای غیر خدا نیز باشد؛ یعنی غیر خداوند نیز می‌تواند (سمیع، خبیر) باشد، لذا با ذکر کنش گفتاری اظهاری دیگر بعد از «الذی» به عنوان تبیین و نتیجه، این فرض محتمل را رد کرده و عقیده خود را به اثبات می‌رساند؛ زیرا

کنش گفتاری اظهاری در پاره گفتار بعد از «الذی» توان کنش‌های گفتاری پیشین را تقویت می‌کند و به عبارتی تأکید، تبیین و تفسیری برای آن‌ها به شمار می‌آید، چراکه از یک سو تعلیل و سببی برای اوصاف پیشین محسوب می‌شود، از سوی دیگر، کنش گفتاری بعد از «الذی» برگرفته از قرآن و سوره اخلاص است که حضرت با ذکر آن در پاره-گفتار، قصد دارد ظن و گمان را از ذهن شنونده بزداید، زیرا از آن جایی که قرآن بهترین و مناسب‌ترین شاهد برای اثبات صدق ادعاست. بیرلمان اعتقاد دارد: ویژگی اساسی استشهاد این است که آن حجت و دلیلی برای تقویت ادعاء و ملموس کردن تصویر ایجاد شده است (عیسی، ۲۰۰۶: ۱۶). لذا کاربرست آیات یا اشارات قرآنی به عنوان اسشتهاد در گفتمان، به باور پذیری و اقناع می‌افزاید زیرا کلام قرآن برهانی قاطع و همه فهم است.

کنش اظهاری در دیگر فرمایش‌های امام رضا (علیه السلام) در باب خداشناسی نیز مشاهد می‌شود: «الإقرارُ بأنه لا إلهَ غَيْرُهُ وَلَا شِبْهَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ لَهُ وَأَنَّهُ قَدِيمٌ مُّثَبَّتٌ مُّوجُودٌ غَيْرُ فَقِيدٍ وَأَنَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ؛ اعتراف به اینکه هیچ خدایی به جز الله نیست، شبیه و همتایی ندارد، همیشه ثبوت داشته و به خودی خود موجود بوده و مفقود نخواهد شد و آنکه چیزی مانند او نیست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲۱). در این حدیث درباره چگونگی شناخت خداوند از حضرت پرسش می‌شود که ایشان در فرمایش خود این گونه فرمودند: ساده‌ترین و کم‌ترین شناخت از او، در یکتایی و بی‌همتا بودن خداوند و این که همیشه بوده و هست، خلاصه می‌شود. در این پاره گفتار حضرت با کاربرست کنش گفتاری اظهاری، یکتایی و بی‌همتایی خداوند متعال را توصیف می‌کند.

با تأمل در پاره گفتار مزبور می‌توان کنش گفتاری اظهاری حضرت را به صورت اسلوب خبری مشاهده کرد. هدف اصلی از انتخاب اسلوب خبری این است که حکم متضمن در کنش گفتار خبری، فایده‌رسانی به شنونده باشد که در اصطلاح بلاغت آن را فایده الخبر گویند (سیدباقر الحسینی، ۱۳۸۸: ۳۰). و نیز به احساسات و حالات درونی گوینده اشاره می‌کند. حضرت با ساختار جمله اسمیه بر وحدانیت خداوند و بیشریک بودن او نزد مخلوقات تأکید ورزیده و سعی کرده کنش‌های گفتاری اظهاری را در قالب توصیف به گونه‌ای بیاورد که توحید خداوند، محور اصلی و اساسی این پاره گفتار قرار بگیرد. درکنش

گفتاری اظهاری با توان توصیفی، گوینده امین موصوف معین را بدون هیچ نقصان یا زیادتی وصف می‌کند و کلمات را مطابق جهان خارج می‌آورد (نحله، ۲۰۰۲: ۴۹).

نکته دیگری که از این پاره گفتار برداشت می‌شود این است که قصر موجود در ابتدای آن بر تأکید و توان کنش گفتاری افزوده است به طوری که خواننده متن در مواجهه با قصر هم زمان با دوگانگی مثبت و منفی روبه‌رو شده است. در حقیقت کنش بیانی (لَا إِلَهَ غَيْرُهُ) داری دو وجه منفی و مثبت است. وجه منفی آن قبل از واژه «غیر» است که بر نفی وجود خدایان دیگر دلالت می‌کند و وجه مثبت آن بعد از واژه غیر در ضمیر «هاء» - الله - بر اثبات وحدانیت خداوند تأکید می‌کند. در واقع، کاربست اسلوب قصر تبدیل عبارت از ساده به مرکب است که بر ابهام آن افزوده می‌شود (داود، ۲۰۰۲: ۱۰۵). ابهام در کنش‌های بیانی منجر به پویایی متن و به تکاپو افتادن خواننده می‌شود. حضرت در پی این قصر (نفی + استثنا) اسلوب نفی را دو مرتبه در کنش‌های بیانی (وَلَا شِبْهَ لَهُ وَلَا تَظِيرَ لَهُ) به صورت توصیف و تبیین ذکر می‌کند. در واقع، حضرت با تکرار این اسلوب در این پاره گفتار بیزاری خود را از شریک گرفتن برای خداوند اظهار می‌دارد و همچنین در صدد دور نگه داشتن این صفات و اثبات عکس آن‌ها در صفت وحدانیت برای خداوند است؛ چرا که سیاق منفی به طور ضمنی بر اثبات نیز دلالت می‌کند (عتیق، ۲۰۱۰: ۱۱۵). در واقع با نفی، صفتی رد شده و صفتی دیگر اثبات می‌گردد.

امام رضا (علیه السلام) در این پاره گفتار در پی اثبات وحدانیت خداوند با تکیه بر سلب شریک و همتای اوست. این صفت در اولین جمله (لَا إِلَهَ غَيْرُهُ) این پاره گفتار که در قالب کنش گفتار اظهاری آمده، توصیف می‌شود. سپس برای تبیین و تأکید آن کنش‌های بیانی دیگری (وَلَا شِبْهَ لَهُ وَلَا تَظِيرَ لَهُ) از پس آن می‌آید. این کنش‌های گفتاری اظهاری اشاره به برهان عقلی جهت اثبات وحدانیت خداوند دارد و در انتها کنش بیانی (وَأَنَّهُ قَدِيمٌ مُّثَبَّتٌ مُّوجُودٌ غَيْرُ فَعِيدٍ) ذکر می‌شود تا ازلی و ابدی بودن ذات اقدس الهی را اثبات کند که باز هم بر وحدانیت او اشاره دارد. بنابراین قصد اظهاری از این کنش‌ها، اثبات وحدانیت خداوند است.

اشاره به این نکته ضروری است که امام رضا (علیه السلام) در قالب کنش اظهاری سعی در ترغیب مخاطب به سمت موضوع مد نظر را دارد، به همین خاطر کنش اظهاری را می‌توان در قالب کنش ترغیبی نیز بررسی کرد.

۲-۳-۲. کنش ترغیبی

هدف از این کنش تشویق و ترغیب مخاطب به انجام کاری در آینده است. گوینده با به کارگیری این نوع کنش، دیگری را به عنوان شنونده و مخاطب خود به انجام کاری وادار می‌دارد، لذا خواسته‌های گوینده در این کنش بیان می‌شود. این گونه کنش‌ها دستورها، درخواست‌ها و پیشنهادها در گفتمان را شامل می‌شوند (یول، ۱۳۸۵: ۷۵). در کنش‌های ترغیبی بهترین روش کار بست زبان به صورت غیرمستقیم است تا منظور و هدف به صورت ضمنی و تلمیحی صورت گیرد. در تقسیم‌بندی سرل از کنش منظوری به مستقیم و غیرمستقیم، کنش غیرمستقیم مناسب‌ترین کنش برای تحقق کنش‌های ترغیبی می‌شود، چراکه اثرپذیری این کنش بیشتر است. در حقیقت ممکن است در یک گفتمان کنش بیانی به صورت هشدار، تعجب، اخبار و ... به کار گرفته شود اما قصد و هدف گوینده کنش ترغیبی است.

امام رضا (علیه السلام) در گفتمان خداشناسانه خود این کنش را غالباً به صورت غیرمستقیم به کار می‌گیرد. ایشان در حدیثی در باب وحدانیت خداوند می‌فرماید: «مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَمَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ» هر کس خداوند را به مخلوقاتش تشبیه نماید مشرک است و هر کس به خداوند آن چه را او از آن نهی فرموده نسبت دهد، کافر است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۰۵) آنچه از این حدیث به صورت مستقیم و غیرمستقیم برداشت می‌شود، سلب صفات نقص از خداوند و اثبات آن‌ها برای بندگان است. در حقیقت، تشبیه چیزی بر چیز دیگر بیانگر نقصان مشبّه و عدم فهم صحیح آن است و مشبّه به می‌آید تا مشبه روشن و آشکار شود؛ بنابراین زمانی که گفته می‌شود خداوند (به عنوان مشبه) نباید به مخلوقات (مشبه به) تشبیه شود در واقع، نفی صفت نقصان از

خداوند صورت می‌گیرد و برای مخلوقات اثبات می‌گردد.

کنش بیانی این پاره گفتار از جمله‌های شرطی تشکیل شده است: (مَنْ) (أدات شرط) + شَبَّهَ اللَّهُ بِخَلْقِهِ (فعل شرط) + فَ (جزاء) + هُوَ مُشْرِكٌ (جواب شرط) / مَنْ (أدات شرط) + شَبَّهَ اللَّهُ بِخَلْقِهِ (فعل شرط) + فَ (جزاء) + هُوَ مُشْرِكٌ (جواب شرط). اسلوب شرط به عنوان یک اسلوب ترکیبی، هیئتی از معانی را به صورت یک جا به تصویر می‌کشد بر این اساس توان منظوری به کارگرفته شده در این اسلوب از کنش مستقیم گذر کرده و به کنش غیرمستقیم می‌رسد و معانی عمیق و ضمنی را از مخاطب طلب میکند چرا که اسلوب شرط از دو جزء تشکیل می‌شود؛ جزء اول به منزله سبب و جزء دوم به منزل مسبب، لذا تحقق جزء دوم منوط به تحقق جزء اول است به همین خاطر معانی شکل گرفته در اسلوب شرط سطحی نبوده بلکه بافت و شرایط ارتباطی آن‌ها را مشخص می‌کند (أسامة، ۲۰۱۸: ۹-۱۰). از این رو، زبان به کار گرفته شده در اسلوب شرط زبانی کاربردی و ارتباطی است؛ زیرا گوینده زبان را در یک بافت مشخص با هدف تحقق عمل معین، برای شنونده مستقیم (با ضمیر خطاب) یا غیرمستقیم (با ضمیر غایب) به کار می‌گیرد؛ بنابراین کاربست اسلوب شرط با فرض حضور گوینده و شنونده منجر به ترکیب‌پذیری در گفتمان می‌شود. «ترکیب‌پذیری قابلیت است که معنای یک پاره گفتار تنها بستگی به معنای اجزای آن و چگونگی ترکیب آن‌ها با یکدیگر دارد» (الوت، ۱۳۹۹: ۶۰). در پس ترکیب‌پذیری (compositionality) تولید معنا صورت می‌گیرد. این معنا، معنای پراگماتیک است؛ معنایی که در آن عناصر زبانی از حالت وضعی خارج و به معنای پراگماتیکی و کاربردی تبدیل می‌شوند (همان).

با توجه به معنای پراگماتیکی موجود در پاره گفتار باید گفت: کنش گفتاری در این پاره گفتار در قالب کنش غیرمستقیم آمده است. بدین صورت که حضرت در قالب کنش اخباری، تشبیه کردن مخلوقات به خداوند و نسبت دادن به او را سلب می‌کند، اما کاربست خبر در این اسلوب شرطی به معنای نهی است؛ زیرا نهی به لفظ خبر در مقایسه با نهی صریح قدرت تأثیرگذاری بیشتری دارد (الأوسی، ۱۹۸۸: ۴۸۳). بر این اساس کنش گفتاری که این پاره گفتار در ضمن خود دارد، تشویق و ترغیب مخاطب به ترک موضوع نهی شده

و دوری از آن است. امام رضا (علیه السلام) با این استراتژی به نوعی به شنونده یا شنوندگان خود هشدار می‌دهد، اما هشدار برای آگاهی بخشیدن نه صرف ترساندن آن‌ها. به دیگر سخن هدف حضرت از این کنش ترغیبی و توان منظوری آن آگاه کردن شنونده از موضوع مطرح شده هر چند در پس این هدف ترس و هشدار نیز نهفته است. بدین صورت که تشبیه خدا به مخلوقات و نسبت دادن نقصان به او شرک و کفر را در پی دارد که نتیجه شرک و کفر می‌تواند عذاب الهی باشد. لذا تنها متعلق این کنش گفتار، هشدار و ترس است؛ هشدار که در ضمن آن آگاهانیدن و متنبه کردن گنج‌نیده شده است. به عبارت دیگر انذار یا هشدار، اعلان خطر و هشدار دادن است؛ به این معنا که اگر آینده خطرناکی در پیش روی کسی قرار داشته باشد و شما به او خبر دهید و او را بترسانید، این نوع خاص از ترساندن، انذار است (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۴۱). در این کنش ترغیبی، حضرت به عنوان آگاه کننده قصد ندارد تا با اجبار، عقیده خود را به دیگری تحمیل کند؛ بلکه می‌خواهد با توجه به این جنبه انگیزشی که شرط مشرک و کافر نشدن، پذیرفتن وحدانیت خدا و یگانگی اوست، رفتاری توأم با میل و رغبت، در شنونده ایجاد کند. از این رو پاره گفتاری که به صورت خبری بیان شده است کنش غیرمستقیم ترغیبی در قالب نهی را به شنونده عرضه می‌کند. یول معتقد است از آن جایی که کنش غیرمستقیم معمولاً با ادب بیشتری همراه می‌شود لذا از تأثیرپذیری بالاتری برخوردار است (یول، ۱۳۸۵: ۷۷)؛ بنابراین حضرت برای رعایت ادب و تأثیرپذیری بیشتر کنش غیرمستقیم را انتخاب کرده است.

امام رضا (علیه السلام) در خطبه مشهور خود در باب توحید خداوند متعال می‌فرماید: «فَكُلُّ مَا فِي الْخَلْقِ لَا يُوجَدُ فِي خَالِقِهِ، وَكُلُّ مَا يُمْكِنُ فِيهِ يَمْتَنِعُ فِي صَانِعِهِ. وَلَا تَجْرِي عَلَيْهِ الْحَرَكَةُ وَالسُّكُونُ؛ وَكَيْفَ يَجْرِي عَلَيْهِ مَا هُوَ أَجْرَاهُ؟ أَوْ يَعُودُ فِيهِ مَا هُوَ ابْتَدَأَهُ؟» پس هر چه در خلق است در خالق وجود ندارد، و هر چه درباره خلق امکان دارد درباره صانع خلق محال است و حرکت و سکون بر او جاری نمی‌شود؛ و چگونه بر او جاری شود چیزی که خود آن را جریان داده؟ یا عاید او گردد چیزی که خود آن را آغازیده (آفریده) است؟» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۳۷).

در اینجا حضرت به اصلی که بارها در فرمایش‌های ایشان دیده می‌شود، اشاره می‌کند

و آن این است که خداوند به عنوان خالق تمام مخلوقات، عاری از صفاتی است که مخلوقات به آن‌ها وصف می‌شوند مانند: زمان، مکان، حرکت، سکون و...

در این پاره گفتار در ابتدا حضرت با جملات خبری (فَكُلُّ مَا فِي الْخَلْقِ لَا يُوجَدُ فِي خَالِقِهِ، وَكُلُّ مَا يُمْكِنُ فِيهِ يَمْتَنِعُ فِي صَانِعِهِ. وَلَا تَجْرِي عَلَيْهِ الْحَرَكَةُ وَالسَّكُونُ) صفات نقص را در قالب کنش اظهاری از خداوند سلب می‌کند. امام رضا (علیه السلام) قصد دارد با آگاهی بخشی به مخاطب و اصلاح اندیشه بی‌پایه و اساس و کج فهمی‌های دینی او، اصول کلی حاکم بین خالق و مخلوق را تأکید کند. آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور، ۳۵)، بهترین تعبیر برای بیان مقصود حضرت است؛ زیرا این آیه تفاوت بین خالق و مخلوق را با واژه «نور» بیان می‌کند آن هم نه نور مادی و محسوس یا معنوی و روحانی که در تصور مخلوقات می‌گنجد.

امام رضا (علیه السلام) رفتار و پرسش‌های شنوندگان خود را از روی نادانی آن‌ها قلمداد نمی‌کند بلکه آنان به بهانه آگاه شدن در امر پرستش خداوند، قصد دارند فتنه‌ای در همین باب بین حاضرین مجلس ایجاد کنند و نیز ناتوانی امام رضا (علیه السلام) را در اثبات خویش و استدلال آوری وی در امر خداشناسی به حاضران نشان دهند. از همین رو ابتدا گزاره‌های خبری را در گفتمان خود ذکر می‌کند سپس گزاره پرسشی «كَيْفَ يَجْرِي عَلَيْهِ مَا هُوَ أَجْرُهُ؟ أَوْ يَعُودُ فِيهِ مَا هُوَ ابْتِدَاءُ؟» به منظور استفهام انکاری مفید تعجب و آمیخته با سرزنش آمده است. در حقیقت حضرت کنش‌های بیانی گفتمان خود را مقرون به استفهام به معنای انکار توییخی می‌آورد تا توجه آن‌ها را برانگیزد و ذهن و تفکر آن‌ها را به سمت و سوی محور اصلی گفتمان (خداشناسی) سوق دهد و با وادار کردن آن‌ها به پاسخ به این سوال نوعی کنش کلامی غیرمستقیم یا کنش ترغیبی رقم بزند. چه بسا تفکر در مورد پرسش‌ها بدون پاسخ به آن‌ها تحریک و تشویق را به دنبال دارد.

استفاده از «کیف» از میان ادوات استفهام، انکار موجود و مقاصد ضمنی در آن را تقویت نموده است؛ زیرا با تعجب نهفته در این پرسش انکاری مبالغه بیشتری در قصد امام شده است. اسم استفهام (کیف) غالباً به منظور تعجب ذکر می‌شود. اصل تعجب بر این است

که یک موضوع معروف و همه فهم در معرض انکار قرار گیرد به طوری که سبب آن غیر معمول نشان داده شود گویا سببی مجهول و غیر قابل فهم است (طه، ۲۰۱۹: ۲۲). در واقع، گفتمان حضرت درباره کج روی کسانی است که به ادعای خودشان از کتاب‌های آسمانی خود اطلاعات کافی دارند پس موضوع وحدانیت خداوند و شناخت صفات ذات او باید برای آن‌ها امری بدیهی باشد. بدین ترتیب کنش گفتاری حضرت در قالب گزاره پرسشی همراه با ادات «کیف» کنش غیرمستقیم که همان تعجب و شگفتی از حالت شنونده و چگونگی آن است با سرزنشی عمیق و تأسف بار همراه است و حضرت با کار بست این کنش به منظور قبول مسیر حقیقی توسط مخاطب گفتمان خود را با هدف تأثیرگذاری بیشتری بیان می‌کند.

با توجه به موضوع بحث که امری بدیهی و همه فهم است باید گفت: استفهام در این پاره گفتار می‌تواند به منظر اقرار گرفتن نیز باشد. زرکشی درباره اقرار برگرفته شده از استفهام چنین می‌گوید: تقریر یا اقرار یعنی مخاطب را از طریق استفهام و پرسش به موضوعی که نزد او روشن و واضح است، تحمیل کنیم (زرکشی، ۱۹۸۰: ۳۳۱). این تعریف نشان می‌دهد که موضوع مورد سؤال، نه تنها مورد قبول فرستنده و گیرنده بوده، بلکه به آن اعتقاد دارند. بنابراین این چنین پرسش‌ها نه تنها از معنا و کارکرد اصلی استفهام خارج شده بلکه خواستگاه دیگری را طلب می‌کند که آن اقناع مخاطب می‌باشد. در حقیقت این فرایند در دو مرحله اتفاق می‌افتد: مرحله اول تحقق و تثبیت موضوع مورد سوال در ذهن مخاطب و دیگری اقرار گرفتن از مخاطب و پایبند کردن او به آن (بلحاج، ۲۰۰۷: ۲۴۳). لذا استفهام مذکور با گرفتن کارکرد استدلالی، از محور اصلی خارج شده و به صورت کنش غیر مستقیم متجلی می‌شود.

۲-۳-۳. کنش عاطفی

همان طور که از عنوان کنش عاطفی برمی‌آید این کنش احساسات و عواطف گوینده سخن را شامل می‌شود و محتوای گزاره، شرایط و اوضاعی را بیان می‌کند که متضمن

حالت روانی گوینده است. در این نوع کنش، گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتش، مطابقت دهد و نه کلمات بیان شده را با جهان بیرون، بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان شده بدیهی و مسلم فرض می‌شود (سرل، ۲۰۰۶: ۲۱۹). افعالی که به منظور همدردی کردن، تبریک گفتن، تمجید کردن، خشمگین شدن، ستایش کردن و... به کار می‌روند، جزو کنش عاطفی قرار می‌گیرند.

فرمایش‌ها و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) به‌ویژه خطبه‌های ایشان، قبل از ورود به موضوع اصلی با برشمردن صفاتی از خالق متعال آغاز می‌شود. شروع خطبه با ستایش خداوند و مدح او به نوعی بیان احساسات گوینده نسبت به خداوند و نیز تحت تأثیر قرار دادن شنونده می‌باشد. بخش اول خطبه مشهور توحیدیه امام رضا (علیه السلام) با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌شود. حضرت می‌فرماید: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ، وَأَوَّلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ وَنِظَامُ تَوْحِيدِ اللَّهِ تَعَالَى نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ، لِشَهَادَةِ الْعُقُولِ أَنَّ كُلَّ صِفَةٍ وَمَوْصُوفٍ مَخْلُوقٌ، وَشَهَادَةُ كُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّ لَهُ خَالِقًا لَيْسَ بِصِفَةٍ وَلَا مَوْصُوفٍ. وَشَهَادَةُ كُلِّ صِفَةٍ وَمَوْصُوفٍ بِالْإِقْتِرَانِ، وَشَهَادَةُ الْإِقْتِرَانِ بِالْحُدُوثِ، وَشَهَادَةُ الْحُدُوثِ بِالْإِمْتِنَاعِ مِنَ الْأَزْلِ، الْمَمْتَنَعُ مِنَ الْحُدُوثِ: أَوَّلُ عِبَادَتِ مَعْرِفَتِ اسْتِ، وَرِيشَه مَعْرِفَتِ هَم تَوْحِيدِ وَ يَكْتَا دَانِسْتَن پَروردگار متعال باشد. با نفی صفات از او پیدا شود، زیرا عقول شهادت می‌دهند که هر صفت و موصوفی قهراً مخلوق است و هر موصوفی خود گواهی می‌دهد بالطبع که: برای او خالق باشد، و آن خالق هم نمی‌شود صفت یا موصوف باشد. و برای شهادت دادن هر صفت و موصوفی به تحقق قرین شدن یکی از آن‌ها پهلوی دیگری، و شهادت اقتران بر حدوث آن‌ها، حدوثی که در مقابل اُزلیت بوده، و با همدیگر مانعة الجمع هستند» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۳۵).

شکی نیست که امام رضا (علیه السلام) این مقدمه توحیدی را به منظور اقناع شنوندگان و تحت تأثیر قرار دادن آن‌ها استفاده می‌کند. در این راستا به مسئله مهمی توجه داشته است و آن این که خطبه خود را به شکل خطبه‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) ایراد کرده که آن را به شکل دقیق با مقدمه، عرض و نتیجه تنظیم می‌کند همان‌طور که خطبه‌های پیشینیان چنین بوده است و از طرف دیگر خطبه‌های اسلامی به منظور تبرک به اسم باری تعالی با مدح و ستایش خداوند آغاز می‌شود. شروع خطبه بدین شکل در جامعه

اسلامی شکل معمولی و پذیرفتنی است و کاربرد حمد و ستایش خداوند در مقدمه خطبه امری تصادفی و ناآگاهانه نیست بلکه این مسئله موضوعی آگاهانه و از روی قصد و نیت شکل می‌گیرد که از آن به‌عنوان نقطه آغازین گفتمانی قصدمند یاد می‌شود. یعنی ایراد آن به منظور تقرب گوینده و شنونده صورت می‌گیرد؛ بنابراین کاربرد استحکام در آغاز گفتمان با کنش‌های اجتماعی گوینده در ارتباط است. در حقیقت این مقدمه تحمیدی، ره‌گذاری به منظور ارتباط‌گیری با مخاطب است و کلیدی به منظور فتح باب برای ایراد خطبه محسوب می‌شود.

تحمید آغازین ضمن گفتمانی قصدمند جای می‌گیرد و دارای کارکرد کاربردشناختی است؛ زیرا گوینده با این کنش سخن خود را آغاز می‌کند و باعث می‌شود تا توجه مخاطب را به کلام خود جلب کند و او را از آنچه در صدد ایراد آن است، آگاه می‌کند. به‌رغم سادگی تحمید، نقش بارزی در فرایند ارتباطی ایفا می‌کند به طوری که بر شنونده تأثیر گذاشته و احساسات و عواطف او را بر می‌انگیزد. در حقیقت امام رضا (علیه السلام) با بیان عواطف و احساسات خود نسبت به صفات باری تعالی در صدد برانگیختن احساسات مخاطب خود نیز است و در این راستا دو شرط صدق و جدیت را در ایراد قصد رعایت می‌کند. سرل شرط اصلی تحقق احساسات و عواطف گوینده در گفتار خود، جدیت در اراده و قصد می‌داند که قضیه‌ای صادق در کلام او تشکیل شود (سرل، ۱۳۸۷: ۱۵).

همان‌طور که از کنش بیانی پاره گفتار مذکور بر می‌آید، حضرت جهان و ذهن را با یکدیگر انطباق نمی‌دهد بلکه سعی می‌کند دیدگاه‌ها، احساسات و حالت‌های درونی خود را با مخاطب در میان بگذارد و او را به دنیای خود دعوت کند و به صورت غیرمستقیم از او می‌خواهد از پنجره دیدگاه او به خداوند و صفات او نگاه کند که همه چیز نسبت به وجود باری تعالی به گونه‌ای معمولی و بدیهی جلوه می‌کند. «گوینده احساسات و عواطف درونی خود و یا جهان اطراف را بروز می‌دهد. در این گونه کنش‌ها، گوینده کلمات، پاره گفتار و کلا زبان را با دنیای عاطفه و احساس خود متناسب می‌سازد و با این عمل، حالات روانی خود که می‌تواند متأثر از تجربه شخصی‌اش باشد برای بیان درد، شادی، هیجان، مدح یا مذمت، لذت، عشق، تنفر، تحسین، غم و اندوه را به کار گیرد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

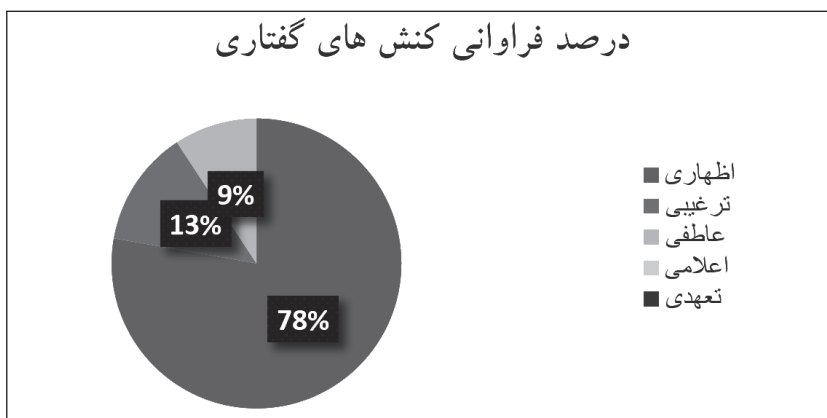
بر این اساس باید گفت: کنش عاطفی در پاره گفتار امام رضا (علیه السلام) به صورت کنش غیر مستقیم جلوه می‌کند که در قالب پاسخی به پرسش‌های مقدر مخاطب است؛ پرسشی که پاسخ آن معنای کاربردشناسانه موجود در گفتمان را برای مخاطب متجلی کرده و باعث تقویت معنی و ایجاد کنش تأثیری در شنونده شود.

در پایان، لازم است برای جلوگیری از طولانی شدن بحث در جدول زیر به فراوانی کنش‌های گفتاری پاره گفتارهای امام رضا (علیه السلام) در باب خدانشناسی و درصد تکرار آن‌ها اشاره شود:

جدول ۲: فراوانی کنش‌های گفتاری

نوع کنش	تعداد	گزاره	درصد
اظهاری	۴۲	خبری	٪۷۸
ترغیبی	۷	شرطی - پرسشی	٪۱۳
عاطفی	۵	خبری	٪۹
اعلامی	۰	-	-
تعهدی	۰	-	-

نمودار ۱- فراوانی کنش‌های گفتاری



همان طور که آمار نشان می‌دهد کنش گفتاری اظهاری بیشترین کاربرد، سپس ترغیبی و در آخر عاطفی که از کمترین کاربرد در گفتمان خداشناسی برخوردار است. به نظر می‌رسد امام رضا (علیه السلام) تقریباً کنش تعهدی و اعلامی را با توجه به ماهیت و کارکرد آن‌ها در گفتمان خود به کار نگرفته است. کارکرد کنش تعهدی این گونه است که گوینده متعهد می‌شود تا کنشی را در آینده انجام دهد و تغییری در جهان خارج ایجاد کند. کارکرد کنش اعلامی نیز بدین صورت است که گوینده با بیان آن شرایط و وضعیت کنونی شنونده را تغییر می‌دهد. البته باید گفت یک پاره گفتار منحصر به یک کنش گفتاری نمی‌شود بلکه ممکن است در آن انواع مختلفی از کنش‌های گفتار وجود داشته باشد. به گفته ورشورن طبقه‌بندی سرل (پنج‌گانه سرل)، مؤثرترین طبقه بندی ارائه شده در حوزه‌ی کاربردشناسی زبان تاکنون است زیرا طبقات به هیچ وجه انحصاری نیستند به گونه‌ای که یک پاره گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را در برداشته باشد (ورشورن، ۲۰۰۳: ۲۴؛ به نقل از نجفی ایوکی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷). این مطلب در سایه مثال‌های آورده شده در باب کنش گفتار اظهاری و عاطفی کاملاً نمایان است به طوری که گوینده برای ابراز احساسات و عواطف خود که در قالب کنش عاطفی می‌آید ناگزیر باید در پی اظهار آن در قالب شرح و تفسیر برآید.

۳. نتیجه‌گیری

گفتمان خداشناسی نزد امام رضا (علیه السلام) شامل موضوعاتی نظیر توحید و وحدانیت خداوند، ابدی و ازلی بودن او، عاری بودن خداوند از صفات نقص و ... می‌شود. حضرت در این گفتمان می‌کوشد، حقایق را در باب شناساندن خداوند در قالب نشانه‌های بدیهی و در دسترس بازگو کند. از این جهت زبان به کار گرفته شده در گفتمان زبان قابل فهمی است و نشانگر این است که امام رضا (علیه السلام) گفتمانی هدفمند، برخاسته از شرایط و اوضاع پیرامون گفتمان شکل دهد و سعی می‌کند تا مخاطب خود را با تکیه بر صفات حقیقی باری تعالی و تبیین تفاوت‌های کلی بین خالق و مخلوق به نقطه اقناع برساند و باورپذیری را

در او پرورش دهد. از این‌رو، می‌توان گفت: گفتمان خداشناسی حضرت مخاطب محور بوده و زبان به کار گرفته شده بنابر شرایط مخاطب است به طوری که در انتخاب استراتژی گفتار و پاره‌گفتارها و کاربست واژگان و عبارت‌ها به شرایط مخاطب توجه داشته است لذا معنای شکل گرفته معنای کاربردشناسانه و ارتباطی است به همین خاطر نظریه کنش گفتار روشی مناسب برای بررسی گفتمان حضرت است.

- درباره کنش‌های گفتار به کار گرفته شده در گفتمان امام رضا (علیه السلام) باید گفت: از مجموع ۵۴ پاره‌گفتار برگزیده و بررسی شده در باب خداشناسی ۴۲ مورد آن معادل ۷۸ درصد در قالب کنش گفتاری اظهاری آمده است که در مقایسه با دیگر کنش‌های گفتار با اختلاف چشمگیری پربسامدترین است. قصد و هدف حضرت در این نوع کنش تبیین کردن، شرح دادن و تفسیر کردن اوصاف الهی به منظوره روشنگری و آگاه کردن مخاطبانی است که از تعصب در آن گرفتارند. بیان، شرح و تفسیر جزئی از کنش اظهاری محسوب می‌شود، بنابراین کنش گفتاری اظهاری که به صورت مستقیم و صریح به کار گرفته شده با هدف و مقصود امام متناسب می‌باشد و طبیعی است که بیشترین بسامد را در گفتمان دارد، البته در این باره کنش اظهاری باید گفت: فعل مضمون در سخن این کنش ترغیبی است به طوری که امام تلاش می‌کند در قالب اظهاری در مخاطب ترغیب ایجاد کند. دومین کنشی که از بسامد بالایی در گفتمان برخوردار بوده، کنش ترغیبی است؛ به طوری که ۷ مورد معادل ۱۳ درصد از مجموع کل پاره‌گفتارها را در برمی‌گیرد. امام رضا (علیه السلام) با کاربست کنش ترغیبی در پی تشویق و ترغیب مخاطب به وارد شدن در جهان آرمانی خود یعنی اعتقاد به وحدانیت خداوند، قدرت و اراده و بی‌همتا بودن اوست. در کنش گفتار ترغیبی حضرت از کنش گفتاری غیرمستقیم استفاده می‌کند تا تأثیرپذیری بیشتری در مخاطب داشته باشد. سومین کنش، کنش گفتار عاطفی بوده که به صورت کنش مستقیم آمده است. حضرت برای بیان احساسات خود آشکارا سخن می‌گوید. این کنش ۵ مرتبه معادل ۹ درصد از مجموع کل پاره‌گفتارها حضور داشته است. دلیل بسامد پایین این کنش به مخاطب‌شناسی حضرت بر می‌گردد؛ چراکه مخاطب‌های امام (علیه السلام) مردم عامه نبودند که احساسات آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند بلکه خواصی بودند که در نزاع زبانی خواهان استدلال و برهان بودند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آستین، جان. (۱۹۹۱). *نظریهٔ افعال الکلام*. ترجمه: عبدالقادر قینینی. القاهرة: دار الکتب العربیة.
- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۲). *فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*. تهران: نشر علمی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا*. الجزء الأول. منشورات الشریف الرضی.
- اجعیط، نورالدین. (۲۰۱۲). *تداولیات الخطاب السیاسی*. عمان: عالم الکتب الحدیث.
- الأدواری، العیاشی. (۲۰۱۱). *الاستلزام الحواری فی التداول اللسانی*. الرباط: دار الأمان.
- أسامه، إبراهیم عمر. (۲۰۱۸). *المظهر التداولی فی أسلوب الشرط فی النحو العربی*. مجله کلیات اللغة. جامعة طرابلس. العدد ۱۷. صص: ۱-۱۵.
- السامرائی، فاضل صالح. (۱۴۲۳ق). *معانی النحو*. المجد الثالث. تهران: نشر کمال الملک.
- الوت، نیکولاس. (۱۳۹۹). *کلید واژه‌های کاربردشناسی*. ترجمه: مهرداد امیری. بهداد امیری. تهران: نشر نویسه پارسی.
- الأوسی، قیس إسماعیل. (۱۹۸۹م). *أسالیب الطلب عند النحویین والبلاغیین*. جامعة بغداد: بیت الحکمة.
- ایشانی، طاهره؛ نعمتی قزوینی، معصومه. (۱۳۹۳). «تحلیل خطبه حضرت زینب (علیها السلام) در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتار سرل». *سفینه*. سال دوازدهم. شماره ۴۵ (ویژه حدیث). صص: ۲۵-۵۱.
- بحر العلوم. (۱۳۹۶). *الفوائد الرجالیة*. تهران: مکتبه الصادق.
- برینکر، کلاوس. (۲۰۰۵). *التحلیل اللغوی: مدخل إلى المفاهیم الأساسية والمناهج*. الترجمة: سعید البحیری. القاهرة: مؤسسة المختار للنشر والتوزیع.
- بلحاج، بسمة رحومه. (۲۰۰۷). *السؤال البلاغی. الإنشاء والتأویل*. تونس: المعهد العالی للغات.
- پالمر، فرانک. (۱۹۹۷). *مدخل إلى علم الدلالة*. ترجمه: د. خالد محمود جمعة. الكويت: دار العروبة.
- توکلی سعد آباد، لیلی. (۱۳۹۴). «تحلیل کنش گفتاری چهارده سوره مدنی قرآن کریم بر پایه نظریه سرل». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- داود، آمنی سلیمان. (۲۰۰۲). *الأسلوبیة والصوفیة*. القاهرة: دار الغرب للطباعة و النشر.
- دسترنج، فاطمه؛ احسانی، کیوان؛ عرب، منصوره. (۱۴۰۰). «کاربست نظریه کنش گفتاری جان سرل در خوانش خطبه غراء». *پژوهشنامه نهج البلاغه*. سال نهم. شماره ۳۳. صص: ۷۱-۹۵.
- الزرکشی، بدرالدین. (۱۹۸۰). *البرهان فی علوم القرآن*. تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم. لبنان: دارالفکر.
- سرل، جان. (۱۳۸۷). *أفعال گفتاری: جستاری در فلسفه زبان*. ترجمه: محمد علی عبداللهی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سلامه، یوسف. (۲۰۰۲). *المنطق عند إدموند هوسرل*. بیروت: دار حوران.
- سیدباقر الحسینی، سیدجعفر. (۱۳۸۸). *أسالیب المعانی فی القرآن الکریم*. الطبعة الثانية. قم: بوستان کتاب.
- الشهري، عبدالهادی بن الظافر. (۲۰۰۴). *استراتیجیات الخطاب مقارن لغویة تداولیة*. بیروت: دار الكتاب الجدید المتحدة.
- صانعی پور، محمدحسین. (۱۳۹۰). *مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

- الصبیحی، محمد الأخصر. (۲۰۰۸). مدخل إلى علم لغة النص. الجزائر: دارالعلوم العربية.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۰). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
- طه، هاجر سلیمان. (۲۰۱۹). طاقة التأثير في أسلوب الاستفهام ماهيتها وأسبابها (دراسة تطبيقية في الخطاب القرآني). القاهرة: الأزهر.
- عتیق، محمد عبدالهادی. (۲۰۱۰). ظواهر أسلوبية في القرآن الكريم. التركيب والرسم والإيقاع. الأردن: عالم الكتب الحديث.
- عزوز، أحمد. (۲۰۱۱). المدارس اللسانية أعلامها مبادئها. و مناهج تحليلها للأداء التواصلی. الجزائر: دار الأديب.
- عیسی، عبدالحلیم. (۲۰۰۶م). «المرجعية اللغوية في النظرية التداولية». دراسات أدبية. عدد ۱. صص: ۹-۱۶.
- فان دایک. (۱۹۹۹). علم النص: مدخل متداخل الاختصاصات. ترجمه: سعید حسن البحیری. القاهرة: دار القاهرة للكتاب.
- فراهییدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۱۶ق). العین. تح: مهدی المخزومی وإبراهیم السامرائی. قم: مؤسسة المیلاد.
- قانع، احمد علی. (۱۳۹۳). «خداشناسی در روایات امام رضا (علیه السلام)». فرهنگ رضوی. سال دوم. شماره ۵. صص: ۸۹-۱۰۹.
- کوک، گای. (۱۳۸۸). زبان‌شناسی کاربردی. ترجمه: مصطفی حسرتی. فربا غضنفری و عامر قیطوری. کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- المتوکل، أحمد. (۱۹۸۶). دراسات في نحو اللغة العربية الوظيفی. القاهرة: دار الثقافة.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۰). آشنایی با قرآن. چاپ دوم. تهران: صدرا.
- نحله، أحمد محمود. (۲۰۰۲). آفاق جديدة في البحث اللغوي المعاصر. د. ط. مصر: دار المعرفة الجامعية.
- نجفی ایوکی، علی؛ رسول نیا، امیرحسین؛ کاوه نوش آبادی، علیرضا. (۱۳۹۶). «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه بر اساس نظریه کنش گفتار سرل». پژوهشنامه نهج البلاغه. سال پنجم شماره ۱۹ صص: ۱-۱۷.
- نورسیده، علی اکبر؛ میراحمدی، سیدرضا؛ باقری، علی. (۱۳۹۹). «القصدية في رسائل الإمام علي (عليه السلام) إلى معاوية في ضوء الأفعال الكلامية». دراسات في اللغة العربية وآدابها. دوره ۱۶. شماره ۳۲. صص: ۱۲۹-۱۵۴.
- وهبة، مجدى والمهندس. (۱۹۸۹). معجم المصطلحات العربية في اللغة والأدب. الطبعة الثانية. بيروت: مكتبة لبنان.
- یول، جورج. (۱۳۸۵). کاربردشناسی زبان. تر: محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. چاپ دوم. تهران: سمت.



واکاوی سیاست‌های آستان قدس رضوی در حوزه گردشگری

مذهبی و زیارت؛ از وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب

دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۴

اعظم بقای^۱، حسین مهربانی^۲

چکیده

زیارت و گردشگری مذهبی در عین فرصت‌های مشترک برای همگرایی و همراهی، تفاوت بنیادین در مبنا، کارکرد و پیامدهای اجتماعی دارند. این امر مناقشات مختلفی را در سیاست‌گذاری به دنبال داشته است. این پژوهش شناخت وضعیت موجود سیاست‌های آستان قدس رضوی در نسبت با موضوع زیارت و گردشگری مذهبی را پی می‌جوید و در نهایت به دنبال این است که بر اساس دریافتی کلی از وضعیت موجود این سیاست‌ها، فهرستی از اولویت‌های ناظر به وضعیت مطلوب سیاست‌ها و خدمات آستان در حوزه زیارت و گردشگری مذهبی به دست دهد؛ بهره‌گیری از روش اسنادی و مصاحبه کیفی با متخصصان، سیاست‌گذاران و مجریان گردشگری مذهبی و زیارت در گردآوری اطلاعات و همچنین تحلیل داده‌های به دست آمده از آن با روش تحلیل محتوای کیفی به این نتیجه منتهی شد که نه تنها مسئله گردشگری مذهبی در سیاست‌های آستان قدس رضوی مورد توجه قرار نگرفته است، بلکه هیچ نسبتی میان گردشگری و زیارت در این سیاست‌ها برقرار نشده است؛ از جمله مسائل و موضوعات سیاست‌های موجود در حوزه زیارت، می‌توان به اثربخشی زیارت و تدوam ارتباط با زائران، تحقق زیارت با معرفت و ارتقای آداب و مناسک آن، مشارکت‌افزایی مردم در خدمات زیارت و محرومیت زدایی و... اشاره کرد. همچنین از میان اولویت‌ها، مواردی همچون ایجاد همگرایی میان گردشگری و زیارت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری در امتداد زیارت و حفظ هسته معنایی زیارت و بسط آن در خدمات حرم و شهر زیارتی قابل ذکر است.

کلیدواژه‌ها: زیارت، گردشگری مذهبی، سیاست، آستان قدس رضوی.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد گردشگری مذهبی مؤسسه آموزش عالی خردگرایان مطهر، مشهد، ایران: a_baghaie@yahoo.com
 ۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول): Mehrabanifar@razavi.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسئله

امروزه گردشگری مذهبی به یکی از رایج‌ترین انگیزه‌های سفر تبدیل شده و از طرفی افزایش سفرهای زیارتی با روند گسترش گردشگری همگام بوده است (نیکنام، ۱۳۹۳: ۴۷). این دو پدیده در عین امکان همراهی و همگرایی و ارتباط نزدیک با یکدیگر، از حیث مبنا، کارکرد و دلالت‌های اجتماعی تفاوت‌های قابل توجهی دارند و همین امر موجب مناقشات مختلفی در بعد مفهومی و سیاست‌گذاری در این حوزه شده است.

زیارت رفتاری رایج در میان پیروان ادیان مختلف در طول تاریخ بوده است و بارزترین مصداق آن، سفرهای زیارتی برای حضور آیینی در مقابر بزرگان دین است. این رفتار دربرگیرنده بخش مهمی از آداب و مناسک دینی در فرهنگ‌های دینی مختلف است (ریدر، ۱۴۰۰). جست و جو برای معنا و تمایل به رشد شخصی به جای تعلقات مادی در زیارت محوریت دارد. از همین رو در دیدگاه دینی، گردشگری به ویژه در مفهوم نوین آن در قرن اخیر بسیار متفاوت است؛ زائران شباهتی با گردشگران ندارند، بلکه انگیزه و تعهد عمیق معنوی و مذهبی دارند و با اهداف لذت جویی، آموزش، کنجکاوی، استراحت و رواداری سفرهای گردشگری کاملاً متفاوت است (توانگر و دیگران، ۱۳۹۱: ۵). از این منظر غلبه گردشگری بر زیارت آن چنان که برنز و هولدن بیان می‌کنند تبدیل شدن آن به یک امر مصرفی جهانی برای لذت و سرگرمی را در پی دارد، به همان شکلی که سایر محصولات مصرفی جهان مدرن مصرف می‌شوند (Razaq & Morpeth, 2007: 5). در همین باره، به زعم ترنر و اش (۱۹۷۵)، رشد اولیه جهانی مزایای اقتصادی مشهور گردشگری، باعث ایجاد مشکلات اجتماعی فرهنگی و محیطی می‌شود (Razaq & Griffin, 2015).

از طرف دیگر باید در نظر داشت که گردشگری در دنیای امروز به مثابه صنعتی پرتعداد، از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی کشورها برای درآمدزایی و اشتغال است و علاوه بر داشتن مزیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی، نقش مهمی در معرفی فرهنگ هر کشور و ارتقای قدرت نرم آن دارد (ملکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۳). گردشگری ضمن توانایی حفظ مؤلفه‌های فرهنگی، این امکان را فراهم می‌کند که افراد با فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند و افزون

بر تلاش در راستای معرفی فرهنگ خود به جوامع دیگر، برای میراث فرهنگی دیگران نیز احترام قائل شوند (باقرنیا و احمدیان، ۱۳۹۳: ۳۷). از این روست که گردشگری در شهرهای زیارتی می‌تواند به عنوان یک فرصت اقتصادی فرهنگی نیز نگریسته شود؛ آن چنان که امروزه بخشی مهم از زندگی مردم را تشکیل می‌دهد و نمی‌توان به آن بی‌توجه بود.

در این میان خراسان رضوی خاصه شهر مشهد از مراکز مهم گردشگری مذهبی و زیارت در جهان اسلام است. حرم مطهر حضرت رضا (علیه السلام) پرجاذبه‌ترین مکان مذهبی در ایران و به همین جهت کلان‌شهر مشهد کانون عمده زیارت و گردشگری مذهبی در کشور بوده و فضای کنش زیارتی سالانه میلیون‌ها زائر است (عظیمی هاشمی و دیگران، ۱۳۹۱). جایگاه بین‌المللی شهر مشهد به عنوان یکی از قطب‌های مذهبی و فرهنگی جهان اسلام و تشیع، ضرورت برجسته کردن نقش حرم مطهر و توجه به آستان قدس رضوی به عنوان نهاد اصلی متولی آن را در طراحی، پیشبرد و سامان‌دهی سیاست‌های حوزه زیارت و گردشگری مذهبی به‌روشنی نمایان می‌سازد. درباره شهر مشهد، تجربه نیز نشان داده است که در زیارت به‌ویژه در دهه‌های اخیر همواره مؤلفه‌های پررنگی از گردشگری نیز همراه شده است. «در واقع سفرهای زیارتی به کلان‌شهر مشهد در قالب زیارت و گردشگری مذهبی دیگر به صورت تک‌بعدی انجام نمی‌گیرد. مطالعات انجام شده نشان‌دهنده این نکته است که سفرهای زیارتی به این کلان‌شهر از حالت تک‌انگیزه‌ای (بر پایه زیارت) به چندانگیزه (با اولویت زیارت) تغییر یافته است» (سقای و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۴). بر همین اساس، مسئله مهم این پژوهش، کیفیت توجه به امر زیارت و گردشگری مذهبی و خدمات مقتضی آن در وضعیت موجود سیاست‌های آستان قدس رضوی به عنوان نهاد محوری متولی زیارت در شهر مشهد است؛ اینکه با تغییرات و تحولات صورت گرفته در امر زیارت متأثر از گردشگری مذهبی، نسبت این دو چگونه در سیاست‌های این نهاد مذهبی بازتاب یافته است.

هدف این پژوهش شناخت وضعیت موجود سیاست‌های آستان قدس رضوی در حوزه گردشگری مذهبی و زیارت از رهگذر مطالعه سیاست‌های اعلامی آستان قدس رضوی و مصاحبه با متخصصان و کارگزاران این حوزه است و کیفیت صورت‌بندی این سیاست‌ها

را در نسبت با این دو پدیده پی می‌جوید؛ پدیده‌هایی که در عین همراهی و همگرایی، از حیث مبانی، اصول و هسته‌های معنایی واجد تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای هستند.

از این‌رو، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که مسائل و خدمات گردشگری مذهبی و زیارت در سیاست‌های آستان قدس رضوی در قالب چه مضامین و گزاره‌هایی بازتاب یافته و بر اساس ارزیابی وضعیت موجود از دید متخصصان حوزه زیارت و گردشگری و کارگزاران این امر در آستان، چه اولویت‌هایی را می‌توان ناظر به وضعیت مطلوب سیاست‌ها و خدمات آستان در حوزه زیارت در نظر گرفت؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

تا آنجا که محقق جست‌وجو کرده است، پژوهشی که به‌طور خاص به مطالعه و تحلیل سیاست‌های آستان قدس رضوی در حوزه زیارت و گردشگری مذهبی پرداخته باشد، تاکنون انجام نشده است؛ اما در عین حال می‌توان تعدادی از پژوهش‌های مرتبط را از حیث اهتمام به نقش شهرهای زیارتی و اماکن مذهبی در نسبت با گردشگری مذهبی و در رشد آن را برشمرد؛

به‌عنوان نمونه غفاری (۱۳۹۵) در پژوهشی نقش اماکن مذهبی و به‌طور خاص مسجد مقدس جمکران را در گردشگری مطالعه کرده است. او در این پژوهش ضمن تحلیل گردشگری مذهبی، با در نظر گرفتن قابلیت‌ها و شرایط موجود در استان قم و اهمیت وجود حرم مطهر حضرت معصومه (ع) و مسجد مقدس جمکران به‌عنوان دومین مرکز زیارتی کشور به نقش آن در جذب گردشگران و توسعه گردشگری پرداخته است؛ شبابی (۱۳۹۰) در پژوهشی نقش مرقد امام خمینی (ره) را در تحول گردشگری مذهبی شهر تهران مطالعه کرده است. همچنین باباپور لامعی (۱۳۹۶) نیز در واکاوی نقش اماکن مذهبی در توسعه گردشگری به مطالعه موردی حسینیه اعظم زنجان توجه کرده و با بیان کارکردهای مهم این حسینیه از جمله کارکردهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، روان‌شناسی و ... نقش آن در تولید و باز تولید گردشگری مذهبی استان زنجان، با در نظر گرفتن ۶ توان

اصلی از جمله توان مدیریتی، توان اقتصادی، ظرفیت طبیعی، توان اجتماعی جمعیتی، زیرساخت‌های گردشگری مذهبی و تسهیلات گردشگری مذهبی به مطالعه نقش و جایگاه این حسینیه در توسعه فرهنگی استان زنجان پرداخته است. طبق یافته‌های پژوهش بر اساس ضریب تعیین به‌دست آمده «توان مدیریتی» به میزان بیش از ۲۰ درصد، «توان اقتصادی» به میزان بیش از ۶ «زیرساخت‌های گردشگری مذهبی» به میزان بیش از ۹ درصد، «ظرفیت طبیعی» به میزان ۰ درصد، «توان جمعیتی اجتماعی» به میزان بیش از ۳۳ درصد، «تسهیلات گردشگری مذهبی» به میزان بیش از ۴۶ درصد بر تغییرات مؤلفه «توسعه گردشگری مذهبی» بر تغییرات مؤلفه «توسعه گردشگری مذهبی» تأثیرگذار است. همبستگی بین نقش توانمندی‌های حسینیه اعظم زنجان و توسعه گردشگری مذهبی برابر با (۰/۹۷) به‌دست آمد. بر اساس ضریب تعیین به‌دست آمده بیش از (۰/۹۵) توسعه گردشگری مذهبی از حسینیه اعظم زنجان قابل پیش‌بینی است.

در همین باره می‌توان پژوهش ثابت کردار (۱۳۹۶) را که نقش اماکن مذهبی در توسعه گردشگری استان گیلان را مطالعه کرده، مورد توجه قرار داد؛ نتایج این بررسی نشان داده که بر اساس نظرات گروه مورد مطالعه مهم‌ترین نقطه قوت برای تحلیل نقش اماکن مذهبی در توسعه گردشگری، وجود مکان‌ها و جاذبه‌های طبیعی و تاریخی و فرهنگی در اطراف مکان مذهبی با وزن ۰/۷۴۴ است و نقطه ضعف عمده هم ناآشنایی با چگونگی بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود و استفاده نکردن از تجارب متخصصان در امر گردشگری مذهبی در توسعه و بهبود جذب گردشگر با وزن ۰/۶۰۴ است، همچنین گروه مورد مطالعه مهم‌ترین فرصت پیش‌رو را برگزاری مراسم‌های مذهبی در ایام رمضان، محرم و ... در امام‌زاده‌ها و بقعه‌ها با وزن ۰/۸۸ دانسته‌اند و تهدید عمده را هم استفاده ابزاری از طرح‌های ساماندهی برای درآمدزایی امام‌زاده با وزن ۱/۶۸۵ می‌داند. نتایج این پژوهش همچنین حکایت از این داشت که اولاً اماکن مذهبی در توسعه محیطی (اکولوژیک) گردشگری نقش موثری دارد و ثانیاً اماکن مذهبی در توسعه کالبدی فضایی نقش موثری دارد. ولی بر اساس نظرات پاسخ‌دهندگان اماکن مذهبی اولاً در توسعه اجتماعی فرهنگی و مدیریتی و همچنین در توسعه اقتصادی نقش موثری ندارد.

در حوزه مطالعات سیاست‌گذاری گردشگری مذهبی و زیارت نیز پژوهش «طراحی سناریوهای سیاستی زیارت مشهد مقدس بر مبنای روش عدم قطعیت بحرانی» شایان توجه است. در این پژوهش تلاش شده با تکیه بر ترکیب فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و دلفی و بر مبنای مدل شوارتز، مهم‌ترین پیشران‌های اثرگذار بر آینده را شناسایی، اولویت‌بندی و در نهایت چهارچوب سناریوهای سیاستی آینده زیارت در مشهد مقدس در افق ۱۴۰۴ طراحی شود. برای این کار، با به کارگیری مطالعه اسنادی و پرسش‌نامه باز و مصاحبه، دیدگاه ۱۵ صاحب نظر شناسایی شده و با تحلیل مضمون فهرست پیشران‌ها استخراج و با تکیه به روش دلفی ۸ پیشران اصلی مورد اجماع خبرگان شناسایی و با اجرای فن تصمیم‌گیری چندمتغیره دو پیشران که بیشترین اهمیت و عدم قطعیت را داشتند، شناسایی و بر اساس آن چارچوب سناریوها طراحی شده است (سیدمحسنی باغسنگانی، ۱۳۹۹).

در کنار این پژوهش‌ها، پژوهش توانگر و دیگران (۱۳۹۱)، نیز به مطالعه تطبیقی ساختار مدیریت گردشگری در دو شهر مشهد و رم (واتیکان) بر اساس مدل مدیریت مقصد گردشگری پرداخته‌اند. نتایج تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی تطبیقی، بیانگر تفاوت در ساختار مدیریت و سازماندهی گردشگری و نوع و ترکیب گردشگری در شهرهای نمونه بوده که با توجه به برتری شهر رم در جذب و سازمان‌دهی گردشگران، پیشنهادهایی برای اصلاح وضع موجود مدیریت گردشگری در مشهد ارائه شده است.

در مجموع از مرور پیشینه موجود می‌توان دریافت که نه تنها مسئله نقش و جایگاه آستان قدس رضوی در نسبت با گردشگری مذهبی و زیارت مورد توجه پژوهش‌های پیشین نبوده، بلکه اساساً سیاست‌پژوهی و تحلیل سیاست‌های این حوزه در پژوهش‌های پیشین دنبال نشده است. از این‌رو، خلأ مطالعات ناظر به آن به منظور ارزیابی وضعیت موجود و ایجاد زمینه دستیابی به سیاست‌های کارآمد و اثربخش در این حوزه احساس می‌شود. بر همین اساس وجه تمایز و نوآوری این پژوهش را می‌توان در توجه به همین مسئله در نظر گرفت.

۱-۲. ادبیات پژوهش

۱-۲-۱. گردشگری و گردشگری مذهبی

گردشگری، عمل و فرایند گذراندن وقت دور از خانه به دنبال تفریح، آرامش و لذت و در عین حال بهره‌گیری از خدمات تجاری است. به این ترتیب، گردشگری محصول ترتیبات و سامان اجتماعی مدرن است که در اروپای غربی در قرن هفدهم آغاز شد؛ اگرچه پیشینه‌هایی در دوران باستان کلاسیک دارد، گردشگری در معنای مدرن آن مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که به‌طور فزاینده‌ای فشرده، سازمان‌یافته و تجاری‌محور است و ریشه‌های آن را می‌توان در غرب صنعتی و فراصنعتی یافت (Walton, 2022).

گردشگری در عین حال یک نظام معناست که هر فردی با هدفی از مکانی به مکانی جابه‌جا می‌شود و سلسله تجربیات و اتفاقاتی را درک می‌کند. لذا این حرکت دارای سه عنصر انگیزه، زمان و جابه‌جایی فیزیکی است که در بطن خود سطحی از تعاملات و رویایی فرهنگی را فراهم می‌سازد. یکی از اشکال گردشگری، گردشگری مذهبی است که بر حضور در اماکن مذهبی تأکید دارد (معاون و همکاران، ۱۳۹۶: ۲).

گردشگری مذهبی گونه‌ای از گردشگری است که در آن جاذبه‌های مذهبی مانند زیارتگاه‌ها، مقبره امام‌زاده‌ها، مساجد، کلیساها و آیین‌ها و مراسم مذهبی عامل جذب گردشگر به مکان مد نظر است. این گونه از گردشگری که با اعتقادات و باورهای مذهبی بازدیدکنندگان یا قدمت و جاذبه تاریخی مکان‌های مذهبی گره خورده است، ریشه در تاریخ ایجاد مذاهب دارد و ظرفیت عظیمی را برای جذب گردشگر در مناطق گوناگون کشور ایجاد می‌کند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۸).

برخی بر این باورند که گردشگری به معنای سفر روحی است و نیازهای روحی را پاسخ می‌دهد؛ اما افراد بسیاری نیز معتقدند تفاوت‌هایی بین زیارت‌های سنتی و گردشگری مذهبی وجود دارد. در جوامع مدرن، بسیاری از مردم به اماکن مقدس سفر می‌کنند و هدف آنان پاسخ به هر دو گروه نیازهای مذهبی و تفریحی است. این امر موجب پدید

آمدن چالش‌های بزرگی در ارائه تعریف برای گردشگری مذهبی می‌شود که آیا گردشگری تلقی شود یا زیارت (نهایندی و نعمتی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). تعریف مفهوم زیارت به‌ویژه در میان شیعیان این تفاوت مفهومی را هرچه بیشتر آشکار می‌سازد.

۱-۲-۲. زیارت

زیارت از ریشه «زور» به معنای میل به چیزی است و از «زار-یزور-زیاره-مزاراً-زوراً» به معنای ملاقات کردن و به دیدار کسی رفتن آمده است (راغب اصفهانی: ۲۲۱؛ به نقل از سبحانی و میردیکوندی، ۱۳۹۳). زیارت در اصطلاح دینی، تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب، هم نسبت به زیارت‌شونده گرایش جدی پیدا کند و هم با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد (طریحی، ۱۳۸۷: ۳۰۵).

زیارت در عرف به دیدار کسی رفتن، بزرگ شمردن، احترام گذاشتن، انس گرفتن با او، جلب توجه و محبت او معنا می‌دهد و زیارت اصطلاحی هم به معنای ادراک حضور و تشرف زائران در مشاهد مشرفه و آرامگاه‌های انبیا و اولیا خداوند به قصد اکرام و تعظیم و احیای شعائر اسلامی، با شناخت و معرفت از مقام و عظمت والای آن بزرگواران است (برهانی شهرستانی، ۱۳۸۹). زیارت، عزیمت (ظاهری یا باطنی) به اماکن مذهبی که از سوی پیروان یک دین برای به‌پا داشتن آیین یا فریضه‌ای دینی انجام می‌گیرد و در بیشتر ادیان جهان وجود دارد و در میان شیعیان زیارت به مفهوم سفر و رفتن به اماکن مقدس، چون مکه، عتبات، سوریه، مشهد، قم و امام‌زاده‌ها از روی اعتقاد مذهبی است که معمولاً به‌منظور تعمیق ایمان، پاداش معنوی، وفای به نذر یا برآورده شدن حاجت انجام می‌گیرد (هاشمی فشارکی، ۱۳۹۹).

از مجموع تعاریف و توضیحات مختصر ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که زیارت و گردشگری مذهبی با وجود در برگرفتن مفاهیم متفاوت و گاه متضاد (تفاوت در مبنا، انگیزه و نیت) هم‌پوشانی‌هایی نیز دارد. در عین حال، به طور کلی سه دیدگاه در مفهوم و نسبت گردشگری (مذهبی) و زیارت را می‌توان برشمرد:

- تفاوت جدی در جهان‌بینی، انگیزه و کارکرد؛ تعارضات زیارت و گردشگری از حیث معنایی
- نبود تفاوت جدی زیارت و گردشگری مذهبی (گردشگری نوعی زیارت مدرن)
- طیفی دیدن زیارت گردشگری؛ امکان ایجاد ترکیب‌های سکولار و مذهبی متعدد که بر اساس این دیدگاه زیارت و گردشگری در دو قطب مقابل یک طیف قرار دارند و در مرکز طیف نوع جدیدی از گردشگری با عنوان گردشگری مذهبی معنوی ظاهر می‌شود (عظیمی هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۳۷-۱۳۵).

در نهایت می‌توان گفت تمایز مفهومی زیارت و گردشگری مذهبی بیشتر ناظر بر تفسیر انگیزه‌ها و نیات فردی است. در این معنا یکی از انگیزه‌های گردشگر مذهبی می‌تواند زیارت اماکن مقدس باشد و انگیزه‌های دیگر تفریحی، درمانی و ... نیز هر یک می‌توانند در سفر گردشگر مذهبی جایگاهی داشته باشند؛ اما اگر این دو مفهوم از نگاه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بررسی شوند، به‌سختی می‌توان تمایز در انگیزه‌های سفر را مبنایی برای تمایز در سیاست‌گذاری دانست. چنانچه اسمیت عقیده دارد زائران و گردشگران در اصول پایه‌ای سفر و در اکثر زیرساخت‌ها با هم مشترک هستند (همان: ۱۳۵). در عین اینکه طبق مطالعات صورت گرفته باید در نظر داشت هر چند ماهیت هستی‌شناختی زیارت و گردشگری مذهبی در بسیاری از شهرهای زیارتی به‌ویژه در کلان‌شهر مشهد بر بنیان زیارت قرار داشته و اولویت زیارت هنوز در بالاترین حد ممکن از انگیزه‌های سفر به کلان‌شهر مشهد را در برمی‌گیرد، ولی بعد از اولویت اول دیگر انگیزه‌هایی وجود دارد. به عبارت دیگر، سفر به کلان‌شهر مشهد، هر چند در برگیرنده انگیزه اصلی زیارت است، ولی تمامی زمان اقامت زائر یا گردشگر در مشهد به امر زیارت اختصاص نداشته، بلکه ساعاتی را به زیارت و زمان‌های باقی مانده را به‌منظور گذراندن اوقات فراغت به انگیزه‌های دیگر می‌پردازند (سقای و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۴).

۱-۲-۳. سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست

مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، از جمله روش‌های تحلیل سیاست، در زمره رشته‌هایی

است که به سرعت در علوم اجتماعی در چند دهه گذشته توسعه و بسط یافته است (2007). Fischer et al). به طور ساده می توان گفت سیاست گذاری عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می شود و فرایندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل آغاز و به ارزیابی حاصل از اجرای سیاست ختم می شود (الوانی و شریف زاده، ۱۳۸۷: ۲). سیاست گذاری آن زمان که در عرصه زیارت و مسائل عمومی آن صورت گیرد، سیاست گذاری زیارت نام می گیرد؛ به بیان بهتر می توان تصمیماتی را که مجموعه های رسمی متولی زیارت در مواجهه با مسائل عمومی حوزه زیارت اتخاذ می کنند، با عنوان سیاست گذاری زیارت در نظر گرفت.

تحلیل سیاست که در علوم اجتماعی به کار می رود از ابتدائیه تنها برای کمک به درک پویایی های پیچیده فرایندها و مکانیسم های سیاست گذاری در دستگاه های دولتی توسعه یافت بلکه برای تأمین اطلاعات سیاستی مرتبط برای سیاست گذاران درباره مسائل عمومی حیاتی و گزینه های ممکن سیاستی که می تواند در حل آنها مؤثر بیفتد، بسط پیدا کرد (Mansour, 2011: 161).

در این پژوهش، اصطلاح تحلیل سیاست به تحلیل محتوای سیاست های حوزه زیارت و گردشگری مذهبی اشاره دارد و توسعه مدل ها و توصیف های مربوط به خروجی های سیاست ها در آن محوریت ندارد. پس بیشتر وجه توصیفی مد نظر بوده در عین اینکه پیشنهادهایی ناظر به وضعیت مطلوب ارائه خواهد شد.

۱-۳. روش شناسی

این پژوهش از نوع کیفی است که در گردآوری اطلاعات حوزه سیاست گذاری زیارت در آستان قدس رضوی از مطالعات اسنادی و مصاحبه کیفی بهره گرفته است. روش اسنادی به کلیه روش هایی گفته می شود که در آنها هدف پژوهش با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون برآورده می شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۲۶). «اسناد تا آنجایی که در قالب های خاصی تهیه می شوند، موضوعاتی استاندارد به حساب می آیند: یک

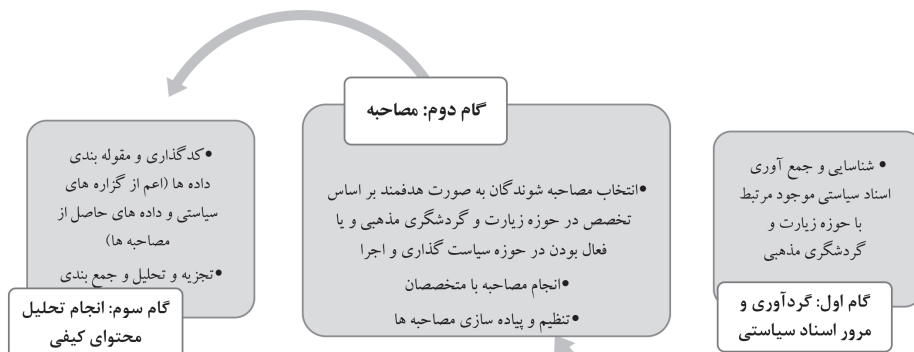
یادداشت، گزارش‌های موردی، سیاست‌ها، قراردادهای، پیش‌نویس‌ها، گواهی‌های مرگ، اظهارنظرها، دفترچه‌های خاطرات، آمارها، گزارش‌های سالانه، گواهی‌نامه‌ها، احکام قضایی، نامه‌ها یا اظهارنظرهای کارشناسانه» (فلیک، ۱۳۹۰: ۲۷۵). اسناد مورد مطالعه در این پژوهش، سیاست‌های اعلامی آستان قدس رضوی را که در سایت اختصاصی آن به اشتراک گذاشته شده است، در برمی‌گیرد.^۱

همچنین در این پژوهش در گردآوری اطلاعات وضعیت‌شناسی و ارزیابی سیاست‌های حوزه زیارت و گردشگری مذهبی از مصاحبه کیفی (مصاحبه باز و عمیق) استفاده می‌شود. توضیح آنکه در مصاحبه عمیق پاسخگو در بیان پرسش‌ها و مصاحبه‌کننده در طرح آن آزادی کامل دارند؛ یعنی پرسشگر آنچه را که در نظرش ضروری است، مطرح می‌کند و در طرح سؤال خود هیچ‌گونه محدودیتی احساس نمی‌کند و پاسخگو در جواب دادن به سوال‌ها آزادی کامل دارد. پرسشگر در چنین مصاحبه‌ای می‌تواند ایده‌های خود را در هر پوشش کلامی قرار دهد و سؤال‌های خود را با هر عبارت که مایل باشد مطرح نماید و پاسخگو نیز می‌تواند جواب خود را به هر صورت که مایل باشد و در هر لفظی که دوست داشته باشد بیان کند (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۲۱۴). قابلیت‌هایی که این نوع مصاحبه به لحاظ نفوذ عمیق و گسترده در واقعیت‌های ذهنی مصاحبه‌شونده دارد، آن را به روشی برتر در مطالعات ارتباطی و دیگر علوم اجتماعی تبدیل کرده است (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸: ۲۲۳). نمونه‌گیری در انجام این مصاحبه‌ها از نوع هدفمند بوده است. در این روش، شرکت‌کنندگان توسط پژوهشگر دست‌چین می‌شوند؛ چراکه یا به صورت مشخص دارای ویژگی یا پدیده مد نظر یا غنی از اطلاعات در موردی خاص هستند. این روش بیشتر زمانی استفاده می‌شود که نیاز به نمونه‌های خبره باشد. پژوهشگران با انتخاب موارد غنی از اطلاعات که شامل افراد گروه‌ها، موسسات یا رفتارهایی است که بینش کاملی را نسبت به سؤال پژوهش فراهم می‌کنند، به این مهم دست می‌یابند (جلالی، ۱۳۹۱: ۳۱۳ و ۳۱۴).

1. Policy.razavi.ir

تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه با کارشناسان و مدیران حوزه زیارت، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰ و ۲۱). پس ابزار اصلی و محوری تحلیل محتوا، نظام مقوله‌های آن است؛ هر واحدی در تحلیل باید کدبندی شود، یعنی در قالب یک یا چند مقوله قرار بگیرد. نظام مقوله‌ها در تحلیل محتوا برخلاف تحلیل‌های مردم‌نگارانه یا نظریه زمینه‌ای باید قبل از کدبندی، مشخص شود. مقوله‌های استخراجی از متن باید معانی آن را تا حد امکان اشباع نماید. هدف نظام مقوله‌بندی، عملیاتی کردن مفاهیم مربوط به سؤال‌های خاص تحقیق است (محمدپور، ۱۴۰۰: ۴۲۳ و ۴۲۴).

انجام مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها تا حصول اشباع نظری پیش رفت و در مجموع با ۱۲ نفر مصاحبه شد (۶ نفر از پژوهشگران و متخصصان حوزه زیارت و گردشگری مذهبی و ۶ نفر از سیاست‌گذاران و کارگزاران مربوطه در آستان قدس رضوی) در مجموع مراحل اجرای پژوهش حاضر به صورت ذیل قابل ترسیم است:



شکل ۱. روند عملیاتی پژوهش

همچنین درخور ذکر است که طبق مرور صورت گرفته بر سیاست‌های آستان قدس رضوی، از آنجا که تمرکز این نهاد بر حوزه زیارت و خدمات معطوف به آن است، هیچ سیاست صریحی در خصوص گردشگری مذهبی مشاهده نشد. از این‌رو، در تحلیل وضعیت موجود سیاست‌های آستان قدس رضوی، سیاست‌های حوزه زیارت و امور مرتبط با آن مورد توجه قرار گرفته است و آن دسته از سیاست‌هایی انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که به‌طور مستقیم به امر زیارت و زائر و نیز خدمات مرتبط با زیارت گردشگری مذهبی به‌ویژه در حرم مطهر رضوی پرداخته‌اند. بدیهی است که این سیاست‌ها با سایر سیاست‌های آستان قدس رضوی در بخش‌ها و مجموعه‌های مختلف نسبت نظام‌مند دارند.

۲. یافته‌ها

از تجزیه و تحلیل داده‌ها از مجموع اسناد سیاستی موجود و مصاحبه‌های انجام شده با متخصصان و مجریان بر اساس سوالات محوری پژوهش، ۲ مضمون (تم اصلی) و در نسبت با این مضامین نیز ۸ مقوله محوری، ۶۰ زیرمقوله و ۲۷۵ کد رمز به دست آمد که خلاصه آن در جدول ذیل و شرح آن در ادامه بیان می‌شود.

موضوع اصلی	مقوله	زیر مقوله
وضعیت موجود سیاست‌های آستان قدس در حوزه زیارت	ساختار موجود سیاست گذاری و اجرا	دسته بندی کارکردی مجموعه‌ها در ساختار جدید و ایجاد ۵ سازمان محوری در ارائه خدمات به زائران به طور مستقیم و غیرمستقیم
		محوریت زیارت و مشروعیت یافتن همه دستگاه‌ها در خدمت به حرم و امر زیارت
		برنامه محوری در نسبت با چشم انداز ده ساله

مسئله زیارت از مبدأ تا مبدأ	موضوعات و خدمات مورد توجه در سیاست های زیارت تمهید شرایط مطلوب و (تسهیل و تعالی زیارت)	وضعیت موجود سیاست های آستان قدس در حوزه زیارت
اثر بخشی زیارت و تداوم ارتباط با زائران		
تحقق زیارت با معرفت و ارتقای آداب و مناسک آن		
زمینه سازی در تولید و ترویج محصولات فرهنگی هنری در قالب سوغات زائر		
معرفی میراث علمی و فرهنگی رضوی		
بهره گیری از ظرفیت ها و خدمات فرهنگی، هنری و علمی و رسانه ای در جهت نشر معارف و سیره رضوی و عمق بخشی به ارتباط زائران با ایشان		
مرجعیت علمی و فرهنگی در حوزه زیارت		
نظم و هماهنگی در ارائه خدمات به زائران		
تسهیل و بهبود ارتباطات و تعامل با زائران در ارائه مؤثر خدمات به ایشان		
تأمین امنیت زائران		
سامان دهی وقف و نذر		
محوریت کارکردهای زیارتی و نیازهای زائر در طراحی و نوسازی		
حفظ و حراست از میراث تاریخی ابنیه و معماری		
تعامل و بهره گیری از مشارکت سایر سازمان های مرتبط به ویژه در ارتقای فرهنگ میزبانی		
ارائه خدمات رفاهی و درمانی به زائران		
بهینه سازی فرایندها و افزایش بهره وری و ارزش آفرینی		
نیاز محوری در تعریف و ارائه خدمات به زائران		
تعامل و نقش آفرینی مؤثر بین المللی		
کاهش تصدی گری و مشارکت افزایی مردم در خدمات زیارت و محرومیت زدایی		

تسهیلات و خدمات رفاهی مناسب برای زائرین در حرم	نقاط قوت سیاست های موجود	وضعیت موجود سیاست های آستان قدس در حوزه زیارت
توجه به خدمت رسانی به محرومین و مستضعفین		
همگامی و همگرایی بیشتر مجموعه ها در ارائه خدمات		
سرمایه اجتماعی مناسب و مردمی سازی خدمت		
تعامل مناسب و مشارکت افزایشی سایر سازمان ها در خدمات		
تجربه و قوت سیاستی و برنامه های روزافزون آستان در حوزه زیارت		
غفلت از ظرفیت ها و فرصت های اقتصادی زیارت	خا لاه ها و ضعف های سیلستی	
غفلت و ضعف در تولید و عرضه متنوع سوغات زائر		
عدم امتداد زیارت و خدمات آن در زمان و مکان		
ضعف فرهنگ میزبانی		
نبود مخاطب شناسی دقیق و جامع در نسبت با گروه های مختلف زائران در سیاست ها و ارائه خدمات		
تفکیک میان زیارت و گردشگری و عدم ایجاد همگرایی میان سیاست ها و خدمات		
موازی کاری و ضعف همگرایی و هم افزایشی در خدمات زیارت		
ضعف بهره وری (کارایی و اثربخشی) ظرفیت های علمی و فرهنگی		
ناهماهنگی و تعارض در بافت پیرامونی حرم با زیارت	آسیب ها و تهدیدها	
تصویرسازی های منفی رسانه ای		
چالش سلامت زائرین		
تهدید امنیت زائران		
خطر تحمیل تدریجی روح گردشگری بر زیارت		
تشریفاتی و تجملاتی شدن زیارت		

موقعیت و جایگاه بی نظیر آستان قدس و مشهدالرضا	فرصت‌ها	وضعیت موجود سیاست‌های آستان قدس در حوزه زیارت
گنجینه میراث فرهنگی و هنری در اتصال با زیارت		
فرصت ارتباطات زیارت		
ظرفیت همگرایی زیارت و گردشگری		
بر خور داری از بسترها و زیرساخت های متنوع ارائه خدمت		
ایجاد همگرایی میان گردشگری و زیارت و بهره گیری از ظرفیت‌های گردشگری در امتداد زیارت	الزامات، ضرورت‌ها و اولویت‌های سیاستی	وضعیت مطلوب سیاست‌های آستان قدس در حوزه زیارت
حفظ هسته معنایی زیارت و بسط آن در خدمات حرم و شهر زیارتی		
بهره گیری مؤثر از ظرفیت های بین المللی و گسترش خدمات و ارتباطات زیارت در سطح بین الملل		
گسترش خدمات زیارت از مبدأ و از لحظه قرار گرفتن در مسیر زیارت		
تقویت فرهنگ خدمت و میزبانی و تعالی ارتباطات انسانی در سیاست گذاری‌ها		
تصویرسازی مثبت از زیارت و خدمات آن در شهر زیارتی		
نیاز به مشارکت هر چه بیشتر مردمی و سازمانی در خدمات		
شکل گیری حلقه های تخصصی اندیشه ورز در مسئله شناسی و اولویت یابی مسائل، سیاست‌ها و خدمات حوزه زیارت		
معرفت افزایی و تعمیق و بسط تجربه زیارت و ارتباط با مزور در عرصه های مختلف زندگی (فکری، اعتقادی، سیاسی و...)		
مخاطب شناسی دقیق (شناخت گروه های مختلف زائران از اقوام و ملل) در سیاست گذاری و ارائه خدمات متناسب با ایشان		

رشد کمی و کیفی نیروی انسانی آستان	الزامات، ضرورت‌ها و اولویت‌های سیاستی	وضعیت مطلوب سیاست‌های آستان قدس در حوزه زیارت
شناخت و فعال سازی مزیت‌های آستان در ارائه خدمت		
تقویت آثار ماندگار زیارت		

مضمون اصلی اول ناظر به «وضعیت موجود سیاست‌های آستان قدس در حوزه زیارت» است که بر اساس داده‌های به دست آمده از تحلیل اسناد و مصاحبه‌ها، شش مقوله محوری «ساختار موجود سیاست‌گذاری و اجرا»، «موضوعات و خدمات مورد توجه در سیاست‌های زیارت (تمهید شرایط مطلوب و تسهیل و تعالی زیارت)» و «نقاط قوت سیاست»، «ضعف‌ها و خلأهای سیاستی»، «فرصت‌ها» و «آسیب‌ها و تهدیدها» در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در زیارت و گردشگری مذهبی را دربر می‌گیرد.

مقوله محوری اول (ساختار موجود سیاست‌گذاری و اجرا) در قالب زیرمقوله‌های به دست آمده ذیل قابل توضیح است:

- دسته‌بندی کارکردی مجموعه‌ها در ساختار جدید و ایجاد ۵ سازمان محوری در ارائه خدمات به زائران به طور مستقیم و غیرمستقیم (سازمان حرم که متولی اصلی حوزه زیارت و خدمات به زائران است، سازمان علمی و فرهنگی که خدمات علمی و فرهنگی را در سطح ملی و بین‌المللی پی می‌جوید، بنیاد کرامت رضوی با هدف خدمت به محرومان، بنیاد بهره‌وری موقوفات که به دنبال سامان بخشی و بهره‌برداری مؤثر از موقوفات به منظور پشتیبانی مالی مجموعه‌هاست و سازمان مرکزی آستان قدس رضوی که نقش ستادی را نسبت به حوزه‌های مختلف ایفا می‌کند)

- محوریت زیارت و مشروعیت یافتن همه دستگاه‌ها در خدمت به حرم و امر زیارت: زیارت در برابر گردشگری در سیاست‌ها و خدمات موجود آستان اصالت دارد و تلاش می‌شود خدمات و کالبد درونی و بیرونی حرم مطهر رضوی در نسبت با تسهیل و تعالی زیارت سامان یابد.

• برنامه محوری در نسبت با چشم‌انداز ۱۰ ساله: در وضعیت موجود تلاش شده چشم‌اندازی ۱۰ ساله برای سیاست‌های حوزه زیارت در نظر گرفته شده و تنظیم سه سالانه برنامه‌های هر حوزه و متعاقباً پایش مستمر آن‌ها دنبال شود.

موضوعات و خدمات مورد توجه در سیاست‌های موجود زیارت به‌طور کلی ناظر بر تمهید شرایط مطلوب و تسهیل و تعالی زیارت است که بر اساس تحلیل سیاست‌های موجود و مصاحبه‌های انجام شده، مقولات ذیل در نسبت با زیارت در آن برجسته شده است:

• مسئله زیارت از مبدأ تا مبدأ: پیگیری تسهیل زیارت از مبدأ تا مبدأ و تلاش برای استمرار زیارت در سیاست‌های موجود به‌ویژه در قالب ارائه خدمات متنوع به زائر در مسیر زیارت، از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر در سیاست‌ها برجسته شده است.

• اثربخشی زیارت و تدوام ارتباط با زائران که بر گسترش دامنه اثربخشی زیارت و حفظ استمرار و تدوام در ارتباط با زائران در قالب برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت فرهنگی تأکید دارد.

• تحقق زیارت با معرفت و ارتقای آداب و مناسک آن؛ در سیاست‌های موجود آستان توجه به ارتقای فرهنگ و آداب زیارت، پیگیری مضامین اعتقادی و معرفتی، تبلیغ و ترویج معارف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) خاصه معارف رضوی، برگزاری و ارتقای مناسک و مراسم حضوری مذهبی و ... پررنگ است که این همه در واقع «تحقق زیارت با معرفت و ارتقای آداب و مناسک آن» را پی می‌جوید.

• زمینه‌سازی در تولید و ترویج محصولات فرهنگی هنری در قالب سوغات زائر.

• معرفی میراث علمی و فرهنگی رضوی که به‌طور خاص به صیانت، فرآوری و بهره‌برداری موثر از ذخایر علمی و گنجینه‌های فرهنگی و هنری آستان قدس اشاره دارد.

• بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و خدمات فرهنگی، هنری و علمی و رسانه‌ای در جهت نشر معارف و سیره رضوی و عمق‌بخشی به ارتباط زائران با ایشان.

- مرجعیت علمی و فرهنگی در حوزه زیارت؛ دستیابی به مرجعیت علمی و فرهنگی بین‌المللی در سیر و معارف رضوی، زیارت، وقف و نذر.
- نظم و هماهنگی در ارائه خدمات به زائران؛ آرامش، آراستگی، نظم و افزایش کیفیت خدمات حرم و انسجام و هماهنگی در خدمت‌رسانی به زائران از جمله مسائلی است که در طول سالیان متمادی مورد توجه سیاست‌گذاران و مجریان بوده است.
- تسهیل و بهبود ارتباطات و تعامل با زائران در ارائه مؤثر خدمات به ایشان؛ این ریزمقوله ناظر به شفافیت و پاسخگویی به زائران، دسترسی آسان و بهنگام به اطلاعات برنامه‌های مذهبی و فرهنگی حرم و در مجموع تسهیل ارتباط و انتقال انتقادهای و پیشنهادهای زائران به مسئولان مربوط است.
- تأمین امنیت زائران؛ توجه به امنیت زائران در قالب راه‌اندازی حفاظت حرم و سایر تمهیدات مقتضی از جمله مسائلی است که در سال‌های اخیر تقویت شده است.
- سامان‌دهی وقف و نذر که ناظر به ترویج فرهنگ وقف و نذر، افزایش جذب هدفمند وقف و نذر و شناسایی و ایجاد ظرفیت‌های وقفی جدید متناسب با نیازهای آستان است.
- محوریت کارکردهای زیارتی و نیازهای زائر در طراحی و نوسازی: این ریزمقوله بیش از هر چیز به تأکید بر بهبود بهره‌وری، توسعه کیفی و تحول فضاهای موجود با کارکرد زیارتی (در خدمت به زائران) و اولویت‌بندی کاربری فضاهای حرم بر اساس نوع خدمت به زائر و تعالی زیارت اشاره دارد.
- حفظ و حراست از میراث تاریخی ابنیه و معماری: حفظ اصالت و هویت تاریخی هنری و معنوی حرم مطهر رضوی در نوسازی‌ها و حفاظت از گنجینه معماری موجود، مسئله مهمی است که در امتداد حکم رهبر انقلاب اسلامی به تولیت آستان قدس رضوی، در سیاست‌های جدید این آستان نیز بازتاب داشته است.
- تعامل و بهره‌گیری از مشارکت سایر سازمان‌های مرتبط به‌ویژه در ارتقای فرهنگ میزبانی.

• ارائه خدمات رفاهی و درمانی به زائران: ارائه تسهیلات زیارت در قالب خدمات غنی سازی اوقات فراغت زنان، جوانان و نوجوانان زائر و مجاور، خدمات اسکان و استراحت، خدمات درمانی، غذا و بسته های متبرک و ... به طور متداول مورد توجه آستان قدس قرار دارد.

• بهینه سازی فرایندها و افزایش بهره وری و ارزش آفرینی: این ریزمقوله بیش از هر چیز به کیفی گرایی در برنامه ها و خدمات اشاره دارد و مسئله توجه به کیفیت مدیریت و فرایندهای مدیریتی در سیاست ها، طراحی و استقرار نظام شایستگی و استاندارد سازی و بهینه سازی فرایندها و خدمات ارزش آفرین را در بر می گیرد.

• نیازمحوری در تعریف و ارائه خدمات به زائران: توجه به نیازهای اقشار و گروه های مختلف زائران در طراحی و اجرای برنامه ها و در کل مسئله محوری و نیازمحوری در خدمات زیارت ضرورتی است که در وضعیت موجود سیاست های آستان نیز برجسته شده است.

• تعامل و نقش آفرینی مؤثر بین المللی: در سیاست های موجود آستان در حوزه زیارت، تمرکز بر برنامه ها و اولویتهای مشترک با کشورهای اسلامی با محوریت کشورهای برخوردار از بیشترین زائر در مشهد مقدس به ویژه ارتباط و تعامل هم افزا با اعتبار مقدسه و مزارات جهان اسلام و در کل گسترش خدمات در سطح بین الملل مانند رویدادهای بین المللی و ... مورد تأکید قرار گرفته است.

• کاهش تصدیگری و مشارکت افزایشی مردم در خدمات زیارت و محرومیت زدایی: این ریزمقوله از تأکیدات سیاست ها بر مردمی سازی خدمت و ایجاد فرصت ها و اشکال خدمتی جدید به منظور مشارکت افزایشی تشکلهای مردمی در خدمات مذهبی و فرهنگی زیارت و همچنین جهت بخشی، همگرا و هم افزا کردن ظرفیتهای مردمی در خدمت به زائران و مجاوران به ویژه نیازمندان برگرفته شده است که ذیل آن در نهایت گسترش و ارتقای فرهنگ میزبانی و مجاوری با بهره گیری از ظرفیتهای مردمی دنبال می شود.

علاوه بر محورهای موضوعی و خدماتی برجسته شده در وضعیت موجود، تحلیل این وضعیت نیز در مصاحبه های انجام شده با کارشناسان و کارگزاران مربوطه مورد توجه قرار

گرفت که زیرمقوله‌های آن به تفکیک ذیل چهار مقوله محوری «نقاط قوت سیاست»، «ضعف‌ها و خلأهای سیاستی»، «فرصت‌ها» و «آسیب‌ها و تهدیدها» دسته‌بندی شد:

زیرمقوله‌های به دست آمده در نسبت با نقاط قوت وضعیت موجود عبارتند از:

- تسهیلات و خدمات رفاهی مناسب برای زائران در حرم: آستان قدس رضوی ضمن زیرساخت‌های متنوع خدمت به زائران از کیفیت بالایی در ارائه خدمات و فضاهای خدماتی در مقایسه با سایر آستان‌های مقدسه برخوردار است.

- توجه به خدمت‌رسانی به محرومین و مستضعفین: محرومیت‌زدایی و توجه به ارائه خدمات اجتماعی به اقشار نیازمند زائر و مجاور از جمله نقاط قوتی است که ویژه در چند سال اخیر تقویت شده است.

- همگامی و همگرایی بیشتر مجموعه‌ها در ارائه خدمات: طبق ادعای کارشناسان مرتبط، در نسبت با دوره‌های گذشته، همگرایی بیشتری در سیاست‌ها و یکپارچگی بیشتری در خدمات حوزه زیارت صورت گرفته است.

- سرمایه اجتماعی مناسب و مردمی‌سازی خدمت: برخورداری آستان از سرمایه اجتماعی و حس تعلق مردمی و حرکت آن به سمت الگوی اجتماعی و مردمی خدمات‌دهی در برابر سازمانی و حکومتی شدن از جمله نقاط قوت خدمات حوزه زیارت در این آستان است که به‌ویژه در قالب خادمیاری تبلور یافته است.

- تعامل مناسب و مشارکت افزایی سایر سازمان‌ها در خدمات: این مقوله به شکل‌گیری ارتباطات بین سازمانی خوب و بهره‌گیری از مشارکت‌ها سایر مجموعه‌ها به ویژه بقاع و سایر آستان‌های مقدسه در سال‌های اخیر و انجام برخی برنامه‌های مشترک، اشاره دارد.

- تجربه و قوت سیاستی و برنامه‌ای روزافزون آستان در حوزه زیارت: آستان قدس رضوی از صبغه ارزشمندی در برنامه‌ریزی و راهبری و مدیریت حوزه زیارت برخوردار است. وجود نگاه سیاست‌گذارانه و برنامه‌محور به بحث زیارت، کیفی شدن تدریجی و علمی بودن

سیاست‌ها ضمن بهره‌گیری از ظرفیت مشاوران علمی در سطح ملی حکایت از این نقطه قوت ارزشمند در وضعیت موجود سیاست‌های آستان دارد.

ضعف‌ها و خلأهای سیاستی موارد ذیل را در برمی‌گیرد:

- غفلت از ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی زیارت: این ضعف به خلأ برنامه‌ریزی به‌ویژه از حیث اقتصادی و درآمدزایی و اولویت نداشتن تولید ثروت در حرم مطهر و... اشاره دارد.

- غفلت و ضعف در تولید و عرضه متنوع سوغات زائر: ضعف عملکرد آستان در شناسایی و تمرکز بر مزیت‌های نسبی مربوط به خود مانند سوغات و محصولات فرهنگی، ضعف در تولید و عرضه سوغات متصل به امر قدسی و زیارت، غفلت از تولید سوغات متنوع مربوط به حرم متناسب با طبقات و گروه‌های مختلف زائران و در کل کم توجهی به نقش مؤثر سوغات در رشد گردشگری مذهبی، حکایت از این ضعف دارند.

- عدم امتداد زیارت و خدمات آن در زمان و مکان: توجه غالب به مقصد و غفلت از مسیر زیارت و کم توجهی به آثار زیارت موجب عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های اتصال با زائر و گردشگر و تداوم ارتباط با وی در طول سال و حتی غفلت از محیط پیرامونی حرم، شهر زیارتی و رهاشدگی بیرون حرم در ارائه خدمات به زائران شده است.

- ضعف فرهنگ میزبانی: ضعف فرهنگ میزبانی و اصالت درآمدزایی در اطراف حرم که به‌ویژه در رفتار برخی کسبه جلوه‌گر شده است.

- نبود مخاطب‌شناسی دقیق و جامع در نسبت با گروه‌های مختلف زائران در سیاست‌ها و ارائه خدمات: نبود سرمایه‌گذاری لازم در کسب اطلاع و شناخت گروه‌های مختلف زائران: فقدان اطلاعات دقیق از زائران و نبود گزارش جامع و سیستمی برای پایش زائران و فهم نیازها، رفتارها و تجارب ایشان و در نتیجه سلیقه‌ای شدن سیاست‌ها و اکتفا به تجارب شخصی و اطلاعات ناقص، این ضعف را برجسته می‌سازد.

• تفکیک میان زیارت و گردشگری و ایجاد نشدن همگرایی میان آن‌ها در سیاست‌ها و خدمات: تناقض انگاری و انفکاک زیارت و گردشگری به عنوان انگاره‌ای ذهنی در ذهن برخی مسئولان و حتی نبود وفاق در نسبت زیارت و گردشگری در اندیشه سیاست‌گذاران و مجریان، به دنبال خود تفکیک میان زیارت و گردشگری در ساختار اداری و اجرایی و نبود همگرایی در سیاست‌های آن‌ها را به دنبال داشته است، حال آنکه در واقعیت‌های رفتاری فرهنگ ایرانی ما شاهد عدم تفکیک‌پذیری آن هستیم. این امر به نوبه خود موجب عدم الهام گردشگری از حرم و زیارت و ضعف در طرح و تحقق کارکردهای گردشگری در امتداد زیارت و متقابلاً تناقض فزاینده کارکردهای گردشگری و زیارت در شهر مشهد شده است.

• موازی کاری و ضعف همگرایی و هم‌افزایی در خدمات زیارت: این ضعف ناظر به تقسیم نشدن کار روشن بین مراجع اصلی زیارت و موازی کاری و فقدان هماهنگی مؤثر بین آن‌ها طرح شده که برآمده از فقدان مدیریت هدفمند و هم‌افزا در اقتصاد زیارت و گردشگری مذهبی شهر مشهد و نبود سرمایه‌گذاری جدی در این حوزه است.

• ضعف بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) ظرفیت‌های علمی و فرهنگی: غفلت از ارزش افزوده‌های تاریخی فرهنگی در قالب شخصیت‌ها، گروه‌ها و فرقه‌های دینی در نسبت با حضرت رضا (علیه السلام)، فعال‌سازی نشدن ظرفیت معنایی، معرفتی و علمی زیارت در ارائه خدمات به زائران، عدم بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های زیرساختی علمی، فرهنگی، اقتصادی، درمانی و ... ذیل ضعف بهره‌وری مورد انتظار (کارایی و اثربخشی) ظرفیت‌های علمی و فرهنگی این آستان عظیم، قابل ذکر است.

آسیب‌ها و تهدیدهای مورد اشاره در مصاحبه‌ها، در ریز مقولات دسته‌بندی شدند:

• ناهماهنگی و تعارض در بافت پیرامونی حرم با زیارت: بی‌توجهی به مفاهیم و روح زیارت و بسط آن در بافت پیرامونی حرم و فضای کالبدی شهر موجب تعارض جدی بافت شهری با حرم مطهر رضوی شده و انحراف شهرسازی از محوریت این مکان مقدس شده است که خود حکایت از غلبه نوعی سوداگری اقتصادی در توسعه شهر زیارتی مشهد دارد. مسئله‌ای که در غلبه هتل‌های لوکس و مجتمع‌های تجاری مدرن بر فضای بصری

اطراف حرم مشهود است.

• تصویرسازی‌های منفی رسانه‌ای: هجمله‌های تبلیغاتی منفی و مغرضانه علیه آستان قدس رضوی و نادیده گرفته شدن خدمات آن در کنار گسترش تصاویر منفی از قبیل عقب‌ماندگی، تحجرگرایی و ... از شهر زیارتی مشهد و مناسبات اجتماعی آن در رسانه‌های معارض، از جمله تهدیداتی است که نه تنها ممکن است ذهنیت زائران و گردشگران، بلکه رفتارها و نوع مواجهه و تعاملات آن‌ها را نیز جهت دهد.

• چالش سلامت زائران: حفظ سلامت زائران به ویژه در دو سال اخیر و با گسترش بیماری‌های فراگیری مثل کرونا و انتشار سریع آن به چالش مهمی تبدیل شده است. در عین حال که چالش رعایت نکردن مسائل بهداشتی از سوی برخی گروه‌های زائران در حرم همواره وجود داشته است.

• تهدید امنیت زائران: گسترش گروه‌های تکفیری و افراطی‌گری برخی فرقه‌های مذهبی که امنیت جانی و روانی را هدف گرفته‌اند در کنار مسائل غیراخلاقی برخی افراد در حرم مطهر رضوی مانند بدپوششی‌ها و جلوه‌گری‌های جنسی، شوخی‌های ناپه‌نجار و ... که امنیت اخلاقی، معنوی و فرهنگی را خدشه‌دار می‌سازند، جلوه‌های مختلفی از تهدید امنیت زائران هستند.

• خطر تحمیل تدریجی روح گردشگری بر زیارت: غفلت از به خدمت گرفتن ظرفیت‌های گردشگری در امتداد زیارت، آسیب‌هایی چون تقلیل وجه قدسی و معنوی زیارت به وجه مادی گردشگری، تبدیل شدن زیارت به یک امر تفریحی و سرگرمی و پررنگ شدن لذت و فراغت در آن و غلبه روح سرمایه‌داری گردشگری و تهی شدن از خدمت را به دنبال خواهد داشت که جملگی حکایت از خطر تحمیل تدریجی روح گردشگری بر زیارت دارد.

• تشریفاتی و تجملاتی شدن زیارت: این آسیب کاملاً در ارتباط با ریزمقوله پیشین و تحمیل روح گردشگری بر زیارت است. مسئله تجملاتی شدن خدمات زیارت در اطراف

حرم و تخصیص غالب آن به قشرهای پردرآمد در مقایسه با امکانات کم برای زائران کم‌برخوردار، محدود شدن به تشریفات، بسط فیزیکی و نشانه‌های مادی با شکوه در حرم و خطر تبدیل شدن تدریجی زیارت به یک امر با شکوه مجلل اشاره به آسیب تشریفاتی و تجملاتی شدن زیارت دارد.

همچنین بر اساس تحلیل داده‌های مصاحبه‌های انجام شده، فرصت‌های موجود در برابر سیاست‌گذاری و ارائه خدمات آستان قدس رضوی در حوزه زیارت و گردشگری شامل موارد ذیل است:

- موقعیت و جایگاه بی‌نظیر آستان قدس و مشهدالرضا: که به ویژگی منحصر به فرد وجود حضرت رضا (علیه السلام) به عنوان عالم آل محمد در مشهد و شرق جهان اسلام و اهمیت استراتژیک مشهدالرضا (علیه السلام) در کشور و منطقه اشاره دارد.

- گنجینه میراث فرهنگی و هنری در اتصال با زیارت: ظرفیت بی‌نظیر معماری، هنر، موزه‌ها، نسخ خطی، ادبیات، مشاهیر و... بالجمله حمایت از فرصت بی‌نظیر گنجینه میراث فرهنگی و هنری در اتصال هر چه بیشتر با زیارت و انتقال مفاهیم محوری آن دارد.

- فرصت ارتباطات زیارت: تشرف سالانه گروه‌های مختلف زائرین ایرانی و غیرایرانی از اقوام و فرهنگ‌های مختلف در بستر زیارت، فرصتی ارزشمند در شکل‌گیری تعاملات و گفت‌وگوی میان فرهنگی (و حتی گفت‌وگوی بین ادیان و مذاهب) و به اشتراک‌گذاری افکار و اندیشه‌ها و تبادل ایده‌ها و تجارب در مواجهه با مسائل نوپدید فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه نشر و گسترش معارف و فرهنگ رضوی فراهم می‌آورد.

- ظرفیت همگرایی زیارت و گردشگری: امکان همگرایی گردشگری و زیارت، فرصتی مهم در بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و میان فرهنگی گردشگری در انتقال مضامین زیارت و تحقق غایات معنوی آن فراهم می‌آورد.

- برخورداری از بسترها و زیرساخت‌های متنوع ارائه خدمت: وجود بسترهای گسترش خدمات متنوع فرهنگی و رفاهی بسیار فراتر از حرم مطهر رضوی و نیز برخورداری آستان

قدس رضوی از مزیت‌های نسبی مادی و معنوی فراوان مانند مدارس، دانشگاه‌ها، میقات‌الرضاها و... فرصت‌های متنوعی در ارائه خدمات متصل به زیارت و نشر و گسترش مضامین آن فراهم آورده است.

مضمون اصلی دوم ناظر به «وضعیت مطلوب سیاست‌های آستان قدس رضوی در حوزه زیارت» است که با توجه به تأکیدات صورت گرفته در مصاحبه‌ها بر الزامات و اولویت‌های سیاستی، مقوله محوری «الزامات، ضرورت‌ها و اولویت‌های سیاستی» تقسیم شده‌اند که در مجموع ضمن اشاره به اولویت‌ها، به باید و نبایدهای سیاست‌گذاری زیارت و گردشگری مذهبی در وضعیت مطلوب اشاره دارد. این الزامات و اولویت‌ها در قالب ریز مقولات ذیل صورت بندی شده‌اند:

- ایجاد همگرایی میان گردشگری و زیارت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری در امتداد زیارت
- حفظ هسته معنایی زیارت و بسط آن در خدمات حرم و شهر زیارتی
- بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های بین المللی و گسترش خدمات و ارتباطات زیارت در سطح بین الملل
- گسترش بیش از پیش خدمات زیارت از مبدأ و از لحظه قرار گرفتن در مسیر زیارت
- تقویت فرهنگ خدمت و میزبانی و تعالی ارتباطات انسانی در سیاست‌گذاری‌ها
- تصویرسازی مثبت از زیارت و خدمات آن در شهر زیارتی
- نیاز به مشارکت هر چه بیشتر مردمی و سازمانی در خدمات زیارت و گردشگری مذهبی
- شکل‌گیری حلقه‌های تخصصی اندیشه‌ورز در مسئله‌شناسی و اولویت‌یابی مسائل، سیاست‌ها و خدمات حوزه زیارت
- معرفت‌افزایی و تعمیق و بسط تجربه زیارت و ارتباط با مزور در عرصه‌های مختلف

زندگی (فکری، اعتقادی، سیاسی و ...)

- مخاطب‌شناسی دقیق (شناخت گروه‌های مختلف زائران از اقوام و ملل) در سیاست‌گذاری‌ها، تعریف ارائه خدمات متناسب با گروه‌های مختلف مخاطبان
- رشد و ارتقای کمی و کیفی نیروی انسانی آستان قدس رضوی
- شناخت و فعال‌سازی مزیت‌ها و ارزش افزوده‌های آستان قدس در ارائه خدمت زیارت و گردشگری مذهبی
- تقویت بیش از پیش آثار ماندگار زیارت بر مخاطب میلیونی

۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش با توجه به خلأ مطالعات سیاست‌پژوهی زیارت و گردشگری مذهبی در ایران به‌ویژه در آستان‌ها و اعتبار مقدسه، به مطالعه و تحلیل سیاست‌های آستان قدس رضوی در حوزه گردشگری مذهبی و زیارت پرداخته شد. مطالعه وضعیت موجود حکایت از آن داشت که نه تنها مسئله گردشگری مذهبی در سیاست‌های آستان قدس رضوی مورد توجه قرار نگرفته است، بلکه هیچ نسبتی میان گردشگری و زیارت در این سیاست‌ها برقرار نشده است.

در سیاست‌های آستان قدس رضوی امر زیارت و خدمات معطوف به آن محوریت دارد و همه دستگاه‌ها در خدمت به حرم و امر زیارت مشروعت می‌یابند. در همین نسبت عمده سیاست‌های آستان گزاره‌هایی را مطرح کرده‌اند که مسائل و موضوعات ذیل در آن برجسته است: مسائلی از قبیل زیارت از مبدأ تا مبدأ، اثربخشی زیارت و تداوم ارتباط با زائران، تحقق زیارت با معرفت و ارتقای آداب و مناسک آن، زمینه‌سازی در تولید و ترویج محصولات فرهنگی هنری در قالب سوغات زائر، معرفی میراث علمی و فرهنگی رضوی، بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و خدمات فرهنگی، هنری و علمی و رسانه‌ای در جهت نشر معارف

و سیره رضوی و عمق بخشی به ارتباط زائران با ایشان، مرجعیت علمی و فرهنگی در حوزه زیارت، نظم و هماهنگی در ارائه خدمات به زائران، تسهیل و بهبود ارتباطات و تعامل با زائران در ارائه مؤثر خدمات به ایشان، تأمین امنیت زائران، سامان‌دهی وقف و نذر، محوریت کارکردهای زیارتی و نیازهای زائر در طراحی و نوسازی، حفظ و حراست از میراث تاریخی ابنیه و معماری، تعامل و بهره‌گیری از مشارکت سایر سازمان‌های مرتبط به ویژه در ارتقای فرهنگ میزبانی، ارائه خدمات رفاهی و درمانی به زائران، بهینه‌سازی فرایندها و افزایش بهره‌وری و ارزش‌آفرینی، نیازمحوری در تعریف و ارائه خدمات به زائران، تعامل و نقش‌آفرینی مؤثر بین‌المللی و کاهش تصدیگری و مشارکت افزایی مردم در خدمات زیارت و محرومیت زدایی.

مهم‌ترین خلأ و ضعف که می‌تواند در واقعیت اجتماعی به یک تهدید تبدیل شود، تفکیک میان گردشگری و زیارت و ضدیت بخشی به آن‌ها در ذهنیت سیاست‌گذاران و مجریان است که موجب عدم همگرایی زیارت و گردشگری در واقعیت امر و در میدان اجرا به عنوان یک کلان مسئله شده است. بی‌توجهی به گردشگری به عنوان یک فرصت در امتداد زیارت و نادیده گرفتن زیارت به عنوان بستری برای رشد گردشگری مذهبی و اعتلای معنوی گردشگر-زائر در جهت امر قدسی زیارت، در واقعیت میدانی توسعه فضاها و خدمات شهری، اثری معکوس به جا گذاشته است؛ آنچنان که در کلان شهر زیارتی مشهد به مرور شاهد آسیب غلبه روح سرمایه‌داری گردشگری و تهی شدن از خدمت و غلبه سوبه‌های سرگرمی و لذت بر امر زیارت هستیم. رشد نامتوازن بافت شهری، عدم برجسته بودن فرهنگ میزبانی، توزیع نابرابر خدمات و ... از جمله تبعات این غفلت در حوزه سیاست‌گذاری و اجراست. از این روست که این مسئله همگرایی زیارت و گردشگری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری در امتداد هسته معنایی زیارت، نه تنها به عنوان یک فرصت بلکه به عنوان یک ضرورت و اولویت نیز طرح شده است.

در کنار این اولویت مهم، در این پژوهش به منظور مشخص شدن ابعاد کلی وضعیت مطلوب بر اساس نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای ترسیم شده، نقش‌آفرینی مطلوب آستان قدس رضوی در قالب الزامات و اولویت‌های به دست آمده از مصاحبه

با متخصصان و کارگزاران مربوطه، تشریح شد؛ حفظ هسته معنایی زیارت و بسط آن در خدمات حرم و شهر زیارتی، بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های بین‌المللی و گسترش خدمات و ارتباطات زیارت در سطح بین‌المللی، گسترش خدمات زیارت از مبدأ و از لحظه قرار گرفتن در مسیر زیارت، تقویت فرهنگ خدمت و میزبانی و تعالی ارتباطات انسانی در سیاست‌گذاری‌ها، تصویرسازی مثبت از زیارت و خدمات آن در شهر زیارتی، نیاز به مشارکت هرچه بیشتر مردمی و سازمانی در خدمات، شکل‌گیری حلقه‌های تخصصی اندیشه‌ورز در مسئله‌شناسی و اولویت‌یابی مسائل، سیاست‌ها و خدمات حوزه زیارت، معرفت‌افزایی و تعمیق و بسط تجربه زیارت و ارتباط با مزور در عرصه‌های مختلف زندگی (فکری، اعتقادی، سیاسی و ...)، مخاطب‌شناسی دقیق (شناخت گروه‌های مختلف زائران از اقوام و ملل) در سیاست‌گذاری و ارائه خدمات متناسب با ایشان، رشد کمی و کیفی نیروی انسانی آستان، شناخت و فعال‌سازی مزیت‌های آستان در ارائه خدمت و تقویت آثار ماندگار زیارت، ضرورت‌ها و اولویت‌های شایان توجه در وضعیت مطلوب را تشکیل می‌دهند.

روشن است که مطالعه انجام شده گامی اولیه در سیاست‌پژوهی حوزه زیارت و گردشگری مذهبی به‌ویژه در آستان‌های مقدسه است. از این‌رو، مطالعات تکمیلی متنوع و مختلفی برای تقویت مبانی نظری سیاست‌ها و صورت‌بندی نظریه‌سیاستی مطلوب برای آستان‌های مقدسه و اماکن مذهبی در حوزه زیارت و گردشگری مذهبی و همچنین ارزیابی انتقادی سیاست‌های این حوزه ضرورت می‌یابد. پیشنهادهای مختلفی برای انجام مطالعات تکمیلی در حوزه سیاست‌گذاری گردشگری مذهبی و زیارت به‌ویژه در اعتبار و آستان‌های مقدسه قابل طرح است که در پایان به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- واکاوی نسبت میان زیارت و گردشگری و مطالعه ظرفیت‌های همگرایی زیارت و گردشگری در بعد سیاست‌گذاری و اجرای خدمات گردشگری و زیارت.
- مطالعه تطبیقی بین سیاست‌های اعتبار و آستان‌های مقدسه کشورهای اسلامی در حوزه گردشگری مذهبی و همچنین مراکز دینی بین‌المللی مثل واتیکان.
- مطالعات تاریخی و روندپژوهانه سیاست‌ها و خدمات آستان‌های مقدسه در حوزه زیارت

و گردشگری مذهبی به ویژه در سدهٔ معاصر و در نسبت با تحولات فکری، فرهنگی و سیاسی صورت گرفته در جامعهٔ ایرانی (کیفیت بازتاب سیاست‌های حاکمیت در طول تاریخ بر سیاست‌ها و خدمات حوزهٔ زیارت و گردشگری مذهبی در آستان‌های مقدسه و مراکز مذهبی مرتبط) و

• مطالعات آینده‌پژوهانه ناظر به مسائل و چالش‌های آینده زیارت و گردشگری مذهبی به ویژه در شهر زیارتی مشهد.

منابع و مآخذ

- الوانی، سیدمهدی؛ شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۸۷). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی». پژوهش. سال سوم. شماره دوم. صص: ۱۵-۴۴.
- باباپور لامعی، ندا. (۱۳۹۶). «نقش اماکن مذهبی در توسعه گردشگری مذهبی ایران (مطالعه موردی حسینیه اعظم زنجان)». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. موسسه آموزش عالی طلوع مهر.
- ثابت‌کردار، فرخ. (۱۳۹۶). «تحلیل نقش اماکن مذهبی در توسعه گردشگری (مطالعه موردی، استان گیلان)». پایان‌نامه کارشناسی. موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی.
- باقرنیا، آدین؛ احمدیان، رضا. (۱۳۹۳). *مبانی گردشگری فرهنگی*. تهران: انتشارات تیسرا.
- برهانی شهرستانی، محمدعلی. (۱۳۸۹). «زیارت امام رضا علیه السلام از دیدگاه فریقین». *سفیر نور*. شماره ۱۶. صص: ۱۵۷-۱۷۹.
- توانگر، معصومه؛ خاکسار آستانه، حمیده؛ رحمانی، فاطمه. (۱۳۹۱). «مدیریت گردشگری در شهرهای مذهبی زیارتی (بررسی تطبیقی مشهد و واتیکان)». *مطالعات گردشگری*. دوره اول. سال اول. شماره دوم. صص: ۱-۲۲.
- جلالی، رستم. (۱۳۹۱). «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی». *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*. سال اول. شماره ۴. صص: ۳۱۰-۳۲۰.
- ریدر، ایان. (۱۴۰۰). *زیارت*. ترجمه داریوش رضاپور. تهران: نشر سینا.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیحانی، اسرافیل و میردریگوندی، رحیم. (۱۳۹۳). «آثار روان‌شناختی زیارت در سلامت روانی و زندگی انسان». *معرفت*. شماره ۲۰۵. صص: ۱۳-۳۰.
- سقبای، مهدی؛ جوانبخت قهفرخی، زهره؛ مافی، عزت‌ا... (۱۳۹۱). «تحلیل نقش مراکز خرید در رابطه با گردشگری و زیارت در کلان‌شهرها (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد)». *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*. سال دوم. شماره هشتم. صص: ۷۷-۱۰۱.
- سیدمحسنی باغسنگانی، سیدمهدی. (۱۳۹۹). «طراحی سناریوهای سیاستی زیارت مشهد مقدس بر مبنای روش عدم قطعیت بحرانی». *فرهنگ رضوی*. سال هشتم. شماره ۱ (پیاپی ۲۹). صص: ۲۱۷-۲۳۹.
- شبابی، مهدی. (۱۳۹۰). «نقش مرقد امام خمینی (ره) در تحول گردشگری مذهبی شهر تهران». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۸۷). *مجمع البحرین*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان؛ شریعتی مزینانی، سعید؛ اعظم‌کاری، فائزه. (۱۳۹۱). «مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی شهر زیارتی پایدار، مورد مطالعه: شهر مشهد». *مطالعات اجتماعی ایران*. دوره ششم. شماره ۳ و ۴. صص: ۱۵۶-۳۱۳.
- غفاری، مهدی. (۱۳۹۵). «نقش اماکن مذهبی در توسعه گردشگری (مطالعه موردی: مسجد مقدس جمکران)». پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.

- لیندلف، تامس آر. و تیلور، بریایان سی. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*. ترجمه عبدالله گیویان. تهران: انتشارات همشهری.
- محمدپور، احمد. (۱۴۰۰). *ضد روش؛ زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. تهران: لوگوس.
- معاون، زهرا؛ موحد، مجید؛ طبعی، منصور. (۱۳۹۶). «معنایابی و گردشگری مذهبی: مطالعه مردم‌نگارانه». *جامعه‌پژوهشی فرهنگی*. سال هشتم. شماره ۴. صص: ۱-۳۲.
- ملکی، محمدحسن؛ خاشعی ورنامخواستی، وحید؛ فتحی، محمدرضا و صفاری‌نیا، مهدی. (۱۳۹۸). «آینده‌پژوهی گردشگری مذهبی استان قم با رویکرد سناریونگاری»، *گردشگری و توسعه*. دوره ۸. شماره ۳. صص: ۱۸۴-۲۰۵.
- نهادندی، مریم و نعمتی، سیده فاطمه. (۱۳۸۹). «تهدیدها و فرصت‌های گردشگری زیارت در ایران». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. دوره ۶. شماره ۲۰. صص: ۱۴۵-۱۷۲.
- نیکنام، کامبیز. (۱۳۹۳). «مقایسه دو مفهوم گردشگر و زائر». *منظر*. شماره ۲۹. صص: ۴۶-۵۱.

منابع اینترنتی

- هاشمی فشارکی، علیرضا. (۱۳۹۹). زیارت. مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. <https://cgie.org.ir/fa/>
- article/257537/زیارت.

منابع لاتین

- Fischer, Frank; Miller, Gerald J.& Sidney, Mara S. (2007). *Handbook of public policy analysis: Theory, politics and methods*, USA: CRC Press.
- Mansour, Ahmed M.E. (2011). Use of 'policy analysis' to improve the quality of policy-making by government and non-governmental organizations, *Verslo ir teisės aktualijos / Current Issues of Business and Law*, Vol. 6, No.183-159, 1.
- Raj, Razaq & Morpeth, Nigel D. (2007). *Religious tourism and pilgrimage festivals management: an international perspective*, CABI Publication.
- Raj, Razaq & Griffin, Kevin. (2015). *Religious tourism and pilgrimage management; An International Perspective*, CABI Publication.
- Walton, John, K. (2022). *Encyclopædia Britannica*, from <https://www.britannica.com/topic/tourism#ref302598>



بررسی ویژگی‌های فنی و محتوایی

قصیده حُرّ عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام)

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۰

حیدر محلاتی^۱

چکیده

محمد بن حسن حُرّ عاملی از علمای شیعه قرن یازدهم هجری و یکی از چهره‌های بزرگ روایی است که در نقل احادیث اهل بیت (علیهم السلام) مقام والایی دارد. وی در این خصوص کتاب «وسائل الشیعه» را تألیف کرد که در موضوع خود مرجع مهمی به شمار می‌آید. شیخ عاملی در علوم عقلی و نقلی صاحب نظر بود و تألیفات گران سنگی را از خود به یادگار گذاشته است. شهرت حُرّ عاملی در نقل احادیث بر سایر تألیفات او سایه افکند و دیگر آثار خود را تحت الشعاع این علم قرار داد. یکی از خلاقیت‌های هنری این عالم بزرگ طبع شعری اوست که در دیوان ۱۵ هزار بیت وی کاملاً متجلی است. مهم‌ترین موضوع دیوان حُرّ مدح و رثای خاندان نبوت است. نسخه خطی این دیوان سرشار از ذکر اهل بیت (علیهم السلام) است که با بیان زیبای شاعر سروده شده است. از آنجا که این دیوان تا کنون منتشر نشده، ضرورت معرفی و شناسایی محتوای ارزشمند این اثر دوچندان شده است. از میان صدها قصیده دینی و آیینی این دیوان تنها یک قصیده وجود دارد که مختص مدح امام رضا (علیه السلام) است. این سروده دارای نکات ارزشمندی است که بیان آن اهمیت ویژه‌ای دارد. این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی سعی می‌کند ویژگی‌های فنی این قصیده را شناسایی و محتوای روایی و ادبی آن را تحلیل کند. یکی از نتایج این پژوهش شناخت بُعد استدلالی شاعر در به‌کارگیری دلایل عقلی و نقلی در این قصیده بوده که این رویکرد در مدیحه‌سرایی‌های حُرّ با محوریت اهل بیت (علیهم السلام) کاملاً مشهود است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، حُرّ عاملی، شعر عربی، سبک‌شناسی.

۱. مقدمه

آموزه‌های دین مبین اسلام و رهنمودهای ارزشمند اهل بیت (علیهم‌السلام) همواره مورد توجه علمای دین و حافظان شریعت محمدی بوده که در طول ادوار مختلف با جان و دل از آن حمایت و نگهداری کرده‌اند. مواظبت و محافظت از این میراث گران‌بها و پرمایه به اشکال گوناگون صورت می‌گرفته است. این امر خطیر گاه با تألیف کتاب در حوزه علوم دینی مانند کتاب‌های حدیثی، اعتقادی، فقهی، تفسیری و... و گاه با احتجاج و مباحثه و استدلال و مناظره و گاه با شعر و نظم قصاید محقق می‌شده است. خُر عاملی در نشر و گسترش علوم اسلامی و معارف روح‌بخش خاندان نبوت از همه این ابزارها استفاده کرده و آثار به جا مانده ایشان گواه بر این ادعاست.

یکی از راه‌های مهم و اثرگذار نشر دین و فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) بهره‌مندی از هنر شعر و شاعری است. شیخ عاملی با کمک قریحه شعری خود توانسته اشعار فراوانی را در این زمینه بسراید. در بررسی آماری دیوان خطی شیخ خُر مشخص شد که بیش از ۱۱ هزار بیت در موضوعات دینی و آیینی شعر سروده شده است. اگر مجموع ابیات دیوان خُر عاملی را حدود ۱۵ هزار بیت بدانیم، نتیجه می‌گیریم بیش از ۸۰ درصد دیوان به ذکر مناقب و فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام) اختصاص یافته و این موضوع نشانگر عمق تعهد و پایبندی شاعر به گسترش معارف خاندان نبوت است.

از میان هزاران بیت این دیوان بزرگ قصیده‌ای کامل در مدح امام رضا (علیه‌السلام) سروده شده که با توجه به موضوع خود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مسئله این پژوهش معرفی، تحلیل، نقد و بیان ویژگی‌های فنی و ادبی این قصیده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، این موضوع را بررسی کرده و کاویده است. از این‌رو، این پژوهش در پی پاسخ به دو سؤال زیر است:

۱. قصیده خُر عاملی در مدح امام رضا (علیه‌السلام) شامل چه موضوعات و مضامینی است؟

۲. این قصیده از نظر الفاظ، معانی و صنایع بدیعی از چه ویژگی‌های فنی برخوردار است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

دربارهٔ معرفی، بررسی و نقد آثار حدیثی، فقهی و دینی حُر عاملی پژوهش‌های فراوانی وجود دارد. این تحقیقات نشان می‌دهد که پژوهشگران بیشتر بر مطالعهٔ آثار مشهور شیخ تمرکز کرده و کمتر به آثار دیگر او مانند آثار شعری و ادبی پرداخته‌اند. از این رو، بخش ادبی و شعری آثار حُر عاملی مورد توجه واقع نشده به جز مواردی که به برخی اشعار حُر اشاره کرده باشد؛ اما در خصوص قصیدهٔ حُر عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام) به‌رغم جست‌وجوهای فراوان پیشینه‌ای یافت نشد.

از جمله پژوهش‌هایی که به‌صورت غیرمستقیم به مبحث شعر حُر عاملی پرداخته می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقالهٔ «غدیریہ الشیخ الحُر العاملی فی مدح الإمام علی (علیه السلام): دراسه فنیہ» نوشتهٔ عدنان کاظم مهدی شعبان و صادق فوزی النجادی (۲۰۱۵) است که در مجموعهٔ «انسکلوپیدیای علوی» منتشر شده است. نویسندگان در این مقاله ابیاتی از تائیهٔ حُر عاملی در مدح امام علی (علیه السلام) را از نظر معنایی و مفهومی بررسی کرده و در چند مورد به صنایع بدیعی به کار رفته در این قصیده اشاره کرده‌اند. مقاله‌ای با عنوان «غدیریہ للشیخ محمد بن الحسن الحُر العاملی» نوشتهٔ اسد مولوی (۱۴۱۰ ق) است که در مجلهٔ «تراثنا»، چاپ شده است. نویسندۀ مقاله به معرفی قصیدهٔ تائیهٔ مذکور می‌پردازد و در پاورقی معنی کلمات آن را توضیح می‌دهد. مقالهٔ «تخمیس لامیہ العجم للحُر العاملی»، اثر اسعد الطیب (۱۴۲۱ ق) است که در مجلهٔ «تراثنا» منتشر شده است. نگارندۀ این مقاله توضیحات مختصری در خصوص معرفی قصیده ارائه و سپس اصل آن را نقل می‌کند.

با توجه به این که حُر عاملی از شاعران جبل عامل لبنان است، می‌توان به منابعی که در خصوص جنبش ادبی این خطه نوشته شده، اشاره کرد، مانند: کتاب «روائع الشعر العاملی» اثر سید محسن الامین و کتاب «معالم الادب العاملی حتی القرن الثانی عشر الهجری» نوشتهٔ عبد المجید الحر (۱۹۸۲) و کتاب «الحركة الفكرية والادبية في جبل عامل» اثر محمد کاظم مکی (۱۹۸۲).

۲. نگاهی به زندگی خُر

سُراینده قصیده‌مورد پژوهش از علمای صاحب‌نام جبل عامل در جنوب لبنان است. در ذکر نام و نسب او آمده: «محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین خُر عاملی سال ۱۰۳۳ قمری در روستای لبنانی «مشغری» متولد شد و در سال ۱۱۰۴ در شهر مشهد وفات یافت» (امین، ۱۹۸۳، ج ۹: ۱۶۷). «زادگاه شاعر یکی از روستاهای واقع در بقاع غربی لبنان است» (ظاهر، ۲۰۰۶، ج ۲: ۲۸۱). خُر عاملی در خانه‌ای بزرگ شد که به عالم‌پروری معروف بود. از چهره‌های سرشناس این خاندان بهره‌افر گرفت و از محضر عالمانی چون پدرش شیخ حسن خُر عاملی و عموی پدرش شیخ عبد السلام خُر عاملی و دایی پدرش شیخ علی بن محمود عاملی و شیخ حسین ظهیری و شیخ زین الدین نواده شهید ثانی درس آموخت (خشن، ۲۰۰۹: ۱۰۱).

شیخ عاملی در احیای میراث اسلامی و گسترش نهضت علمی پیشرو بود. آثار ارزشمند او که بسیار متقن نگاشته شده، نشانه بهره‌مندی وی از منابع علمی و معارف بلند اسلامی است. علاوه بر دایره‌المعارف حدیثی «وسائل الشیعه» کتاب‌هایی بسیار مهم در کلام، رجال، اعتقادات، تفسیر، ادبیات و دیگر علوم به رشته تحریر درآورده است، مانند: «امل الامل فی علماء جبل عامل» و «الفصول المهمه فی اصول الائمه»، و «العربیه العلویه واللغه المرویه» (خُر عاملی، ۱۹۸۳، ج ۱: ۱۴۲-۱۴۵).

این عالم ذی فنون افزون بر تألیفات پرشمار در موضوعات مختلف دینی، روایی و اعتقادی در شعر و شاعری نیز ید طولایی داشت. دیوان او که مجموعه عظیم شعری است مملو از مضامین دینی و موضوعات گوناگون شعری بوده است. این شاعر صاحب‌ذوق به اکثر اغراض شعری مانند: وصف، مدح، رثا، اشتیاق، حکمت و اندرز پرداخته، اما پرداختن به مباحث دینی و ذکر منقبت اهل بیت (علیهم‌السلام) و مدح و رثا و ستایش این خاندان مطهر در رأس موضوعات این دیوان قرار دارد.

هر کس دیوان خُر را بخواند، او را شاعری پرکار، چیره‌دست، صاحب‌ذوق، آگاه از فنون ادبی و متبحر در به‌کارگیری صور بلاغی و آرایه‌های بدیعی می‌یابد. یکی از شاخص‌ترین

ویژگی‌های خُر سرودن اشعار بلند و طولانی است. شاعر به‌رغم گستره وسیع موضوعی و سرایش قصاید چند صد بیتی از هرگونه تنزل کیفی یا ضعف فنی در نظم مصون بود. زیبایی و گیرایی شعر خُر بیشتر مدیون چینش هنرمندانه واژه‌ها و ترکیبات و کاربرد استادانه صنایع بدیعی است. احساسات لطیف، ظرافت‌ها و استعدادهای فطری شاعر همگی در پویایی و جذابیت چکامه‌های خُر نقش‌آفرین بوده است.

۱-۲. معرفی قصیده

قصیده بایئه خُر عاملی در مدح امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در ۴۹ بیت سروده شده است. شاعر در این قصیده از بحر وافر (مفاعلتن مفاعلتن فعولن) استفاده کرده که این وزن در شعر عربی از لطافت، ظرافت و زیبایی موسیقایی برخوردار است. با توجه به ضرب‌آهنگ لطیف، آرام و مؤثر این بحر در گوش و روح و روان شنونده، بیشتر در اغراض شعری مانند مدح و رثا کاربرد دارد (انیس، ۱۹۵۲: ۷۴). از این رو، خواننده چنین قصیده‌ای همواره تحت تأثیر آهنگ‌های زیبای شعر قرار می‌گیرد و پیوسته پویایی، جذابیت و زیبایی را با تمام وجود حس می‌کند.

در این پژوهش سعی شده تا مطالب اصلی قصیده در دو محور زیر بررسی و تحلیل شود:

۲-۲. موضوعات قصیده

قصیده خُر عاملی دارای موضوعات و مضامین متعددی است که شاعر به‌روشنی و شفافیت تام بدان اشاره کرده است. موضوعاتی مانند: کسب فضایل اخلاقی، ضرورت بازنگری در اعمال و رفتارها، توصیف ممدوح، بیان مشکلات جامعه، ستایش امام رضا (علیه السلام)، ذکر مناقب ایشان، طلب شفاعت از امام در روز جزا و پرداختن به موضوع ظهور حضرت حجت (علیه السلام). این موضوعات به شرح ذیل بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. نکوداشت فضایل اخلاقی

شاعر در ابتدای قصیده خود از اهمیت کسب فضیلت‌ها و سجایای نیک اخلاقی سخن می‌گوید و از این موضوع پندآموز به عنوان حُسن مطلع استفاده می‌کند تا ذهن مخاطب را برای ورود به مباحث قصیده آماده سازد. خُر عاملی با بهره‌مندی از رویکرد بیانی شفاف و روشمند در پی القای این امر مهم بود که بهترین توشهٔ انسان ارزش‌های اخلاقی اوست. این شروع معنادار شاعر با سبک گفت‌وگوی محور متجلی می‌شود. از این‌رو، سرآغاز و مطلع قصیده با گفت‌وگویی صریح بین شاعر و سرزنشگران آغاز می‌شود که شاعر در آن خواستار توقف ملامتگران از سرزنش او شده است. شایان ذکر است که این شروع سبک قدیمی است و در اشعار پیشینیان مرسوم و متعارف بود. شاعر در آغاز قصیده‌اش این‌گونه می‌سراید:

دعانی مِن مَلامٍ أَوْ عِتَابٍ	فَمَا لِي عَنْ ضَّلَالِي مِن مِتَابٍ
أَعْنِ كَسْبِ الْفَضَائِلِ تَنْهِيَانِي	وَذَلِكَ خَيْرٌ سَعْيٍ وَاکْتِسَابِ
وَقِفْتُ عَلَى الْهَوَى وَالْمَجْدُ قَلْبِي	وَقَدْ غَلَبَ الْهَوَى عَصْرَ الشَّبَابِ
وَبَعْدَ الشَّيْبِ صَارَ الْمَجْدُ أُولَى	بِهَذَا الْوَقْفِ مِن جَهْلِ التَّصَابِ

(خُر عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «مرا ملامت و سرزنش نکنید که من دست از گمراهی و سرگردانی خود برنمی‌دارم. مرا از کسب فضیلت‌ها که بهترین تلاش و کسب است باز می‌دارید؟ در اوان جوانی که دوران عاشقی است من خواستار فضیلت بودم و در دوران پیری نیز اولویت با فضیلت است که از شور جوانی بهتر است.»

شاعر قصیده ولایی خود را با مطلع طلبی آغاز می‌کند، تا به مخاطب خود اعلام کند که او دست از جست‌وجوی گمشده خویش برنمی‌دارد. این گمشده همان کسب مکارم و فضیلت‌هاست. این معنی در مصراع دوم با کلمه «ضلالی» تأکید شده و از ریشهٔ همین کلمه واژه «ضاله» اشتقاق یافته که به معنی گمشده است. در این بیت اشاره‌ای پنهان به کلام برادران حضرت یوسف در خطاب به پدرشان وجود دارد که دست از جست‌وجوی

گمشدهٔ خودش یعنی حضرت یوسف بر نمی‌داشت: «قَالُوا تَاللّٰهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ» (یوسف، ۹۵). شاعر با این اقتباس لفظی و معنایی هوشیاری مخاطب را جلب می‌کند تا نشان دهد مراد او از کلمهٔ «ضلالی» انحراف از صراط مستقیم نیست بلکه جست‌وجوی مقصود و یافتن گمشده است.

۲-۲-۲. ضرورت بازنگری در رفتارها

شاعر در ادامه به سبک قدیمی دیگر روی می‌آورد و همانند شاعران گذشته به یاد جوانی و آرزوی بازگشت روزهای خوش آن پس از پیری می‌افتد؛ اما این آرزوهای خام چندان بر مخیلهٔ شاعر حکم‌فرما نمی‌شود و شاعر بی‌درنگ به این حقیقت مهم پی می‌برد که بالندگی و سرافرازی انسان از رهگذر طلب علم و کسب فضیلت محقق می‌شود نه از راه ادعاهای پوچ و ساده‌لوحانه گذشته. او با استدلال عقلی به این نتیجه می‌رسد که با گذشت دوران جوانی و آغاز دوران پیری باید محتاطانه و هوشیارانه عمل کرد چون به سنی رسیده که مستلزم بازنگری در اعمال و رفتار خود باشد:

لقد جاز الحسابُ فصارَ فرضاً	علینا اليومَ تصحیحُ الحسابِ
فقلبی مائلٌ نحوَ المعالی	کذی ظمأً یَمیلُ إلى الشَّرابِ
فإن خالفتُکم فدعوا ملامی	وإن فارقتُکم فدعوا عتابی
فلی همّمُ أفادتني هموماً	أطالَت محنتی وجنت عذابی
أداویها بجِدٍّ واجتهادٍ	وسیر فی الدیاجی واغترابِ

(حُرّ عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «حساب اعمال ما لبریز از گناه شده است. پس امروز باید حساب‌ها را تصحیح کنیم. قلب من جویای فضیلت است همچون تشنه‌ای که در جست‌وجوی آب است. اگر با شما مخالفت ورزم ملامت‌م نکنید و اگر از شما جدا شوم سرزنش‌م نکنید. همت‌های بلندی دارم که باعث اندوه من شده و رنج و عذابم را طولانی کرده است. این رنج و عذاب را با تلاش و زحمت و شب‌رویی و تحمل غربت چاره‌جویی می‌کنم.»

همان گونه که مشاهده می‌شود شاعر در ابیات فوق از صنعت «مذهب کلامی» استفاده کرده که یک صنعت معروف در باب محسنات معنوی در علم بدیع محسوب می‌شود. گوینده در این رویکرد با استفاده از روش متکلمان به استدلال‌های عقلی و آوردن دلایل منطقی روی می‌آورد تا مخاطب خود را متقاعد سازد که کلام او کاملاً صحیح و بر اساس برهان‌های قاطع بیان شده است (ابن معصوم، ۱۹۶۹، ج ۴: ۳۵۶). اینکه متکلم اذعان می‌کند که حسابش از گناه سنگین شده و اعمال گوناگونش به بازنگری و محاسبه نیاز دارد، امری شرعی، منطقی و مورد قبول عقل است. شاعر نه تنها به این استدلال منطقی بسنده می‌کند، بلکه سرزنش‌کنندگان را دعوت می‌کند تا به عتاب و ملامت پایان دهند چون کار او خردمندانه و از سر حکمت بوده است.

آنچه در این ابیات به وضوح دیده می‌شود، سعی شاعر بر تکمیل فرایند قانع‌سازی مخاطب است. این فرایند با استدلال عقلی شروع شد و با بهره‌مندی از محسنات معنوی ادامه یافت و سپس با استفاده از تشبیه صریح (تشنه‌ای که جویای آب) به محتوا عمق بخشیده شد و سرانجام با کمک یکی از محسنات لفظی یعنی جناس پایان یافت. قرار گرفتن دو کلمه هم‌ریشه «همم» و «هموم» که جناس اشتقاق دارند، زیبایی خاصی به کلام بخشیده است. این زیبایی مشهود در حالی عیان شد که شاعر در به‌کارگیری صور بلاغی مختلف به دور از هرگونه تصنع و تکلف عمل کرده، و توانسته لفظ و معنا را در قالب صنایع بدیعی متحد و یکپارچه کند.

بدین شکل خواسته‌ها و مضامین قصیده به صورت منظم و هماهنگ و در مجموعه واحدی سامان یافتند. این سامان‌یافتگی که با بیان آرزوهای قلبی شاعر و استدلال‌های عقلی او شروع و سپس به تحمل رنج و عذاب هجران منتهی شده، به منظور زمینه‌سازی برای ورود به مقصود بوده که همان ستایش ممدوح و ذکر مناقب او است.

۲-۲-۳. توصیف ممدوح

شاعر پس از بیان انواع استدلال‌ها و مقدمه‌چینی‌ها به اصل موضوع می‌رسد که همان

مدح امام رضا (علیه السلام) است. انتقال شاعر از تعلیل به مدح با یک ظرافت خاص صورت می‌گیرد. حُر عاملی با استعانت از فکر پویا، ذهن خلاق و قریحهٔ شعری خود جناس فوق العاده جذاب و زیبایی را ابداع می‌کند که صنعت ادبی را به روشنی نشان می‌دهد:

وَمَعْنَى طَوْسٍ مَغْنَاطِيْسُ قَلْبِي لِحُبِّي لِلرَّضَا لَا لِلرُّضَابِ

(حُر عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «سرزمین طوس همانند یک آهن‌ربا قلب مرا می‌رباید، به خاطر عشق امام رضا نه به خاطر معشوق دیگر.»

آراستگی بیان، زیبایی ترکیب، گزینش استادانهٔ کلمات، چینش هنرمندانهٔ جناس‌ها، روانی عبارات و نوای آهنگین بیت همگی در کم‌رنگ شدن آثار صنعت مؤثر بوده و گویا این بیت صنعتی به خود ندیده است. شاید مهم‌ترین ویژگی جناس به کار رفته در دو واژهٔ «الرضا» و «الرضاب»، و «معنی طوس» و «مغناطیس» ابداع و نوآوری است. این نوع از جناس آفرینی نشانگر دقت و حرفه‌ای بودن شاعر در ابتکار صور بلاغی جدید است.

این تصویر هنرمندانه و بی‌نظیر شاعر احساس بسیار زیبایی را در مخاطب ایجاد می‌کند و او را برای ورود به موضوع بعدی آماده می‌سازد. در چند بیت بعدی شاعر گریزی انتقادی به جامعه می‌زند و از ناهنجاری‌ها و برخوردهای ناشایست و رشک‌برانهٔ برخی افراد اظهار ناخرسندی می‌کند:

وَإِنْ تَكُنْ الطَّبَّاءُ هُنَاكَ شَتَّى فَقَدْ حُمِيَتْ بِأَنْيَابِ الْكَلَابِ
أَرَاهَا جَنَّةٌ حُرْسَتْ وَحُقَّتْ بِأَنْوَاعِ الْمَكَارِهِ وَالْعَذَابِ
مَحَلٌّ عِبَادَةٍ وَعِلْمٍ دِينٍ وَأَسْبَابِ التَّقَرُّبِ وَالثَّوَابِ
وَإِنْ أَكْ قَدْ شَقِيْتُ بِهِ فَإِنِّي سَأَسْعِدُ بِالْمُنَى يَوْمَ الْمُنَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «آنجا زیبارویان فراوانند، اما به وسیلهٔ سگان احاطه شدند. آنجا را بهشتی

محافظت شده می‌بینم که اطراف آن پر از رنج و عذاب است. آنجا محل عبادت و فراگیری علوم دین است. آنجا محل کسب ثواب و تقرب الی الله است. اگر در این راه دچار مشقت شوم سرانجام در روز جزا به آرزوی خودم می‌رسم.»

۲-۲-۴. آسیب‌شناسی جامعه

نگاه شاعر به مشکلات جامعه از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی و توجه وی به رفتارهای ضد اخلاقی موجود در عصر خود بسیار حائز اهمیت است. این رویکرد نشانه درک عمیق و فهم دقیق شاعر از اوضاع و احوال نابسامان جامعه است. خُر عاملی با توجه به تعهد، وظیفه‌شناسی و احساس مسئولیت در برابر مسائل جامعه از هر مناسبت بهره‌وافی را می‌برد تا نقاط تاریک و آسیب‌پذیر جامعه را روشنی بخشد و برای حل آن چاره‌جویی کند.

شاعر در این ابیات، محل ممدوح خود را سرشار از نعمت، فراوانی، شادی و سرور توصیف کرد؛ اما این زیبایی‌های بی‌شمار عاری از رنج و محنت نبوده و در احاطه بلا و مصیبت قرار گرفته است. شاعر این نظر را با اقتباس از کلام رسول خدا ﷺ مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد. حضرت فرمود: «حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ» (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۶۷: ۷۸). همان طوری که ملاحظه می‌شود در این حدیث نوعی مجاز ظاهری وجود دارد و به گفته سید رضی مجموعه افعال و اعمال انسان که او را به بهشت می‌رساند سخت و دشوار است و راه آن شاق و ناهموار. به همین خاطر این گفته پیامبر از نگاه مجاز قابل درک و تفسیر است (شریف رضی، ۱۹۶۸: ۳۸۷). با همه این اوصاف و بهرغم همه رنج‌ها و مشقت‌هایی که شاعر تحمل می‌کند، او ترجیح می‌دهد در این دیار سکنی گزیند؛ چون که محل علم و عبادت است و مکانی آرمانی برای تقرب الهی محسوب می‌شود و با کسب ثواب اخروی در روز قیامت به آرزوی خود نائل خواهد آمد.

۲-۲-۵. ستایش امام رضا علیه السلام

خُر عاملی پس از وصف دقیق و معنادار محل ممدوح به ستایش امام رضا علیه السلام می‌پردازد

و او را با خصلت‌های نیک و مکارم رفیع اخلاقی توصیف می‌کند:

حَوّت مَوْلَى تَنْزَهُ عَنْ نَظِيرٍ عَزِيزَ الْجَارِ مُحَرَّوَسَ الْجَنَابِ
إِمَامًا ثَامِنَ بِلِ ضَامِنٍ لِلدِّ مَوَالِي الْفَوْزِ مَعَ نَبِيلِ الطَّلَابِ
كَرِيمٌ عِنْدَهُ بَذْلُ الْعَطَايَا عَلِيمٌ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

(خُر عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «شهر طوس، امامی را در برگرفته که در حفظ حرمت همسایه و پناهجوی خود بی نظیر است. او هشتمین امام است که خواستهٔ موالیان خود را برآورده، و سعادت و رستگاری آنان را تضمین می‌کند. او کریم است و بخشش نزد اوست. او علیم است و علم کتاب نزد اوست.»

ممدوح از نظر شاعر انسانی شریف و بی نظیر است. او مال خود را در حفظ کرامت انسان‌های بی پناه انفاق می‌کند. از علم کتاب آگاه است و موفقیت و رستگاری یاران خود را تضمین می‌کند. این معانی عالی و اوصاف برجسته در قالب الفاظ برگزیده و ترکیبات ناب ذکر شدند.

شاعر پس از توصیف سجایای اخلاقی و یادآوری مناقب ممدوح به ویژگی علمی مهمی اشاره می‌کند که در وجود حضرت امام هشتم (علیه السلام) بسیار برجسته و آشکار است. این خصوصیت علمی منحصر به فرد همان توانایی بی نظیر امام رضا (علیه السلام) در احتجاج‌ها، مناظره‌های کلامی و استدلال‌های علمی با پیروانان مذاهب و نخل مختلف است. پاسخ‌های علمی، مستدل، دقیق و قانع کنندهٔ امام از دیدگاه شاعر تکیه‌گاه و محور اصلی این ویژگی بی مانند است:

حَصِيْمٌ خَاصَمَ الْعُلَمَاءَ طَرًّا فَأَفْحَمَهُمْ مَلِيًّا بِالْجَوَابِ
وَعَادَ صَوَابَهُمْ خَطَأً وَقَوْلَ الْ رِضَا وَدَلِيلُهُ عَيْنُ الصَّوَابِ
مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ بَعْدَ الْ زُبُورِ أَفَادَهُمْ فَصْلَ الْخَطَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «امام با همهٔ علما و اندیشمندان مناظره کرد و همهٔ آنان را متقاعد ساخت. خطا و نادرستی کلام آنان معلوم شد و درستی و استدلال امام عین صواب بود. حضرت به تورات و انجیل و زبور استناد و کلام آخر را به آنان القای کرد.»

در اینجا شاعر به مناظره‌های امام با علمای ادیان غیر اسلامی مانند یهودیت، مسیحیت و دیگر ادیان اشاره می‌کند. در کتب احادیث و احتجاج تعداد فراوانی از گفت‌وگوها و مناظره‌هایی نقل شده که امام رضا (علیه السلام) با اصحاب ادیان و مذاهب مانند: جاثلیق، رأس الجالوت، رؤسای صابئین، هر بذر بزرگ، زردشتی‌ها، عالم رومیان و علمای علم کلام با گرایش‌های مختلف مذهبی داشتند. این مناظره‌ها که بسیار طولانی هستند در مسائل اعتقادی و کلامی گوناگونی ایراد شدند که امام (علیه السلام) با استناد به کتاب‌ها و منابع همان ادیان و مذاهب به بیان شواهد نقلی و دلایل عقلی و احتجاج منطقی پرداختند (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۷۲). با بررسی دقیق این مناظره‌ها و مباحثه‌های علمی جایگاه رفیع امام در مسائل علمی و عظمت حضرت در میان علمای هم‌عصر خود و نیز نفوذ کلام ایشان در جان و دل مخاطبان از علمای دیگر ملل و نحل آشکار می‌شود.

پس از این مقدمهٔ کوتاه که در معرفی موضوع بیان شده، شاعر به توصیف مدعیان مناظره‌گر که عاجز و ناتوان در برابر امام (علیه السلام) و استدلال‌های مستند، علمی و منطقی ایشان ایستادند، می‌پردازد. نکتهٔ جالب توجه در این توصیف، تصویرسازی‌های مملو از تشبیه‌ها و صور بلاغی شاعر است. این توصیف‌ها و تصویرها به گونه‌ای بیان شدند که گویا مناظره‌ها به صورت زنده در حال پخش است و بیننده و شنونده به صورت مستقیم در جریان جزئیات گفت‌وگوها و نکات دقیق مناظره‌ها قرار دارد:

بَدَتْ بَيْنَ الْأَسْوَدِ أَوِ الذَّنَابِ	إِذَا بَرَزُوا لَهُ فَهُمْ ظُبَاءٌ
قَتَالَ الصَّقْرُ جَهْلًا وَالْعُقَابِ	وَإِنْ صَالُوا فَقَدْ رَامَتْ بُعَاثٌ
وَأَوْجَهُهُمْ كَأَجْنَحَةِ الْغُرَابِ	وَرَاحٌ وَوَجْهُهُ كَالشَّمْسِ نَوْرًا
لَذَى ظَمًا كَالِ أَوْ سَرَابِ	هُوَ الْمَاءُ الزَّلَالُ وَهُمْ جَمِيعًا
كَوْجِهٍ مَلِيحَةٍ تَحْتَ النِّقَابِ	لَهُ وَجَةٌ يَلُوحُ خِلَالِ نَوْرِ

إذا احتفلوا له لم يخش منهم

أبخشى الليث من وقع الذباب

(حُرّ عاملی، دیوان: ۹۸)

ترجمه: «اگر در برابر امام صف‌آرایی می‌کردند همچون آهوآنی بی‌دفاع بودند که در مقابل شیران یا گرگ‌ها قرار می‌گرفتند. اگر حمله می‌کردند همانند گنجشک‌های کوچکی بودند که از سر نادانی سودای حمله به عقاب را در سر می‌پروراندند. چهرهٔ امام همچون خورشید درخشش گرفت و چهرهٔ آنان همچون بال‌های کلاغ سیاه گشت. امام برای تشنه لبان آب زلال بود و همهٔ آنان سراب و بی‌آبی بودند. چهرهٔ امام همچون چهرهٔ پنهان زیبارویان زیبا و ملیح بود. امام در برابر همهٔ مدعیان که تمام قد در مقابل امام ایستاده بودند هراسی نداشت، مگر شیر از وزوز مگسان می‌ترسد؟!»

شاعر در ابیات فوق حال مجادله‌کنندگان را ناپایدار و شکننده توصیف می‌کند و اینکه آن‌ها جز شکست در برابر امام رهاورد دیگری نداشتند. استدلال قوی امام و منطق علمی ایشان راه را بر هرگونه ادعای ناصحیح مسدود کرده است. حُرّ عاملی پس از توضیح این بُعد از حیات امام دلایل مهاجرتش به خراسان را می‌گوید:

لقد فارقت أوطانی وأهلی

وقد جاورتُ فی أعلى جناب

إذا رضى الرضا عَنّا رضینا

ولم نحفل بأقوامٍ غُضاب

وأحسبُهُ وإن عَظُمَت ذنوبی

سیشفعُ لی غداً یومَ الحساب

فإنّ نداهُ فاقَ ندی البرایا

وأخجلَ صَوْبُهُ صَوْبَ السَّحاب

(همان: ۹۸)

ترجمه: «دیوار و یار را ترک کردم و در مجاورت عالی‌ترین جناب سکنی گزیدم. اگر حضرت رضا از ما خشنود باشد ما نیز خشنود خواهیم شد و اهمیتی به کسانی که خشمگین هستند، نمی‌دهیم. در این امیدم که حضرت رضا مرا در روز جزا شفاعت کند. چون بخشش او فراتر از بخشش تمامی مردم است. باران کرمش، ابر پر باران را خجل زده کرده است.»

آنچه در این ابیات و بعد از آن قابل مشاهده است، استفاده مکرر شاعر از روش استدلال است. از ابتدای قصیده، تعلیل‌ها و استشهادها حضور پررنگی داشتند. در اینجا نیز شاعر همین روش را دنبال می‌کند و علل و اسباب مهاجرتش را توضیح می‌دهد. آنچه باعث شده شاعر غربت و رنج سفر و دوری از وطن را تحمل کند همان طلب علم و پایبندی به راه خاندان نبوت علیهم السلام است. شاعر در ممدوح خود سجایا و خصلت‌هایی می‌بیند که در آرزوی بهره‌مندی از آن‌هاست. او در کنار مضجع امام خوشبخت است و چنانچه از او دور بماند بدبخت می‌گردد:

فَوَاضِلُهُ عَنِ التَّعْدَادِ جَلَّتْ	وَجَمَّتْ عَنِ حِسَابٍ أَوْ كِتَابٍ
سَأْظَفُرُ فِي حِمَاهِ بَخِيرٍ خَيْرٍ	وَتَوْفِيقٍ وَزُلْفَى وَاقْتِرَابِ
إِذَا مَا غَبْتُ يَوْمًا عَنْ حِمَاهِ	فَطَعْمُ الشَّهْدِ عِنْدِي طَعْمُ صَابِ
وَإِنْ رَقَابَنَا رَقُّ الْخَطَايَا	فَإِنْ يَشْفَعُ نَتْلُ عَتَقِ الرَّقَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «فضل و کرمش بی شمار است و در حساب و کتاب نمی‌گنجد. در حریم او بهترین‌ها را به دست خواهیم آورد و به موفقیت، قُرب و مجاورت نائل خواهیم آمد. اگر روزی از حرمش غیبت کنم، شاهد شیرین تلخ خواهد شد. ما برده گناهیم و چنانچه حضرت، ما را شفاعت کند آزاد خواهیم شد.»

شاعر با این ابیات عواطف راستین، احساسات قلبی، نجواهای درونی، رؤیاهای دیرین و خواسته‌ها و آرزوهای خود را با عبارات ساده، زیبا و روان بیان می‌کند. از هرگونه تصنع، تکلف، مبالغه و غلو در توصیف ممدوح خود پرهیز می‌کند، و خالصانه و صادقانه به بازگو کردن مراد خویش می‌پردازد. بدین شکل، ناب‌ترین و زیباترین توصیف‌ها در حق ممدوح خود ایراد می‌کند.

توصیف شاعر با جمله‌های کوتاه و تشبیه‌های ساده آغاز می‌شود و این شگرد خاص بیانی است که در راستای جذب مخاطب از رهگذر عبارات موجز، اثرگذار و زیبا به کار گرفته

می‌شود. آشنا کردن مخاطب با جد بزرگ ممدوح که الگوی فضیلت‌ها و خصلت‌های پاک است، نشانهٔ دقت شاعر در برقراری ارتباط بین اوصاف ممدوح و سجایای اخلاقی حضرت علی (علیه السلام) است:

هو الذَّهَبُ الْمُصَفَّى وَاللَّائِي	وَيَكُنِي جَدُّهُ بَأَبَى تُرَابٍ
حَوَى كُلَّ الْمَفَاخِرِ وَالْمَعَالِي	وَكُلَّ مَزِيَّةٍ فِي كُلِّ بَابٍ
وَمَدَحِي مَجْدُهُ فَخْرِي وَذُخْرِي	وَخَيْرُ وَسِيلَةٍ يَوْمَ الْمُنَابِ
خُرَاسَانُ اسْتِجَارَتِ وَاسْتِنَارَتِ	بِهِ فَالْأَرْضُ مُشْرِقَةُ الشُّعَابِ
وَلَيْسَ يَخَافُ بِأَسْأَمَنْ عَدُوٌّ	وَهَلْ يَخْشَى الدَّجَاةَ لَيْثٌ غَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «او طلای ناب و گوهر نفیس است. جدش ابو تراب نام دارد که تمامی شرافت‌ها، افتخارات و امتیازات هر امری را از آن خود کرده است. مدح او و ستایش اصل و نسبش مایهٔ افتخار من است و در روز جزا بهترین توشه برای من خواهد بود. خراسان به او پناه آورده و به خاطر وجود مبارکش روشن شده است. از این‌رو، تمام این سرزمین نورانی شده است. او از هیچ دشمنی نمی‌هراسد. مگر شیر جنگل از مرغ می‌هراسد؟!»

حُرّ عاملی در این ابیات به اصل و نسب امام رضا (علیه السلام) و سلالهٔ پاک ایشان که به حضرت علی (علیه السلام) ختم می‌شود، اشاره می‌کند. از امامی یاد می‌کند که حاوی عصارهٔ فضیلت‌ها و منقبت‌ها و کمالات است. تمامی مراتب بالندگی را به دست آورده است. از این‌رو، شاعر به خاطر کسب ثواب اخروی به مدح امام و ذکر مناقب او روی می‌آورد. شاعر بر این باور است که مدح امام به عنوان توشهٔ اخروی و وسیلهٔ نجات در روز جزا شمرده می‌شود. به همین خاطر او از این امر بسیار خشنود است.

شاعر پس از وصف ممدوح خود و بیان سجایای اخلاقی او به یک موضوع اعتقادی اشاره می‌کند که بسیار مهم و واقع‌بینانه است. این موضوع در بیان اسناد، دلایل و معجزات امامت حضرت رضا (علیه السلام) و رویکرد کلامی و استدلالی است که شاعر همواره از ابتدا تا

انتهای این شعر از آن بهره برده است:

أَتَانَا فِي إِمَامَتِهِ نَصُوصٌ أَبَادَتْ كُلُّ شَكٍّ وَارْتِيَابٍ
تَلَتْهَا مَعْجَزَاتٌ لَيْسَ تُحْصَى أَيُّحْصَى الْقَطْرُ مِنْ وَدْقِ السَّحَابِ

(همان: ۹۸)

ترجمه: «در اثبات امامتش روایاتی نقل شده که هرگونه شک و شبهه را از بین می برد. در پی این روایات، معجزه‌هایی بی شمار آمده که مانند قطرات باران غیرقابل شمارش هستند.»

شیخ عاملی در خصوص احادیث و روایات نقل شده در اثبات امامت امام رضا (علیه السلام) فصل وسیع و مستقلی را در کتاب بزرگ خود «إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات» آورده و به نقل بیش از ۸۰ حدیث از کتب شیعه و اهل سنت در خصوص اثبات امامت امام هشتم و دیگر ائمه اهل بیت (علیهم السلام) پرداخته است (خر عاملی، ۲۰۰۴، ج ۴: ۲۸۷). این موضوع اعتقادی از جمله دغدغه‌ها و موضوعات مهم شیخ خر بوده که بیشترین تألیفات و تصنیفات شیخ را به خود اختصاص داده است. مجموعه تألیفات و تحقیقات ایشان در این باره بسیار معروف و مشهور بوده و همواره مورد استفاده محققان قرار می گرفته است.

۲-۲-۶. ظهور امام زمان (علیه السلام)

شاعر بعد از بررسی موضوع فوق به مبحث مهمی اشاره می کند تا پایان بخش شعر خود باشد. این موضوع نیز یکی از موضوعات مهم اعتقادی است. خر عاملی پس از طرح موضوع امامت امام هشتم (علیه السلام) به ظهور حضرت حجت (علیه السلام) اشاره می کند و آن را در راستای موضوع قبلی قرار می دهد:

وَعَوْدُ الْغَائِبِ الْمَهْدِيِّ يَوْمًا أَحْبُّ إِلَيَّ مِنْ عَوْدِ الشَّبَابِ
مَضَى أَبَاؤُهُ قَتْلًا وَمَوْتًا وَغَابَ فَلَيْتَ يَسْخُو بِالْأَيَابِ

(خر عاملی، دیوان: ۹۹)

ترجمه: «بازگشت امام غایب حضرت مهدی (علیه السلام) از بازگشت جوانی دوست داشتنی‌تر است. همهٔ پدران حضرت شهید و کشته شدند و او از دیده‌ها پنهان گشته. ای کاش کرم نماید و بازگردد.»

این انتقال موضوعی در اشعار ولایی حُر بسیار مشهود است. شاعر در اغلب قصاید مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) به موضوع ظهور امام مهدی (علیه السلام) ختم می‌کند. این رویکرد که از شاخص‌های مهم سبک شاعر به شمار می‌رود در همهٔ این قصاید دیده می‌شود، چه قصاید مدح باشد و چه رثا. تأکید شاعر بر این موضوع مهم نشانگر جوهری و اساسی بودن این موضوع بسیار مهم اعتقادی است. موضوعی که خلاصهٔ دین مبین اسلام و آموزه‌های سازندهٔ اهل بیت (علیهم السلام) در آن نهفته است. شاعر نه تنها به اهمیت این موضوع می‌پردازد بلکه به زحماتی که ائمه علیهم السلام در این راه متحمل شدند نیز اشاره می‌کند. وی امیدوار است که این راه پر خطر و مشقت‌آور به ظهور حضرت حجت (علیه السلام) ختم شود، و سر انجام به آرزوهای خود برسد:

عسی آیات نور سناه تُتلی	وتنسخُ حکم آیات الحجاب
عساهُ شافع لی عند ربی	فانجو من عقابٍ أو عتاب
فإن الله وهابُ العطايا	ویرزقُ من یشاء بلا حساب

(همان: ۹۹)

ترجمه: «کاش آیات نورانیش تلاوت شوند و حکم آیات غیبت را منسوخ کنند. کاش مرا نزد خدا شفاعت کند تا از هر عذاب و عقابی نجات یابم. همانا خداوند متعال بخشنده است و به هر کس که اراده کند روزی می‌رساند.»

شاعر در دو بیت متوالی از فعل «عسی» که به معنی امید و رجاء است استفاده می‌کند. شروع ابیات پایانی این قصیده با این افعال نشان از نگاه خوش‌بینانهٔ حُر به سرانجام کار و پایان خوش اوست. ذکر آرزوها و خواسته‌های قلبی شاعر با دو استدلال عقلی و نقلی همراه شده است. اول: اشاره شاعر به یکی از صفات خداوند متعال است که همان

بخشنده‌گی اوست و دوم: بهره‌مندی از صنعت اقتباس است که شاعر به بخشی از آیه ۳۸ سوره نور: «وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حَسَابٍ» اشاره می‌کند. و این همان روش استدلال کلامی شاعر بوده که پیوسته در این قصیده حضور پررنگ داشته است.

شاعر در پایان قصیده خود علاوه بر یادآوری معانی مد نظر از چند صنعت بلاغی و بدیعی استفاده می‌کند. بدیهی است که این امر، زیبایی شعر را دوچندان می‌کند و میزان اثرگذاری بر مخاطب را وسعت می‌بخشد. شاعر زیبایی وصف ممدوح را همانند زیبایی بیان قرآن می‌داند. وی پس از این تشبیه جذاب از صنعت بدیعی به نام طباق استفاده می‌کند. این نوع از محسنات معنوی که به تضاد نیز مشهور است در دو فعل «دنوت» و «نأیت» قابل مشاهده است. شاعر در ادامه نوعی جناس ظریف بین «الصبا» و «التصابی» برقرار می‌کند تا به حسن ختام شعر نزدیک شود:

وَحُسْنُ مَدِیْجِهِ فِی الْکُتُبِ یَحْکِی	فَنَوْنَ الْحُسَنِ مِنْ أُمِّ الْکِتَابِ
دَنَوْتُ إِلَى الْمُنَى مِنْهُ وَأَنْتِ	نَأَيْتُ عَنِ الصَّبَا وَعَنِ التَّصَابِی
إِلَيْهِ أَشْرَفُ الصَّلَوَاتِ تُهْدِی	وَتُتْلَى بِالثَّنَاءِ الْمُسْتَطَابِ

(همان: ۹۹)

ترجمه: «مدح زیبا و بی‌شمار او که در کتاب‌ها به‌وفور ذکر شده، حاکی از بیان زیبای ذکر حکیم است. قُرب من به او به مثابه نزدیک شدن به آرزوها و دور شدن از جوانی و عشق‌بازی است. بهترین درودها به او فرستاده می‌شود و پاک‌ترین ثناها برای او خوانده می‌شود.»

قصیده حُر عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام) در این جا به پایان می‌رسد و همان طور که قبلاً اشاره شده، این قصیده تنها قصیده شاعر است که به صورت کامل به ستایش امام هشتم (علیه السلام) اختصاص یافته است. ذکر این نکته نیز مهم به نظر می‌رسد که شاعر در دیوان خود اشعار فراوانی را در ذکر اهل بیت (علیهم السلام) سروده که به مقام امام رضا (علیه السلام) نیز اشاره کرده است. حُر عاملی به غیر از این قصاید، منظومه‌ای بلند در ۱۲۶۱ بیت در

موضوع سیرهٔ پیامبر ﷺ و تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) سروده که ۷۷ بیت آن به سرگذشت امام رضا (علیه السلام) و ذکر مناقب ایشان اختصاص داده است (خُر عاملی، منظومه: ۱۷).

۲-۳. ویژگی‌های فنی قصیده

شاعران و ادیبان در انتقال افکار و ایده‌های خود به مخاطبان از یک روش مشخص بیانی استفاده می‌کنند. هر کدام از پدیدآورندگان آثار ادبی روش منحصر به فرد خود را دارند؛ بنابراین، آنچه شاعران را از یکدیگر متمایز می‌کند، سبک شعری آن‌ها است. در تعریف اصطلاحی سبک آمده: سبک شیوهٔ گفتن و روشی است که شاعر و نویسنده برای بیان خود برمی‌گزیند. شاعر و نویسنده به واسطهٔ سبک در تمام مراحل از انتخاب موضوع گرفته تا نوع کلمات، لحن و سیاق تألیف عناصر گوناگون، تأثیر خود را بر اثر بر جا می‌نهد (داد، ۱۳۷۸: ۲۶۵).

از آنجا که شیوه‌های بیانی و سبک‌های ادبی شاعران و نویسندگان از تفاوت‌های عمده‌ای برخوردارند و برتری هر یک به رعایت معیارهای دقیق فنی منوط شده است. از این‌رو، استفاده از ایجاز یا اطناب، به کارگیری استشهاد و استدلال، بر خوداری از رویکردی روشن در گزینش الفاظ و معانی و ترکیبات، خلاقیت در ابداع ایده‌های تازه و افکار ابتکاری و بهره‌مندی از صور خیال و آرایه‌های بدیعی از جمله معیارهایی است که در شناساندن سبک پدیدآورندهٔ اثر ادبی مؤثر شناخته شدند (شایب، ۱۹۹۱: ۴۵).

با در نظر گرفتن معیارهای فوق می‌توان سبک سرودن یک شعر را از چند بُعد و زاویه بررسی و شناسایی کرد. لفظ، معنی و صنعت از جمله بخش‌های تشکیل دهندهٔ سبک بیانی یک قصیده به شمار می‌روند که با بررسی آن‌ها شاکلهٔ فنی اثر مشخص می‌گردد. در تحلیل قصیدهٔ خُر عاملی به برخی خصوصیات ظاهری شعر اشاره رفته، و در این بخش به ویژگی‌های فنی آن می‌پردازیم:

۲-۳-۱. ویژگی‌های الفاظ

آنچه در وهله اول از خواندن این قصیده معلوم می‌گردد بیان ساده، آهنگین و قابل فهم برای همگان قصیده است. الفاظ به کار رفته در شعر بسیار روشن، واضح، ساده و نیاز به شرح و تفسیر ندارند و برای عموم مردم قابل درک است. به همین خاطر این شعر از هرگونه ابهام، پیچیدگی‌های لفظی و خیال‌پردازی‌های شاعرانه دور بوده است. همان طوری که قبلاً به آن اشاره شد، هدف شاعر از سرودن این قصیده بهره‌مندی حداکثر خوانندگان از مضامین عالی و مطالب و محتوای ارزشمند این شعر بوده که در راستای حفظ و ترویج آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار گرفته است. از این رو، به کارگیری اصطلاحات علمی، الفاظ نامأنوس، واژگان دشوار و عبارات ناآشنا برای عموم جامعه در این قصیده جایگاهی نداشته است. علاوه بر دریافت سریع مطالب این قصیده از سوی قشرهای مختلف، حفظ کردن این شعر با توجه به آهنگ زیبای آن بسیار ساده و آسان است و این امر نیز در راستای تحقق همان هدف منظور شده است.

از دیگر ویژگی‌های این شعر گزینش الفاظ فصیح عربی و استفاده نکردن از واژگان عامی، معرّب یا غیرعربی است. علاوه بر گزینش این الفاظ فصیح و صریح، چینش استادانه این کلمات در قالب جملات دقیق و ترکیبات زیبا به فهم آسان محتوا کمک می‌کند و می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌های برجسته این بخش به‌شمار آورد.

در این شعر و بر اساس معیار سنجی الفاظ، واژگان متروک، غریب، کم‌کاربرد و نازیبا دیده نشده و بیشتر با زبان فصیح دوران شاعر منطبق است. در آمیختگی دو عنصر فصاحت کلام و روشنی بیان، جلوه خاصی به این قصیده بخشیده است.

۲-۳-۲. ویژگی‌های معانی

معانی مطرح شده در این شعر با توجه به ارتباط آن‌ها با اعتقادات دینی و مذهبی شاعر همانند الفاظ از قدرت انتقال سریع مضمون برخوردار است. نکته حائز اهمیت در

این موضوع همخوانی، تناسب و به هم پیوستگی معانی با الفاظ است. وفاداری لفظ به معنی و ارجح نبودن هر یک بر دیگری در کنار واقع‌بین و راستین بودن معانی از جمله معیارهای مهم معنی‌شناسی و نقد ادبی متن محسوب می‌شوند (عتیق، ۱۹۷۲: ۱۴۴). این ویژگی‌ها در معانی به کار رفته در این شعر کاملاً مشهود است.

افزون بر این، تسلسل منطقی، نظم‌یافتگی، هماهنگی و دوری معانی از هرگونه تنافر و تضاد از دیگر خصوصیات به شمار می‌رود که در معانی این قصیده متجلی است. تناسب الفاظ با معانی و تتابع سیال و پرفروغ آن‌ها حاکی از ذهن خلاق و حافظهٔ قوی شاعر در فراخواندن واژه‌ها به فراخور معانی مد نظر است.

اگر از گیرایی محسوس و ریتم زیبای قصیده بگذریم، زبان شعر که از فراوانی کلمات، روشنی معانی، سادگی ترکیبات و هماهنگی عبارات برخوردار است، خود عامل دیگری در جذب مخاطب محسوب می‌شود؛ بنابراین مخاطب با بافت سه بعدی متشکل از لفظ، معنی و آهنگ روبه‌روست. این تصویر مجسم با جزئیات هماهنگ که از ابتدا تا انتهای قصیده قابل مشاهده است تصویر یک اثر هنری منظوم است که بدون خدشه و ابهام در برابر دیدگان مخاطب نهاده شده است. قصیده از هرگونه کلمات غیر مستعمل، نامأنوس و مبهم تهی بوده و خواننده در فهم سریع آن نیاز به تأمل و اعمال فکر نیست. این سبک در بیشتر اشعار ولایی شاعر مشهود است؛ چون اقتضای موقعیت و مناسبت، شاعر را ملزم می‌کند به شکل صریح شعر بسراید.

۲-۳-۳. ویژگی‌های صنایع بدیعی

شاعر برای این که منظور خود را به زیباترین وجه و بهترین حالت به مخاطب القا کند از صنایع بدیعی و محسنات لفظی و معنوی استفاده کرده است. در برخی ابیات این قصیده مضامین و محتوای شعر آن چنان با آرایه‌های بلاغی عجین شده است که تفکیک آن‌ها دشوار به نظر می‌رسد. در تحلیل ابیات پیشین به چند مورد آن اشاره شده است. حُرّ عاملی در این قصیده از علم بدیع بهره برده و به زیبایی توانسته مفاهیم عمیق را در قالب

بیانی آراسته و فاخر منتقل کند.

از جمله صنایع این علم که در این قصیده به کار رفته صنعت «مراعات النظیر» است. این صنعت از محسنات معنوی به شمار می‌آید و شاعر با آوردن کلماتی که تناسب و هماهنگی از نظر لفظ و معنا با هم دارند به شبیه‌سازی معنایی می‌پردازد. این صنعت بدیعی را در ابیات هفتم تا نهم این قصیده می‌توان ملاحظه کرد و بیشتر بین کلمات مترادفی چون «ملامی» و «عتابی»، «محتنی» و «عذابی»، «جد» و «اجتهاد» قابل مشاهده است.

از دیگر آرایه‌های بدیعی که به جذابیت و زیبایی بیان کمک می‌کند، صنعت جناس است. این صنعت یکی از پرکاربردترین صنایع بدیعی است و بین واژه‌هایی به کار می‌رود که از نظر وزن و آهنگ یکسان و از نظر معنی متفاوت هستند. شاعر با کمک این صنعت در بیت ۱۶ و ۱۷ بین دو واژه «ثامن» و «ضامن»، و «کریم» و «علیم» یک همخوانی جالب توجهی به وجود آورده است. این موافقت و همخوانی که دور از تصنع و تکلف بوده، آهنگی دلنشین و خوش نوایی را به ارمان آورده است.

در این جا ذکر این مطلب عاری از فایده نخواهد بود که شاعر در این قصیده از جناس‌هایی بسیار منسجم و هماهنگ استفاده کرده است. برای نمونه، جناس بین «فخری» و «ذخری» در بیت ۳۷ و همچنین جناس بین «استجارت» و «استنارت» در بیت ۳۸ در نشان دادن تصویرهای شاعرانه ابیات بسیار زیبا عمل کرده و به نظم کلام، شفافیت معانی و روانی عبارات کمک شایانی کرده است.

در پایان می‌توان گفت که شاعر در نظم قصیده خود از سبکی پیروی کرده که عناصر آن کاملاً مشخص است. ایجاز در بیان مطالب و عدم مبالغه، رعایت شیوه‌های متکلمین در اقناع مخاطب از رهگذر استشهاد و استدلال، بهره‌گیری از ذوق سلیم و ذهن سرشار در گزینش کلمات و چینش عبارات و استفاده از آرایه‌های بدیعی مانند جناس و طباق و... از جمله نشانه‌های شاخص و عناصر قابل تشخیص سبک شاعر می‌توان به‌شمار آورد.

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی و تحلیل قصیدهٔ حُر عاملی در مدح امام رضا (علیه السلام) نتایج قابل توجهی به این شرح به دست آمد:

۱. شاعر با نظم این قصیده خلوص نیت و عشق خود را به امام هشتم (علیه السلام) ثابت کرده و بر پایبندی به دین اسلام و محبت اهل بیت (علیهم السلام) تأکید کرده است.

۲. حُر عاملی با هدف احیای شعائر الهی و زنده نگه داشتن دین و گرامی داشتن یاد و خاطرهٔ امام رضا (علیه السلام) در اذهان عموم مردم به نظم این قصیدهٔ زیبا دست زده است.

۳. این قصیده که در ۴۹ بیت سروده شده دارای مضامینی بلند با موضوعات دینی و اعتقادی و نیز زبانی ساده که برای همگان قابل فهم بوده و همچنین از تصاویر جذاب ادبی برخوردار است.

۴. مضامین قصیده در چند موضوع اصلی خلاصه می‌شود: نخست بیان آرزوهای قلبی شاعر در کسب علم و فضیلت از راه مهاجرت به خراسان و مجاورت با امام هشتم. دوم مدح امام و بیان روایات و دلایل امامت ایشان و همچنین توصیف علم وسیع و قدرت احتجاج او. سوم شفیع قرار دادن حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در روز جزا. چهارم یادآوری ظهور امام زمان (علیه السلام) و درود فرستادن به ساحت مقدس او.

۵. از جمله ویژگی‌های این شعر می‌توان به این موارد اشاره کرد: استفاده از الفاظ فصیح عربی و دوری کلام از هرگونه پیچیدگی و ابهام، تناسب و همخوانی معانی با الفاظ به کار رفته، تسلسل منطقی مفاهیم و مضامین به صورت مستند و مستدل، رعایت ایجاز و ترک اطناب در بیان مطالب، استفادهٔ بهینه از صور خیال و محسنات لفظی و معنوی در قالب آرایه‌های ابتکاری بدیعی و بهره‌گیری از فن تصویر در مجسم کردن وقایع.

۶. استفاده از روش متکلمان در متقاعد ساختن مخاطب و به کارگیری اصول علم کلام مانند: قیاس، احتجاج و استدلال از ابتدا تا انتهای قصیده کاملاً محسوس و ملموس بوده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن معصوم، علی. (۱۹۶۹). *أنوار الربیع فی أنواع البدیع*. تحقیق: شاکر هادی شکر. نجف: مطبعة النعمان.
- امین، محسن. (۱۹۸۳). *أعیان الشیعة*. تحقیق: حسن الامین. بیروت: دار التعارف.
- _____ . (۲۰۰۴). *روائع الشعر العاملی*. بیروت: دار المحجۃ البیضاء.
- انیس، ابراهیم. (۱۹۵۲). *موسیقی الشعر*. القاهرة: مکتبه الانجلو المصریه.
- خرماعلی، محمد بن حسن. (۲۰۰۴). *اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- _____ . (۱۹۸۳). *أمل الآمل*. تحقیق: سیداحمد حسینی. قم: دار الکتاب الاسلامی.
- _____ . نسخه خطی: *دیوان الحر العاملی*. تهران: کتابخانه ملک. شماره: ۶۰۲.
- _____ . نسخه خطی: *منظومه فی تاریخ اهل بیت العصمه*. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی. شماره: ۵۳۳۹.
- حر، عبدالمجید. (۱۹۸۲). *معالم الأدب العاملی حتی القرن الثانی عشر الهجری*. بیروت: دار الآفاق الجدیده.
- خشن، حسین احمد. (۲۰۰۹). *الحر العاملی: موسوعه الحدیث والفقه والأدب*. بیروت: دار الملائک.
- داد، سیما. (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تهران: انتشارات مروارید.
- شایب، احمد. (۱۹۹۱). *الأسلوب*. القاهرة: مکتبه النهضة المصریه.
- شریف رضی، محمد. (۱۹۶۸). *المجازات النبویه*. تحقیق: طه محمد الزینی. القاهرة: مؤسسه الحلبي.
- طبرسی، احمد. (۱۳۸۰). *الاحتجاج*. قم: انتشارات شریف رضی.
- طبیب، اسعد. (۱۴۱۲ق). «تخمیس لامیه العجم للحر العاملی». *تراثا*. سال ۷. شماره ۲۸. صص: ۱۶۳-۱۹۲.
- ظاهر، سلیمان. (۲۰۰۶). *معجم قری جبل عامل*. بیروت: مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
- عتیق، عبد العزیز. (۱۹۷۲). *فی النقد الأدبی*. بیروت: دار النهضة العربیه.
- عدنان، کاظم مهدی شعبان؛ نجادی، صادق فوزی. (۲۰۱۵). «غدیریہ الشیخ الحر العاملی فی مدح الامام علی (علیه السلام)». *الانسکلوپیدیا العلویه. أكادیمیة الکوفه*. جلد ۴. صص: ۱۸۰-۱۹۵.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۹۸۳). *بحار الأنوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مکی، محمد کاظم. (۱۹۸۲). *الحركة الفکریه والأدبیة فی جبل عامل*. بیروت: دار الاندلس.
- مولوی، اسد. (۱۴۱۰ق). «غدیریہ للشیخ محمد بن الحسن الحر العاملی». *مجله تراثا*. سال ۵. شماره ۲۱. صص: ۳۸۸-۳۶۷.



مقاله پژوهشی

مطالعه تحلیلی نقاشی صحن عتیق امام رضا (علیه السلام) اثر محمودخان ملک الشعرا نقاش دوره قاجار (۱۲۲۸-۱۳۱۱ ق/ ۱۸۱۱-۱۸۹۳ م)

دریافت: ۱۴۰۱/۷/۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

الهه پنجه‌باشی^۱

چکیده

محمودخان ملک الشعرا، نقاش و از استادان هنر نقاشی دوره قاجار در زمینه ثبت آثار شهری و تاریخی است. آثار او دارای زمینه تناسب هندسی و پرسپکتیو بسیار دقیق متأثر از دانش ریاضیات و هندسه محمودخان است. هدف از این پژوهش، مطالعه تحلیلی ساختاری اثر نقاشی محمودخان از صحن عتیق امام رضا (علیه السلام) به عنوان قدیمی‌ترین اثر رنگ‌روغن شناخته شده او و بررسی ساختاری ویژگی‌های این نقاشی به عنوان یک سند تاریخی از صحن عتیق در زمان قاجار است. سوالات اصلی در این پژوهش به این شرح است: ۱. ویژگی‌های بصری و ساختاری صحن عتیق حرم امام رضا (علیه السلام) در اثر محمودخان ملک الشعرا چگونه کار شده است؟ ۲. ترکیب‌بندی و تقسیمات اثر در ایوان جنوبی و ایوان ساعت چگونه نمایش داده شده است؟ این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاع به صورت اسنادی (کتابخانه‌ای) بوده است. شیوه تحلیل آثار بر اساس بررسی اصول و قواعد تجسمی به کار رفته در نقاشی صحن عتیق است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد محمودخان ملک الشعرا، از هنرمندان بزرگ و پیشگام در عرصه نقاشی نوین در ایران دوره قاجار صحن عتیق، قدیمی‌ترین صحن حرم را در دوره قاجار با نقاشی به ثبت رسانده و در این اثر به جزئیات دقیقی اشاره کرده است که امروزه با توجه به تغییرات در طول زمان ما را با معماری آن زمان در صحن عتیق آشنا می‌کند. این اثر قدیمی نوعی نقاشی مستندنگاری از حرم امام رضا در دوره قاجار از صحن عتیق بوده و پرسپکتیو صحیح، ذهن‌گرایی، خلاقیت هنری در نقاشی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دوره قاجار، امام رضا (علیه السلام)، محمودخان ملک الشعرا، صحن عتیق، نقاشی.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

در این پژوهش، مسئله مورد بررسی پرداختن به نقاشی معماری صحن عتیق و بازتاب آن در نقاشی محمودخان ملک الشعرا است. در شناسایی مسئله تحقیق پژوهشگر سعی می‌کند معماری این صحن را در نقاشی محمودخان ملک الشعرا مورد واکاوی قرار دهد. نقاش در این نقاشی زمینه‌ای متفاوت از صحن عتیق را تصویر می‌کند. در این مرحله در ویژگی‌های نقاشی از صحن عتیق و حدود و مرزهای این نقاشی و ارتباط آن با هندسه تصویری نقاشی از صحن عتیق در دوره قاجار در بازنمایی عینی محمودخان از موضوع، انجام می‌شود. اطلاعات کلی درباره این نقاشی نشان می‌دهد این اثر یکی از قدیمی‌ترین نقاشی‌ها از صحن عتیق است که حدود و معماری آن را در دوره قاجار مشخص می‌کند و به فراهم آوردن دانش درباره بازیابی صحن عتیق در آن زمان با توجه به نقاشی دقیق و عکس‌گونه محمودخان منجر می‌شود. نتایج قبلی درباره آثار محمودخان نشان می‌دهد این نقاشی تاکنون مطالعه نشده است و به روشن ساختن ابهامات درباره این اثر و بازنمایی آن از صحن عتیق پرداخته می‌شود. برای پیش‌برد شناسایی تحقیق ابتدا تاریخچه این صحن بررسی می‌شود. در این پژوهش معماری، پرسپکتیو، فضا سازی، استفاده درست از هندسه و جزئیات ساختمان و معماری صحن عتیق در دوره قاجار به لحاظ هنری و تجسمی در اثر محمودخان ملک الشعرا بررسی می‌شود. هدف از این پژوهش پی بردن به ویژگی‌های بصری نقاشی حرم امام رضا (علیه السلام) و مطالعه تحلیلی این اثر در دوران قاجار به عنوان یک سند تاریخی مهم از معماری آن زمان است. دورنمایی از این بنای مهم در دوران قاجار در آثار نقاشی او از این لحاظ حائز اهمیت است که او حرم و فضای صحن اصلی آن و انسان‌ها در آن دوران را به نوعی متفاوت در نقاشی تصویر ساخته است. سؤالات این پژوهش به این شرح است: ۱- ویژگی‌های بصری و ساختاری صحن عتیق حرم امام رضا (علیه السلام) در اثر محمودخان ملک الشعرا چگونه کار شده است؟ ۲- ترکیب‌بندی و تقسیمات اثر در ایوان جنوبی و ایوان ساعت چگونه نمایش داده شده است؟ ضرورت و اهمیت تحقیق در این

پژوهش مطالعه نقاشی محمودخان از صحن عتیق است. با توجه به تغییرات ایجاد شده در طول تاریخ از دوره قاجار تا معاصر این اثر مورد واکاوی دقیق‌تر قرار گرفته و ویژگی‌های این نقاشی از دورنمای‌سازی صحن حرم در راستای انجام این مهم است. با توجه به جایگاه محمودخان به عنوان یک نقاش از بناهای مهم دوره قاجار اهمیت این موضوع و ضرورت آن در زمان حاضر را توضیح و تبیین می‌کند. تحلیل‌ها و بررسی‌ها نشان می‌دهد این موضوع به‌رغم این موارد تاکنون به‌صورت پژوهشی مستقل انجام نشده و ضرورت این پژوهش را مشخص می‌کند.

۱-۲. روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش اثر نقاشی محمودخان از حرم امام رضاع در دوره قاجار است و به‌وسیله معیارهای مرتبط و به روش تحلیلی بررسی می‌شود. این پژوهش ابتدا به مطالعه آثار و زندگی محمودخان، نقاشی‌های او از بناهای دوره قاجار می‌پردازد؛ ولی تمرکز اصلی مقاله بر اثر حرم امام رضا (علیه السلام) به عنوان قدیمی‌ترین نقاشی رنگ‌روغن شناخته شده از این هنرمند و نمونه نقاشی شده رنگی از صحن عتیق و حیاط حرم در دوره قاجار است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

تاکنون تعداد معدودی از پژوهشگران به زندگی و آثار محمودخان ملک الشعرا پرداخته‌اند. بیشتر پژوهش‌های انجام شده در لابه‌لای نقاشی دوران قاجار متمرکز بوده و در حاشیه پژوهش‌ها به این موضوع اشاره شده است و به‌خصوص در هیچ‌یک از پژوهش‌ها به شهرنگاری و ویژگی‌های تجسمی آن و نمونه اثر مورد بحث در این پژوهش یعنی مطالعه تحلیلی نقاشی حرم امام رضا (علیه السلام) پرداخته نشده است. همین موضوع ضرورت این پژوهش و جنبه نوآوری آن را نشان می‌دهد. در تحقیقات و پژوهش‌های داخلی در زمینه

این هنرمند نوشته مانند ذکا (۱۳۵۴) با نگاهی به نگارگری ایران انتشارات دفتر مخصوص کامل ترین مطالب درباره زندگی و آثار این هنرمند را ذکر کرده است. کعبی پور (۱۳۸۲)، در مقاله‌ای به شرح تابلوی استنساخ پرداخته و زمینه‌های نوآوری در این اثر را بررسی کرده است. شریفی کوشا (۱۳۸۹) به زندگی و آثار او اشاره کرده است. صادقی (۱۳۹۱) مصاحبه‌ای را منتشر کرده و در مقاله خود، صحبت‌هایی درباره جد خود محمودخان صبا ارائه داده است. کریم‌زاده تبریزی (۱۳۶۷) در بخش هنرمندان کتاب خود به تاریخچه زندگی محمودخان پرداخته است. پاکباز (۱۳۶۶) اشاره‌ای به زندگی و آثار او داشته است. افتخاری (۱۳۹۵) در بخش اول کتاب خود به هنر و زندگی او اشاره کاملی داشته است. همچنین وحید زاده از قدیمی ترین منابعی است که به زندگی و آثار او اشاره کرده است. فاروقی (۱۳۹۹) به زندگی و آثار محمودخان پرداخته است، در زمینه پرداختن به ایوان عتیق، جباری و رحیم زاده تبریزی (۱۳۹۵) در مقاله خود به زیبایی شناسی ایوان عتیق پرداخته‌اند. همچنین رحیم‌زاده تبریزی و مزایی (۱۴۰۰) آرایه‌های دوره صفوی در ایوان عتیق را بررسی کرده‌اند. پنجه‌باشی (۱۴۰۱) بازنمایی معماری و تاثیرات عکاسی بر نقاشی محمودخان را بررسی کرده است. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که مقالات و کتب مربوط به این زمینه کم بوده و این زمینه پژوهشی مستندنگاری محمودخان از حرم امام رضا (علیه السلام) در ایوان عتیق به‌رغم اهمیت هنری آن در دوره قاجار مورد غفلت واقع شده و زمینه پژوهشی نبوده است؛ بنابراین در این مقاله سعی می‌شود با بهره‌گیری از منابع مرتبط و همچنین استفاده از نمونه‌های موجود به بررسی و تحلیل این موضوع نقاشی حرم امام رضا (علیه السلام) اثر محمودخان پرداخته شود.

۲. محمودخان ملک الشعرا، زندگی و آثار

نقاش، خوشنویس، شاعر ایرانی، منبت‌کار، مجسمه‌ساز ایرانی (۱۲۲۸-۱۳۱۱ ق/ ۱۸۱۱-۱۸۹۳ م) در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار است. او یکی از استادان و از مفاخر هنرمندان قرن سیزدهم قمری و از نوابغ هنر ایرانی است. محمودخان در شعر و شاعری در دربار ناصرالدین

شاه شهرت داشت. وی در فنون دیگر از قبیل حسن خط و نقاشی و منبت‌کاری و مجسمه‌سازی و سوزن‌دوزی بهره کافی داشت و او را باید مظهری از صنایع ظریف در دوران خود دانست (وحیدزاده: ۴۱۸). محمودخان را می‌توان آغازگر راهی نوین و مستقل در مسیر نقاشی ایران دوره قاجار دانست. او هنرمندی تمام‌عیار، نجیب و آزاده بود که بی‌هیچ ادعا و هیاهویی، باهوش و فراست و مهارتی شگفت از دل پرآشوب تاریخ اجتماعی قاجار سربرآورد و فصلی نو با رویکردی متفاوت در هنر گشود (افتخاری، ۱۳۹۵: ۱۱). محمودخان گیاه‌خوار بود. وی سرانجام در ۸۳ سالگی در تهران درگذشت. این نقاش بزرگ اغلب آثارش را با لفظ ساده و بی‌پیرایه محمود امضا می‌کرد، از تظاهر و غرور خودداری کرده، لقب ملک‌الشعرایی را به‌جز دو بار یکی در حاشیه نسخه قصیده موجود در کتابخانه سلطنتی ایران که نوشته «این بنده محمود الملقب فی الدوله العلیه الناصریه ملک الشعرا» و دیگر ذیل تابلوی استنساخ رنگ‌روغنی که به‌صراحت خود را ملک‌الشعرا نامیده در جای دیگر ذکر نکرده است (کعبی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۲).

محمودخان سال ۱۳۱۱ قمری در حرم حضرت عبدالعظیم در جوار حضرت امام حمزه موسی کاظم به خاک سپرده شد (افتخاری، ۱۳۹۵: ۱۱). لقب ملک‌الشعرایی برای محمودخان بیشتر جنبه موروثی و تشریفاتی داشته و اگرچه متضمن مزایای مالی بوده ولی التزام بر فعالیت و کنشی خلاف میل و انتخاب دارنده آن (محمودخان) نداشته است. این وضعیت خاص اجتماعی، تاریخی او را در موقعیتی قرارداد که توانست تا حد زیادی فارغ از اندیشه معاش و وابستگی‌های مادی، آزادانه سال‌های عمر خویش را وقف آموختن، تجربه و آفرینش در زمینه‌های مورد علاقه‌اش یعنی نقاشی بنماید. در کلیت آثار او نه پرتله‌های سلطنتی و اشرافی به چشم می‌خورد و نه آثار تزیینی و کپی‌کاری. مزیت این موقعیت ویژه وی به‌عنوان هنرمند آزاد درباری نسبت به وضعیت صنایع الملک که نقاش‌های رسمی دربار بود نیز در همین حق آزادانه انتخاب موضوع و شیوه اجراست (فاروقی، ۱۳۹۹: ۲۵). محمودخان از کاخ‌های سلطنتی و باغ‌های آن تصاویر زیادی تهیه کرد. علی‌حسن‌خان فرزند دیگر او نیز نقاش بود و آبرنگ کار می‌کرد و تعدادی از نقاشی‌های او در کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان محفوظ است (فلور، ۱۳۸۱: ۶۰).

او این بیت را درباره مرگ خود سروده است:

دریغ و درد که در خاک نهان شد / گنجی که بود گوهر او همچو نام محمود

فرهاد میرزا معتمدالدوله نیز در مرثیه و تاریخ درگذشت او قصیده سروده که مطلعش این است:

دریغ و درد که شد واژه گونه هنر / سیاه گشت و تبه گشت روزگار هنر

(ذکا، ۱۳۵۴: ۸۷).

همچنان که آثار منظوم محمودخان اندک است، آثار منشور و مدونش نیز بسیار نادر است؛ زیرا این هنرمند و دانشمند بزرگ تمام اوقات شبانه روزی خود را به کسب دانش و مطالعه و آفریدن آثار هنری گذرانیده و برای تألیف و تدوین، مجال کافی نبوده است. از نوشته‌های او جز نمونه‌ای چند به دست نیامده است. از آن جمله مقدمه‌ای بر منشات قائم مقام نوشته که در آغاز چاپ تهران و تبریز جای داده‌اند و دو نمونه دیگر در کشکول فرهاد میرزا به چاپ رسیده است. اعتمادالسلطنه در الماثر و الاثر تألیف ۱۳۰۶ قمری نوشته که در آن سال‌ها به فرمان ناصرالدین شاه مشغول تألیف کتابی در تراجم صاحبان القاب آن زمان بوده است، ولی ظاهراً موفق به اتمام آن نشده و اکنون چیزی از آن در دست نیست (همان). تنها کتابی که راجع به محمودخان اطلاعاتی داده، کتاب مجمع الفصحا (۱۲۸۴ ق. / رضاقلی خان هدایت طبرستانی) است که در صفحه ۴۳۹ جلد دوم آن نقاش را این‌طور معرفی می‌نماید: «... فرزند بی‌مانند محمدحسین خان ملک الشعرا متخلص به عندلیب خلف الصدق سلطان الفصحا فتحعلی خان متخلص به صبا ملک الشعرا خاقان صاحب قران فتحعلی شاه طاب ثراه است. وی از بدو شباب به تحصیل علوم پرداخته با آنکه در حضرت خاقان صاحب قرآن عزتی مخصوص و قرابتی اعلا داشته از اکتساب هنر بازمانده در مراتب علم به توقف مقامی قانع نگشته، ایام عمر عزیز به لهو و لعب و عیش و تضييع نفرموده و دامن تعبد و تقدس را به او ناس شهوانی و ارجاس نفسانی نیالوده همه عمر با ارباب حال و اصحاب کمال بسر برده و پیوسته به تحصیل و تکمیل علوم متنوعه کوشیده تا چنان شده که در این ایام عديم النظر افتاده در علوم ادبیه ادیبی کامل است و در ریاضیات و حکمیات عالم و عامل، اخلاقش به اولیا

مشابهت و مسائل در سقم و صحت مباحث زایش برهان قاطع و تبیان ساطع است. خطوطش از خطوط میرزا صالح و شفیع‌اویس نیاید و نقوشش از تصاویر صادق و بهزاد کمتر نیرزد. در نظم و نثر از امثال و اقران ممتاز و در فضل و علم از توصیف و تعریف بینی، ای عجب! این همه فضایل گرد کبر و غرور بر دامن خصایلش ننشسته و گرد او پندار و دعوی نگذشته، عمانی بی جوش است و خزری بی خروش، کوهی متین است و چرخ آرمیده آفتابی فیض‌بخش است و صبحی برده‌میده، ذلت و عزت در نظر همتش وقعی چندان نه و فقر و دولت را در نزد مکانتش فرقی چندان نی، اگر چه میلی به شاعری ندارد، گاهی تفنناً تغزلی یا مدحتی منظوم کند که طعنه بر گفتار بلغای سلف زند و دانشمندش هم‌رتبه سحر مبین خواند و هم در پایه در ثمین داند، در این دولت ابد مدت (ناصرالدین شاه قاجار) بالارث والاستحقاق ملک الشعراء بالاستقلال است...» سپس اشعاری که در مدح حاجی میرزا آغاسی و ستایش ناصرالدین شاه قاجار، فتح‌علی شاه، محمدشاه، تهنیت عید نوروز و وصف کاخ شاهانه سروده است بیان کرده و احوال نقاش را به پایان رسانده است (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹ ج ۲: ۱۱۲۴-۱۱۲۵). او به تحصیل علوم مختلف پرداخت و در فقه و ادب، تفسیر، عروض و قافیه، شعر و انشا و تاریخ، ریاضیات، مناظره و فلسفه در میان اقران شاخص بود. او در بازی شطرنج هم دستی داشت و خطاطی زبردست بود (فلور، ۱۳۸۱: ۶۰). او از بزرگان دوران خود بود و در نقاشی آبرنگ و رنگ و روغن مهارت فراوان داشت، شیوه کارش از اصول غربی برخوردار است؛ اما حال و هوای نقاشی ایرانی اوایل قرن سیزدهم را نیز به حد کمال دارد. نقاشی استنساخ او که دو نفر را در تاریکی اتاق و در پرتو تابش نور شمع با سایه‌های بلندی که بر دیوار افکنده‌اند نشان می‌دهد اثر بسیار قابل توجهی است. آبرنگ‌های زیبای او از عمارات و باغ‌ها و داخل تالارها دیدنی است (پاکباز، ۱۳۶۶: ۲۳۵).

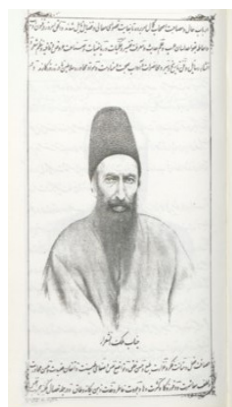
(در برخی کتب محل تولد او را تهران دانسته‌اند که با توجه به حضور خانواده او در آن زمان در کاشان می‌تواند مورد تجدید نظر قرار گیرد. این احتمال وجود دارد با توجه به حضور خانواده محمودخان در آن زمان، او در کاشان متولد شده است، فامیلی او کاشانی است و خانواده او در آن زمان در کاشان سکونت داشته‌اند و منطقی نیست که برای تولد محمود به تهران آمده و مجدداً به کاشان کوچ کرده باشند. نگارنده). او در سال ۱۳۱۱ ه. ق وفات یافت.

اشعار و قصاید او به سبک شعرای خراسان است. او ملک الشعرای دربار ناصرالدین شاه بوده و شاه به او علاقه‌ای وافر داشت به طوری که وقتی در سال ۱۳۱۱ ه. ق زمانی که محمودخان درگذشت، شاه از مرگ او بسیار افسرده و غمگین گردید (سرمدی، ۱۳۷۹: ۸۱۶). در روزنامه شرف شماره هفتادم سال ۱۳۰۶ ه. ق ضمن معرفی محمودخان شرحی آمده است که بخش از آن چنین است: «... در صنعت نقاشی خاصه شعبه دورنما سازی مانند یکی از اساتید معروف اروپا و کارهای ایشان در نظر انور همایون شاهنشاهی که شخص اول شناسانده این صنعت هستند زیاد مطبوع و مطلوب است. در بسیاری از فنون دیگر نیز به غایت ماهر و در صنعت منبت روی عاج و چوب‌بر اساتید چین مزیت دارند از جمله آثار ایشان دیوان قصاید است...» (روزنامه شرف، ش ۷۰: ۴). از اشعار و قصاید وی پیداست با زیبایی‌های طبیعت مأنوس بوده است. سبب داشتن فکر شاعرانه، چشم هنرجو و زیباپرست در برابر بدایع خلقت و طبیعت واله و حیران می‌گشته است. از اشعار زیر که در وصف کوه و صحرا در فصل بهاران سروده است، لطافت و ذوق او کاملاً هویداست.

ز کوه بردشند خروشان سحاب‌ها / غلتان شدند از بر البرز آب‌ها

باد صبا بیامد و بر بوستان گذشت / بگرفت زلف سنبل از آن باد تاب‌ها

(کعبی پور، ۱۳۸۲: ۸۸).



تصویر ۱. میرزا محمودخان ملک الشعرا، طراح ابوتراب غفاری، روزنامه شرف، شماره ۷۰، ۱۳۰۶. (چپ)

تصویر ۲. میرزا محمودخان ملک الشعرا. (افتخاری، ۱۳۹۵: ۱۰) (راست)

محمودخان گذشته از دانشمندی و شاعری، بی‌گفت‌وگوییکی از سیمایهای نجیب و شریف و نمونه ذوق و استعداد ایرانی و ظهور کامل صنایع ظریف و هنرهای زیبای عصر خود بود. وی شطرنج را بسیار خوب می‌باخت، خط نسخ و تعلیق و شکسته را به‌مانند استادان فن بسیار خوش می‌نوشت (ذکا، ۱۳۵۴: ۱۱). محمودخان ملک‌الشعرا نقاشی خودساخته بود، فن رعایت تناسبات طبیعی را به مدد قریحه استثنائی‌اش آموخت، چنان‌که قواعد با اقتباس از طبیعت را بهتر از بسیاری از نقاشان هم‌عصر خوب به کاربرده است. رسیدن به سازشی موزون و ماهیت‌دار در تلفیق فنون غربی و مایه‌های ایرانی هدف نهایی او بوده است (بنی‌اردلان، ۱۳۸۷: ۹۴). از کاغذ و مقوا و رنگ و چوب ماکت‌های ساختمان‌ها را در کمال دقت و ظرافت می‌ساخت که اینک نمونه‌هایی از آن‌ها در موزه کاخ گلستان محفوظ است. اعتمادالسلطنه در سال ۱۸۸۳/۱۳۰۰ به محمودخان اشاره‌ای داشته و او را از بهترین نقاشان دوران دانسته است: «...از مشهورین و مذکورین اساتید این صنعت جلیل یکی جناب فخامت نصاب محمودخان ملک‌الشعراست....» (فلور، ۱۳۸۱: ۴۶). محمودخان ملک‌الشعرا با توجه به تنوع آثار و روش‌هایی که به کاربرده به نظر نمی‌رسد شخصیتی ارتجاعی یا وابسته مطلق به دربار باشد (دل‌زنده، ۱۳۹۵: ۵۲). او به نقاشی مخصوصاً منظره‌سازی به شیوه آبرنگ علاقه داشت و نقاشی‌های پرارزشی از او برجای مانده است که موضوع آن‌ها بیشتر بناها و باغ‌های اطراف کاخ گلستان است، بیننده به هنگام تماشای این آثار به‌زودی درمی‌یابد که محمودخان به روش نقاشان سنتی پیش از خود عمل نکرده است. توجه نقاش به قواعد دورنمایی و استفاده نسبتاً آزاد او از قلم‌موی آبرنگ نشان می‌دهد که از شیوه‌های اروپایی بااطلاع بوده است و در عین حال سبک او دلالت بر نوای تحول شخصی دارد که در واقع نوعی نقاش خودآموخته بود (تاج‌بخش، ۱۳۸۰: ۱۵۳-۱۵۴).



تصویر ۳. خیابان همایون و سردر الماسیه، ابعاد ۵/۴۶ در ۳۷ آبرنگ، بنده درگاه محمود ۱۲۸۸ ه.ق، کاخ گلستان.



تصویر ۴. محمودخان ملک الشعرا، عمارت شمس العماره، کاخ گلستان، ۱۲۸۵ ه.ق، آبرنگ، کاخ گلستان.

اگر محمودخان صبا نیز چون ابوالحسن غفاری (صنایع الملک) نقاش رسمی و درباری بود با لقب و مزایای مالی این منصب، او نیز موظف به کشیدن چهره شاه و شاهزادگان و درباریان می‌گشت. شاید موقعیت ویژه و ممتاز او یکی از عوامل مهم در آزاد بودن وی در انتخاب موضوع آثارش بر اساس منش، سلیقه و علایق شخصی اش بوده است. با این همه، در روزگار و دستگاہی که نوکر منشی و تظاهر، تملق و چاپلوسی کلید ترقی و یافتن مقام و جاه و مال بود، دوری گزینی از چهره‌نگاری شاه و بزرگان زمانه موضوعی است که در عین پیچیدگی برای تفسیر می‌تواند جواب بسیار ساده نیز در این زمینه داشته باشد و آن همان مسئله‌ای است که پیش از این نیز بدان اشاره شد: دغدغه و علایق فردی، نقاشانه و هنری محمود صبا چیزی جدا از تمایل و گرایش عمومی و غالب بر دربار دیوان و محیط هنری آن دوران بود (فاروقی،

۱۳۹۹: ۴۱). نومایه‌ترین هنرمند عهد ناصری که به مدد ذهن علمی و حس کنجکاوی، نه فقط قواعد طبیعت‌پردازی را دقیق‌تر از بسیاری از نقاشان معاصرش به کار برد، بلکه با انگیزهٔ نوجویی و تلفیق سنت‌های ایرانی و اروپایی دست به آفرینش آثاری بدیع زد. با این حال شاید به سبب حضور پرنفوذ کمال الملک و خواستارانش کوشش‌ها و ابتکارات محمودخان راهی مستقل و نو در نقاشی ایران نگشود. محمودخان تصویرهایی دقیق و مستند از بناهای آن زمان با مهارت خود را در کار بست قواعد ژرف‌نمایی و بازنمایی نور نشان داد. کیفیت لطیف و درخشان برخی از منظره‌هایش نیز تازگی داشت. در اسناد مختلف دوران زندگی نقاش، شرح احوال جامعی از این هنرمند درج شده که جهت شناسایی لیاقت و استعداد ذاتی وی، اسناد ذی‌قیمتی به شمار می‌آیند که جمله آن‌ها در این مقاله عرضه می‌گردد. در کتاب الماثر و الآثار، تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه که به سال ۱۳۰۶ هـ.ق تألیف شده دربارهٔ او چنین می‌نویسد، صفحه ۱۲۳ کتاب راجع به ترقی نقاشی از هنرمند نیز نام‌برده و او را چنین معرفی کرده است: «... ترقی نقاشی از وقتی که عکس ظهور یافته به صنعت تصویر خدمتی خطیر کرده دورنماسازی شبیه‌کشی و روا نمودن سایه‌روشن و به کار بردن قانون تناسب و سایر نکات این فن همه از عکس تاصل یافت و تکمیل پذیرفت از مشهورترین و مذکورترین اساتید این صنعت جلیل یکی فخامت نصاب محمودخان ملک الشعرا است و دیگر مرحوم ابوالحسن خان صنیع الملک که از آیات این دولت بود و دیگر میرزا محمدخان نقاش‌باشی (کمال الملک) و دیگر میرزا جعفرخان زنجانی نقاش مخصوص که در جمیع شعب این صنعت مهارت عظیم دارد و دیگر میرزا ابوتراب خان نقاش‌باشی وزارت انطباعات و دیگر محمدحسن بیگ افشار ارومی که هم لال بود و هم کر...». مرحوم هدایت الله لسان الملک در تذکره خوشنویسان خود از محمودخان چنین یاد کرده است: «... محمودخان ملک الشعرا سلطان سلاطین اعلیٰ حضرت ناصرالدین‌شاه قاجار خلد الله ملکه است ابن محمدحسین خان ملک الشعرا ابن فتحعلی خان ملک الشعرا است، نستعلیق را کمتر از اساتید سلف نوشت و شکسته را نیز استادی ماهر گشت و شعر چون متقدمین گفت و در علوم ادبیه و عربیه و معارف کفو و نظیری نداشت و در صنعت نقاشی و دورنماسازی چون وی دیده نشده و در قوه حافظه ضرب المثل شد...» (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۱۲۴-۱۱۲۵). او نقاش مناظر شهری بوده

و از این لحاظ به گونه ناخودآگاه، دیدگاهی همانند برخی از نقاشان پیشرو امپرسیونیست در ربع آخر قرن نوزدهم فرانسه دارد. او در آثارش، زمانه و عصر خویش را ثبت کرده و از این لحاظ آثار وی هم ارزش هنری دارند و هم ارزش تاریخی. او دنیایی را که در پیش چشمانش در حال تغییر و تحول است ثبت می‌کند. در آثار او نه از شاه و درباریان خبری است (به جز تابلو جشن سی‌سالگی سلطنت) نه با معشوقگان، دلدادگان و رقاصان مرسوم کاری دارد و نه درگیر فراز و نشیب زندگی روزمره مردم کوچه و بازار است. او به نحوی ساده و بی‌تکلف و هنرمندانه جهان دگرگون‌شونده پیرامون خویش را به تصویر کشیده است (همان: ۳۳). در نگارگری به یاری ذهن علمی و حس کنج‌کاو خود نه فقط قواعد طبیعت‌پردازی را دقیق‌تر از بسیاری نقاشان معاصر خویش به کاربرد، بلکه با انگیزه نوجویی و تلفیق سنت‌های ایرانی اروپایی دست به آفرینش آثاری بدیع زد. محمودخان ملک‌الشعرا از نبوغ خاصی بهره‌مند بود و بدون نگاه به هنر غرب در بعضی از آثارش مدرنیسم هنری اعجاب‌آوری دیده می‌شود که می‌توان گفت به صورت شهودی و تجربه فردی به این حد از موفقیت رسیده است (افشار مهاجر، ۱۳۹۱: ۱۰۷). مهم‌تر از همه آثار او نقاشی و آبرنگ‌های محمودخان است. در مجموع در آثار محمودخان کلیه ویژگی‌های مدرنیسم نظیر: ذهن‌گرایی، توجه به ساختار و دوری از روایتگری در اغلب آثار وی دیده می‌شود و پیوسته به آن اتکا دارد. گویی مدرنیته به نوعی همسو و سازگار با ذهن خلاق محمودخان بوده و همواره در آثارش استمرار یافته است (ذکا، ۱۳۵۴: ۸۷). از محمودخان صبا حدود بیست و چند اثر نقاشی به جای مانده است. این آثار شامل حدود ۲۰ تابلو با فن آبرنگ، دو تابلو رنگ و روغن، یک تابلو با فن مرکب (سیاه و سفید) و یک تابلو کلاژ (بریده‌های تمبر، آبرنگ و رنگ و روغن) است. همه این آثار در کاخ‌موزه گلستان نگهداری می‌شود، اکثر تابلوهای نقاشی وی بازنمایی عمارت‌ها و فضاها و بیرونی و درونی این مجموعه از کاخ‌های سلطنتی دوره ناصری است. می‌توان تصور نمود که او پس از اتمام بعضی اذکارش این آثار را به شخص ناصرالدین‌شاه تقدیم کرده و از این طریق این تابلوها جزو آثار هنری کاخ درآمد و خوشبختانه تا به امروز محفوظ مانده‌اند. قدیمی‌ترین اثر به جای مانده از محمود صبا تابلو عمارت بادگیر از محوطه کاخ ۱۲۷۸ ق. هـ ۱۸۶۱ م است که متعلق به چهل و هشت سالگی اوست (فاروقی، ۱۳۹۹: ۲۵). محمودخان ملک‌الشعرا در نقاشی

قدیم و جدید به خصوص در دورنما سازی استادی ماهر بود و با توجه به شیوه‌های نقاشی غربی و شرقی به یقین می‌توان گفت که این استاد فصلی نو در تاریخ نقاشی ایران گشود و با آثار خود هم‌زمان با مکتب امپرسیونیسم اروپا به علت رعایت عناصری چون سطح و حجم حدوداً یک قرن پیش‌تر به سبک اروپایی دست یافته بود (جعفری، ۱۳۸۷: ۶۷، هادی، ۱۳۶۶: ۳۵، کعبی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۰). او در دوران قاجار نوعی سبک عکاسانه را توسعه داد که آن را در یک سلسله از ناظر کاخ‌ها و باغات سلطنتی به نمایش گذاشت (راینسون، ۱۳۷۶: ۹۱). آثار او علاوه بر داشتن جنبه هنری نمایانگر وضع تهران قدیم است. نقاشی‌های او از قدرت و خلاقیت وی خبر می‌دهد (الماسی، ۱۳۸۰: ۱۱۷). محمودخان در تصویر شیوه خاصی داشت. اضافه‌ها، آرایش‌های فرنگی و نکات غیر ضروری را به سلیقه خود حذف و ابتکارات ابداعی خود را جایگزین آن سستی‌ها می‌کرد (کعبی‌پور، ۱۳۸۲: ۸۹). محمودخان در نقاشی چشم‌اندازهای شهری بسیاری از باغ‌ها و ساختمان‌ها، خیابان‌های شهر تهران را در تصاویر دقیق و مستندی کشیده و توانایی خود را در کار بست قواعد پرسپکتیو و بازنمایی نشان دادن نور نشان داده است. او به علت آشنایی با علم ریاضیات و پرسپکتیو هندسی و اسلوب‌پردازی نقطه‌ای هنرمندی خلاق و بدیع بوده است (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۴). این استاد علاوه بر زیباسازی پروسوایی که در ترسیم عمارات سلطنتی و ساختمان‌های قدیمی به کار می‌برد، به علت علاقه و احاطه‌ای که بر علوم هندسی نقش اضلاع به اصطلاح معماران قدیم رسمی‌سازی داشته، بافت هندسی و عمق معماری بناها را نیز به‌سان مهندسی خبره و جست‌وجوگر دقیق و صحیح می‌کشید و به‌سان نقشه اتمام یافته ساختمان‌ها، تمیز و پاکیزه ارائه می‌داد و در اجرای قوانین دقیق و سخت پرسپکتیو، استادی دقیق نگار بوده و همه مراحل آن را به شایسته‌ترین وجهی به روی کاغذ آورده است (کعبی‌پور، ۱۳۸۲: ۸۹).

محمودخان در نقاشی به دو طریق رنگ و روغن و آبرنگ کار کرده و شیوه نقاشی‌های آبرنگ اورنالیسمی آمیخته با ریشه کاری و پردازش خاص نقاشی ایرانی است. محمودخان در تنظیم و نقاشی مناظر و ابنیه نظیر شمس‌العماره گاهی چنان دقتی در اعمال قواعد مناظر و مرايا به کار می‌برد که مانند یک معمار ریاضیدان هنرمند همه حجم‌ها را درست و منظم حساب می‌کند و گاه در نقاشی مناظر طبیعی به قدری احساسات شاعرانه سرکارش نشان می‌دهد

که خود را هنرمندی سرمست از زیبایی‌ها و شعر طبیعت معرفی می‌نماید (ذکا، ۱۳۵۴: ۱۱). در نقاشی‌های با چشم‌انداز بالا اثر محمودخان مانند حرم امام رضاع و خیابان باب همایون نگاه دقیق به انسان‌ها از بالا می‌تواند از تجربه او در بازی شرنج و نگاه از بالا به صفحه و مهره‌ها نشئت گرفته باشد. در این آثار چنانچه با چشم مسلح و با دقت به این انسان‌ها نگاه شود در عین کوچکی دارای جزئیات زیبا و بسیار دقیق است (پنجه‌باشی، ۱۴۰۱: ۱۲۱). نقاشان بسیار دیگری در این دوره قابل ذکرند، اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها ملک الشعراست که هم نقاش و هم شاعر دربار ناصرالدین شاه بود که آثار او در کتابخانه کاخ گلستان است، یکی از جالب‌ترین آثار او نقاشی از مشهد است (پوپ، ۱۳۶۹: ۳۷).

۲-۱. معماری صحن عتیق

ایرانیان در بناهای مذهبی، فضایی با طاق قوس‌دار ایجاد کردند که به یک حیاط مرکزی گشوده می‌شد. این فضا که به ایوان معروف است در واقع، صفه یا طاقی است محرابی یا هلالی شکل (گرابر، ۱۳۸۸: ۳۱). ایوان‌های ایرانی اغلب بلند ساخته شده و سقف آن‌ها که غالباً نیم‌کره یا نیم‌گنبد است با عناصر تزئینی مانند مقرنس، آجرکاری، گچ‌بری، آینه‌کاری نقاشی و به‌ویژه کاشی‌کاری مزین شده است (شاطریان، ۱۳۹۰: ۲۵۱). ایوان طلایی صحن عتیق تقریباً در شمال غربی حرم و در ضلع جنوبی صحن عتیق واقع شده و نمونه زیبای هنر فلزکاری است که در سال‌های ۸۸۵-۸۷۵ قمری از ساخته‌های امیرعلیشیر وزیر شاه سلطان حسن بایقراست. به همین سبب به ایوان میرعلی شیر نیز مشهور است. در منابع ابعاد این ایوان را ۱۰ متر و عرض آن ۸ متر و ارتفاعش ۲۵/۲۶ متر دانسته‌اند (مشهدی زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۷). و برخی طول آن را ۱۴/۷۰ متر و عرض آن را ۷/۸۰۱ و ارتفاعش ۲۱/۴۱ نوشته‌اند (مومتن، ۱۳۴۰: ۴۷). طلاکاری ایوان عهد عتیق ابتدا در زمان شاه طهماسب و به دستور او صورت گرفته و در زمان شاه عباس صفوی تجدید شد و در زمان نادرشاه در سال ۱۱۴۶ قمری طلاکاری شده و تا به امروز به همین شکل باقی مانده است. به همین سبب به ایوان نادری مشهور است (مشهدی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۷؛ مؤتمن، ۱۳۵۴: ۱۲۱). ایوان عتیق از قدیمی‌ترین مکان‌های حرم صحن انقلاب است. این صحن به دلیل موقعیت مکانی که

در شمال روضه منور قرار دارد، همواره مورد توجه حکمرانان، اندیشمندان و بزرگان دوره‌های مختلف بوده و در گذشته به صحن عتیق یا صحن کهنه خوانده می‌شده است و هنرهای ارزشمندی در آن به کار رفته که از شاهکارهای هنر اسلامی در هر دوران است. بنای اصلی و اولیه صحن متعلق به قرن ۹ قمری و اواخر دوره تیموری بوده و گسترش آن نیز در دوران صفویه و شاه عباس صفوی انجام شده است (افشارآرا، ۱۳۸۲: ۳۱۶). این صحن پشت سر حضرت واقع شده و نصف آن که در سمت گنبد طلای نادری است از بناهای امیرعلی شیر، وزیر شاه سلطان حسین بایقراست و نصف دیگر از بناهای دوران شاه عباس است (صنیع الدوله، ۱۳۶۲: ۱۲۹). در زمان شاه عباس صحن عتیق که اولین صحن حرم رضوی بوده، ساخته شد و اضلاع شرقی، شمالی، غربی با ایوان‌ها و حجره‌هایی ساخته و تزیین گشت. سال ۹۷۷ قمری عبدالرحمن خان ازبک اموال آستان قدس و طلاهای گنبد را غارت و شاه عباس صفوی در سفر به مشهد گنبد را مجدد طلاکاری کرد. این کار سال ۱۰۱۶ قمری پایان یافت و جریان آمدن شاه عباس و طلاکاری گنبد در کتیبه کمربندی گنبد به صورت کتیبه ذکر شده است (ظریفیان، ۱۳۸۷: ۱۰). هنگامی که سال ۱۰۲۱ قمری شاه عباس صفوی برای زیارت مشرف می‌شود با کوچک یافتن فضای صحن دستور احداث ایوان شمالی به قرینه ایوان جنوبی و هم‌چنین دو ایوان شرقی و غربی رامی‌دهد (منشی، ۱۳۱۷: ۵۸۴). شاه عباس دوم اقدام به تعمیر کاشی کاری صحن عتیق کرد (عالم‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۹). صحن عتیق در شمال روضه منور قرار گرفته و در گذشته به صحن عتیق یا کهنه معروف بوده و بعد از انقلاب اسلامی به صحن انقلاب تغییر نام پیدا کرده است. قسمت اصلی این بنا ایوان طلادر ایوان جنوبی است که در دوره صفوی گسترش یافت و سه ایوان و حجره در آن ساخته شد (افشار آرا، ۱۳۸۲: ۳۱۶). این صحن با مساحت ۶۷۴۰ مترمربع دارای چهار ایوان بزرگ و تاریخی و قرینه است. به جز ایوان طلای ایوان‌ها از ورودی‌های اصلی حرم بوده و در طرفین هر ایوان گذرگاه کوچکی برای رفت و آمد زوار قرار دارد (فیض، ۱۳۸۲: ۳۸۱). از مشخصات دیگر این صحن وجود عناصری چون گنبد، دو مناره، برج ساعت، نقاره‌خانه، پنجره فولاد و سقاخانه است. به دلیل ساخت و توسعه این صحن در دوره تیموری و صفوی ساختار معماری آن بر پایه دو سبک آذری و اصفهانی است؛ بنابراین ویژگی‌های دو سبک فوق در ساختار آن

کاملاً مشهود بوده که از مهم‌ترین آن‌ها در سبک آذری می‌توان بهره‌گیری بیشتر از هندسه و گوناگونی طرح‌ها در معماری بامیان سرای چهار ایوانی را نام برد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۲۱۴). امروزه ساختار معماری صحن عتیق عناصری چون گنبد، دو مناره، سقاخانه و ایوان منتهی به روضه منور با پوشش طلا جلوه زیبا و باشکوهی به صحن بخشیده است. در کنار ایوان طلا، پنجره فولاد نیز به رنگ طلایی مشاهده می‌شود. احداث صحن عتیق مربوط به دوره صفویه بوده است، مناره نصب‌شده بر روی ایوان جنوبی در زمان نادرشاه افشار ساخته و طلاکاری می‌شود. سقاخانه این صحن نیز در این زمان ساخته می‌شود و توسط یکی از سرداران قاجار به نام اسماعیل خان پوششی گنبدی بر فراز آن نصب و طلاکاری می‌شود و از آن زمان به نام سقاخانه اسماعیل طلا معروف شده است (همان: ۳۹۱). صحن عتیق یا صحن کهنه در دوره قاجار دچار بازسازی و نوآوری شد و با طلا کردن گنبد و قرار دادن ساعت در آن تغییراتی در آن صورت می‌گیرد. معماری این صحن به صورت دقیق و قرینه بوده و از تقسیم‌بندی زیبایی برخوردار است که در نقاشی محمودخان به عنوان یک مستند رنگی نقاشی شده از این صحن نکات جدیدی مشخص می‌شود.

۲-۲. نقاشی صحن امام رضا (علیه السلام) اثر محمودخان ملک الشعرا

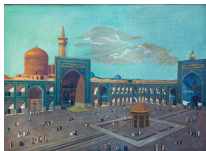


تصویر ۵. صحن حرم امام رضا (علیه السلام)، محمودخان ۱۳۰۳ ه. ق، رنگ روغن ۱۰۲×۱۲۸، کاخ موزه گلستان.

قدیمی‌ترین تابلو رنگ و روغن محمودخان صبا که تا به امروز در کاخ گلستان محفوظ مانده است موضوعش صحن عتیق واقع در حرم امام هشتم شیعیان در مشهد است. ترکیب‌بندی آن در عین استحکام و انسجام ساده است و بر حول محوری افقی که تصویر را به دو بخش مساوی تقسیم می‌کند، شکل گرفته است و معماری سنتی بنا و جزئیات آن با دقت طراحی و ترسیم شده است. با آنکه از رنگ و روغن استفاده شده ولی ریزه کاری‌ها به روال سنت نقاشی ایرانی فراوان و دقیق است. پیکره‌ها بر همان سیاق معمول محمودخان است که ساده، ظریف و متناسب‌اند (فاروقی، ۱۳۹۹: ۱۳۵). حرم باشکوه و بارگاه امام رضا (علیه السلام) در طی دوره‌های مختلف توسط هنرمندان به یادگار گذاشته شده است. یکی از این هنرمندان محمودخان ملک الشعرا در دوره قاجار است که نمای صحن عتیق را نقاشی کرده است. او ضمن آشنایی با نقاشی قاجار و آرایه‌های تزیینی، استفاده از پرسپکتیو غربی و درک مفاهیم آن سعی کرده است تا این مکان مقدس را به خوبی و زیبایی به تصویر بکشد. در نقاشی محمودخان سعی شده است اعتقادات، قداست فضای مقدس، مظاهر نمادین مذهبی، زیبایی فضا و نمای حرم در دوره قاجار مورد توجه قرارگیرد. در اثر او بدعت هنری در نمایش صحن و فضا و بارگاه و گنبد به زیبایی رعایت شده است. این تصویر یکی از زیباترین دورنماهای محمودخان با زاویه دید از بالا بوده که به صحن حرم امام رضا (علیه السلام) را در دوره قاجار به عنوان یکی از اسناد مهم تصویری تبدیل شده است. او در هر موضوعی سبک و شیوه خود را به اجرا درآورده است. در این اثر آسمان آبی و زیبا با ابرهای متأثر از نگارگری ایرانی دیده می‌شود. کاشی‌ها دارای طیف متنوعی از آبی است که بازی‌های زیبای نور و سایه دارد. تقسیم‌بندی زیبای هندسی در طاقچه‌ها و حجره‌ها مانند معماری نمایی از بالای شهرکاشان اثر همین هنرمند، در تصویر دقیق و زیبا دیده می‌شود. پیکره‌های انسانی بسیار کوچک کار شده تا برهیت و زیبایی بارگاه و شکوهمندی بنا بیشتر تأکید شود. پیکره‌ها در این اثر نیز مانند خیابان با همایون (تصویر ۳) به صورت پراکنده در نقاشی در اندازه‌های کوچک پخش شده است. در دوره محمودخان نقش اصلی تصاویر نقاشی انسان در ابعاد انسانی است. این تفاوت دیدگاه محمودخان به مقوله پیکره‌های انسانی به صورت متفاوت را مشخص می‌کند. سقاخانه طلای روبه‌روی ایوان

طلا با دو مسیر راه از ابتدا تا انتهای تصویر نقاشی شده است. دقت در جزئیات، طیف زیبای آبی در کاشی‌ها و آسمان، هماهنگی آن با رنگ طلایی، دورنمای شهر در دوردست از ورای ساختمان از زیبایی‌های این اثر است. محمودخان در این اثر با رنگ‌روغن کیفیت بالایی در تکنیک را به اجرا درآورده و مشخص می‌کند او در این تکنیک هم از مهارت بالایی با وجود تسلط بر آبرنگ، برخوردار بوده است. این اثر تنها اثر مذهبی به جای مانده از محمودخان است. به عنوان یک مستند عالی و زیبا از فضای ایوان عتیق قدیمی‌ترین ایوان در حرم رضوی در دوران قاجار است و تغییرات آن در دوره‌های بعد را به مخاطب به خوبی نشان می‌دهد. در مطالعه تحلیلی تقسیم‌بندی این اثر مشخص می‌شود که محمودخان از تقسیم‌بندی، ریاضیات، دانش هندسی قوی برای نشان دادن فضا استفاده کرده است، سطوح مشخص و دقیق، تقسیم‌بندی‌ها بسیار منظم اساس کار هنرمند بوده است. انسان در اثر او موضوع اصلی و دغدغه اصلی هنرمند نبوده و بیشتر تقسیم‌بندی فضا، صور هندسی و شکوهمندی بنا و بازنمایی آن مدنظر بوده است. این موارد در جدول ۱ خلاصه‌سازی می‌شود.

جدول ۱. ویژگی و مشخصات اثر صحن حرم اما رضا (علیه السلام): منبع: نگارنده.

نام هنرمند	نام اثر	تکنیک	مکان	ابعاد	ویژگی اثر	معنای غالب	سال اثر	تصویر
محمودخان ملک الشعرا صبا	صحن امام رضا (علیه السلام)	رنگ و روغن روی بوم	کاخ گلستان تهران	۱۰۲×۱۲۸ سانتی متر	ترکیب بندی دقیق و بازنمایی عکس گونه از حرم	نمایش بازنمایی دقیق بنای صحن باشکوه عتیق و زیارت	۱۳۰۳ ه.ق	

۳-۲. مطالعه تحلیلی نقاشی امام رضا (علیه السلام) اثر محمودخان ملک الشعرا

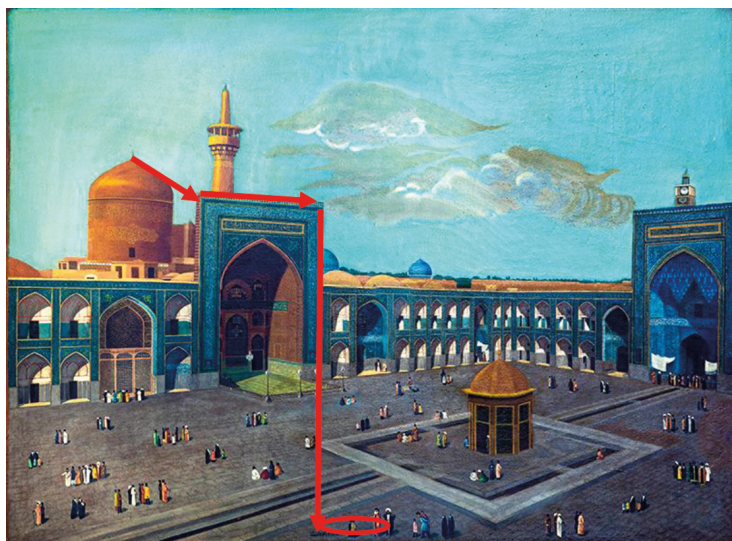
صحن عتیق، ۴۰ حجره دارد که با کاشی‌های هفت‌رنگ آبی تزیین شده است. ایوان شمالی یا ایوان عباسی در سال ۱۰۲۱ قمری بنا شده است و بر فراز آن گل دسته‌ای قرار دارد از جنس طلا که مربوط به دوره نادرشاه افشار است. در مقابل آن ایوان طلایی واقع شده و تزیینات کاشی آن مربوط به دوره صفوی و قاجار است و کتیبه‌ای با نام محمدشاه قاجار دارد. ایوان غربی یا ایوان ساعت با ارتفاع ۲۴ سانتی‌متر ساعت بزرگی دارد که در سال ۱۳۳۶ شمسی نصب شده است که در پیشانی آن کتیبه‌ای به خط ثلث با زمینه لاجوردی با خطاطی محمدحسن مشهدی آیت‌الکرسی نوشته شده و در حاشیه آن سوره انسان از قرآن مجید مکتوب است. <https://www.razavi.ir>. محمودخان در بازنمایی حیاط صحن سعی داشته است محاسبات دقیق هندسی و تقسیم‌بندی زمینه کار، اشکال گوناگون هندسی را بر مبنای فضای محیط با تنوع ایجاد کند. فضای تقسیم‌بندی او ساده بوده ولی از پرسپکتیو دقیقی برخوردار است. تمرکز نقاشی بر ایوان طلا و ایوان ساعت است ولی فضای صحن و حجره‌ها و کاربردی آن‌ها با دقت و ظرافت نقاشی شده است. مقرنس‌های تزیینی، طاق‌ها به خوبی دیده می‌شود. کاشی‌کاری‌های دارای نقوش به رنگ آبی هفت‌رنگ و معرق با زیبایی بارنگ‌های دلنواز آبی روشن و تیره ترسیم شده است. بازی نور و سایه که در سایر آثار محمودخان با فن آبرنگ به زیبایی انجام شده و در این اثر نیز بارنگ روغن تصویر شده است. نقوش کاشی‌ها و کتیبه‌هایی بارنگ سفید با دقت انجام شده و لباس و پوشش و رنگ آن‌ها متفاوت است.

در نقاشی محمودخان از صحن عتیق، ایوان طلا یا ایوان نادری، پنجره فولاد و ایوان ساعت، بخشی از صحن حرم، سقاخانه در مربعی که به چهار ضلع اشاره دارد و جوی‌بندی که امروزه وجود ندارد دیده می‌شود. محمودخان تلاش داشته است در این نقاشی از تقسیم‌بندی درست و دقیق استفاده کند و هندسه زیبایی را دریاورد. مکان هنرمند احتمالاً بین صحن نقاره‌خانه و صحن عباسی در بالا بوده است، دید از بالا و روبه‌رو در نقاشی مشهود است و مانند سایر نقاشی‌های محمودخان نقاشی از فراز بلندی دیده می‌شود. مانند سایر آثار او، در این اثر نیز تقسیمات هندسی، پرسپکتیو دقیق، بازی نور و سایه

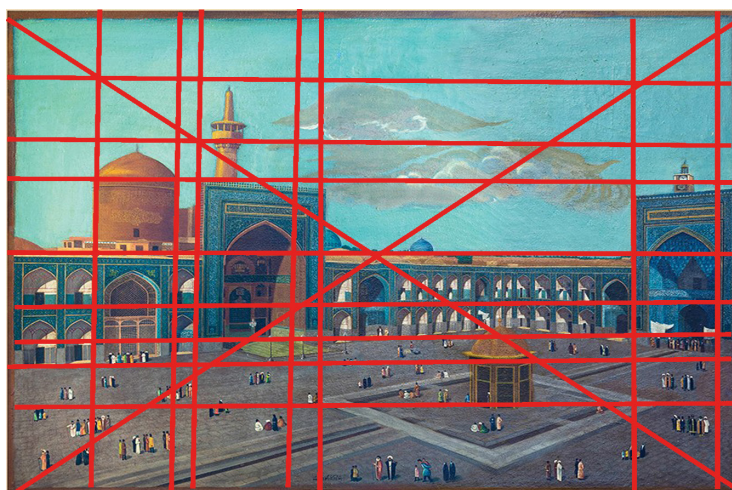
در حجره‌ها، مقرنس‌بندی زیبا در ایوان ساعت، رنگ‌بندی درخشان در کاشی‌کاری‌ها و تناسب رنگ آبی روشن و تیره، نقوش سفید و طلایی به‌خوبی دیده می‌شود. نکته مهم در این نقاشی کف صحن است که کف‌پوش سنگ شده و تقسیم‌بندی دقیق دور سقاخانه است که احتمالاً جوی آب بوده است و امروزه این موارد در تعمیرات صحن عتیق تغییر کرده است. محل قرارگیری امضا محمودخان در آثار همیشه هوشمندانه بوده است و در وسط نقاشی قرار دارد که در تصویر مشخص می‌شود و در راستای پایین ایوان طلای نادری در مرکز تصویر است. بنده درگاه محمود سنه ۱۳۰۳، از نکات مهم در این نقاشی تنوع لباس افراد است و رنگ‌بندی آن‌ها و سعی شده به جزئیات دقت شود. در زمینه کاشی و نقوش کاشی‌ها، نوشته کتیبه‌ها چه روی کاشی‌ها و چه بدنه گنبد به‌صورت محو انجام شده است. این اثر قدیمی‌ترین نقاشی محمودخان با رنگ و روغن بوده و تنها اثر مذهبی او از این بناست ولی در این اثر به زیبایی با فن رنگ و روغن به لطافت آبرنگ به زیبایی لطافت رنگ کاشی‌ها و فضای درخشان توسط هنرمند خلق شده است. بازنمایی دقیق آرایه‌های تزیینی معماری و کاشی‌ها شبیه به نمونه حقیقی در نقاشی این دوران در حوزه فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد هنرمندی مانند محمودخان، بر اساس نمونه‌های حقیقی مستندنگاری می‌کرده و با این تدبیر و شناخت و تلاش در بازنمایی و شبیه‌سازی نقوش و تزیینات سعی داشته در این اثر، بازنمایی صحن عتیق و بازشناسی آن در فرهنگ و معماری اسلامی را به‌خوبی نشان دهد. در این اثر مهم، تحولاتی که در صحن عتیق در دوره‌های بعدی به وجود آمده است با اثر دقیق محمودخان ملک الشعرا حق او به‌خوبی شناخته می‌شود. ویژگی‌های متمایز این نقاشی و شاخصه‌های شناخته شده آن در بازنمایی دقیق و جزئی‌نگر در بازنمایی دقیق بارگاه امام هشتم (علیه السلام) و صحن عتیق از چشمگیرترین ویژگی‌های این اثر است. در میان نقاشی‌های قاجار نقاشی صحن عتیق که قدیمی‌ترین اثر رنگ و روغن اوست در خور توجه است. با آنکه برخلاف سایر نمونه‌های نقاشی شده محمودخان شباهت با نمونه‌های آبرنگی از بناهای کاخ و معماری این دوران دیده می‌شود؛ اما هنرمند در این اثر مهم با رنگ و روغن سعی داشته اثری ماندگار با ساخت‌وساز دقیقی را تصویر کند. رعایت جزئیات در این اثر بزرگ دارای شباهت

با سایر آثار آبرنگی و یکی از نوآوری‌های کار اوست. در این اثر هنرمند با هدف بازنمایی دقیق ترسیم فضای معماری، نمایش جزئیات به اصل بازنمایانه وفادار بوده و این امر تغییرات این صحن را در رویدادهای زمانه آشکار می‌کند. ویژگی‌های گوناگون این اثر را از جهات گوناگون می‌توان بررسی کرد. ویژگی‌های تزئینی و جزئی‌نگر در معماری، پرداختن به فضاسازی و طراحی معماری در ساختار کلی تصویر، ساختار متقارن و تلفیق هنر ایرانی و نقش‌مایه‌های تزئینی کاشی‌کاری ایرانی، رنگ‌گزینی دقیق و حساب شده و محدود، استفاده از تکنیک رنگ و روغن با روشی خاص (مانند آبرنگ)، ریاضی‌گونه از مهم‌ترین این ویژگی‌ها در این نقاشی است. چشم‌اندازی از صحن عتیق با نگاهی معمارانه و چکیده نگاری شده در بازنمایی جزئیات درکاشی‌های سراسر منقوش و مزین، از ویژگی‌های مهم کارهای این تصویر است. در نقاشی محمودخان در دوره قاجار اصل واقع‌نمایی بازنمانه بر اساس تزئینات واقع‌گرایانه در ذهن جست‌وجوگر او دیده می‌شود. بازنمایی نقش‌مایه‌های کاشی‌ها و تزئینات و تقسیم‌بندی هندسی اثر نشان می‌دهد که برخلاف سابقه نقاشی ایرانی او از نقوش برای پرکردن سطوح و آذین‌نگاری استفاده نکرده و این امر هدف هنرمند نبوده، بلکه با دقت و انتخاب هنرمند همراه بوده است. در آثار او الگوهای بصری معماری ایرانی مانند سایر آثار آبرنگی قابل تشخیص است و سادگی اثر فهم مخاطب را در نقاشی ایرانی نشان می‌دهد. در این نقاشی تقلید و بازنمایی به‌شیوه غربی دیده نمی‌شود و بر پایه ظاهری متفاوت و نگاهی نو با صبغه نقاشی ایرانی در دوره‌های گذشته استوار است. با توجه به نگاه ویژه هنرمند به معماری صحن و بازنمایی و نگاه جزئی‌نگارانه به نقوش و تزئینات هنرمند سعی داشته است به تصویر حقیقی از صحن عتیق وفادار باشد. وفاداری به بازنمایی دقیق بر طبق سنت تصویری محمودخان در نقاشی که ریشه در هنر ایرانی دوره‌های گذشته دارد، درک درست او از پرسپکتیو غربی با نقاشی ایرانی را بازتاب می‌دهد. در این نقاشی فاخر تاکید هنرمند بر بازنمایی با شکوه صحن و بارگاه امام هشتم ع فاخر و چشمگیر در مقابل کوچکی پیکرنگاری انسانی است، تاکید بر عناصر معماری و فضاسازی، جزئیات و دقت در بازنمایی نقوش به کار رفته در معماری و کاشی‌ها با سایر نقاشی‌های محمودخان با تکنیک آبرنگ تطابق داشته و نشان می‌دهد محمودخان در نهایت زیبایی و

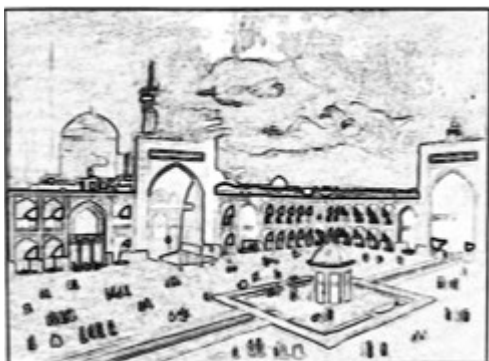
بسیار پر حوصله و با وسواس، کوچک‌ترین نکته‌ای را در این نقاشی از نظر دور نگاه نداشته و با نظم و دقت این موارد را در نقاشی خود ترسیم کرده است. جزئیات تقسیم‌بندی اثر محمودخان از صحن عتیق در جدول ۲ خلاصه و جمع‌بندی می‌شود.



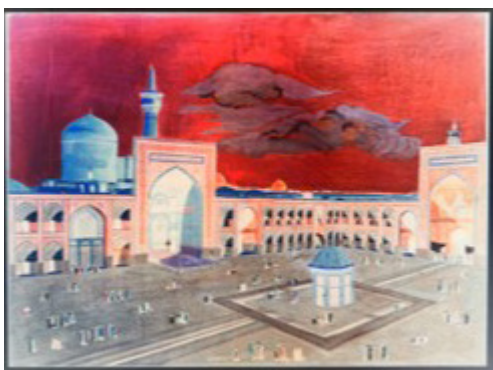
تصویر ۶. مکان امضای محمودخان در اثر، بنده درگاه محمودخان سال ۱۳۰۳.



تصویر ۷. مطالعه تقسیم‌بندی هندسی و ترکیب‌بندی اثر صحن عتیق اثر محمودخان.



تصویر ۸. آنالیز طرح خطی ترکیب‌بندی نقاشی صحن عتیق اثر محمودخان.

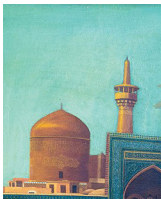
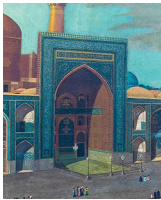
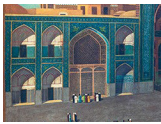
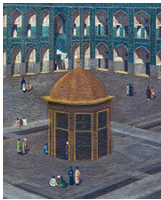


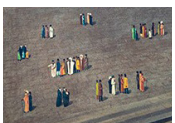
تصویر ۹. آنالیز کنتراست رنگی مکمل در ترکیب‌بندی نقاشی صحن عتیق اثر محمودخان.



تصویر ۱۰. آنالیز ترکیب‌بندی، طرح خطی و تیرگی روشنی نقاشی صحن عتیق اثر محمودخان.

جدول ۲. مطالعه ویژگی‌های اثر صحن عتیق محمود خان. منبع: نگارنده.

مکان	نام	محل قرارگیری	سال	دوره	تزیینات	جزئیات	رنگ	ویژگی نقاشی محمود خان	تصویر
صحن عتیق	گنبد ایوان عباسی	صحن عتیق	۸۷۰ ق	تیموری قدیمی ترین	خشت طلا کاشی	دارد دقت در کتیبه نگری رنگ	هماهنگی زرد و آبی	پرداخت پرسپکتیو درست و بازنمایی دقیق با جزئیات دقیق	
صحن عتیق	ایوان جنوبی	ایوان طلا نادر	۸۷۲ هـ.ق	امیرعلی شیر نوایی / زمان سلطان حسین باقلا زمان نادرشاه طلا می‌شود	مرمر کاشی خشت طلا	دارد دقت در کتیبه نگاری کاشی نگاری	تنوع در آبی نوشتار سفید	پرسپکتیو صحیح جزئیات در بازنمایی جزئی نگار کاشی‌ها و نقوش کتیبه‌نگاری کاشی چراغ‌ها سایه افتان	
صحن عتیق	پنجره فولاد	ضلع جنوبی صحن	-	دوره صفوی	-	دقت در تقسیم بندی حجره‌ها	تنوع در نور و سایه	تقسیم‌بندی هندسی با جزئیات در بازنمایی بازی نور و سایه	
صحن عتیق	سقاخانه اسماعیل طلا	وسط صحن مقابل چهار ایوان	۱۱۴۴-۱۱۴۵	دوره صفوی	سنگاب از هرات به دستور نادرشاه	اسماعیل خان پوشش هشت ضلعی طلا	تنوع در تقسیم بندی	تقسیم‌بندی هندسی مبتنی بر ریاضیات جزئیات سقف بدنه سقاخانه	

	بازنمایی کاشی و مقرنس تنوع رنگ و هم خوانی رنگ‌گزینی محدود و آگاهانه با انتخاب هنرمند با فضا	مقرنس زیبا و آبی‌های متنوع تیره و روشن	کنیبه آیت الکرسی به خط محمد حسین مشهدی /سوره انسان	ساعت خریداری از هامبورگ ۱۳۳۳	صفوی	۱۳۳۶ ه.ش	ایوان ساعت	ایوان غربی	صحن عتیق
	نمایش فضای کلی از صحن باجزییات ریاضی‌گونه در صحن عتیق	-	هفت رنگ آبی	کاشی و مقرنس دوره قاجار	صفوی	-	ایوان عباسی	۴۰ حجره ایوان شمالی	صحن عتیق
	نمایش انسانی به صورت پیکرنگاری کوچک پراکنده در ابعاد بسیار کوچک برای نمایش شکوه و عظمت بارگاه امام هشتم (علیه السلام)	-	دقت در تقسیم بندی و پرسپکتیو کف پوشش افراد	سنگ فرش	قاجار	-	همه صحن	کف صحن	صحن عتیق

۳. نتیجه‌گیری

محمودخان ملک‌الشعرا از هنرمندان خودآموخته در دوره قاجار است. او با آگاهی از هنر ایران و شناخت عمیق از پرسپکتیو و کاربست آن در هنر نقاشی ایرانی فصل جدیدی در نقاشی ایرانی دوره قاجار رقم زد. او با استفاده کاربردی از پرسپکتیو دقیق به بازنمایی بناهای دوره قاجار پرداخت که امروزه به عنوان سندی از بناهای این دوران است. قدیمی‌ترین نقاشی

رنگ‌روغن محمودخان تابلوی ایوان عتیق قدیمی‌ترین ایوان حرم امام هشتم شیعیان است. در این نقاشی محمودخان از تقسیم‌بندی دقیقی در اثر استفاده کرده و سعی داشته است نقوش و جزئیات را به زیبایی در اثر پیاده کند. رنگ‌بندی درخشان، فضای معنوی با تأکید بر گلدسته و گنبد، کاشی‌های منقوش با آبی روشن و تیره و بازی نور و سایه روی نقوش آن از ویژگی‌های این نقاشی زیباست. این ویژگی‌های برجسته هنر نقاشی در اثر صحن عتیق اثر محمودخان را مشخص می‌کند. در این اثر بازنمایی دقیق نقش‌مایه‌ها در ابعاد بزرگ اثر با نقاشی رنگ و روغن اتفاق افتاده و ویژگی‌ها و اصول نقاشی ایرانی در دوران‌های گذشته در آن دیده می‌شود. در این اثر که برگرفته از نمونه حقیقی صحن عتیق در دوره قاجار است، اهمیت درخور این صحن و تغییرات آن در دوره قاجار قابل تشخیص است و نمایش شکوه و عظمت بارگاه هشتم و صحن عتیق با دقت و وسواس مثال‌زدنی توسط محمودخان ترسیم و بازنمایی شده است که دقت و آگاهی هنرمند از پرسپکتیو ایرانی را نشان می‌دهد. در مقایسه با سایر هنرمندان نقاش این دوره که به موضوعات مذهبی نپرداخته‌اند، محمودخان موضوع اصلی خود را در نقاشی مهمی به بازنمایی صحن عتیق اختصاص داده است. جایگاه نقاشی محمودخان ملک‌الشعرا و آگاهی او از پرسپکتیو درست و دقیق در دوره قاجار و شناخت او از کاربردست دقیق نور و سایه و انعکاس آن در نقاشی صحن عتیق، قواعد دیدن و بازنمایی هندسی آن را در سطح دوبعدی، رنگ‌آمیزی غنی و نقاشی درخشان در کنار پرداختن به جزئیات نقوش و کتیبه‌نگاری، کارکرد این نقاشی را که بر مبنای مستندنگاری از صحن عتیق از ایوان جنوبی و ایوان ساعت برخوردار است به‌عنوان سندی درخشان از صحن عتیق معرفی می‌کند. این نقاشی تأکیدی است بر شکوفایی درخشان هنر برای شناخت صحن عتیق در دوره قاجار. همین ویژگی‌های ساختاری نقاشی محمودخان را که با علم دقیق پرسپکتیو و مستندنگاری زیبا از بنای صحن و بارگاه امام هشتم ع پیوند خورده است. این نقاشی قدیمی محمودخان با رنگ روغن و اهمیت آن را در دوره قاجار تحکیم می‌کند.

منابع و مآخذ

- افتخاری. محمود. (۱۳۹۵). شاهکارهای نقاشی ایران. ج ۴. ترجمه: کریم امامی. تهران: زرین و سیمین.
- افشار آرا. محمدرضا. (۱۳۸۲). خراسان و حکمرانان. تهران: محقق.
- الماسی. مهدی. (۱۳۸۰). سیری در نگارستان نقاشی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بنی اردلان. اسماعیل. (۱۳۸۷). سرفرسنگ‌های تحول در مسیر نگارگری ایران. تهران: دانشگاه هنر.
- پیرنیا. محمد کریم. (۱۳۸۷). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: سروش دانش.
- پوپ. آرتور. (۱۳۶۹). آشنایی با مینیاتورهای ایران و مکتب‌های مختلف آن. ترجمه: حسین نیر. تهران: انتشارات کتاب فروشی بهار.
- پاکباز. روین. (۱۳۶۶). خاستگاه کمال الملک. در: یادنامه کمال الملک. به کوشش: داراب بهنام شباهنگی. علی دهباشی. نشر: چکامه.
- پنجه‌باشی. الهه. (۱۴۰۱). مطالعه مناظر شهری در آثار نقاشی محمودخان ملک الشعرا با تأثیرپذیری از عکاسی در دوره دوم قاجار. نگره. شماره ۶۱. بهار. صص ۱۱۱-۱۳۸.
- تاج‌بخش. احمد. (۱۳۸۰). تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران اسلامی. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- جعفری. پرستو. (۱۳۸۷). نقاشی ایران از دوره تیموری تا پایان قاجار. نگاه به بنیان‌های نوگرایی نقاشی ایران. کتاب ماه هنر. ش ۱۲۶. صص ۶۰-۷۱.
- دل‌زنده. سیامک. (۱۳۹۵). تحولات تصویری هنر ایران بررسی انتقادی. تهران: نظر.
- ذکا. یحیی. (۱۳۵۴). محمودخان ملک الشعرا در نگاهی به نگارگری ایران در سده ۱۲ و ۱۳ ه. ق. تهران: انتشارات دفتر مخصوص.
- رایبسون، ب. و. (۱۳۷۶). هنر نگارگری ایران. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: مولی.
- روزنامه شرف. ش ۷۰. ۱۳۰۶. ۷۰ ه. ق. ص ۴.
- سرمدی. عباس. (۱۳۷۹). دانشنامه هنرمندان ایران و اسلام. تهران: هیرمند.
- شاطریان. رضا. (۱۳۹۰). معماری مساجد ایران، تهران: نورپردازان.
- صادقی. سمانه. (۱۳۹۱). گفتگو با پدرام صبا در مورد محمودخان ملک الشعرا. روزنامه جوان. ۱۳۹۱/۹/۲۶. ص ۳۸۵۶. ص ۱۴.
- صنیع الدوله. محمدحسن خان. (۱۳۶۲). مطلع الشمس. تهران: نشر پیشگام.
- ظریفیان. الهام. (۱۳۸۷). راهنمای جامع اماکن متبرکه حرم حضرت امام رضا (علیه السلام). ویژه‌نامه حرم. مشهد: موسسه فرهنگی قدس.
- عالم‌زاده. بزرگ. (۱۳۹۰). دانشنامه رضوی. تهران: شاهد.
- فلور. ویلم. چکلوسکی. پیتر. اختیار. مریم. (۱۳۸۱). نقاشی و نقاشان دوران قاجار. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- فاروقی. کامیار. (۱۳۹۹). محمودخان ملک الشعرا صاحب‌کاشانی. ترجمه: سحر دولتشاهی. تهران: نظر.
- فیض. عباس. (۱۳۲۲). بدر فروزان. قم: بنگاه چاپ.
- کعبی پور. محبوبه. (۱۳۸۲). زندگی و آثار محمودخان ملک الشعرا و بررسی تابلوی استنساخ. هنر. ش ۵۶. صص: ۸۶-۱۰۳.
- کریم‌زاده تبریزی. محمدعلی. (۱۳۶۳). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی. ج ۲. لندن: مستوفی.
- گرابر. اولگ. (۱۳۸۸). معماری اسلامی. ترجمه: اکرم قیطایی. تهران: سوره مهر.

- منشی. اسکندر بیگ. (۱۳۱۷). *عالم‌آرای عباسی*. جلد ۲. تهران: آشنا.
- مشهدی‌زاده. عباس. (۱۳۸۳). *مشهد الرضا*. تهران: ناشر مؤلف.
- موتمن. علی. (۱۳۴۸). *تاریخ آستان قدس*. مشهد: آستان قدس.
- وحیدزاده. نسیم. (بی‌تا). *محمودخان ملک الشعرا*. ش ۹. ص ۴۱۸.
- هادی. محمد. (۱۳۶۶). *مروری بر آثار و احوال محمودخان ملک الشعرا*. هنر. ش ۱۴. صص: ۳۲-۵۱.

منابع اینترنتی

- <https://www.razavi.ir>
- "http://www.honar.ac.ir" www.honar.ac.ir
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1627622/24/10/1396/>

چکیده های انگلیسی

English Abstracts

Analytical Study of the Painting of the 'Atīq Courtyard of Imam Riḍā (as) by Mahmoud Khan Malek al-Sho'arā, a Painter of the Qājār Era (1228-1311 AH/1893-1811 AD)

Elahe Panjehbashi ¹

Received: September 23 , 2022

Accepted: January 10 , 2023

Abstract

Mahmoud Khan Malek al-Sho'arā is a painter and one of the masters of the painting art of the Qājār era in the field of recording urban and historical works. His works have a geometrical proportion and a very precise perspective influenced by Mahmoud Khan's knowledge of mathematics and geometry. The purpose of this research is to study the structural analysis of Mahmoud Khan's painting from the 'Atīq courtyard of Imam Riḍā (as) as his oldest known oil painting, and also the structural investigation of the features of this painting as a historical document of the 'Atīq courtyard during the Qājār era. The main questions in this research are as follows: 1. How are the visual and structural features of the 'Atīq courtyard of Imam Riḍā (as) shrine worked in the work of Mahmoud Khan Malek al-Sho'arā? 2. How is the composition and divisions of the work displayed in the south porch and the clock porch? This research was descriptive, analytical, and collected information in the form of documents (library). The method of analyzing the works is based on the examination of the visual principles and rules used in 'Atīq courtyard painting. The findings of this research show that Mahmoud Khan Malek al-Sho'arā, one of the great artists and a pioneer in the field of modern painting in Iran during the Qājār era, has recorded the oldest courtyard of the shrine in the Qājār rule period with paintings, and in this work, he has pointed out the exact details that today, according to the changes over time, introduce us to the architecture of that time in the 'Atīq courtyard. This old work is a documentary painting of Imam Riḍā's shrine during the Qājār era from the 'Atīq courtyard, and in that painting, the correct perspective, subjectivity, and artistic creativity can be seen.

Keywords: Qājār Era, Imam Riḍā (as), Mahmoud Khan Malek al-Sho'arā, 'Atīq Courtyard, Painting.

1. Associate Professor, Department of Painting, Faculty of Arts, AlZahra University, Tehran, Iran: e.panjehbashi@alzahra.ac.ir

Examining the Technical and Content Features of Ḥur 'Āmili's Poem in Praise of Imam Riḍā (as)

Heydar Mahallati ¹

Received: June 11 , 2022

Accepted: September 11 , 2022

Abstract

Muhammad ibn Hassan Ḥur is one of the Shiite scholars of the 11th century of Hijri and one of the great narrators who has a high position in narrating the Ahl al-Bayt (as) hadiths. In this regard, he authored the book *Wasā'il al-Shī'a*, which is considered an important reference in its subject. Sheikh 'Āmili was an expert in intellectual and narrative sciences and has left behind precious works. Ḥur 'Āmili's reputation in narrating hadith cast a shadow on his other works and put his other works under the shadow of this science. One of the artistic creations of this great scholar is his poetic nature, which is fully manifested in his 15,000 verses poem. The most important subject of Ḥur 'Āmili's poetry book is the praise and lamentation of the Prophet's progeny. The handwritten version of this poetry book is full of *dhikr* of Ahl al-Bayt (as), which is written with the beautiful expression of the poet. Since this poetry book has not been published yet, the need to introduce and identify the valuable content of this work is much greater. Among the hundreds of religious and ritual odes in this poetry book, there is only one ode that is dedicated to the praise of Imam Riḍā (as). This poem contains valuable points and its expression is of special importance. One of the results of this research is the recognition of the argumentative dimension of the poet in using rational and narrative reasons in this ode, which is clearly evident in Ḥur 'Āmili's eulogies centered on Ahl al-Bayt (as).

Keywords: Imam Riḍā (as), Ḥur 'Āmili, Arabic Poetry, Stylistics.

1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran: dr.mahallati@yahoo.com

Analyzing the Policies of Āstān Quds Razavi in the Field of Religious Tourism and Pilgrimage from the Current Situation to the Desired Situation

Azam Baghayi ¹ Hossein Mehrabani Far ²

Received: July 16 , 2022

Accepted: October 16 , 2022

Abstract

Pilgrimage and religious tourism, despite common opportunities for convergence and companionship, have fundamental differences in basis, function and social consequences. This has led to various controversies in policy making. The current study seeks to know the current state of the policies of Āstān Quds Razavi in relation to pilgrimage and religious tourism. And finally, based on the overall perception of the current state of these policies, it seeks to obtain a list of priorities regarding the favorable state of Āstān's policies and services in the field of pilgrimage and religious tourism; utilizing documentary methods and qualitative interviews with experts, policy makers and implementers of religious tourism and pilgrimage in gathering information and also analyzing the data obtained from it using the qualitative content analysis method led to the conclusion that not only the issue of religious tourism in policies of Razavi's Āstān Quds has not been taken into consideration, but no relation between tourism and pilgrimage has been established in these policies. Among the problems and issues of policies in the field of pilgrimage, we can mention the effectiveness of pilgrimage and the continuity of communication with pilgrims, the realization of pilgrimage with knowledge and the promotion of its customs and rituals, the increasing participation of people in pilgrimage services and the removal of deprivation, etc. Also, among the priorities, things like "creating convergence between tourism and pilgrimage and taking advantage of tourism capacities along the pilgrimage and preserving the meaning core of pilgrimage and expanding it in the services of the shrine and pilgrimage city are worth mentioning.

Keywords: Pilgrimage, Religious Tourism, Politics, Āstān Quds Razavi.

1. Master in Religious Tourism, Higher Education Institute of Kherad Gerayan Motahhar, Mashhad, Iran: a_baghaie@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran (corresponding author): Mehrabanifar@razavi.ac.ir

The Application of the Theory of Speech Acts

in the Theological Discourse of Imam Riḍā (as)

Ali Akbar Noreside ¹ Ali Bagheri ²

Received: August 20 , 2022

Accepted: October 17 , 2022

Abstract

The theory of speech act, one of the components of applied linguistics, entered the field of applied linguistics with the slogan of the activism of linguistic parts of discourse. According to Austin, speaking in a specific language brings regular action in a specific context, so that changes in the behavior and thoughts of language users are manifested after verbal communication. In this sense, the application of this theory in the field of discourse phenomena caused by linguistic communication leads to a deeper and more accurate understanding of texts, especially religious texts. This research has analyzed the theology discourse of Imam Riḍā (as) with descriptive and analytical method and with the approach of language usage based on John Searle's model in discourse act. Therefore, it first mentioned the definitions of the discourse act theory with the opinions of Austin and Searle, and then it analyzed the parts of Imam's (as) speeches about Theology. The results of this research show that Imam Riḍā (as) paid attention to the choice of speech structure and parts of speech, the choice of propositions and the use of words and phrases to the listener's conditions in his discourse on theology which plays an important role in the direction of speech acts. On the other hand, the act of expressive speech has the highest frequency among other speech acts such as persuasive and emotional. This shows that Imam Riḍā (as) found his listeners uninformed and tried to make them aware in the form of interpretation and explanation. However, the implicit verb in the speech of declarative actions also brings a kind of persuasion to the audience.

Keywords: Imam Riḍā (as), Theology, Applied Linguistics, Speech-Act Theory, John Searle.

1. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Semnan University, Semnan, Iran (corresponding author): noresideh@semnan.ac.ir

2. PhD student of Arabic language and literature, Semnan University, Semnan, Iran: bagheri@semnan.ac.ir

The visit of Foreign Muslim Statesmen to Razavi's Shrine and their Sufi Tendencies

Ali Reza Ebrahim ¹ Reza Taghi Zade Naieni ²

Received: August 01 , 2022

Accepted: October 01 , 2022

Abstract

Visiting religious places is one of the common programs in the trips of diplomats and officials of Muslim countries when visiting other Islamic countries. The tomb of the 8th Shiite Imam in the holy city of Mashhad, which is considered the most important pilgrimage site in Iran, has hosted dozens of Sunni statesmen in the last century. This research, which was carried out using a descriptive and analytical method, seeks to find the reasons for the visit of the mentioned officials to Razavi's shrine. The findings show that the Sufi tendencies of some Muslim statesmen are one of the reasons for their visit to the holy shrine of the 8th Imam (as). Some Muslim politicians such as: Zahir Shah, Abul Kalam Azad, Imran Khan, Abdullah Vad, Benazir Bhutto, etc., from countries such as: Afghanistan, India, Pakistan, Senegal, etc., have gone to Mashhad when they were in Iran with the motivation of visiting Imam Riḍā (as). In their homeland, these people were famous for supporting Sufism or belonging to schools such as Suhrawardiyyeh, Qadiriyyeh, Naqshbandiyyeh, Cheshtiyyeh and Moridiyyeh, and there are numerous reports of their visit to the shrines of Sofia. With this explanation, it seems that the mentioned political officials have visited Imam Riḍā's tomb because of their belief or respect for the position of Imam Riḍā (as) in the Sufi dynasties. In this context, it can be expected that the shrine of Imam Riḍā (as) can be effective as a reference point for improving and strengthening political and cultural relations.

Keywords: Pilgrimage, Ali ibn Musa al-Riḍā (as), Khorasan, Āstān Quds Razavi, Sufism, Muslim Statesmen, Foreign Relations.

1. Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author): aliRiḍāebrahim90@gmail.com

2. PhD student of Sufism and Islamic Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran: rtaqizade81@gmail.com

The Model of Social Solidarity in the Words of Imam Riḍā (as)

Based on the Theory of Data Base

Marziyeh Mohasses ¹ Mohammad Seddighi Aski ²

Received: August 22 , 2022

Accepted: October 06 , 2022

Abstract

Nowadays, the purification of human societies from multiplicity and reduction of destructive conflicts and militancy has been the focus of many thinkers with diverse approaches, and peaceful and reconciliation efforts are in search of effective strategies to achieve social solidarity. The main goal of this research is to explain the components of social solidarity by finding effective, contextual, inhibiting variables and consequences in the form of a systematic model. This research is fundamental based on the type of purpose and is qualitative in terms of method and has an inductive approach. For this purpose, by using the data base theory, after collecting the collection of Imam Riḍā's narrations, macro and micro ethical categories of the model are extracted and then the model of social solidarity is presented. The findings show that the realization of social solidarity requires attention to several categories. In this context, ethics, friendship, self-control, forgiveness, peaceful coexistence and providing security are the most important effective variables; and humility, helping others, tolerance and responsibility are the most important foundational categories. The inhibiting variables in this model are: unregulated interaction, spread of corruption, discord, and family breaks. The main consequence of social solidarity is the promotion of dignity and social empowerment.

Keywords: Imam Riḍā (as), Social Solidarity, the Theory of Data Base.

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (corresponding author): m_mohases@sbu.ac.ir

2. Master in Islamic Education Teaching, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran: sadighiaski_12@yahoo.com

Identifying and Prioritizing the Components of Employee Attendanceism at Āstān Quds Razavi

with a Meta-Composite and Fuzzy Delphi Approach¹

Hamed Dehghanan ² Mehdi Ghafouri Fard ³

Received: September 20 , 2022

Accepted: November 10 , 2022

Abstract

Human resources are considered the most important capital in any organization. In Āstān Quds Razavi, whose main purpose is to serve the pilgrims of the court of Ali ibn Musa al-Riḍā (as), this capital has a double importance. One of the emerging phenomena that endangers the health of employees and as a result, their service, is attendanceism. This behavior occurs when the employee decides to come to work with illness and poor health. In this research, which is practical in terms of purpose and conducted in a qualitative method, first, all the driving components of attendanceism were identified with the method of meta-composition and content analysis, and then, using the fuzzy Delphi method and receiving the opinions of Āstān Quds Razavi human resources experts, the most important components were selected and ranked. The results showed that the most important factors affecting the attendanceism of employees in Āstān Quds Razavi can be classified in the form of 3 dimensions, 13 core categories and 44 components. These core categories in the behavioral dimension include organizational culture, individual health status, employee's attitude and perception about the consequences of absenteeism or presenteeism, organizational communication and interactions, individual characteristics, individual personality, occupational and organizational attitudes; and in the structural dimension, it includes organizational characteristics and procedures, job characteristics, human resources management of the organization, and in the contextual dimension, it includes cultural and social factors, economic factors of society, legislation and infrastructure.

Keywords: Attendanceism, Āstān Quds Razavi, Health of Human Resources, Meta-Composition, Fuzzy Delphi.

1. This article is extracted from the doctoral thesis.

2. Associate Professor, Department of Business Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (corresponding author): dehghanan@atu.ac.ir

3. PhD in Business Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran: mahdi.fard@gmail.com

Address:

No 3 ,34 Kamyab St. Kamyab Blvd. Mashhad,
9145983738, Iran.

Tel: +98 51 32283044-49

Fax: +98 51 32284452

|||||

► **Approach:**

With an academic and research approach, this journal accepts articles with their main focus on Imam Reza (a.s) which are authored in various areas including ideological, theological, juridical (fiqh) , interpretive, Hadith, historical and comparative as well as other scientific aspects of the Erudite of Mohammad (PBUH) Family.

|||||

Journal of Razavi Culture

Imam Reza(A.S) International Foundation for Culture and Arts

Vol. 11, Issue. 43, Autumn 2023

Managing Director: Morteza Saeedizadeh

Editor in Chief: Jalal Dorakhshah

Executive Director: Mohammad Ali Nedae

Seyyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai: Associate Professor,
Researcher at Imam Reza(A.S.) International Foundation for Culture and
Arts

Hasan Bashir: Professor of Imam Sadiq (A.S.) University

Yahya Bouzari Nejad: Associate Professor of Tehran University

Jalal Dorakhshah: Professor of Imam Sadiq(A.S.) University

Farshad Shariat: Professor of Imam Sadiq (A.S.) University

Abdolreza Sayf: Professor of Tehran University

Seyyed Alireza Vasei: Associate Professor, Research Center for Islamic
Sciences and Culture

Mohammad Hadi Homayoon: Professor, Researcher at Imam Reza(A.S.)
International Foundation for Culture and Arts

Editor: Nematollah Panahi, Mohammad Ali Nedae

Abstracts Translator: Mohammad Reza Aram

Cover Design and Layout: Fahimeh Naji